

## اکثریت و حزب توده

چریک‌های فدایی خلق از آغاز پیدایش خود بخشی از هویتشان را در تقابل با حزب توده ایران می‌یافتند. گرچه جزئی شاید به خاطر سابقه عضویت در حزب، نسبت به احمدزاده لحن آرام‌تری دارد، ولی در نزد هر دو آنان حزب توده نماد اپورتونیسیم و انفعال بود.

بی‌عملی مطلق حزب توده در برابر کودتای بیست‌وهشتم مردادماه سال ۳۲، اعتبار این حزب را در میان عموم ایرانیان مخدوش ساخت و بیش از آن تبعیت بی‌چون و چرای این حزب از حزب برادر، آن را به عنوان امکانی در اختیار مسکو قرار داده بود. فقط بادی که گهگاه از جانب مسکو وزان بود این شیر نقش بسته بر علم را به تکاپو وامی‌داشت.

در حقیقت وابستگی‌های سوسیالیستی و انفعال در برابر کودتای امپریالیستی، چنان ضربتی بر پیکر مارکسیسم در ایران زده بود که چریک‌ها می‌خواستند با نثار خون خود آن را جبران کنند. آنان این رسالت را هم برای خود قائل بودند که مارکسیسم را از ورطه تیرگی که حزب توده برای آن رقم زده بود به درآورند. چریک‌ها با مناسبت و بی‌مناسبت، حزب توده را به باد انتقاد می‌گرفتند، اما این حزب صبورانه به انتقاد آنان پاسخ می‌گفت.

حزب توده که چریک‌ها را در عرصه عمل اجتماعی برای خود رقیبی جدی می‌پنداشت، از همان آغاز فعالیت چریک‌ها سعی کرد با تکیه بر دانش تئوریک خود و با طرح مباحث جدلی آنان را با مارکسیسم آشنا کند و نادرستی و نافرجامی راهی را که در پیش گرفته‌اند، نشان دهد. از نظر حزب توده انطباق خلأک لنینیسم بر شرایط ویژه ایران که چریک‌ها مدعی آن بودند آلوده به پیرایه‌های مائوئیستی بود. پیش‌تر

اولین تأثیر مباحث حزب توده را در بروز انشعاب ملاحظه کردیم<sup>۱</sup> اما حزب برای به راه آوردن چریک‌ها راه درازی در پیش داشت که با تأنی و خونسردی آن را دنبال می‌کرد. چرخش چریک‌ها از نظرات احمدزاده به سوی نظرات جزنی که آرام آرام از میانه دهه پنجاه رخ داد و «در سال ۵۶ به پذیرش کامل مواضع بیژن در سازمان منجر گردید»<sup>۲</sup> شرایط را به سود حزب توده تغییر داد. نظرات جزنی برای سازمان چنان اهمیت داشت که فرخ نگهدار به گلوله بسته شدن جزنی و یارانش را در تپه‌های اوین سنگین‌ترین ضربه به سازمان ارزیابی می‌کند.<sup>۳</sup> در حالی که می‌دانیم آنچه که شیرازه سازمان را متلاشی ساخت ضربه تیرماه سال ۵۵ بود که طی آن حمید اشرف و دیگر رهبران سازمان کشته شدند.

انقلاب، روند گرایش چریک‌ها به سوی حزب توده را سرعت بخشید. چریک‌ها هنگامی که سلاح خود را بر زمین نهادند، دریافتند که اطلاعشان از مارکسیسم - لنینیسم بسیار اندک است و اگر بخواهند در این عرصه دوام بیاورند باید از مارکسیسم بیشتر بدانند. هر گامی که در این راه برداشتند آنان را به حزب توده نزدیکتر ساخت. در پلنوم مهرماه ۵۸ نیز «از ایده‌های جزنی انتقاد شد و مشی چریکی و ایده پیشاهنگ مسلح به کلی نفی گردید»<sup>۴</sup> و تشکیل حزب طبقه کارگر شعار اساسی سازمان گردید. به رغم همه این نزدیکی‌ها، چریک‌ها بنا به هر ملاحظه‌ای همچنان حزب توده را آماج حملات خود می‌ساختند؛ ولی حزب توده بسان پدری که فرزندش خانه را ترک کرده منتظر بازگشت فرزند به خانه بود و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کرد. اولین تماس رسمی حزب با چریک‌ها پس از انقلاب روی داد. رهبری حزب توده از رهبری سازمان تقاضای ملاقات کرد. این تقاضا پذیرفته شد. از سوی حزب، کیانوری و عمویی و از

۱. نک: جلد اول، صص ۷۲۲ الی ۷۵۲.

۲. در راه وحدت، کار اکثریت؛ شماره ۱۴۸، مورخه ۱۳۶۰/۱۱/۲۲.

۳. فرخ نگهدار، نگاهی به تاریخچه سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، ۱۹ بهمن ۱۳۷۹ - ۱۳۴۹ در بزرگداشت سی‌امین سالگرد تولد فداییان خلق.

۴. در راه وحدت، همان.

سوی سازمان فتاپور و دبیری فرد در این ملاقات حضور یافتند. از متن گفت‌وگوهای آنان اطلاعی در دست نیست ولی گویا با اهانتی که دبیری فرد به آنان کرد، گفت‌وگوها نیمه کاره رها شد.

مدتی بعد در دیدار فرخ نگهدار با ابوالحسن خطیب، از اعضای پیشین سازمان که با انشعاب سال ۵۵ به حزب توده پیوسته بود، در پارک ساعی، خطیب ضمن مثبت خواندن گام‌هایی که چریک‌ها در تصحیح نظرات خود برداشته‌اند، نظر نگهدار را در مورد حزب جویا می‌شود و همچنین از او می‌پرسد که چرا به نامه حزب پاسخی نداده‌اند؟ از متن این نامه اطلاعی در دست نیست. نگهدار در پاسخ می‌گوید که حزب را همچنان رفرمیست می‌دانند؛ بنابراین پاسخ به نامه آنان به منزله به رسمیت شناختن حزب است. نگهدار همچنین می‌افزاید که تلاش حزب برای برقراری ارتباط با سازمان به منظور بهره‌برداری تبلیغاتی و کسب اعتبار در میان هواداران سازمان صورت می‌گیرد. خطیب به نگهدار می‌گوید که حزب واقعیتی است غیرقابل انکار. دیر یا زود باید این واقعیت را پذیرفت. اما مطالب گوناگونی وجود دارد که دو سازمان باید در مورد آنان گفت‌وگو کنند. خطیب به نگهدار پیشنهاد می‌دهد که اگر نگران استفاده‌های تبلیغاتی حزب از این رابطه‌اند، می‌توان آن را مخفیانه انجام داد. نگهدار پاسخ را به بعد موکول می‌کند. در جلسه بعد مهدی سامع از سوی سازمان مأمور می‌شود تا با خطیب گفت‌وگو کند. آنان چند جلسه ملاقات و گفت‌وگو می‌کنند. سطح این گفت‌وگوها نازل بود؛ مثلاً سازمان از حزب خواسته بود که نقد مواضع سازمان که در ارگان حزب انتشار می‌یافت قطع شود. کیانوری برای این گفت‌وگوها ارزشی قائل نبود و خواهان تماس و گفت‌وگو در سطح رهبری دو سازمان بود.

حزب برای جلب محبت سازمان بی‌دریغ اطلاعات محرمانه خود را در اختیار چریک‌ها می‌نهاد و بدانان رهنمود می‌داد.

در خردادماه سال ۵۹ پیش از آنکه در سازمان انشعاب صورت گیرد، حزب به سازمان نوشت: «می‌خواهیم نکته مهمی را با شما در میان گذاریم؛ امیدواریم این اطلاع ما را خیلی جدی تلقی کرده و در زمینه آن تصمیم لازم و مناسب اتخاذ کنید.

در مورد ادامه فعالیت معمولی دانشگاه‌ها یا تعطیل آن فعلاً دو نظر وجود دارد:

۱. از بعد از پانزدهم خرداد کلیه دانشگاه‌ها در سراسر کشور تعطیل و تا تنظیم طرح انقلاب فرهنگی و چگونگی اجرای آن از شروع مجدد کار دانشگاه‌ها به هر قیمت جلوگیری شود، حتی به قیمت تعطیل چند ساله.
۲. پس از تعطیل دانشگاه‌ها در پانزدهم خرداد، طی چند ماه - ترجیحاً سه ماه تابستان - طرح نظام آموزشی جدید تنظیم و از آغاز سال تحصیلی به مورد اجرا گذاشته شود.

ما معتقدیم که در به ثمر رساندن حالت دوم نبایستی از هیچ کوششی دریغ کرد. هرگونه جنجال و تظاهرات دانشجویی، به ویژه پس از پانزدهم خرداد، می‌تواند پنهان‌ای باشد برای طرفداران حالت اول و تقویت مواضعشان در برابر دومی‌ها. از این رو پیشنهاد می‌کنیم که در آستانه پانزدهم خرداد - روز تعطیلی دانشگاه‌ها - از اقداماتی که بتواند برای طرفداران تعطیل طولانی دانشگاه‌ها مستمسکی باشد خودداری شود. لازم به یادآوری است که عده‌ای در نظر دارند در آینده نزدیک، به همین مناسبت در دانشگاه‌ها تظاهراتی ترتیب دهند که جو مناسبی برای تعطیل‌کنندگان فراهم خواهد کرد. خستی کردن این اقدامات لازم و نیز ممکن است. به نظر ما کوشش مشترک همه هواداران انقلاب ایران و به ویژه هواداران جنبه‌های مترقی آن این است که با تمام نیرو ایجاد هرگونه درگیری را غیرممکن سازند.<sup>۱</sup>

می‌توان نتیجه گرفت که روابط پنهان حزب و سازمان آغاز شده بود. بنابراین ناسزاهای چریک‌ها به حزب را می‌توان برای برحذر ماندن از «تضعیف موقعیت سازمان در میان روشنفکران انقلابی و برانگیخته شدن آنان علیه سازمان» تفسیر کرد. در چهاردهم خرداد سال ۵۹، شصت و یکمین شماره کار خبری منتشر کرد مبنی بر اینکه «فرماندهان نظامی در فکر کودتا هستند.» جزئیات خبر با آنچه که

۱. اسناد درون‌گروهی. نامه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران به سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، به شماره ۸۷، مورخه ۱۳۵۹/۳/۴.

در یک ماه بعد کشف و خنثی شد و به نام کودتای نوژه شهرت یافت اجمالاً توافق دارد. احتمالاً این خبر را نیز حزب توده برای انتشار و به منظور جلب اعتماد حاکمیت به اکثریت در اختیار اکثریت نهاده بود.

با انشعاب اقلیت، سازمان به حزب اطلاع داد که رابط پیشین سمتی در سازمان ندارد و مورد اعتماد نیست و فرد دیگری را برای ارتباط معرفی کرد. سازمان به تدریج متقاعد می‌شد که باید از حملات خود به حزب بکاهد و سیاست خود را در قبال این حزب تغییر دهد و حتی هیأت سیاسی سازمان درباره مذاکره با حزب توده برای استفاده از تجارب تشکیلاتی آن حزب اطلاعیه‌ای به تشکیلات خود داد.

انشعاب اقلیت فضا را برای نزدیک شدن به حزب مساعدتر ساخت؛ به طوری که کیانوری پیشنهاد داد برای آنکه سازمان، خود را از شر گروه‌های همنام خلاص کند به حزب بپیوندد. وی اطمینان داد کمیته مرکزی حزب توده برای چنین وحدتی حتی یک رأی مخالف نخواهد داد.<sup>۱</sup> اما کیانوری توجه داشت که بلافاصله جمله خود را تصحیح کرده و ادامه دهد «البته ما این را به صورت مکانیکی نمی‌گیریم که سازمان چریک‌های فدایی خلق بیاید و بگوید که آقا من عضو حزب توده ایران شده‌ام»؛ تا مبدا چریک‌ها گمان کنند که وی از موضع قدرت دعوت به وحدت کرده است. پیام کیانوری، پیام وحدت بود. اما این پیام با واکنش تند سازمان مواجه شد. آنان نوشتند که این شیوه رفتار بورژوایی است و هدفش کسب اعتبار کاذب است.<sup>۲</sup> البته ملاقات‌های گهگاه اعضای حزب و سازمان ادامه یافت. مثلاً در آذرماه ۵۹ فرج‌الله میزانی (جوانشیر) با یکی از اعضای رهبری سازمان ملاقات و درباره وحدت با یکدیگر سخن گفتند. بالاخره در اوایل سال ۶۰ سازمان با پیشنهاد حزب برای ملاقات در سطح رهبری موافقت کرد و در نتیجه نگهدار و عمویی که از دوران

- 
۱. اسناد درون‌گروهی. استفاده از تجارب سیاسی یا ایجاد خوش‌بینی نسبت به حزب توده؛ نامه صمد به مرکزیت، مورخه ۸ مرداد ۵۹.
  ۲. نورالدین کیانوری؛ مسائل داخلی و خارجی انقلاب ایران، جلسات پرسش و پاسخ شماره ۹ (۱۹) چاپ اول آذرماه ۱۳۵۹، شرکت سهامی خاص انتشارات توده.
  ۳. در حاشیه پرسش و پاسخ آقای کیانوری. آرزو بر جوانان عیب نیست، کار اکثریت؛ شماره ۸۰ مورخه ۵۹/۷/۲۳.

زندان یکدیگر را می‌شناختند، ملاقات کردند. این ملاقات به منظور فراهم ساختن تماس‌های بعدی صورت گرفت. از آن پس چند دیدار در سطح رهبری دو سازمان انجام پذیرفت. از ملاقات‌ها و گفت‌وگوهای انجام شده تنها یک صورت جلسه در دسترس است و آن مربوط است به تابستان سال ۶۰. از جانب حزب، کیانوری؛ میزانی؛ عمویی و از جانب سازمان، نگهدار؛ طاهری‌پور؛ سلطان‌آبادی و توسلی در این جلسه شرکت داشتند. موضوع مورد بحث وحدت حزب و سازمان بود. طرفین درباره تدارک مقدمات وحدت و روند آن سخن می‌گویند. دیدارهای منظم و هفتگی؛ انتشار نشریه مشترک؛ برگزاری جلسات پرسش و پاسخ؛ فعالیت مشترک و همکاری در سندیکاها، اتحادیه‌ها و دیگر کارهای توده‌ای، تشکیل نهادهایی که امر وحدت را پیش ببرند؛ اتخاذ مواضع مشترک و انتشار بیانیه‌های مشترک؛ و بالاخره تبدیل دو سازمان در یک سازمان واحد از موضوعات مورد گفت‌وگو بود. در این گفت‌وگوها آنچه اهمیت داشت سابقه حزب توده بود. نگهدار می‌گوید مسائلی درباره حزب توده مطرح است و در سازمان نیز تاریخ حزب توده مورد پرسش و کنجکاوی است. او اظهار امیدواری می‌کند که مشترکاً بتوانند به این ابهامات پاسخ گویند. عمویی در پاسخ می‌گوید مسائلی که در زمینه تاریخچه حزب برای فدایی‌ها مطرح است در همین جلسات به صورت پرسش و پاسخ می‌تواند مطرح شود. بنابراین دیگر نیازی نیست اینگونه مسائل و موضوعات که نمی‌خواهیم به خارج از تشکیلات منتقل شود در نشریه مشترک مطرح شود. نگهدار که از مقاومت و مخالفت برخی اعضا و هواداران در برابر وحدت با حزب آگاه است و حتی چند بار نیز به آن اشاره می‌کند. بار دیگر مجاب‌سازی جامعه نسبت به پیشینه حزب را یادآور می‌شود؛ البته طبق اظهار علی کشتگر بعدها فرخ نگهدار گویا ادعا کرد که توده‌های تشکیلاتی، کمیته مرکزی سازمان را برای نزدیکی به حزب توده تحت فشار قرار داده بودند.<sup>۱</sup> میزانی در پاسخ نگهدار می‌گوید که در تاریخ حزب هیچ نکته‌ای برای مخفی

۱. علی کشتگر؛ آیا سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از پایین توده‌ای شد؟ میهن؛ شماره ۱۳، مهرماه ۷۴.

ماندن وجود ندارد و حزب آماده است به همه این سئوالات پاسخ گوید. سلطان‌آبادی نیز تأکید می‌کند برای آنکه کار وحدت راحت‌تر صورت گیرد، باید نیروهایی را که در سازمان در موضع اپوزیسیون هستند «بی‌پایه و ایزوله» کند. کیانوری نیز در تأیید عمومی با انتشار نشریه‌ای که «رخت چرک‌هایشان را در آن پهن» کند، مخالفت کرد. او خطاب به فدایی‌ها گفت برخی مسائل درباره تاریخ حزب هست که ما در این جلسه و یا در جلسه کمیته مرکزی سازمان می‌توانیم بیان کنیم. اما این مسائل را صلاح نمی‌دانیم برای دیگران مطرح کنیم. این جلسه بدون دستیابی به نتیجه مشخص به پایان رسید. نمایندگان سازمان اشتیاق بی‌حد خود را برای وصول به وحدت نمی‌توانستند پنهان دارند. شاید این اشتیاق بود که نمایندگان حزب را در موضعی برتر نشانده بود. موضعی که به هر تقدیر برای سازمان نامبارک بود. احاطه اعضای حزب بر مارکسیسم - لنینیسم، فدایی‌ها را افسون کرده بود. حزب توده سیاست سازمان را تدریجاً تابع سیاست خود کرده بود.

عبدالرحیم‌پور از آن ایام چنین یاد می‌کند: «کیانوری می‌آمد و در برخی جلسات ما می‌نشست و صحبت می‌کرد و ما هم گوش می‌دادیم و به به می‌گفتم. به همدیگر می‌خندیدیم. تحقیرآمیز بود. واقعاً تحقیرآمیز بود. آن برخوردها خیلی زننده و مشمژکننده بود.»

حزب توده به محکی تبدیل شد که چریک‌ها خلوص و عیار ایدئولوژی خود را با آن می‌سنجیدند. بالاخره با مجاب‌سازی و ایزوله کردن و «تطمیع و تهدید»<sup>۱</sup> تدریجاً در تمامی سطوح بین حزب و سازمان ارتباط برقرار شد. منوچهر بهزادی و عباس حجری از سوی حزب درباره مسائل تشکیلاتی با مسئولین تشکیلات اکثریت تماس منظم داشتند. سازمان از یک تشکیلات چریکی به یک ساختار حزبی تغییر می‌یافت. بهزادی همچنین با طاهری‌پور مسئول نشریه کار درباره

۱. کتاب کنگره، ص ۵۹.

۲. کشتگر، همان.

موضوعات مطبوعاتی ارتباط منظم داشت و در این جلسات درباره مسائلی که باید در نشریه کار منتشر می‌شد بحث و تبادل نظر می‌شد و گاهی نیز مقالاتی برای درج در کار از طرف هیأت تحریریه نامه مردم در اختیار آنان گذاشته می‌شد. پس از انشعاب کشتگر، رحمان هاتفی در تهیه مقالات تئوریک و نقد تئوریک گروه انشعابی به سازمان کمک می‌کرد. کمیته‌های ایالتی حزب و سازمان نیز در ارتباط با یکدیگر قرار گرفتند و بالاخره تمام شعب حزب با تمام شعب سازمان مرتبط شد. جالب است اگر بدانیم طبق اظهار انوشیروان ابراهیمی، عضو هیأت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب توده، رهبری اقلیت نیز پس از انشعاب تقاضای ملاقات با کیانوری را کرد. این موضوع در هیأت سیاسی حزب به بحث گذاشته شد؛ اما اعضا به غلط بودن این ملاقات رأی دادند. زیرا اولاً این ملاقات به منزله رسمیت بخشیدن به انشعاب بود و ثانیاً به مناسبات حزب و اکثریت خلل وارد می‌کرد.

قرار شد به آنان توصیه شود که در ابتدا مسائل مورد اختلاف خود را با اکثریت حل کنند.<sup>۱</sup> گویا اکثریت برای وحدت با حزب توده با حزب کمونیست شوروی نیز مشورت کرد. بنا به اظهار محمدرضا عبرائی عضو کمیته مرکزی، مسئول داخلی دبیرخانه مرکزی و مدیرمسئول نشریه کار پس از آنکه مشورت با حزب کمونیست شوروی در مرکزیت به تصویب رسید، تدارک و اقدام جهت تماس به عبدالرحیم‌پور و فرج‌الله کاظمی سپرده شد.

چون در آن موقع مسافرت به خارج می‌بایست با داشتن مجوزی مثل مریضی و امثالهم صورت بگیرد، قرار شد اینها به عنوان مریض مجوزی تهیه نمایند که پس از مدتی تلاش، موفق نشدند. لذا قرار شد به طور غیرقانونی از مرز عبور نمایند. تدارک این کار به عهده عبدالرحیم‌پور<sup>۲</sup> قرار گرفت و او با همکاری افرادی قسمتی از مرز ایران و شوروی، که دقیقاً نمی‌دانم طرف‌های آذربایجان

۱. انوشیروان ابراهیمی؛ بازجویی، مورخه ۶۲/۷/۱۵.

۲. در اصل: عبدالرحیمی‌پور.



بوده یا آستارا، را جهت خروج شناسایی می‌کنند. از طرف دیگر برای گذاشتن قرار و مدار اینکه در چه تاریخی از مرز عبور می‌کنند عبدالرحیم پور<sup>۱</sup> در تهران با افرادی از شوروی - اینکه این افراد از سفارت شوروی بودند یا از افراد انجمن ایران و شوروی، اطلاعی ندارم - تماس گرفت. اینکه می‌گویم اطلاعی ندارم به دلیل مسائل امنیتی بوده است یعنی تا آنجا که اطلاع دارم نه تنها من بلکه فکر می‌کنم هیچ کدام از اعضای کمیته مرکزی جز عبدالرحیم پور<sup>۲</sup> و شاید فرج کاظمی کس دیگری اطلاع نداشت. بالاخره فکر می‌کنم حدود ۵ الی ۶ ماه کار تدارک رفتن به شوروی طول کشید تا در حوالی اواخر شهریور یا مهر و آبان سال ۶۰ آنها طبق قراری که از قبل مشخص کرده بودند و طرف شوروی هم اطلاع داشت از مرز عبور کردند و در یکی از شهرهای آذربایجان شوروی (فکر می‌کنم باکو باشد) با دو نفر از نمایندگان حزب کمونیست شوروی تماس گرفتند و پس از دو الی سه روز که در آنجا بودند به ایران بازگشتند. البته بازگشت آنها با همکاری عناصری بوده که قبلاً به کمک آنها مرز را شناسایی کرده و به شوروی رفته بودند، صورت گرفت. مسائلی که بین آنها و دو نماینده حزب کمونیست شوروی مطرح گردید تا آنجا که به خاطر دارم در رأسش مسئله حزب توده و تحلیلی از انقلاب ایران، ماهیت خط امام، اینکه انقلاب ایران به کدام سمت خواهد رفت، اوضاع بین‌المللی، اوضاع منطقه، سیاست امپریالیسم در جهان و منطقه و مسائلی از این قبیل بوده است که طرفین تحلیل‌هایی که داشتند ارائه دادند و نظر آنها در مورد وحدت با حزب توده مثبت بود. ضمناً رقیه دانشگری هم... همراه آنها رفت.<sup>۳</sup>

انوشیروان لطفی ضمن آنکه از سفر مخفیانه و غیرقانونی این سه تن سخن گفته است، به علت این سفر اشاره‌ای نکرده است. علی کشتگر نیز از تحت فشار بودن اکثریت از سوی مأموران شوروی برای وحدت با حزب توده سخن گفته

۱. در اصل: عبدالرحیمی پور.

۲. همان.

۳. محمدرضا غیرائی؛ بازجویی، مورخه ۱۳۶۲/۳/۵.

است.<sup>۱</sup> اما تماس با مأمورین شوروی و کسب نظر آنان از سوی عبدالرحیم‌پور دامن زده می‌شد. اولین تماس‌های غیرقانونی او با مأمورین شوروی از ستاد سازمان مستقر در دانشکده فنی آغاز شد. اکبری شاندیز در این باره می‌نویسد:

در مورد رابطه با شوروی‌ها، این تماس تا آنجا که به خاطر دارم برای اولین بار توسط قربانعلی عبدالرحیم‌پور برقرار گردید که وی با عناصری از سفارت شوروی تماس گرفته و در مورد ضرورت وجود این تماس نیز طبعاً عنوان می‌شد که ما باید در جریان تحلیل‌ها و نظرات شوروی‌ها در قبال انقلاب ایران و اوضاع منطقه قرار داشته باشیم و متقابلاً تحلیل‌های خود را به آنها ارائه نماییم و او در این تماس‌ها نظرات سازمان را به آنها منتقل می‌ساخت و نظرات آنها را به سازمان و برای حفظ تماس هم تلفن منزل خودش را در اختیار آنها قرار داده بود که مدتی بعد او این تماس را قطع کرد و علتش هم ظاهراً این بود که آدرس منزل و شماره تلفنش را در رابطه با بازداشت کوتاه‌مدتی که در سراب شده بود، نهادها می‌دانستند، از طرف دیگر او مکرر می‌گفت که اینها در اینجا چیزی برای گفتن به سازمان ندارند و باید با مقامات مسئول آنها در خارج تماس داشت و فقط رابطه‌ای در زمینه رساندن نشریات سازمان و گرفتن بروشورهای آنها را حفظ نمود.<sup>۲</sup>

بر پایه تجربه این خروج غیرقانونی از کشور بار دیگر در خرداد سال ۶۱ اکثریت تلاش کرد سه تن از اعضای خود را به ترکیه و از آنجا به اروپا اعزام کند. این سه تن عبارت بودند از علیرضا اکبری شاندیز، محمدامین شیرخانی و ابراهیم لطف‌الله‌زاده. هدف از مسافرت آنان بررسی وضعیت تشکل هواداران در خارج از کشور بود.

در ضمن طبق صحبت‌هایی که قبلاً میان دو نفر از اعضای رهبری سازمان به اسامی کاظمی و عبدالرحیم‌پور با عناصر وابسته به شوروی شده بود، قرار بر

۱. علی کشتگر؛ آرش، همان، ص ۲۱.

۲. علیرضا اکبری شاندیز، بازجویی، مورخه ۱۳۶۲/۳/۲۹.

این بود که سازمان تعدادی از کادرها و اعضای خود را مانند سایر احزاب کمونیست و جریان‌های طرفدار شوروی جهت آموزش در مدارس حزبی آنها به آنجا بفرستد که در جریان این مسافرت طبق قراردایی که توسط عبدالرحیم‌پور و نگهدار به من داده شد، قرار بر این بود که در اروپا با آنها تماس گرفته شود و افرادی جهت آموزش اعزام شوند.<sup>۱</sup>

نگهدار قرار را از حزب توده گرفته بود و نام رمز قرار عبدالرحیم‌پور «ایل‌دیر» بود. اکبری شان‌دیز باید به رابط می‌گفت که از سوی «ایل‌دیر» آمده است و با ولادیمیر فینکو ملاقات دارد. اما با دستگیری افراد فوق در ارومیه آنان موفق به خروج از کشور نشدند.

به هر تقدیر اولین نشانه همکاری سازمان و حزب انتشار بیانیه مشترک در آبان ۱۳۶۰ و ذیل عنوان «چگونه بر دشواری‌های تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب شکوهمندان چیره شویم؟» بود. بیانیه‌ای که اکثریت آن را ثمره تصمیمات درست پلنوم مردادماه دانست.

روابط حزب و سازمان از مناسبات عادی فراتر رفت و به اقدامات غیرعلنی نیز گسترش یافت. در سال ۶۱ محمدمهدی پرتوی مسئول شاخه مخفی حزب توده به دستور کیانوری و با قراری که عمویی به او داد، با علی توسلی عضو مرکزیت اکثریت تماس گرفت. این تماس به منظور ایجاد یک چاپخانه مشترک مخفی صورت گرفت.<sup>۲</sup> پس از آنکه رهبری انقلاب ورود نظامیان به احزاب و سازمان‌های سیاسی را منع کرد، اکثریت رابطه خود را با پرسنل نظامی به حالت تعلیق درآورد. پس از آنکه کیانوری از این اقدام اکثریت مطلع شد، در جلسه هیأت سیاسی سازمان با عصبانیت به آنان گفت «شما طلا را رها کرده‌اید اگر نمی‌توانید اداره کنید به ما منتقل کنید.» پس از آن شاخه نظامی که توسط انوشیروان لطفی و عبدالرحیم‌پور اداره می‌شد به درخواست مؤکد کیانوری به

۱. علیرضا اکبری شان‌دیز، بازجویی، مورخه ۱۳۶۲/۴/۲۲.

۲. محمدمهدی پرتوی؛ بازجویی، مورخه ۱۳۶۲/۷/۵.

حزب منتقل شد. اکثریت گمان می‌کرد با این اقدام از پارادوکسی که در آن گرفتار آمده بود رهایی یافته است. از یک سو عضوی از افراد نظامی در اختیار ندارد؛ پس چارچوب‌های نظام را رعایت کرده است؛ و از سوی دیگر شاخه نظامی دست نخورده و سالم باقی مانده است.

پیش از آنکه شاخه نظامی اکثریت به حزب توده منتقل گردد نوعی تقسیم کار در این حوزه بین حزب و سازمان به وجود آمده بود. در اوایل سال ۶۰ انوشیروان لطفی از اکبری شاندیز خواست که درباره هواداری ناخدا بهرام افضلی فرمانده نیروی دریایی از سازمان تحقیق کند. شاندیز برای این منظور به سراغ خواهر ناخدا افضلی و همسر او رفت. اکبری شاندیز از پیش از انقلاب با خواهر افضلی به نام اکرم آشنایی داشت. در تحقیقی که اکبری شاندیز انجام داد، اکرم که اکنون خود هوادار سازمان بود اعتقاد داشت برادرش بهرام احتمالاً توده‌ای است؛ ولی شوهر او که عضو تشکیلات تهران سازمان بود معتقد بود که بهرام احتمالاً هوادار سازمان است. شاندیز نتیجه تحقیق خود را به اطلاع لطفی می‌رساند. پس از مدتی لطفی به اکبری شاندیز اطلاع می‌دهد که موضوع منتفی است.<sup>۱</sup> احتمالاً منتفی شدن موضوع از جانب سازمان بدان علت بوده است که سازمان در تبادل اطلاعات خود با حزب توده درمی‌یابد که افضلی عضو شاخه نظامی حزب توده است.

حزب، گام به گام سازمان را به ورطه هولناکی می‌کشاند. گرچه حزب سازمان را از «انحرافات ایدئولوژیک» نجات بخشید؛ ولی سازمان را به سوی نیستی مطلق سوق می‌داد.

به رغم میل و اصرار سازمان برای سرعت بخشیدن به پروسه وحدت، حزب برای این ایجاد وحدت از خود هیجانی نشان نمی‌داد. زیرا «با وجود یکی شدن مواضع دو سازمان هنوز آثار و بقایای روحیات گذشته در آنها وجود داشت؛ لازم بود مدت بیشتری به موازات حزب در اتحاد عمل فعالیت کنند تا هماهنگی لازم فراهم آید. نکته دیگری که به شرایط خارجی مربوط می‌شد مسئله قانونی شدن

۱. علیرضا اکبری شاندیز؛ بازجویی، مورخه ۱۳۶۲/۳/۲۹.

فعالیت احزاب بود. از آنجا که معلوم نبود به کدام یک از دو سازمان اجازه فعالیت قانونی داده خواهد شد. تصمیم گرفته شد تا روشن شدن این وضع از یکی کردن دو سازمان خودداری شود.<sup>۱</sup>

کیانوری نیز در جلسه هیأت سیاسی سازمان با وحدت مخالفت کرد. زیرا اولاً این امر را موجب حساس شدن جمهوری اسلامی می‌دانست و ثانیاً استدلال می‌کرد در صورتی که هر یک از دو گروه ضربه بخورد، گروه دیگر می‌تواند راه را ادامه دهد.

پس از آنکه در بهمن ماه سال ۶۲ حزب توده به خاطر تخلفات بی‌شمار ضربه خورد، نگهدار در ملاقاتی با دو تن از اعضای مرکزی حزب پرخاشجویانه علت ضربه را ناشی از بی‌عرضگی و عدم هوشیاری حزب دانست و ضمناً پیشنهاد کرد که برخی از کادرهای حزب را به خارج منتقل کنند. این امر هرگز محقق نشد؛ زیرا حزب با ضربه دیگر به کلی متلاشی شد.

علی کشتگر در تبیین علل ناکامی و نافرجامی اکثریت، نزدیکی حزب و سازمان را عمده کرده و می‌نویسد: «پس از اتخاذ خطمشی وحدت با حزب توده، اعضا و هواداران سازمان هزار هزار به انفعال و افسردگی گرائیدند؛ روشنفکران و متفکران دسته دسته حساب خود را از سازمان جدا کردند؛ و سرنوشت سازمان همانی شد که امروز می‌دانیم و می‌بینیم.»<sup>۲</sup>

گرچه حزب توده، سازمان را با خود به قعر کشید، اما واقعیت این است که همه علل سرنوشت کنونی سازمان را نمی‌توان در نزدیکی به حزب توده خلاصه کرد. زیرا در این صورت باید پرسید که چرا دیگر شاخه‌های سازمان از جمله پیروان بیانیه ۱۶ آذر سرنوشتی بهتر نیافتند؟ و مهمتر از آن، نزدیک شدن سازمان به حزب توده در نتیجه نگاهی بود که آنان به اردوگاه «سوسیالیسم واقعاً موجود» داشتند؛ و در این زمینه همه افراد و جناح‌ها اشتراک نظر داشتند. تفاوت تنها در

۱. محمدعلی عمویی، بازجویی، بدون تاریخ.

۲. کشتگر، همان.

این بود که جناح نگهدار حزب توده را «نماینده رسمی و به حق اردوگاه»<sup>۱</sup> و جناح کشتگر حزب را نمایندهٔ ناشایست اردوگاه می‌دانستند. کشتگر موضوع ثانوی را به امری اولی تبدیل کرده و از آن انتقاد می‌کند. از همان هنگام که عبدالرحیم‌پور در ستاد دانشکده فنی «پیشگام» ایجاد رابطه با کارکنان سفارت شوروی شد، نزدیکی سازمان به حزب توده رقم خورد.

موضوع وحدت بین سازمان و حزب، بار دیگر هنگامی که بقایای اعضای حزب و رهبری سازمان در شوروی بودند، مطرح شد. طرفین بر وحدت هر چه سریع‌تر اتفاق نظر داشتند. حتی درباره نام سازمان جدید نیز بحث و گفت‌وگو شد. خصوصاً آنکه اولیانفسکی نظریه‌پرداز برجسته حزب کمونیست شوروی و متخصص امور ایران آنان را به این امر تشویق می‌کرد. قرار شد که علی خاوری از سوی حزب در صدر سازمان جای گیرد و فرخ نگهدار از سوی سازمان دبیر اول آن باشد. اما این بار نیز وحدت از مذاکره و گفت‌وگو فراتر نرفت.

## جناح چپ اکثریت

به هنگام انشعاب اقلیت تعدادی از کادرها به رغم حمایت از نظرات اقلیت بنا به هر دلیلی از جمله زودرس دانستن انشعاب و عدم آمادگی هواداران برای درک صحیح اختلافات، با آنان نرفتند و با اکثریت سازمان ماندند. این عده ضمن استقبال از علنی شدن مبارزه ایدئولوژیک در مقاله‌ای که در شصت و یکمین شماره نشریه کار منعکس شده بود «آن را یک پیروزی برای جنبش کمونیستی ایران تلقی» کردند؛ اما انتشار مستقل کار توسط اقلیت را «چپ‌روی کودکانه» دانستند که فرصت را به تمامی در اختیار جناح «اپورتونیست» سازمان نهاد زیرا آنان دیگر ملزم نبودند تا «به اساسی‌ترین مسائلی که» مطرح می‌شود پاسخ گویند و با بهانه قرار دادن انتشار کار از طرف اقلیت به تصفیه و اخراج خواهند پرداخت». نویسنده این مقاله که احتمالاً مصطفی مدنی است پیشنهاد می‌دهد که باید با تمام توان تلاش کرد تا مبارزه ایدئولوژیک در ضمیمه کار سراسری انتشار یابد. می‌دانیم که اقلیت به این توصیه مدنی توجهی نکرد و اعلام انشعاب نمود. مدت کوتاهی بعد مصطفی مدنی نامه‌ای به مرکزیت سازمان نوشت و یادآور شد در شرایطی که مبارزه طبقاتی شدت می‌گیرد و حاکمیت از حل بحران‌ها ناتوان مانده است و سازمان به انسجام بیشتر و کارایی و قابلیت بالاتر و ارتباط نزدیک‌تر با صف انقلابیون نیازمند است، گرایش‌های راست‌روانه، بی‌مسئولیتی‌های سازمان‌شکانه و نقض سانترالیسم دمکراتیک انسجام تشکیلاتی را از هم پاشیده

---

۱. مقاله درون تشکیلاتی، برخورد عجزلانه رفقای اقلیت با انتشار کار و نتایج حاصل از آن بدون تاریخ.

و انضباط کمونیستی را به صفر رسانده است. مدنی می‌افزاید که اوضاع چنان وخیم است «که بدون استحکام ایدئولوژیک، بدون دست یافتن به یک خط‌مشی مشخص و ارائه تاکتیک‌های معین» قادر نخواهند بود بر این اوضاع چیره شوند. مدنی با هشدار به غلبه خط راست بر سازمان، بر مبارزه ایدئولوژیک و مشارکت دادن توده‌های سازمانی در حل بحران تأکید می‌ورزد و نتیجه می‌گیرد که بحران عمیقی سازمان را دربر گرفته است که کل تشکیلات، را در معرض خطر قرار داده است و این در نتیجه بی‌توجهی به نیازهای تشکیلات؛ بی‌اعتقادی به مبارزه ایدئولوژیک و تحمیل یک‌جانبه نظرات مرکزیت بر سازمان ایجاد شده است. مدنی در این نامه خود به چهار مورد از سیاست‌های «سازمان‌شکن» مرکزیت اشاره می‌کند و می‌افزاید که حفظ سازمان از طریق یک مبارزه ایدئولوژیک ممکن خواهد بود. این نامه در نشست ۱۰ شهریورماه مرکزیت مورد بررسی واقع گردید. از نظر مرکزیت این نامه فاقد عناصر سالم و ارزنده و بی‌بهره از روح رفاقت، اعتماد و صداقت و بالعکس «انباشته از کینه‌ورزی، خصومت، بدبینی، بی‌اعتمادی، عصبیت و نومیدی» بود. اینک مصطفی مدنی که یکی از بنیانگذاران نشریه کار بود با ایجاد فراکسیون توانست افرادی چون حماد شیبانی، حمید نعیمی برغانی و... را متقاعد سازد که مواضع سازمان به مواضع حزب توده نزدیک می‌شود. بالاخره با بالا گرفتن اختلافات و برملا شدن روابط فراکسیونی وی، در جلسه کمیته مرکزی سازمان که در منزل علیرضا اکبری شاندیز تشکیل گردیده بود به اتفاق آراء حکم به اخراج وی و گروهش داده شد. مدنی نیز در تاریخ سی مهرماه در نامه‌ای خطاب به مرکزیت نوشت: «به منظور جلوگیری از فضای تخریبی ناشی از برخوردهای غیراصولی و غیرکمونیستی خط راست غالب بر سازمان که تلاش دارد اختلاف نظرات بینشی و ایدئولوژیک را به مسائل شخصی تنزل دهد» از مسئولیت خود استعفا می‌دهد. در همان روز جمعی از اعضا و کادرها در نامه‌ای به مرکزیت از



بکارگیری شیوه‌های پلیسی از جانب هیأت سیاسی - ایدئولوژیک نسبت به برخی رفقایشان هشدار دادند و آن را به زیان جنبش دانستند و تأکید کردند «که حداقل در این مورد به شیوه‌های حزب توده متوسل نشوند».

مدنی و گروه همراه او از آن پس با افزودن پسوند «جناح چپ» به اکثریت به فعالیت خود ادامه داد. پس از آنکه این گروه نظرات خود را درباره جنگ در جزیره‌ای تحت عنوان «جنگ ایران و عراق؛ انحلال طلبی راست و مواضع ما» منتشر ساخت، اکثریت «توضیح» داد که چند نفر از اعضا به خاطر در پیش گرفتن روش‌های ضدتشکیلاتی اخراج شده‌اند و عنوان «اکثریت (جناح چپ)» نیز جعلی است.<sup>۱</sup>

انتشار شماره ۵۹ نشریه کار که سرمقاله آن تحسین حزب توده را برانگیخت نقطه عطفی در حیات سازمان به شمار می‌رفت. «جناح چپ» آن را پایان زیگزاگ‌های پانزده ماهه سازمان اعلام کرد. به تعبیر «جناح چپ» مضمون سرمقاله چیزی جز ترک کردن تئوری مبارزه طبقاتی مارکس و لنین در مورد سیاست مستقل پرولتاریا و ایده هژمونی پرولتاریا در مبارزات دمکراتیک نبود.<sup>۲</sup> «جناح چپ» می‌نویسد که «خط راست» درک درستی از ماهیت امپریالیسم ندارد و آن را در «وابستگی سیاسی» فرومی‌کاهد و بر اساس این درک آیت‌الله خمینی را رهبر مبارزه ضدامپریالیستی می‌داند. اما به نظر «جناح چپ» مبارزه ضدامپریالیستی در کردستان در جریان بود. «مبارزه ضدامپریالیستی یعنی حل مسائل رفاهی زحمتکشان مانند مسکن و بهداشت و تسلیح توده‌ها».<sup>۳</sup>

جناح چپ همچنین توضیح می‌دهد که نشریه کار از شماره ۳۵ تا شماره ۵۹ «فاقد هرگونه هویت سیاسی ایدئولوژیک مشخص» و «مملو از چپ‌روی‌ها و راست‌روی‌های مکرر و زیگزاگ‌های مرتب بود»؛ به طوری که سازمان را به

۱. توضیح؛ کار اکثریت؛ شماره ۸۴، مورخه ۵۹/۸/۲۱، ص ۲۳.

۲. نقدی بر بیش راست غالب بر مرکزیت.

۳. همان.

۴. خشمناک از امپریالیسم؛ هراسان از انقلاب؛ اکثریت، جناح چپ، مورخه ۵۹/۱۰/۲۰.

دنبالچه خرده‌بورژوازی حاکم تنزل داده بود. اما با انتشار کار ۵۹ معلوم گردید که «خط راست تداوم و تعمیق مبارزات ضدامپریالیستی مردم را تحت رهبری خرده‌بورژوازی سستی امکان‌پذیر» دانسته و در نتیجه دیگر نیازی نمی‌بیند که نیروهای انقلابی چپ، مبارزات ضدامپریالیستی را غنا بخشند. اما «جناح چپ» با وام گرفتن تعبیر امیرپرویز پویان درباره جلال آل‌احمد می‌نویسد که خرده‌بورژوازی سستی حاکم «ترسان از امپریالیسم و هراسان از انقلاب» است. بنابراین «نه تنها قادر به گسترش و تداوم انقلاب نیست بلکه برای استقرار و حفظ موقعیت خویش به عامل بازدارنده جنبش مبدل شده است». <sup>۱</sup> در نتیجه «جناح چپ» سیاست «اتحاد و مبارزه» را که اکثریت در آن دوران در قبال حاکمیت در پیش گرفته بود، سیاستی بازدارنده در رشد مبارزه طبقاتی دانسته و آن را در شرایطی مجاز می‌دانست که حاکمیت از سوی بورژوازی و یا امپریالیسم مورد تهدید جدی واقع شود. <sup>۲</sup>

«جناح چپ» می‌پذیرد که حاکمیت با امپریالیسم در تضاد است؛ به طوری که موجودیت آن می‌تواند از سوی امپریالیسم مورد مخاطره قرار گیرد. بنا به تحلیل این جناح حرکات ضدامپریالیستی حاکمیت مانند تسخیر سفارت آمریکا حتی می‌تواند «در مواقعی در خدمت رشد مبارزه طبقاتی قرار گیرد». بنابراین از کمونیست‌های انقلابی می‌خواهد که از حرکات ضدامپریالیستی حاکمیت حمایت مشروط به عمل آورند. <sup>۳</sup> در حمایت مصطفی مدنی از تسخیر سفارت آمریکا می‌توان تردید کرد. انوشیروان لطفی در این باره می‌نویسد:

روز بعد از حمله به جاسوسخانه، ۱۴ یا ۱۵ آبان جلسه‌ای در منزل مهندس کاظم (در آبان شمالی) تشکیل شده بود که تعدادی از اعضای کمیته مرکزی در آن شرکت داشتند. فرخ نگهدار، مصطفی مدنی، فرج‌الله کاظمی، مجید

۱. درباره تاکتیک کمونیست‌ها، بولتن؛ مصوبات نخستین گردهمایی سازمان چریک‌های فدایی خلق؛ اکثریت جناح چپ، مورخه ۵۹/۱۰/۲.

۲. همان.

۳. همان.

(عبدالرحیم پور)، حسن (علی توسلی)، خسرو (مهدی فتاپور)، رضا غبرائی، رحیم (جمشید طاهری پور)، محمد دبیری فرد، احتمالاً بهمن (هادی میر مؤید). موضوع جلسه هم درباره این حادثه و موضع گیری در قبال آن بود. به ویژه اینکه دولت موقت هم سقوط کرده و ابعاد قضیه مهم تر از آن چیزی بود که ما فکر می کردیم. خلاصه بعد از صحبت هایی که شد که تقریباً محمد دبیری فرد و مصطفی مدنی موضع مخالف با حمایت داشتند و مابقی با تعابیر و تفاسیر مغشوش که در آن هنگام وجود داشت این حرکت را ضدامپریالیستی می دانستند و خواهان دفاع و حمایت از آن بودند.

آشکار است که «جناح چپ» بیش از آنکه با اکثریت مرزبندی داشته باشد، با اقلیت مرزبندی داشت؛ زیرا «جناح چپ» حاکمیت را از آن خرده بورژوازی می دانست که به رغم خروج از صف انقلاب به خاطر استقلال سیاسی از امپریالیسم و جلوگیری از بازگشت بورژوازی بزرگ هنوز در صف ضدانقلاب قرار نگرفته است. در حالی که اقلیت اعتقاد داشت که حاکمیت در اختیار بورژوازی و لاجرم ضدانقلابی است و تنها قدرت صوری در اختیار خرده بورژوازی می باشد. گذشته از آن «جناح چپ» به تضاد میان حاکمیت و امپریالیسم باور داشت ولی اقلیت به وجود چنین تضادی اعتقاد نداشت.

اختلاف نظر «جناح چپ» و اقلیت در مورد جنگ نیز فاحش بود. برای اقلیت آغازگر جنگ مهم نبود؛ زیرا به گمان اقلیت این امر «به هیچ وجه ماهیت جنگ را روشن نمی کند». اقلیت، جنگ را میان دو دولت بورژوازی و در چارچوب منافع امپریالیسم و لاجرم ارتجاعی می دانست و خواهان تبدیل جنگ به جنگ داخلی بود. اما «جناح چپ» به جنگ چنین نمی نگریست. در تحلیل این جناح، رژیم عراق برای آن به ایران حمله ور شد که «با نفوذ گرایش ناسیونال - شوونیستی در میان مردم عراق دولت بعثی را از بحران نجات دهد» و در صورت موفقیت در جنگ و کسب وجهه در میان اعراب آشکارا به سوی امپریالیسم آمریکا متمایل

شود و نقشی هژمونیک در منطقه بیابد. بر اساس این تحلیل، عراق به ایران حمله کرد تا انقلاب را و جناح خرده‌بورژوازی حاکم بر ایران را تضعیف کند؛ و این به معنای همسویی کامل عراق با امپریالیسم آمریکا بود زیرا هدف نهایی آمریکا نیز به قدرت رساندن یک دولت دست‌نشانده در ایران بود.

«جناح چپ» در پیش‌بینی بغایت خطای خود نوشت که این جنگ به نفع بنی‌صدر خواهد بود؛ زیرا او خواهد توانست با تقویت ایدئولوژی ناسیونالیستی، ایدئولوژی پان‌اسلامیستی خرده‌بورژوازی را به محاق براند. این جناح مضمون سیاسی که طبقه کارگر دو کشور و نیروهای کمونیست باید پی بگیرند را رفع کامل تجاوز عراق دانست و چون این جنگ از جانب عراق و در همسویی با آمریکا آغاز شده است «تا زمانی که این تعرض پایان نیافته، نوک حمله طبقه کارگر دو کشور باید متوجه دولت عراق باشد.»<sup>۱</sup>

شاید بتوان موارد اختلاف «جناح چپ» و اکثریت را به تأمین هژمونی طبقه کارگر در انقلاب دمکراتیک و «پرولتریزه» شدن محدود ساخت. «جناح چپ» معتقد بود که «خط راست» به مانند حزب توده می‌خواهد از رهگذر نزدیکی با اردوگاه، پرولتری شود و نه از طریق پیوند با کارگران.<sup>۲</sup>

اما «جناح چپ» به معنای واقعی کلمه سانتریست بود. آنان به رغم اختلافات عمیقی که با اقلیت داشتند راه را برای نزدیکی با آنان بازگذاشتند. آنان نوشتند که حاکمیت آینده‌ای ندارد و «دورنمای آن استحاله کلی به یک حاکمیت بورژوایی و یا سرنگونی است.»<sup>۳</sup>

سال‌ها بعد مصطفی مدنی با تجربه نوعی «دمکراسی بورژوایی» که همواره سخت به آن می‌تاخت، ادعا کرد که «رهبری جناح چپ معتقد بود به این ماهیت [حاکمیت] نه از زاویه انقلاب و ضدانقلاب بلکه از زاویه دمکراسی باید

۱. بولتن؛ جنگ ایران و عراق، انحلال‌طلبی راست و مواضع ما (جناح چپ).

۲. بولتن؛ پیشگفتار، مورخه ۵۹/۱۰/۱.

۳. سانتریست به کسانی گفته می‌شود که همواره موضعی بینابینی و میانه انتخاب می‌کنند.

۴. همان.

نگریست». <sup>۱</sup> او همچنین می‌گوید «جناح چپ روش برخورد با حکومت را با سیاست مبارزه و حمایت توضیح می‌داد.» <sup>۲</sup> اما همانگونه که در مصوبات نخستین گردهمایی «جناح چپ» تصریح شده است «وجه عمده برخورد کمونیست‌ها با خرده‌بورژوازی حاکم، مبارزه است»، مبارزه محور سیاست «جناح چپ» در قبال حاکمیت شد و این مبارزه وجه اشتراک جناح چپ و اقلیت بود.

### جناح چپ و اقلیت

هنگامی که جناح چپ اعلام نمود مبارزه ایدئولوژیک علنی با مشی اپورتونیستی جناح راست را آغاز کرده است، اقلیت آن را اقدام انقلابی توصیف کرد و اعلام آمادگی نمود تا زمینه‌های لازم برای وحدت با جناح چپ را فراهم آورد. <sup>۳</sup> از این رو موضوع وحدت با جناح چپ در دستور کار اقلیت قرار گرفت. به موجب نامه یکی از اعضای کمیته مرکزی موقت اقلیت به مرکزیت، در روز ۲۳ دی‌ماه مسئول بخش «مروجین» اعلام کرد که بحث جلسه آینده این بخش در مورد «سانتریست‌ها» خواهد بود تا درباره آنان تصمیم‌گیری شود. این عضو به عنوان معترض می‌نویسد که یک گرایش نادرست باعث اتخاذ چنین تصمیمی شده است و باید با آن مبارزه کرد. او ادامه می‌دهد که این موضوع چند بار در کمیته موقت به بحث گذاشته شد و قرار بر این گردید که سانتریست‌ها نظرات خود را درباره مسائل سیاسی - ایدئولوژیک و چگونگی مناسباتشان برای ما بنویسند تا در اختیار تشکیلات قرار گیرد و افراد با شناخت کافی نظر بدهند؛ اکنون به چه دلیل دستور کار تغییر کرده و تصمیم کمیته موقت نقض شده است؟ نویسنده این نامه از طرح وحدت با امضای بهروز یاد می‌کند که هیچ‌کس با آن موافق نبود ولی اکنون سازمان در جهت اجرای اهداف آن نوشته کانالیزه شده است. بالاخره او خطاب به مرکزیت می‌نویسد که «تشکیلات در مقابل کسانی که

۱. آرش، همان.

۲. همان.

۳. کار اقلیت؛ شماره ۸۳، پانزدهم آبان ۵۹، ص ۱۱.

بخوانند اصول و ضوابط کمونیستی را زیر پا بگذارند خواهد ایستاد»<sup>۱</sup> مقاله درون تشکیلاتی دیگری از اقلیت در دست است که نویسنده آن احتمالاً همان نویسنده نامه است. این مقاله نیز در مخالفت با وحدت با جناح چپ نوشته شده است. نویسنده در آغاز اظهار تعجب می‌کند که در حالی که تنها یک مقاله مربوط به برنامه مورد بحث واقع شده ناگهان سیر مبارزه ایدئولوژیک تغییر جهت داده و مسئله سانتریست‌ها و تصمیم‌گیری درباره آنها مهم‌ترین مسئله و جایگزین تدوین برنامه می‌شود. نویسنده، رأی‌گیری برای وحدت با جناح چپ را، در حالی که هنوز نقطه نظرات سانتریست‌ها برای تشکیلات روشن نشده است، «رعایت مبتدانه سانترالیسم دمکراتیک» می‌خواند که موجب بی‌اعتمادی افراد به تشکیلات می‌شود. او می‌پرسد هنگامی که سازمان خود فاقد خط و برنامه است، این وحدت بر اساس چه مبنایی قرار است صورت پذیرد؟ وی با اشاره به اظهار برخی افراد که معتقد بودند «سانتریست‌ها از نظر ایدئولوژیک - سیاسی نزدیکترین جریان به سازمان می‌باشند» می‌گوید در حالی که تحلیل آنان از حاکمیت با تحلیل سازمان متفاوت است، اشتراک در چند اصل عام مانند «رد راه رشد» و «گذار مسالمت‌آمیز» برای وحدت کافی نیست.

احتمالاً برخی از افراد مرکزیت اقلیت امید داشتند با وحدت با جناح چپ به مسائل جنبش که به گمان آنان رو به اعتلا نهاده بود پاسخ گویند. اما نویسنده این مقاله می‌نویسد که پاسخگویی به جنبش نباید موجبی برای گسترش بی‌رویه سازمان باشد. بالاخره نویسنده هشدار می‌دهد که جذب غیراصولی آنها ضعف‌های تشکیلات را تشدید خواهد کرد و به تدریج فراقسیونیسم در درون تشکیلات رشد خواهد کرد. او ضمناً پیش‌بینی می‌کند که چون پایگاه طبقاتی سانتریست‌ها خرده‌بورژوازی است، آنها زلزلات خود را به درون تشکیلات رسوخ خواهند داد و انشعاب بعدی قطعی خواهد بود.<sup>۲</sup>

۱. نامه درون تشکیلاتی؛ خطاب به رفقای سازمان پیرامون وحدت با جناح چپ.

۲. مقاله درون تشکیلاتی؛ پیرامون مسئله وحدت با سانتریست‌ها «جناح چپ» مورخه ۵۹/۱۱/۷.

مقاله مزبور از جانب جناح دیگر اقلیت بی‌پاسخ نماند. زیرا به گمان آنان وحدت با جناح چپ «برای سازمان به صورت یک امر فوری و یک مسئله مبرم درآمده» بود.<sup>۱</sup> این امر از آنجا مبرم بود که آن جناح به رغم تمام تزلزل‌ها و تردیدهایش، در برابر «اپورتونیسیم کمیته مرکزی» تسلیم نشده و آن را آماج حملات ایدئولوژیک خود قرار داده است و چون «تمام جنبش» از سازمان انتظار دارد که پاسخگوی وحدت باشد، اینک برای سازمان مهم است که آیا می‌تواند «از حرکت جداگانه یک جریان تحت نام فدایی در سطح جنبش جلوگیری کرده و آن را به خود ملحق» نماید؟

مقاله مدعی است اقلیت در جدایی جناح چپ از کمیته مرکزی نقش کم‌اهمیتی نداشته است. بنابراین اکنون موظف است به عنوان یک سازمان کمونیستی هر چه سریعتر پاسخ روشنی به درخواست آنان داده و آنان را از بلا تکلیفی‌های رهایی بخشد.<sup>۲</sup>

کمیته مرکزی اقلیت برای تعیین تکلیف وحدت با جناح چپ در روز سی‌ام بهمن‌ماه تشکیل جلسه داد. در این جلسه سه نظر وجود داشت. عده‌ای گفتند که اکثر کمیته‌ها موافق جذب جناح چپ می‌باشند. یکی از اعضا گفت که اکثراً مخالف می‌باشند و دو تن از افراد نیز به رغم موافقت با جذب جناح چپ اظهار کردند چون طرح نادرست این موضوع توسط هیأت سیاسی در تشکیلات موجب بحران شده است، باید باز هم درباره آن کار شود «نهایتاً ک.م.س به این نتیجه رسید که اصل وحدت با جناح چپ را به عنوان تصمیم سازمانی به تشکیلات اعلام دارد، متها بر سر شکل و چگونگی این وحدت باید نظرات مختلف را به تشکیلات ارائه دهد و درباره آن یکبار دیگر از تشکیلات نظرخواهی کند».<sup>۳</sup>

پس از آنکه کمیته مرکزی درباره ضرورت وحدت با جناح چپ به توافق

۱. مقاله درون‌تشکیلاتی؛ درباره مسئله وحدت با جناح چپ بهمن ۵۹.

۲. همان.

۳. گزارش درون‌تشکیلاتی؛ گزارش کمیته موقت سازمان راجع به جناح چپ.

رسید، اینک «نحوه جذب» آنان باقی مانده بود. جمع‌بندی نظرات کمیته‌ها نشان می‌دهد که سه نظر در این باره وجود داشت. عده‌ای مطلقاً با دادن هرگونه امتیاز به آنان مخالف بودند. عده‌ای با دادن امتیاز به آنان از جمله پذیرش برخی از افراد آنان در ارگان‌های رهبری موافقت داشتند؛ به شرط آنکه تابع اتوریته کمیته موقت باشند. دسته سوم نیز معتقد بود که به آنان امتیاز خاصی داده نشود و فقط حق تشکیل یک هیأت نویسندگان را داشته باشند و مقالات آنان پس از یک دوره مبارزه درونی در نبرد خلقی منعکس گردد. اما هر سه دسته اعتقاد داشتند که آنان باید تک تک عضوگیری شوند و اتوریته سازمان را نیز بپذیرند. البته یک نظر فردی دیگری بود که اعتقاد داشت باید جزوات مربوط به مبارزه ایدئولوژیک در اختیار آنان قرار گیرد تا به تناقضات نظراتشان در مورد حاکمیت پی ببرند.<sup>۱</sup> کسانی که فقط حق ایجاد هیأت نویسندگان را برای جناح چپ قائل بودند، گفتند که باید تنگ‌نظری را به دور افکنده و اختلافات جزئی را به کناری نهاده و این حق را برای آنان قائل شویم که هیأتی از نویسندگان و نمایندگان خود را انتخاب کرده و برای پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک به هیأت تحریریه نبرد خلق بفرستند و بدین طریق مبارزه ایدئولوژیک سالمی را به پیش ببریم؛ زیرا ترس از اختلاف‌نظر و جلوگیری از آن سازمان را از پویایی بازداشته و به دگماتیسم و تباهی سوق خواهد داد. این گروه همچنین عقیده داشت کسانی که پذیرش هیأت نویسندگان را مخرب و در خدمت فراقسیونیسیم می‌دانند، درک درستی از فراقسیونیسیم ندارند و گمان می‌کنند که منشأ فراقسیونیسیم در پذیرش هیأت نویسندگان نهفته است؛ در حالی که فراقسیونیسیم علل سیاسی - ایدئولوژیک و اجتماعی دارد. این دسته همچنین می‌نویسند «ساتریست‌ها باید به صراحت و آشکارا اعلام کنند که آیا سرنگونی رژیم را به مثابه اساس فعلیت انقلاب می‌پذیرند یا خیر؟ آنان باید بگویند که آیا به انقلاب قهرآمیز توده‌ای علیه رژیم جمهوری اسلامی معتقدند یا نه و آیا در این راه کوشش خواهند کرد؟ و به مبارزه مسلحانه‌ای که در اینجا و

۱. گزارش درون‌تشکیلاتی؛ درباره نحوه جذب جناح چپ.



آنجا بروز کرده، معتقد می‌باشند یا نه و خود چه نقشی ایفا خواهند کرد؟<sup>۱</sup>

دسته دیگر که معتقد به دادن امتیازاتی به «جناح چپ» و پذیرش آنان حتی در سطح ارگان‌های رهبری بود در نقد نظر دسته اول که با دادن امتیاز به آنان مخالف بود می‌نویسد که طرح آنان به مثابه عضوگیری از یک سری افراد پراکنده است و نه وحدت با یک نیروی متشکل. آنان در واقع هیچ‌گونه اعتقادی به وحدت ندارند. این دسته همچنین در نقد کسانی که حق ایجاد هیأت نویسندگان را برای «جناح چپ» قائل بودند می‌نویسند که مدافعین این نظر کوشیده‌اند محتوای راست نظرات خود را پنهان دارند؛ زیرا آنان با این طرح خود می‌خواهند سازمان را به یک گروه منفرد و محدود تبدیل کنند. به نظر این دسته، دادن امتیاز حق ایجاد هیأت تحریریه به «جناح چپ» به معنای ایجاد یک تشکیلات درون تشکیلات دیگر است و این خود به معنای قبول وجود دو خط‌مشی متفاوت و دو جریان ایدئولوژیک متضاد در تشکیلات است؛ در حالی که وحدت ایدئولوژیک - سیاسی مقدم بر روابط تشکیلاتی است و اگر اکنون سازمان حق داشتن هیأت تحریریه جداگانه را برای «جناح چپ» بپذیرد، به زودی هر گروه و دسته‌ای که بخواهد به سازمان بپیوندد و یا افرادی درون تشکیلات که نظری غیر از نظر تشکلات داشته باشند چنین حقی را مطالبه می‌کنند؛ آنگاه پس از مدتی دیگر یک تشکیلات با یک مرکز رهبری ایدئولوژیک - سیاسی وجود نخواهد داشت و ما با سازمان‌های خودمختار درون تشکیلات مواجه خواهیم شد. برای آنکه با چنین هرج و مرجی مواجه نشویم باید حقوق گروه جذب شده به تمامی رعایت شود و یک نفر و یا دو نفر از آنان به عضویت کمیته موقت پذیرفته شوند و این نه از طریق انتخابات بلکه از طریق برگماری باید صورت گیرد. از آن پس آنان نماینده یک جناح نیستند. بلکه در برابر کل تشکیلات مسئول می‌باشند. دیگر افراد جناح نیز با توجه به سوابقشان تک تک عضوگیری می‌شوند و از تمامی حقوق یک عضو برخوردارند.

در این گزارش که درباره نحوه جذب «جناح چپ» تهیه شده است، هنوز تردید موج می‌زند و جناح چپ در تحلیل نهایی «راست» خوانده می‌شود و احتمال یک انشعاب دیگر پس از وحدت نادیده گرفته نمی‌شود.

اقلیت که از جذب چند نفر ناتوان است و بر سر آن دچار اختلاف و پراکندگی می‌شود و ضمناً اعتراف می‌کند «جنبش چپ انقلابی در ایران هم از لحاظ مضمون عقب افتاده است و هم از لحاظ شکل؛ هم شدیدترین پراکندگی و گروه‌گرایی وجود دارد و هم انواع رنگارنگ خطوط سیاسی و تئوریک»،<sup>۱</sup> چنان در توهم غوطه‌ور است که از مبارزه مسلحانه و سرنگونی حاکمیت سخن می‌گوید.

به رغم مصوبه کمیته موقت اقلیت؛ و به رغم میل و نیاز وافر جناح چپ، وحدت آن دو میسر نمی‌شد. نیاز «جناح چپ» به وحدت چنان بود که در نخستین گردهمایی خود در دی‌ماه ۵۹ وحدت با اقلیت را به مثابه چشم‌انداز آتی خود و به عنوان گام عملی در جهت وحدت در جنبش کمونیستی پذیرفت. بنابراین بدون آنکه نظر خود را درباره پایگاه طبقاتی حاکمیت و وابستگی و عدم وابستگی آن تغییر دهد و یا روشن سازد، ناگهان اعلام کرد با اقلیت «دارای دیدگاه‌های ایدئولوژیک تقریباً یکسانی» است.<sup>۲</sup> اصول ایدئولوژیکی که می‌توانست پایه وحدت باشد از نظر جناح چپ تحلیل از حاکمیت نبود؛ بلکه درک از انترناسیونالیسم پرولتری؛ مرزبندی با انحرافات جنبش کمونیستی جهانی و تعیین وظایف پرولتاریا در عرصه ملی و بین‌المللی بود. بیاد داریم که اساس اختلاف اکثریت و اقلیت تحلیل از حاکمیت بود، اما اکنون برای وحدت بین جناح چپ و اقلیت آنچه که اهمیت نداشت و مغفول مانده بود تحلیل از حاکمیت بود. احتمالاً آنچه که صبر این جناح را برای وحدت با اقلیت ربوده بود تحولات جامعه بود که به گمان آنان «حاکمی از فرارسیدن یک بحران عمومی

۱. همان.

۲. مقاله درون تشکیلاتی؛ ضرورت وحدت با رفقای اقلیت و شکل موردنظر - شکل وحدت - مورخه ۶۰/۳/۱.

سیاسی - اقتصادی» بود<sup>۱</sup> که «طوفان پرخروشی در پی خواهد داشت.»<sup>۲</sup> جناح چپ در زمانی از دیدگاه ایدئولوژیک مشترک خود با اقلیت سخن می‌گوید که بیست روز پیش از آن نتوانست با اقلیت برای برگزاری مراسم مشترک روز کارگر در اردیبهشت سال ۶۰ به توافق برسد و لاجرم اقلیت این مراسم را با سازمان پیکار برگزار کرد.

اما درون جناح چپ نیز عده‌ای با وحدت با اقلیت مخالفت داشتند. مجاب‌سازی و متقاعد کردن آنان برای وحدت در دستور کار جناح قرار گرفت. نویسنده مقاله «ضرورت وحدت...» مخالفین را از بزرگ جلوه دادن اختلافات که موجب یأس و بدبینی و طولانی شدن پروسه وحدت می‌شود برحذر می‌دارد. نویسنده طولانی شدن پروسه وحدت را آفتی برای این موضوع می‌داند که بخشی از آن به «تصمیم‌گیری کند و تعلق غیرقابل توجیه و سیاست‌های نادرست قبلی» اقلیت در مورد جناح چپ بازمی‌گردد و بخشی نیز به برخورد غیرفعال جناح که مجموعاً جناح را «در موقعیت بینابینی خطرناکی قرار داده است» و اگر هر چه سریع‌تر درباره آن تصمیم‌گیری نشود ضربات سنگینی به جنبش کمونیستی وارد خواهد شد.<sup>۳</sup>

نویسنده مقاله ضمن اذعان به وجود برخی اختلافات با اقلیت، این اختلافات را چندان اساسی نمی‌بیند که امر «مهم و حیاتی» وحدت را ناممکن سازد. «جناح چپ» از اقلیت می‌خواهد که حق ایجاد هیأت نویسندگان را برای پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک برای آنان قائل شوند تا از رهگذر این مبارزه به تشکیلات واحد سراسری و منسجم کمونیستی دست یابند. جناح چپ هشدار می‌دهد در شرایطی که رشد مبارزه طبقاتی به سوی قطبی شدن جامعه پیش می‌رود هر حرکت مستقل

۱. مقاله؛ وقایع روز پنجمین ۱۴ اسفند و کوشش توده‌ها برای شرکت در سرنوشت سیاسی جامعه؛ مورخه ۵۹/۱۲/۲۰.

۲. ضرورت وحدت... .

۳. همان.

محکوم به شکست است.<sup>۱</sup>

مهم‌ترین مسئله‌ای که جناح چپ در پیش روی داشت، تعیین تکلیف با حاکمیت بود. اکنون این پرسش برای آنان مطرح بود که «آیا حاکمیت خرده‌بورژوازی سستی را باید سرنگون کرد؟»<sup>۲</sup> پاسخ به این پرسش می‌توانست کلید وحدت تلقی گردد. پاسخ جناح چپ به این پرسش مثبت بود. آنان پیش‌تر پیش‌بینی کرده بودند که دورنمای حاکمیت یا استحاله به حاکمیتی بورژوایی است و یا سرنگونی. مقصود آنان از سرنگونی، سرنگون شدن توسط امپریالیسم بود که حاکمیت خرده‌بورژوایی با آن در تضاد قرار داشت و اینک جناح چپ سرنگونی حاکمیت را وظیفه خود می‌دانست. اما چون «حاکمیت هنوز بر بخش وسیعی از توده‌ها تکیه دارد و نیروهای انقلابی نیز تدارک لازم را به انجام نرسانده‌اند» سرنگونی حاکمیت را فعلاً امکان‌پذیر نمی‌دانست. چند روز بیشتر طول نکشید که جناح چپ نیز به تبعیت از سازمان مجاهدین خلق و اقلیت شعار «مرگ بر حزب جمهوری» را سر داد.

جناح چپ برای آنکه پشتوانه تئوریک برای سرنگون کردن خرده‌بورژوازی سستی بیابد با نفی راه رشد غیرسرمایه‌داری و تأکید بر خونین بودن درگیری پرولتاریا و بورژوازی و لزوم هژمونی طبقه کارگر در انقلابات دموکراتیک نوشت که خرده‌بورژوازی حاکم بر ایران نتوانست با سیستم سرمایه‌داری وابسته برخورد جدی داشته باشد «و به گردش درآوردن چرخ اقتصاد وابسته را در دستور قرار داده است».<sup>۳</sup> بالاخره جناح چپ با حمایت قاطع از راهپیمایی مسلحانه سازمان مجاهدین خلق در سی‌ام خرداد سال ۶۰ از مردم می‌خواهد که از این سازمان پشتیبانی کنند<sup>۴</sup> و پیشنهاد می‌دهد هر چه سریع‌تر خرده‌بورژوازی دمکرات و

۱. همان.

۲. همان.

۳. مقاله؛ نظر جناح چپ درباره دوران؛ مرزبندی با انحرافات حاکمیت جمهوری اسلامی.

۴. نشریه خبرنامه؛ سرنگونی حزب حاکم تنها راه تداوم انقلاب است؛ شماره ۱، مورخه

کمونیست‌های انقلابی و سایر نیروهای دمکرات که امکان وسیعی برای ارائه خود در میان توده یافته‌اند آلترناتیو انقلابی تشکیل دهند.

جناح چپ تشکیل شورای ملی مقاومت را که از اتحاد مجاهدین - بنی‌صدر حاصل شده بود گامی به جلو و در جهت ارائه آلترناتیو ارزیابی کرد، ولی انتظار داشت برنامه پیشنهادی شورا به مراتب پیشرفته‌تر از برنامه لیبرالی باشد که بنی‌صدر در میثاق خود ارائه کرده بود. گرچه جناح چپ مانند اقلیت از برنامه میثاق بنی‌صدر که در آن شعار جمهوری اسلامی طرح شده است گله می‌کند، ولی برخلاف آنان لحن ملایم‌تری نسبت به بنی‌صدر دارد.<sup>۱</sup>

به رغم همه نزدیکی‌هایی که بین مواضع جناح چپ و اقلیت ایجاد شده بود، هنوز از وحدت خبری نبود؛ به طوری که اعتراض عده‌ای را در میان هر دو گروه برانگیخت. در یک مقاله درون تشکیلاتی اقلیت آمده است که بیش از یک سال است از وحدت با سانتریست‌ها سخن می‌گوییم که این موضوع در میان مسائل متعدد بیشترین وقت را به خود اختصاص داده است، ولی همچنان نتایج آن نامعلوم و مبهم است. نویسنده نبود برنامه و سیاست درون سازمان و عدم وضوح در موضع سیاسی - ایدئولوژیک سانتریست‌ها را مهم‌ترین علت این بی‌سرانجامی برمی‌شمرد. این مقاله پیشنهاد می‌دهد که نمایندگانی از جناح چپ در کنگره حضور یابند تا در مورد اختلافات و تشابهات سخن بگویند.<sup>۲</sup>

در یک مقاله درون تشکیلاتی دیگر مربوط به تعدادی از افرادی که از جناح چپ جدا شدند، توضیح داده می‌شود که چرا به این جناح پیوستند و چرا از آن جدا شدند. علت پیوستن آنان «جرقه‌ای از نور امید» بود که جناح چپ در اواسط سال ۵۹ با انتشار چند جزوه و کتاب در دل آنان تابانده بود. اما پس از یک سال این عده درمی‌یابند که «آمال» آنان تحقق نیافته است. «نقض سانترالیسم دمکراتیک... رشد گرایشات محفلی، باندبازی، بی‌نظمی و لاقیدی در مسائل

۱. نشریه خیرنامه؛ درباره شورای ملی مقاومت؛ شماره ۴، مورخه ۶۰/۷/۱۸.

۲. مقاله درون تشکیلاتی؛ چگونه مسئله سانتریست‌ها را حل کنیم.

تشکیلاتی، قرار گرفتن اهرم‌های تشکیلاتی در دست عناصر منحرف و حتی در مواردی از نظر اخلاقی ناسالم و مبتذل» از جمله عللی بود که آنان برای جدایی خود برشمردند. این افراد که نام و هویت آنان را نمی‌دانیم برای «پیوند و ارتباط با یکی از تشکل‌های واقعاً موجود کمونیستی» به بررسی اقلیت، راه کارگر و پیکار پرداختند و بالاخره اقلیت را برگزیدند.<sup>۱</sup>

کنگره اقلیت در آذرماه ۶۰ بدون حضور نمایندگان جناح چپ تشکیل شد. در همان ایام و شاید به منظور تحت‌الشعاع قرار دادن کنگره اقلیت، جناح چپ به راه کارگر نزدیک شد و خبرنامه مشترکی با آنان منتشر کرد. گویا این اقدام مؤثر واقع شد؛ زیرا راه وحدت هموار گردید. توکل مدعی است کنگره سازمان، وحدت با جناح چپ را رد کرد؛ اما پذیرفت که آنان می‌توانند به سازمان بپیوندند.<sup>۲</sup> اما یکی از اعضای هیأت اجراییه جناح چپ می‌نویسد: «با تصویب کنگره اقلیت؛ وحدت ما با رفقای اقلیت از نظر سیاسی به تحقق رسیده و می‌باید طی یک بیانیه مشترک رسماً پایان برده شود.»<sup>۳</sup> این عضو، گشودن راه وحدت اصولی و عاجل از درون مشاجرات موجود در جناح چپ را تعهد انقلابی می‌داند که نباید اجازه دهند تا گرایش‌های معینی بر روی آن پرده بپفکنند.

این مقاله اختلافات درونی جناح چپ را بازمی‌تاباند. بنابراین توصیه می‌کند برای آنکه به وحدت اصولی با اقلیت دست یابند، اختلافات درونی خود را به روشن‌ترین شکل نمایان سازند تا اقلیت بداند با چه کسانی دست اتحاد می‌دهد. این مقاله نشان می‌دهد که برخی از افراد هیأت اجراییه در امر وحدت کارشکنی می‌کردند و از ارائه نظرات خود به تشکیلات طفره می‌رفتند و تا آنجا پیش رفتند که «با استفاده از شیوه‌های نارقیانه شانتاژ و تهدید به درهم ریزی اوضاع که

۱. مقاله درون‌تشکیلاتی؛ چرا به جناح چپ پیوستیم و چرا از آن جدا می‌شویم؛ مورخه ۶۰/۷/۲۲.

۲. آرش؛ توکل؛ همان، ص ۸.

۳. مقاله درون‌تشکیلاتی؛ پیرامون وحدت با اقلیت و روند پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک، مورخه ۶۰/۱۰/۱۰.

عملاً وحدت را به مخاطره می‌انداخت خواهان حقوق خاصی برای نقطه‌نظرات خویش بودند.» مقاله هشدار می‌دهد که این عده حتی اگر مجبور به پذیرش وحدت با اقلیت شوند «در آنجا با تکیه بر شیوه‌ها و سیاست‌های نادرست خود تشکیلات را به تناقضات و سردرگمی‌های بحران‌زائی دچار خواهند ساخت که نتیجه‌ای جز انتقال اختلافات موجود در بطن جناح چپ و تشکیلات اقلیت نخواهد داشت.»

به رغم وجود گرایش‌های مخالف وحدت در هر دو گروه و به رغم آنکه جناح چپ، اقلیت را «یک جریان سکتاریست و دگم» می‌شناخت، در اسفندماه سال ۶۰ و پس از جدا شدن گرایش «سوسیالیسم انقلابی» از اقلیت، وحدت به سرانجام رسید. این وحدت در شرایطی صورت گرفت که هر دو گروه درگیر بحران‌های داخلی خود بودند. پیش از کنگره اقلیت محمدرضا دبیری فرد و چند تن دیگر از آن جدا شدند و پس از آن نیز علاوه بر ضرباتی که اقلیت متحمل شد گرایش «سوسیالیسم انقلابی» اعلام جدایی نمود. جناح چپ نیز در آستانه تلاشی کامل بود. یک مقاله درون تشکیلاتی درباره وضع رقت‌بار این گروه می‌نویسد: «اکنون امر وحدت با تمام مشکلات صورت پذیرفته و آخرین مراحل عملی خود را طی می‌کند... بحران ژرفی که تشکیلات ما را فراگرفته؛ در این مقطع به اوج خود رسیده است. اختلافات و تشتت آراء؛ بندهای تشکیلات ما را از هم گسسته و امکان ادامه کاری را از بین برده است. رفقای ما در اقصی نقاط تشکیلات از خط و برنامه واحدی پیروی نمی‌کنند و طبیعتاً در چنین شرایطی به هیچ‌رو نمی‌توان از انسجام تشکیلاتی سخن راند، چرا که شرایط اولیه چنین انسجامی وحدت در اصول استراتژیکی و تاکتیکی است. مرکزیت فاقد حداقل رابطه با بخش‌های تشکیلات است و بدنه تشکیلات به حال خود رها شده است. در سطوح پایین تشکیلات ما هر چند که روحیه انقلابی هنوز به افول نگراییده اما بی‌خبری از سیر

---

۱. همان.

۲. مصطفی مدنی؛ آرش، همان.

وقایع بیداد می‌کند. بخش اعظم هواداران ما فاقد درک درستی از چگونگی وحدت با اقلیت هستند... بالاخره مرکزیت تشکیلات ما از درون در هم پاشیده است و مدت‌هاست که اختلافات موجود امکان تصمیم‌گیری مشترک و متحد را از بین برده است... اکنون بیش از همیشه زمان آن رسیده است که یک بار صریحاً از خود سؤال کنیم که چرا ما در چنین وضعیتی بسر می‌بریم؟ ... برخلاف کسانی که سعی دارند مشکلات ما را طبیعی؛ جبری و زائیده مرحله وجود جنبش و غیره قلمداد نمایند؛ در ارزیابی از بحران موجود بیش از همه باید به نقش مخرب، تشکیلات‌شکنانه و غیرکمونستی باند و فراکسیون معینی اشاره نمود که در سرتاسر حیات جناح چپ از آغاز تا به انتها همواره در عرصه سیاست مبلغ تئوری‌های انحرافی؛ دنباله‌روانه و در عرصه تشکیلات با بی‌توجهی به اولیه‌ترین ضوابط انضباط تشکیلاتی، دامن زدن به حرکت گروه‌گرایانه و منفعت‌طلبانه در صدد تحمیل کردن خود به تشکیلات ما بوده است. آنها همواره خواستار آن بوده‌اند که جناح چپ را به عنوان نردبان صعود خود به کار گیرند. آنها حتی در سر داعیه رهبری جنبش را پرورانده‌اند و این امر بغایت خنده‌آور را بارها و بارها نزد این و آن به زبان آورده‌اند... عملکرد انحرافی سیاسی و تشکیلاتی این فراکسیون بدون شک منشأ اساسی بحران موجود در تشکیلات ما را تشکیل می‌دهد.»

چنانکه در گاپیلون دیدیم، پایان وصلت جناح چپ و اقلیت خونین بود؛ به طوری که مصطفی مدنی آن را اشتباهی عظیم خواند که بهتر بود حتی به قیمت انحلال کل تشکیلات صورت نمی‌گرفت.<sup>۲</sup>

۱. مقاله درون تشکیلاتی، با فراکسیون‌بندی در جنبش کمونیستی مبارزه کنیم؛ مورخه ۶۰/۱۱/۱۰.

۲. مصطفی مدنی؛ آرش، همان.



## پیروان بیانیه ۱۶ آذر

### انشعاب کشتگر - هلیل رودی

انشعاب اقلیت و انصراف از جنگ در کردستان موانع نزدیک شدن به حزب توده را که از مدت‌ها قبل اندیشه برخی از اعضا را به خود مشغول کرده بود از پیش‌اروی اکثریت سازمان به کناری نهاد. چریک‌ها دیگر پروایی نداشتند تا نام سازمانشان در کنار حزب توده قرار گیرد؛ بلکه خود تدریجاً زمینه‌های ذهنی آن را در نشریه کار فراهم می‌آوردند.

حزب توده نه تنها دیگر حزبی اپورتونیست نبود، بلکه حزبی شناخته می‌شد که موجب تصحیح خط‌مشی انحرافی چریکی در سازمان شده بود.

در آذرماه سال ۵۹ به دعوت فرج‌الله میزانی (جوانشیر)، عضو رهبری حزب توده، یکی از اعضای رهبری سازمان به دیدار وی می‌رفت. میزانی در صحبت‌های خود موضوع وحدت را پیش کشید و با هشدار این نکته که سازمان هم از سوی حزب و هم از سوی چپ‌ها تحلیل خواهد رفت، تأکید کرد که امر وحدت را نباید به تعویق انداخت. عضو رهبری سازمان توضیح داد که در گذشته گفت‌وگوهایی در سطح هیأت سیاسی داشته‌اند ولی «نشست به مفهوم ارتقاء رابطه را نادرست» می‌دانند.

این عضو سازمان از اظهار یکی از رهبران حزب توده که گفته بود «ما به توده‌ای‌های سازمان گفته‌ایم که در سازمان بمانید تا خود سازمان به ما بپیوندد» انتقاد کرد. میزانی در پاسخ اطمینان داد «که ما هیچ‌گاه چنین خطی که به توده‌ای‌ها بگوییم در سازمان بمانند را دنبال نمی‌کنیم؛ ولی ما به اعضای حزب گفته‌ایم که پیوستن تک تک فدایی‌ها به ما به سود جنبش نیست و مهم وحدت

سازمان فدایی و حزب به طور کلی است.<sup>۱</sup> فرج‌الله میزانی در بازجویی‌های خود از نفوذی‌های حزب در سازمان اظهار بی‌اطلاعی کرده است. شاید ادعایی که او در دیدار با عضو رهبری سازمان مطرح کرد به منظور ارباب او بوده است. قطع نظر از آن که آیا حزب توده افرادی را در سازمان نفوذ داده بود یا خیر، این گفت‌وگو نشان می‌دهد که حداقل در میان برخی از اعضای سازمان ارتقاء رابطه با حزب امری مطلوب نبود. در بهمن ماه مقاله «مرزبندی در جنبش کمونیستی و وظایف ما» که در تابستان به صورت جزوه‌ای درون‌گروهی منتشر شده بود، انتشار علنی یافت. در این مقاله برای توجیه لزوم وحدت با حزب توده و جنبش کمونیستی آمده بود که گروه‌هایی که ادعای کمونیستی دارند در صورتی که خود را از نهضت‌های کمونیستی در دیگر کشورها و به ویژه از احزاب کمونیستی جدا کنند، طعمه محافل امپریالیستی خواهند شد.<sup>۲</sup> جناح کشتگر ادعا می‌کند که پس از انتشار این مقاله بلافاصله تدارک نظری تصفیه ایدئولوژیک در سازمان آغاز شد و فرخ نگهدار در سخنرانی خود که نوار آن در همان زمان به طور غیرتشکیلاتی توسط هیأت سیاسی پخش شد، اعلام کرد که مخالفان وحدت با حزب توده را باید تحت عنوان مبارزه با فراکسیونسم با «لگد بیرون انداخت».<sup>۳</sup>

با این مقدمات، کمیته مرکزی سازمان در پلنوم ۱۲ الی ۱۵ اسفند سال ۵۹ با تصویب قطعنامه، «پیشبرد یک مبارزه پیگیر و اصولی و طبق نقشه را برای وحدت اصولی سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران و حزب توده ایران به منظور تشکیل حزب طبقه کارگر ایران در دستور کار رهبری کادرها و تمام اعضای سازمان قرار» داد.<sup>۴</sup> پلنوم مردادماه سال ۶۰ در قطعنامه‌ای که صادر کرد حل تمامی مسائل نظری و عملی مربوط به تدارک وحدت میان حزب و سازمان

۱. گزارش درون‌تشکیلاتی. صحبت با حزب توده.

۲. کار اکثریت؛ شماره ۹۷.

۳. پیرامون اقدامات فراکسیونستی انحلال‌طلبان، کار اکثریت، جناح کشتگر؛ شماره ۱۴۵، مورخه ۶۰/۱۱/۷.

۴. کار دوره ۱؛ شماره ۱۴۱، مورخه ۶۰/۱۰/۲، ص ۱۴.

را وظیفه‌ای مشترک دانسته که باید از طریق بسط مناسبات و مشارکت مؤثر طرفین صورت پذیرد. این قطعنامه با تأکید بر این که وحدت فکری و سازمانی حزب طبقه کارگر قبل از همه در وحدت نظر پیرامون برنامه و اساسنامه آن تجلی می‌یابد، پیشنهاد می‌دهد مسائل مربوط به برنامه و اساسنامه با شرکت اعضای سازمان و حزب در یک نشریه تئوریک و سیاسی مشترک که به طرح نظرات انتقادات و پاسخ‌های اعضای مختلف اختصاص می‌یابد مورد بحث قرار گیرد. قطعنامه همچنین با تأکید بر لزوم وحدت نظر حزب و سازمان پیرامون کلیه مسائل تئوریک تاریخی، سیاسی و تشکیلاتی پیشنهاد می‌دهد که این مسائل در این نشریه مورد بحث واقع شود. کمیته مرکزی، هیأت سیاسی و همه اعضای تشکیلات را به اجرای هر چه کامل‌تر مفاد این قطعنامه موظف می‌سازد.<sup>۱</sup> رهبران سازمان تا بدانجا پیش رفتند که حتی برای حزب توده «از هر نظر صلاحیت بیشتری برای هدایت جنبش کمونیستی» قائل بودند.<sup>۲</sup> بنابراین بی‌دلیل نبود که پس از پلنوم مردادماه «هیأت سیاسی سازمان به یک ارگان صوری مبدل شد. همه تحلیل‌ها و مواضع حزب توده عملاً به مواضع هیأت سیاسی تبدیل گردید». مصوبات این دو پلنوم با واکنش تعدادی از مخالفان وحدت مواجه شد. در رأس این مخالفان علی کشتگر و هیئت‌الله معینی چاغروند قرار داشتند. فرج‌الله ممبینی کاظمی موضعی بینابین داشت. علی کشتگر توسط نگهدار به سازمان راه یافته و فاقد آن پیشینه‌ای بود که در نزد چریک‌ها می‌توانست موجب اعتبار و منزلت واقع گردد. کشتگر همواره تحت‌الحمايه نگهدار بود و آن دو عموماً هم نظر بودند. بنابراین اکنون او می‌کوشید با بیرون کشیدن خود از زیر سایه نگهدار هویتی مستقل بیابد. کشتگر بدان خاطر که ترجمه چند کتاب را در کارنامه روشنفکری خود داشت، مسئول گروه ترجمه و نشر سازمان شد؛ که در آنجا تعدادی از هواداران که از اروپا و آمریکا بازگشته بودند و هلیل‌رودی نیز یکی از

۱. قطعنامه پلنوم کمیته مرکزی، کاراکتریت؛ شماره ۱۴۱، مورخه ۶۰/۱۰/۲.

۲. پیرامون اقدامات فراکسیونستی انحلال‌طلبان، کار کشتگر؛ شماره ۱۴۵، مورخه ۶۰/۱۱/۷.

آنان بود، به ترجمه متون مارکسیستی اشتغال داشتند. اعتراض کشتگر به «پروسه تجانس» با حزب توده به پشتوانه مادی و معنوی این گروه صورت گرفت. گفته شده است کشتگر نظرات انتقادی خود را برای انتشار در نشریه داخلی به پیش در اختیار مرکزیت سازمان نهاد؛ اما مرکزیت برای ممانعت از انتشار نقد کشتگر و به اشاره نورالدین کیانوری دبیر اول حزب توده، به پیش را که با مسئولیت اکبری شاندیز منتشر می‌شد، تعطیل کرد.<sup>۱</sup> برای تعطیل نشریه چنین استدلال شد که «هر زمان که این نشریه منتشر شده است به دنبال آن انشعابی رخ داده است و در واقع این نشریه نه در خدمت وحدت و یکپارچگی سازمان، بلکه در خدمت انشعاب قرار دارد.» به دنبال متوقف شدن انتشار نشریه، روند ادغام سازمان در حزب آغاز گردید. «سازمان زنان منحل گردید و به نیروهای آن دستور داده شد که در سازمان زنان حزب توده فعالیت نمایند. نیروهای تشکیلات نظامی سازمان تماماً در اختیار حزب توده قرار گرفتند... حجیم مقالات و نوشته‌های اعضا و فعالین حزب توده در نشریه کار افزایش یافت.»

### بیانیه انشعاب

پیش از آن که بیانیه انشعاب انتشار یابد، برخی اخبار از تشکیل فراکسیونی مرکب از مخالفین خبر می‌داد؛ خصوصاً آن که برخی اقدامات آنان از جمله قطع کمک‌های مالی گروه ترجمه و نشر به شعبه مالی که بیش از سه ماه نیز ادامه داشت، به سوءظن‌ها دامن می‌زد؛ حتی در این فاصله سازمان تهران توانسته بود با انتشار مخفیانه چند بخشنامه از برخی اعضا نظرخواهی کند. تحقیقات انجام شده از سوی مرکزیت سازمان شکل گرفتن یک فراکسیون را تأیید می‌کرد. موضوع در هیأت سیاسی مطرح شد. فرج‌الله کاظمی که تا واپسین روزها در جلسات مخالفین شرکت می‌کرد، در هیأت سیاسی سکوت اختیار کرد. بنابراین هیأت سیاسی ضمن

۱. نقی حمیدیان، همان، ص ۳۹۵.

۲. سهراب، ارگان مباحث نخستین کنگره سازمان فدایی، طرح بحثی مقدماتی پیرامون نقد عملکرد سازمان، در راه کنگره؛ شماره ۱، شهریور ۱۳۶۸.

قبول وجود فراکسیون، هنوز آن را جدی تلقی نمی‌کند. از سوی هیأت سیاسی مهدی فتاپور و جمشید طاهری پور مأموریت می‌یابند تا با کشتگر و هیبت‌الله معینی گفت‌وگو کنند. گزارش آنان به هیأت سیاسی حکایت از آن داشت که فراکسیونی در کار نیست. اما وجود فراکسیون واقعیت داشت. منشعین، بعدها اقرار کردند: «ما نیز دست به اقدامات فراکسیونیستی زدیم و این اقداماتمان را با روش‌های نادرست آنها توجیه نمودیم.» منشعین اقدام فراکسیونیستی خود را ناشی از «فقدان سانت‌رایسم دمکراتیک» در سازمان و «بی‌اعتقادی به نیروهای تشکیلات» در رأس سازمان می‌دانند.<sup>۱</sup>

فرخ نگهدار نیز وجود مخالفین را امری طبیعی دانسته و اظهار امیدواری کرد که آنان از سازمان جدا نخواهند شد «و با حزب هم می‌آیند ولی نظراتشان را نگه می‌دارند و می‌چسبند به جریانات و فراکسیون‌های درون حزبی»؛<sup>۲</sup> اما چند روز بعد یعنی در شانزدهم آذر در میان ناپاوری هیأت سیاسی و پس از گذشت چند ماه کش‌وقوس، انشعابیون بیانیه خود را تحت عنوان «در راه تدارک نخستین کنگره سازمان، با انحلال‌طلبی مبارزه کنیم، از وحدت اصولی دفاع نماییم!» صادر کردند. بیانیه به راه پرفراز و نشیبی که سازمان پس از انقلاب پشت سر نهاده و به تند پیچ‌های پرخطر، پرتگاه‌ها و ورطه‌های هولناکی که «سرافرازانه» از آن عبور کرده اشاره کرده و می‌گوید: «ما از نفی دستاوردهای ارزنده انقلاب، از انکار ماهیت ملی و ضدامپریالیستی حکومت جمهوری اسلامی ایران، از برخوردهای شتابزده و آسیب‌رسان نسبت به مسئله ملی خلق‌های میهن که از قعر دریافت‌های مغشوش از مضمون انقلاب دمکراتیک» حاصل شده بود به بلندای خط‌الرأسی رسیده‌ایم که می‌توانیم با پشتوانه مارکسیسم - لنینیسم به پیش بتازیم و در این روند رشد و تکامل خود مشی‌چریکی را به کناری نهاده و از روش‌های التقاطی دست شسته و با گرایشهای کودکانه چپ، با مائوئیسم و پلشتی‌های یأس‌آور و نفرت‌انگیز آن و با

۱. سهراب، همان.

۲. پیرامون اقدامات فراکسیونیستی انحلال‌طلبان، کار اکثریت، جناح کشتگر؛ شماره ۱۴۵، مورخه ۶۰/۱۱/۷.

آنارشسیسم خط و مرز کشیده و اکنون در این مسیر «مسئله وحدت به بحث محوری سازمان و جنبش کمونیستی ایران تبدیل شده است.» که چگونگی پیشبرد آن در سرنوشت جنبش کمونیستی و «مستقیماً در سرنوشت جنبش خلق» تأثیر خواهد نهاد. بیانیه، پلنوم آذرماه سال ۱۳۵۹ را نقطه عطفی در حیات تکاملی سازمان می‌داند. زیرا در این پلنوم بود «که رهبری سازمان شکوه و عظمت نظام جهانی سوسیالیسم، اهمیت تعیین‌کننده جنبش جهانی کمونیستی و جوهر انقلابی خط‌مشی عمومی جنبش کمونیستی را به گونه‌ای روشن و همه‌جانبه ترسیم کرد.» و نیز انتشار اسناد مربوط به گردهمایی احزاب کمونیست و کارگری در سال‌های ۱۹۵۷، ۱۹۶۰ و ۱۹۶۹ را به عهده مرکزیت سازمان نهاد. از همینجا مسئله وحدت رخ نمود.

بیانیه می‌افزاید مسئله وحدت با حزب توده در گذشته نیز در دستور کار سازمان بود؛ ولی درک آنان از مبانی وحدت و نیروهایی که باید حزب طبقه کارگر را تشکیل دهند، متفاوت از درک امروزی آنان بوده است. زیرا پس از پلنوم آذرماه ضرورت وحدت، از درک جدید از خط‌مشی جنبش جهانی کمونیستی و الزامات عینی وحدت در صفوف طبقه کارگر حاصل شده است و این امر ادامه منطقی تحولات درون سازمان بود. اما مسئله وحدت به صورت ناقص و انحرافی در مقاله درباره مرزبندی در جنبش کمونیستی و وظایف مطرح گردید که فرسنگ‌ها با وحدت اصولی و پایدار جنبش کمونیستی فاصله داشت.

بیانیه می‌افزاید که در سطح رهبری سازمان دو درک متفاوت از وحدت وجود داشت. یک درک که جوهر آن در مقاله درباره مرزبندی... ارائه شده بود؛ که درکی آشتی‌طلبانه و مکانیکی بود؛ و درک دیگر اصولی و لینی بود که با انتشار مقاله مرزبندی نیز مخالفت داشت و برای جلوگیری از نشر آن تا واپسین لحظات پیش از انتشار مقاله تلاش کرد. زیرا بینش ناظر بر مقاله مرزبندی از هرگونه مبارزه در راه شناخت و زدودن انحرافات راست‌روانه جنبش کمونیستی سر باز می‌زد. این بینش اصولاً سازمان را برای بررسی و کشف علل ضعف و پراکندگی جنبش کمونیستی ایران فاقد صلاحیت می‌دانست و فقط خواهان پیوستن تدریجی سازمان به حزب توده بود و کوچکترین انتقاد از آن حزب را

بر نمی‌تابید؛ به طوری که چند سطر از سرمقاله شماره ۵۹ کار به خاطر اشاره به برداشت‌های نادرست حزب توده حذف گردید.

بیانیه تصریح می‌کند که در جریان انقلاب بهمن، سازمان از یک جریان کوچک چریکی به جریان اجتماعی تبدیل گردید؛ اما به خاطر ضعف رهبری، عدم انسجام ایدئولوژیک سازمان، فقدان برنامه و خط‌مشی مشخص که خود ناشی از بینش التقاطی سازمان بود نتوانست به وظایف خود عمل کند. بیانیه می‌افزاید پس از انقلاب بهمن جنبش کمونیستی عموماً و سازمان خصوصاً با انحراف به چپ مواجه بودند که در اشکال دگماتیسم و سکتاریسم و انقلابیگری خرده‌بورژوازی جلوه‌گر شد؛ اما چون مبارزه علیه انحراف چپ در سازمان اصولی نبود، گرایش انفعالی و انحلال‌طلبانه در آن رشد کرد و زمینه پذیرش برنامه رهبری حزب توده فراهم آمد.

بیانیه‌نویسان ضعف ایدئولوژیک سازمان را موجبی می‌دانند برای آنکه در هر مقطع، فقط جنبه‌هایی از مارکسیسم - لنینیسم مورد توجه قرار گیرد و این از افراط به تفریط غلتیدن و مطلق‌گرایی را در پی داشت. زمانی چنان مشی مسلحانه و گذشته را نفی کردند که واژه چریک به واژه‌ای تحقیرآمیز تبدیل شد و زمانی جز تقابل قهرآمیز مسلحانه با حکومت در جهت سرنگونی آن راه دیگری نمی‌یافت. این بینش مطلق‌گرا پس از قیام گاه «سازمان را به پرهیز هر چه بیشتر از خط‌مشی جنبش جهانی کمونیستی سوق می‌داد و سرزمین انقلاب اکتبر را زرادخانه رویونیسم می‌نامید و خیره‌سرانه از آفتاب طالع جنبش جهانی کمونیستی روی برمی‌تافت»؛ و زمانی که به افراط می‌غلتید «بی‌درنگ بدون توجه به تجارب عمیق جنبش جهانی کمونیستی فتوای اخراج تمامی احزابی که از موضع چپ یا راست با اسناد گردهمایی بین‌المللی برخورد کرده بودند، از جنبش جهانی کمونیستی صادر» می‌کرد.

بیانیه می‌افزاید که تدریجاً مسلم شده که اغلب اعضای کمیته مرکزی به دلیل ضعف ایدئولوژیک و غلبه بینش مطلق‌گرا در آنان و به دلیل پراگماتیسم در مبارزه با انحراف چپ و با وجود دوری از مائوئیسم و آنارشیزم به «موضع

جانبداری از پیوستن بی‌چون و چرای سازمان به حزب توده در غلطیده‌اند.» این اعضا گرچه به درستی بر انحراف چریکی در سازمان انگشت نهاده‌اند، ولی طرح نادرست آن، به حزب توده حقانیت بخشیده است؛ در حالی که اگر مشی سازمان «انقلابیگری خرده‌بورژوایی» بوده، مشی حزب توده نیز «از مرداد ۱۳۳۲ تا بهمن ۱۳۵۷ غیرانقلابی و رفرمیستی بوده است»؛ و اگر دیدگاه سازمان در گذشته نسبت به انترناسیونالیسم پرولتری واجد انحرافات اساسی بوده، این امر نمی‌تواند توجیه‌گر «درک نادرست حزب توده ایران از انترناسیونالیسم پرولتری که عملاً به زهر ناسیونال‌نهیلیسم آلوده» بوده است، باشد.

بیانیه‌نویسان می‌گویند که تا سال ۱۳۲۲ حزب توده به رغم تمامی انحرافات و اشتباهاتش تنها نماینده جنبش کارگری ایران به شمار می‌رفت و نام حزب توده و کمونیسم در هم پیچیده بود. بنابراین نیروهای معتقد به آرمانهای پرولتاریا از دریچه حزب توده به جنبش جهانی کمونیستی و به ویژه اتحاد جماهیر شوروی می‌نگریستند. در نتیجه، سلب اعتماد از حزب توده در دهه چهل به رشد مائوئیسم و سلب اعتماد از جنبش جهانی کمونیستی منجر گردید. بنیانگذاران سازمان نیز نظرات و عمل رفرمیستی حزب توده را مبنای داوری درباره جنبش جهانی کمونیستی قرار دادند که اتفاقاً حزب توده به این شیوه برخورد با جنبش جهانی کمونیستی دامن می‌زد؛ زیرا می‌توانست انحرافات خود را در پناه اعتبار جنبش بپوشاند. در نتیجه «اگر تا چندی پیش کمترین تشابه موضع با حزب توده ایران چه در پهنه برخورد با جنبش کمونیستی و چه در عرصه مسائل مربوط به استراتژی و تاکتیک گناهی کبیره محسوب می‌شد»، این بار نقد برنامه عمل حزب توده با عنوان «آنتی کمونیسم» مورد حمله قرار می‌گرفت؛ زیرا از نظر این عده پذیرش خط‌مشی عمومی جنبش جهانی کمونیستی فقط از معبر حزب توده ممکن می‌شد. به عقیده این انحلال‌طلبان «اساساً هرگونه اظهارنظر در مورد مسائل مربوط به خط‌مشی جنبش جهانی کمونیستی» بیرون از صلاحیت سازمان بود و این «معنایی جز انحلال سازمان و گردن نهادن به درک شخصی حزب توده ایران از این مسائل» نداشت.

بیانیه ادامه می‌دهد که مقاله «درباره مرزبندی در جنبش کمونیستی و وظایف



ما» مندرج در شماره ۹۷ کار وحدت غیراصولی را تئوریزه می‌کند که پس از انتشار آن مباحث گسترده‌ای را در سطح حوزه‌های سازمانی و در سطح هواداران برانگیخت؛ ولی انحلال‌طلبان که «خواستار وحدت غیراصولی و ادغام سازمان در حزب توده» بودند به این انتقادات واقعی نهادند و تنها در مقطع پلنوم اسفندماه ۱۳۵۹ اندکی کوتاه آمدند، ولی سرانجام در پلنوم مرداد ۱۳۶۰ اعلام کردند «که برنامه حزب توده را به طور کامل می‌پذیرند و هدف از وحدت را نه تشکیل حزب طراز نوین طبقه کارگر از طریق نفی دیالکتیکی سازمان ما و حزب توده ایران بلکه صرفاً تحکیم حزب توده ایران از طریق ادغام سازمان در آن می‌دانند» و این پذیرش «بدون کمترین میزان تحقیق و مطالعه صورت گرفت» و وحدت سازمانی بر وحدت ایدئولوژیک تقدم یافت.

بیانیه‌نویسان تأکید دارند برخلاف انحلال‌طلبان که برنامه حزب توده را به طور کامل پذیرفتند، خود به این برنامه انتقاد دارند. زیرا «بر پایه درکی نادرست از مرحله کنونی انقلاب ایران و از نیروهای محرکه آن تدوین شده است»؛ و برنامه حزب توده بر اساس درکی نادرست از ساخت اقتصادی ایران تدوین شده است و آن را نیمه فئودالی - سرمایه‌داری وابسته می‌داند. این درک عقب‌مانده «باعث مبالغه در نقش بقایای نظام فئودالی گردیده و به نقش وابستگی تکنولوژیک و نقش سرمایه‌داری صنعتی و مالی در وابستگی اقتصاد ایران بی‌توجه مانده است؛ و لاجرم به نقش طبقه کارگر، بهای لازم داده نشده است و حتی فاقد تحلیل طبقاتی دقیقی از آرایش طبقات اجتماعی» است.

بیانیه، وحدت حزب و سازمان را «تنها از طریق نفی دیالکتیکی دو جریان» ممکن می‌داند. بنابراین در انتقاد از پلنوم مردادماه می‌نویسد حق تعیین خط‌مشی وحدت که در پلنوم اسفندماه ۵۹ به کنگره سپرده شده بود، در پلنوم مرداد ۶۰ نقض گردید و «خط‌مشی انحلال تدریجی سازمان و ادغام خزنده و گام‌به‌گام آن در حزب توده به تصویب» رسید. بلافاصله پس از پلنوم روند ادغام آغاز گردید و انتشار بیانیه مشترک با حزب توده با عنوان «چگونه بر دشواری‌های تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب شکوهمندمان چیره شدیم؟» در آبان ماه ۱۳۶۰، به

معنای پذیرش برنامه و رهبری حزب توده بود و این امر تا بدانجا پیش رفت که حتی «انحلال هیأت سیاسی» در جلسات سازمان مطرح می‌شد.

بیانیه‌نویسان درباره امر وحدت با حزب پیشنهاد می‌دهند که اولاً اجرای قطعنامه مردادماه متوقف گردد؛ ثانیاً تدارک برگزاری نخستین کنگره سازمان آغاز گردد تا در آن درباره وحدت تصمیم گرفته شود؛ و ثالثاً بلافاصله یک مبارزه ایدئولوژیک در مورد مسائل مورد اختلاف جریان یابد.

اما بیانیه‌نویسان که می‌دانستند با این پیشنهادها موافقت نخواهد شد، اعلام کردند که برای انجام «وظیفه تاریخی» خود و «به عنوان بخش بزرگی از سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت - تدارک نخستین کنگره واقعی و دمکراتیک سازمان را آغاز» خواهند کرد.<sup>۱</sup>

با علنی شدن انشعاب، حزب توده از انشعابیون خواست که در تصمیم خود تجدیدنظر کنند. این حزب همچنین به مرکزیت سازمان توصیه می‌کرد که با کند ساختن روند وحدت مانع تحمیل انشعاب به سازمان شوند؛ اما این توصیه‌ها حاصلی دربر نداشت.

منشعبین مرکب بودند از: علی محمد فرخنده جهرمی معروف به کشتگر؛ هیبت‌الله طیب غفاری؛ بهروز سلیمانی؛ هیبت‌الله معینی چاغروند؛ محمد اعظمی؛ ناصر رحیم‌خانی؛ فیروز قریشی؛ مهرداد پاکزاد؛ رضا ابرقویی؛ اکبر سیفی؛ علیرضا هادی‌طلب؛ فرهاد نعمانی؛ مسعود انصاری؛ قاسم عصاره؛ ایرج نیری؛ منوچهر هلیل‌رودی و ستار کیانی. گویا فرج‌الله ممبینی کاظمی که موضعی بینابین داشت با پادرمیانی حزب توده به انشعاب نپیوست.

### واکنش مرکزی سازمان به انشعاب

متعاقب این انشعاب، کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق در بیستم آذر «برای

۱. بیانیه انشعاب، ۱۶ آذر، در راه تدارک نخستین کنگره سازمان فدائیان خلق - اکثریت - با انحلال‌طلبی مبارزه کنیم، از وحدت اصولی دفاع نماییم، مورخه ۶۰/۹/۱۶.

بررسی اقدامات وحدت‌شکنا و توطئه‌گرانه «کشتگر و هلیل‌رودی تشکیل جلسه داد. پلنوم کمیته مرکزی در قطعنامه‌ای که صادر کرد یک هفته به انشعابیون فرصت داد که به سازمان بازگردند و در غیر این صورت اخراج خواهند شد. این بیانیه آب پاکی روی دست انشعابیون ریخت و اعلام کرد عزم برای ایجاد وحدت بین حزب و سازمان تزلزل‌ناپذیر است. کمیته مرکزی همچنین در اعلامیه‌ای که به همین مناسبت صادر کرد تصریح نمود که افکار کشتگر و دوست او هلیل‌رودی افکاری شبه مائوئیستی لیبرالی و راست‌روانه می‌باشد که در سطح سازمان مطرود واقع شده است. کمیته مرکزی در برخورد رودرو صراحتاً به آنان اعلام کرده بود که هر گام ایشان در دور شدن از سازمان و هر قدم ایشان علیه حزب توده ایران با استقبال جبهه ضدانقلاب مواجه خواهد گردید. کمیته مرکزی در پاسخ به شبهه‌افکنی منشعبین مبنی بر غیرقانونی بودن تصمیمات پلنوم مردادماه اظهار می‌دارد که شرکت حزب توده ایران در مباحثی که به امر وحدت حزب و سازمان بازمی‌گردد نه تنها تصمیماتی منطقی، مسئولانه و وحدت‌طلبانه و تماماً صحیح به شمار می‌روند؛ بلکه تصمیم‌گیری پیرامون آنها فقط از حقوق و اختیارات کمیته مرکزی سازمان است. این تصمیمات مربوط است به همکاری حزب و سازمان در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی، مشاوره و همفکری درباره مهم‌ترین مسائل سیاسی روز و شرکت مؤثر حزب در مباحث مربوط به وحدت. بنابراین سخن کسانی که تصمیمات پلنوم مرداد را خارج از اختیار کمیته مرکزی می‌دانند، «یاوه‌ای است که از دهان انحلال‌طلبان بیرون می‌آید».<sup>۱</sup>

به رغم اشتیاق و بی‌صبری سازمان برای وحدت با حزب، هنوز ابعاد چگونگی و خط‌مشی وحدت برای آنان روشن نیست. سازمان نه راه خود را و نه راه حزب را راه طبقه کارگر نمی‌داند؛ بلکه معین شدن راه طبقه کارگر را به وحدت حزب و سازمان منوط می‌سازد.<sup>۲</sup> فرخ‌نگهدار نیز در توضیحات خود

۱. کاراکثریت؛ شماره ۱۴۰، مورخه ۶۰/۹/۲۵.

۲. همان.

۳. تصمیمات تاریخی پلنوم مرداد، کار؛ شماره ۱۴۱، مورخه ۶۰/۱۰/۲.

درباره این انشعاب تأکید کرد که هیچ مسئله تئوریکی باقی نمانده که مانع وحدت حزب و سازمان گردد؛ زیرا در جریان مبارزه ایدئولوژیک هر دو به درک واحد از مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری دست یافته‌اند، این در حالی است که انشعابیون تلاش می‌کنند تا راهی برای خارج کردن حزب توده از جرگه احزاب طبقه کارگر جهان بیابند. نگهدار در مقام دفاع از حزب توده می‌نویسد که امثال کشتگرها حزب توده را حزب طراز نوین طبقه کارگر نمی‌دانند؛ زیرا به زعم آنان فاقد ویژگی‌هایی است که تئورسین‌های برجسته کمونیستی جهان برای چنین حزبی برشمرده‌اند. در حالی که باید توجه داشت همان تئورسین‌ها حزب توده را به عنوان حزب طراز نوین پذیرفته‌اند. نگهدار هشدار می‌دهد راهی که انشعابیون برگزیده‌اند، همان راهی است که پیش‌تر خلیل ملکی، فروتن و قاسمی برگزیدند و انتهای آن زباله‌دان تاریخ است.<sup>۱</sup>

جمشید طاهری‌پور نیز اظهار داشت کشتگر و هلیل رودی مایلند با درازگویی و بحث و جدل‌های بی‌سرانجام، سازمان را از یک گردان رزمنده پیشاهنگ طبقه کارگر به باشگاه بحث‌های روشنفکرانه تبدیل کنند. طاهری‌پور آنان را متهم می‌کند که پرسشنامه‌هایی انحرافی در درون تشکیلات توزیع کردند و رهنمودهایی دادند که چگونه علیه سازمان مبارزه شود و رهبری را بی‌اعتبار سازند. آنها پنهان از رهبری نظرات خود را تدوین کردند و مخفیانه در درون تشکیلات توزیع نمودند.<sup>۲</sup>

پس از انشعاب، دبیرخانه کمیته مرکزی طی نامه‌ای به وزیر کشور اعلام کرد علی محمد فرخنده جهرمی (کشتگر)، هیبت‌الله معینی چاغروند و ابراهیم شفیعی (منوچهر هلیل رودی) به علت نقض اساسنامه سازمان و تخطی از خط مشی از سازمان اخراج شده‌اند. ولی این عده همچنان از نام سازمان غاصبانه استفاده می‌کنند و «کمیته مرکزی هیچ‌گونه مسئولیتی در قبال اعمال و مواضع این افراد بر

۱. کاراکتریت؛ شماره ۱۴۰، مورخه ۶۰/۹/۲۵.

۲. مصاحبه جمشید طاهری‌پور پیرامون اقدام توطئه‌گرانه کشتگر - هلیل رودی، کار؛ شماره ۱۴۱، مورخه ۶۰/۱۰/۲.

عهده نداشته و هیچ اجازه‌ای جهت استفاده از نام و علائم و نام نشریات سازمان برای آنها قائل نشده است.<sup>۱</sup> سیل دشنام‌ها و اتهامات از سوی کمیته مرکزی به طرف منشعبین روانه شد. آنان متهم شدند که در لوای مارکسیسم - لنینیسم به روی اردوگاه سوسیالیستی که تجسم زنده آرمان و جهان‌بینی مارکسیسم - لنینیسم است، تیغ می‌کشند. به آنان یادآوری شد که انترناسیونالیسم پرولتری را لگدمال می‌کنند. منشعبین کودتاچیان خطاب شدند که ابتدایی‌ترین اصول لنینی سازمان سیاسی طبقه کارگر و موازین سانترالیسم دمکراتیک را نقض کردند. آنان روشنفکران فردگرایی بودند با گرایش‌های بلانکیستی، پلخانفیستی، تروتسکیستی و مائوئیستی.

کمیته مرکزی، عناصری را که به کشتگر و هلیل رودی پیوستند، به سه گروه تقسیم می‌کند؛ که هر یک دارای روحیات و انگیزه‌های متفاوت می‌باشند. گروه اول هلیل رودی‌ها هستند که هیچ جایی در یک سازمان کمونیستی ندارند. گروه دوم کشتگری‌ها هستند که چون تروتسکی دچار بیماری روشنفکرانه و خطرناک می‌باشند؛ و گروه سوم افرادی هستند که به علت بی‌اطلاعی از پیچیدگی حوادث عجولانه تصمیم گرفتند.<sup>۲</sup>

نظریات این گروه، فراکسیونی و آغشته به انحرافات سکتاریستی و ناسیونالیستی معرفی شد. مرکزیت سازمان ادعا کرد که تنها مائوئیست‌ها و تروتسکیست‌ها و نظایر آنها هستند که از طریق فراکسیون‌سازی در صفوف احزاب برادر شکاف ایجاد می‌کنند. از طریق فراکسیون‌اندیشه بورژوایی درون حزب نفوذ می‌کند؛ زیرا فراکسیون محیط مستعدی برای رشد اندیشه بورژوایی است.<sup>۳</sup>

منشعبین، توطئه‌گرانی خوانده شدند که دست‌اندازی به روی اموال و وسایل سازمانی؛ رواج شایعات دروغ؛ و جمع‌آوری نیرو با ناسالم‌ترین انگیزه‌ها فقط

۱. نامه دبیرخانه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به جناب حجت‌الاسلام

ناطق نوری وزیر محترم جمهوری اسلامی ایران، به شماره ۴-۱۱۲، مورخه ۶۱/۱/۱۹.

۲. مبارزه با وحدت زیر پوشش وحدت‌طلبی، کار اکثریت؛ شماره ۱۴۲، مورخه ۶۰/۱۰/۹.

۳. علیه فراکسیون‌یسم، کار اکثریت؛ شماره ۱۴۵، مورخه ۶۰/۱۰/۳۰.

بخشی از فهرست طولانی کارهای «شرم‌آور» آنان بود؛ به طوری که حتی «اقلیت و اشرف» هم به این شیوه‌ها و اقدامات برای پیشبرد مقاصد خود متوسل نشدند.<sup>۱</sup> اکثریت همچنین به اتهام انحلال‌طلبی که گروه کشتگر به آنان نسبت داده بود پاسخ می‌دهد. آنان می‌نویسند انحلال‌طلبان حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه، در قبال به رسمیت شناخته شدن، از برنامه و تاکتیک حزب عدول کردند، در حالی که لنینیست‌ها آن را نفی می‌کردند؛ و این اتهام به مارکسیست‌هایی که در شرایط فعلی کشور برای تثبیت حق داشتن حزب مستقل کارگری مارکسیستی - لنینیستی در چارچوب قانون مبارزه می‌کنند، بسیار مضحک و پوچ است. کمیته مرکزی با اشاره به کنفرانس ۱۹۶۱ مسکو که در آن احزاب کارگری جهان پشتیبانی خود را بدون استثناء از تمام احزاب کمونیستی و کارگری جهان که برای فعالیت قانونی در زندگی سیاسی کشور خود مبارزه می‌کنند اعلام داشت، می‌گوید که چنانچه حزب طبقه کارگر بتواند از تجربیات کنونی جنبش جهانی کمونیستی بهره گیرد، شرایط ضرور برای گرد آمدن همه نیروهای ضد سرمایه‌داری در یک جبهه متحد فراهم‌تر می‌گردد.<sup>۲</sup>

مقاله‌ای که فرخ نگهدار به نام «در راه وحدت» نوشت، صریحاً دفاع از حزب توده را بر عهده داشت. نگهدار، مقاله را برای چاپ در اختیار طاهری‌پور سردبیر کار گذاشت؛ ولی طاهری‌پور از چاپ آن امتناع کرد و گفت:

من سردبیر کار هستم و آن را هیچ ارگان سازمانی تصویب نکرده است. رفیق فرخ گفت باید چاپ شود. گفتم که من با این مقاله مخالف هستم و اعتقاد به این نوع سمت‌گیری به طرف حزب و نوع ارزیابی از سازمان ندارم و چاپ نمی‌کنم مگر اینکه جلسه هیأت سیاسی تشکیل شود و هیأت سیاسی به من دستور بدهد. ایستادم. جلسه هیأت سیاسی را در خانه... تشکیل دادند. مقاله را گذاشتند وسط، رأی‌گیری شد. همه رأی دادند به جز من! مقاله چاپ شد و

۱. سند درون‌تشکیلاتی رئوس موارد اختلاف رهبران فراکسیون انشعاب با پیروان اصیل سوسیالیسم علمی.

۲. انحلال‌طلبی چیست؟ و انحلال‌طلب کیست؟ کار اکثریت؛ شماره ۱۴۳، مورخه ۱۶/۱۰/۶۰.

آمدند به من گفتند تو به این دلیل مخالف هستی که حس می کنی اگر با حزب وحدت کنیم، جزو چهار نفر اول نخواهی بود.

فرخ نگهدار مقاله در راه «وحدت» را با نقد مشی چریکی آغاز کرده و یادآور می شود به رغم آن که جنبش چریکی از دوران کودکی مائوئیسم تأثیر پذیرفت، ولی این به معنای پیوند آن با جریان جهانی مائوئیسم نبود و اگر چه از پیوندهای انترناسیونالیستی خالی نبود، ولی نسبت به جنبش کمونیستی جهان خود را بیگانه می دید. نگهدار بر این بیگانگی و جدایی جنبش چریکی از احزاب کمونیستی و کارگری پافشاری می کند. وی از سه جریان مارکسیستی در دهه چهل نام می برد و نسبت آنان را با جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و اردوگاه سوسیالیسم می سنجد. جریان اول را حزب توده نمایندگی می کند که «با موضع گیری قطعی و تردیدناپذیری که حاکی از وحدت فکری آن با اکثریت قریب به اتفاق احزاب کمونیستی و کارگری است همواره مقام و موقعیت خود را در جنبش کمونیستی جهانی به مثابه جزء لاینفکی از آن معین کرده است». جریان دوم جنبش چریکی است که با جنبش کمونیستی احساس یگانگی نداشت؛ و جریان سوم جریانی مرتد است که علیه احزاب کمونیستی - کارگری جهان موجودیت یافته است. بنابراین در این میان این فقط حزب توده بود که «در تمام طول حیات خود هیچ گاه خود را از خانواده احزاب برادر جدا نساخته و اعتماد خود را به حقانیت دستاوردهای اکتبر در عرصه تئوری و زندگی از دست نداده است.» نویسنده انتقاد خود را متوجه گروه های مؤسس سازمان ساخته که به نام جنبش نوین کمونیستی به استقبال انحلال طلبی در سطح ملی و بین المللی رفته و خود را از جنبش جهانی کمونیستی جدا می کنند. گروه بیژن به رغم تفاوت محسوسی که با گروه مسعود در نگرش به جنبش کمونیستی جهانی داشت، نظرات و مواضع مقبول در میان احزاب برادر را کم بها می ساخت و اعتباری برای آن قائل نمی شد. جزئی با پرهیز از روشن کردن موضع خود در برابر حادترین مسایل جنبش

کمونیستی توصیه می‌کرد که جنبش کمونیستی ایران نباید در مسائل کمونیستی جهان مداخله نماید؛ زیرا این دنباله‌روی که ضرورتی برای آن نیست موجب تشدید اختلاف در میان گروه‌های کمونیستی داخل کشور خواهد شد. به گمان نویسنده مقاله، این نگاه جزئی به جنبش کمونیستی جهان «آشکارا آلوده به تبلیغات مسموم و تفرقه‌افکنانه و اعتمادشکنانه مائوئیسم می‌باشد». مقاله هم‌زمانی اوج‌گیری مائوئیسم با آغاز پروسه شکل‌گیری گروه‌های مؤسس سازمان را موجبی برای تأثیرپذیری این گروه‌ها از مائوئیسم و لاجرم تقابل با حزب توده بحران‌زده می‌داند؛ که این امر دو پیامد داشت: اول انکار موجودیت و ردّ حقانیت گردان‌های رزمنده پیشاهنگ طبقه کارگر و مجموعه جنبش کمونیستی جهانی؛ و دوم رها کردن طبقه کارگر، تحقیر آشکار آن و ستایش از روشنفکران انقلابی و روی آوردن به اعمال قهر مسلحانه و تشکیل یک سازمان پارتیزانی مستقل از مبارزه مردم به جای سازمان سیاسی مستقل طبقه کارگر که مبارزه خود توده‌ها را رهبری کند. مقاله با تأکید بر این که جنبش چریکی آمیزه‌ای از مائوئیسم و رمانتیسم انقلابی آمریکای لاتین بود، از کسانی انتقاد می‌کند که «تا دیروز در برابر حزب توده از جنبش چریکی پشتیبانی می‌کردند و امروز با شکست بینش چریکی به حزب می‌تازند که اصلاً تقصیر او بوده که چنین جریانی در جنبش پدید آمده است». اینان نیز به سه دسته تقسیم می‌شوند:

گروهی چون اشرف و اقلیت بر همان مواضع نادرست اصرار می‌ورزند و خود را همراه با مواضعشان در دل تاریخ از نو دفن می‌کنند؛ عده‌ای نیز تقویت سنگری را وظیفه خود می‌یابند که تا دیروز با آن ستیز می‌کردند؛ و گروهی نیز به دورویی پناه می‌برند و می‌کوشند علت ظهور خلیل ملکی‌ها و سقوط آنها را در منجلاب خیانت بر عهده خطاهای حزب توده، علت پیدایش مائو و در منجلاب مائوئیسم را در خط‌مشی و سیاست حزب کمونیست اتحاد شوروی، علت پیدایش و ظهور اقلیت و اشرف را سیاست و خط‌مشی اکثریت، علت پیدایش و شکل‌گیری دسته‌بندی کشتگر - هلیل‌رودی را در رهبری اشتباه‌آمیز! سازمان و علت پیدایش و شکل‌گیری جنبش چریکی را نه در هستی اجتماعی یک



جریان طبقاتی نیرومند و غیرقابل انکار، که در جای دیگر در خارج از آن هستی و به ویژه در مواضع و حرکت حزب توده ایران جستجو کنند. نویسندگان یادآور می‌شود این فکر که حزب توده موجب نفوذ اندیشه‌های مائوئیستی در جنبش چریکی شده خلاف واقع و غلط است، زیرا همواره حزب سدی در برابر این نفوذ بوده و حتی حزب خود قربانی رسوخ اندیشه‌های مائوئیستی در جنبش بوده است. نویسندگان مقاله می‌افزاید به موازات آشکار شدن تباین نظرات چریکی با مارکسیسم در نزد فعالان سازمان، مواضع قبلی سازمان در قبال جنبش جهانی کمونیستی و حزب توده نیز مورد تردید قرار گرفت؛ و پس از تصحیح نگرش سازمان به مهم‌ترین مسائل مربوط به تئوری و سیاست طبقه کارگر، آشکار گردید که همان عواملی که موجب تضعیف حزب توده گردیده بود، ساخت فکری نوآموزان مارکسیسم را نیز تخریب کرده بود و این همان مائوئیسم بود که به صورت گرایش خانمان‌سوز و با تمام توان تخریبی خود که با جمله‌پردازی‌های مافوق انقلابی تو خالی آرایش می‌شد، هم حزب توده ایران را مورد شدیدترین تهاجمات قرار داد و هم محافل نوپایی را که به تازگی به جنبش انقلابی می‌پیوستند.

### پاسخ انشعابیون

منشعبین نیز با انتشار مقاله تاریخ و ضد تاریخ متقابلاً به حملات کمیته مرکزی پاسخ دادند. آنان نوشتند مقاله «در راه وحدت»، چون دیگر مقالات انحلال‌طلبان بر پایه فرضیات بی‌پایه و متناقض به رشته تحریر درآمده است؛ زیرا برای آن که تسلیم به اپورتونسیسم را توجیه سازد، ناگزیر از تقدیس انحرافات حزب توده می‌باشد و چون این امر با توجه به تئوری و پراتیک حزب توده ناممکن است، بنابراین با توضیح شرایط پیدایش و رشد و تکامل سازمان چنین القا می‌کند که «یگانه راه واقعاً انقلابی و درست... همان راهی بود که رهبری حزب توده از

سال‌های ۳۸ به بعد مکرراً توصیه کرده است». این مقاله ادامه می‌دهد که انحلال‌طلبان با درکی پراگماتیستی از مسائل جنبش کمونیستی، ثنوری‌بافی را جایگزین آموزش‌های عام مارکسیسم - لنینیسم نموده‌اند. این مقاله می‌افزاید که نویسنده انحلال‌طلب «در راه وحدت»، پدیده‌ها را به عنوان محصول شرایط مشخص تاریخی مورد مطالعه قرار نداده و تاریخ را نه بر اساس سیر آن در جهان خارج، بلکه بر اساس ایده‌آل‌های مطلوب و نامطلوب خود توضیح می‌دهد. بنابراین این پیدایش سازمان را واقعه‌ای شوم و نامیمون می‌شمارد و ادغام سازمان در حزب توده را اصل قرار داده و سپس تاریخ را بر این اساس بنا می‌کند. نویسنده «در راه وحدت»؛ با لجاجت شگفت‌آوری به تاریخ دهن‌کجی می‌کند و در پی اثبات این فرضیه ضدتاریخی و در عین حال به شدت مضحک است که اصولاً پیدایش و رشد سازمان ما اشتباه و نادرست بوده است. بهترین راه برای حل تمامی مسائل همانا تسلیم به انحرافات عمیق حزب توده است. به گمان جناح کشتگر این انحلال‌طلبان حتی خط‌مشی لنینی مبارزه در راه وحدت را کهنه شده اعلام کردند و خط‌مشی انحلال‌طلبانه خود را به عنوان تنها خط‌مشی درست قلمداد کردند. نویسنده مقاله «تاریخ و ضدتاریخ» سپس ادامه می‌دهد اگر مشی التقاطی چریکی بیش از یک دهه بر جنبش کمونیستی غلبه کرد ناشی از رفرمیسم حاکم بر حزب توده که خود را حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران قلمداد می‌نمود، بوده است و چون این حزب از موضع رفرمیستی با انحراف مشی چریکی و گرایش‌های و نظرات مائوئیستی مبارزه می‌کرد نمی‌توانست در این مبارزه پیروز شود.

جناح کشتگر همچنین در پاسخ به تلاش برای تطهیر حزب توده و به بهانه نقد کتاب سیمای مردمی حزب توده ایران اثر جوانشیر حملاتی متوجه حزب توده نمود و نوشت:

حزب توده در دهه‌های ۲۰ الی ۴۰ اساساً فاقد تحلیل علمی از ساخت اجتماعی-اقتصادی، ساخت طبقاتی و وظایف انقلاب ضدامپریالیستی

ضدفتووالی بوده است و به همین خاطر در ک نادرستی از رابطه میان مبارزات ضدفاشیستی و مبارزات ضدامپریالیستی و مبارزات دمکراتیک داشت. از این رو در انجام وظیفه رهبری مبارزات ضدامپریالیستی دمکراتیک مردم به نیروهای سیاسی بورژوازی ملی متوسل گردید. این حزب همچنین نتوانست مضمون طبقاتی مبارزات ضدامپریالیستی را در تدوین استراتژی طبقه کارگر مورد توجه قرار دهد. در دهه ۴۰ نیز حزب توده به علت تحلیل نادرست از مضمون تحولات اقتصادی و اجتماعی عملاً به مشی غیرانقلابی تن داد.

جناح کشتگر حزب توده را اپورتونیست، فرمیست و «ناسیونال - نیهیلیست» می دانست که در مرحله ضدامپریالیستی - دمکراتیک، انقلاب برای طبقه کارگر و کمونیست‌ها نقش حمایتی قائل بود و اساساً بر ضرورت تأمین هژمونی طبقه کارگر در این مرحله از انقلاب خط بطلان می کشید و در نتیجه نقش رهبری طبقه کارگر را در عرصه ملی نفی می کرد و پیروزی نهایی انقلاب را به خرده بورژوازی محول کرده بود. جناح کشتگر ضمن پذیرش قرار گرفتن طبقه کارگر بین‌المللی و نظام سوسیالیستی در مرکز تحولات انقلابی در عصر گذار از امپریالیسم به سوسیالیسم، آن را عامل کمک‌کننده برای رهبری طبقه کارگر در مقیاس ملی می دانست؛ در حالی که از نظر این جناح، حزب توده و به تبعیت آن رهبری سازمان با استناد به نقش نظام سوسیالیستی در تحولات انقلابی جهان، آن را بهانه‌ای ساخته‌اند تا ضرورت رهبری طبقه کارگر را نفی کرده و با قبول «راه رشد غیرسرمایه‌داری» همه اختیارات خود را به اقشار میانی بسپرنند.

جناح کشتگر نظریه «راه رشد غیرسرمایه‌داری» را که مبنای عمل حزب توده و رهبری سازمان قرار گرفته بود، قبول نداشت و بر این باور بود که «نیروهای خرده بورژوایی، حتی رادیکال‌ترین آنها، نمی‌توانند جامعه را از چارچوب عام سرمایه‌داری خارج سازند؛ بلکه حداکثر می‌توانند به اصلاحات در چارچوب عام

۱. از ویژگی‌های لنینی حزب طراز نوین دفاع کنیم. کار، جناح کشتگر؛ شماره ۱۴۸، مورخه ۶۰/۱۱/۲۸.

سرمایه‌داری - در چارچوب عمومی بورژوادمکراتیک، یعنی ترقی اجتماعی در محدوده سرمایه‌داری - بپردازند.»

جناح کشتگر همچنین معتقد بود که حزب توده منافع ملی را قربانی منافع بین‌المللی کرده و در نقش اردوگاه در تحولات انقلابی کشور اغراق می‌کند و از این طریق ضمن شانه خالی کردن از وظایف خود و مخدوش ساختن استقلال احزاب کمونیست، تمایلات میهن‌پرستانه طبقه کارگر و توده‌ها را نیز نادیده می‌گیرد و بهانه‌ای برای تبلیغ علیه وابستگی کمونیست‌ها به بورژوازی می‌دهد.

اما مخالفت به ظاهر شدید و غلیظ گروه کشتگر با وحدت با حزب توده چندان جدی نبود؛ زیرا آنان به «رفقای انحلال‌طلب» و حزب توده گفتند که اگر به راستی خواهان «وحدت اصولی و پایدار» هستند، «باید از گذشته درس گرفته و زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری اتحاد عمل را فراهم نمایند». این گروه روشن نمی‌کند که این زمینه‌های لازم چیست و یا «ضوابط حاکم بر چنین اتحاد عملی» کدامست؛ ولی یادآور می‌شود که این ضوابط همان ضوابط عام و شناخته شده جنبش کمونیستی است. به عبارت بهتر آنچه را که گروه کشتگر با دست پس می‌زد اکنون در قالب یک مطلب حاشیه‌ای و بی‌اهمیت با پا پیش می‌کشید. این سیاست نتیجه‌بخش بود؛ زیرا آنان توانستند نقبی نیز به درون حزب توده بزنند. گروه کشتگر ادعا کرد که یکی از اعضای حزب در دیدار با یکی از اعضای این سازمان اطلاع داده است که عمویی عضو هیأت سیاسی حزب مایل است با رهبری سازمان ملاقات کند و سازمان نیز چون «پیوسته بر ضرورت شکل‌گیری این روابط اصرار داشت با استقبال از این پیشنهاد دو تن از رفقای رهبری سازمان منجمله یکی از رفقای هیأت اجراییه سازمان را جهت انجام این ملاقات تعیین نمود. متأسفانه به دلایلی که هنوز برای ما روشن نیست رفقای حزب با انجام رسمی این ملاقات موافقت نکردند.»

۱. فدایی ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران؛ دوره دوم، سال اول، شماره ۱۱ اردیبهشت‌ماه ۶۴، ص ۹.
۲. پاسخ به خوانندگان، کاراکتریت، جناح کشتگر؛ شماره ۱۶۱، مورخه ۶۱/۳/۵، ص ۱۹.

گروه کشتگر در پایان آمادگی خود را برای هرگونه ملاقات و همکاری و همفکری با رهبری حزب توده اعلام داشته و تأکید می‌کند که برای نزدیکی و اتحاد عمل با این حزب هیچ‌گونه پیش‌شرطی قائل نیست.<sup>۱</sup>

در میان نقدهایی که گروه کشتگر به حزب توده داشت کمتر می‌توان از رابطه خاصی که حزب توده با اتحاد جماهیر شوروی داشت، نشانی یافت. شاید به گمان آنان این نوع روابط بلاشکال می‌بود. پیروان بیانیه ۱۶ آذر اعتقاد داشتند که حزب فاقد صلاحیت‌های لازم برای ارتباط با شوروی است و از این رابطه خود سوءاستفاده می‌کند. بنابراین مترصد بودند که خود مناسبات مستقلی با شوروی ایجاد کنند. غلامرضا زبردست یکی از اعضای گروه می‌نویسد:

تا آنجا که اطلاع دارم حدود دو الی سه ماه بعد از ۱۶ آذر سال ۶۰ بین دو تن از اعضای هیأت سیاسی سازمان (علی کشتگر، هیت‌الله غفاری) و ۲ تن از اعضای سفارت [شوروی] ملاقاتی صورت گرفت که به گفته هیأت سیاسی یکی از آن دو نفر دبیر دوم سفارت بود که بعداً از ایران اخراج شد. چگونگی سازماندهی و محل اجلاس کاملاً مخفی ماند؛ ولی می‌دانم که بهروز سلیمانی و فرد دیگری به نام مراد از اعضای کمیته مرکزی به همراه هیأت سیاسی در سازماندهی اجلاس نقش داشتند. موضوع مذاکرات را به ما مفصل نگفتند ولی پیرامون وضعیت سازمان، نیروهایش و میزان تیراژ نشریه‌اش، آنان سئوالاتی کردند که از طرف ۲ نفر هیأت سیاسی جواب گفته شد (گویا در مقابل تعداد اعضا گفته بودند حدود ۴۰۰۰ تن و در مقابل تیراژ نشریه کار گفته بودند حدود ۱۰۰۰۰ نسخه در هفته).

قسمت دوم بحث گویا پیرامون علل انشعاب و جدایی از سازمان اکثریت و اختلاف با آنان و حزب توده بود که آنان اظهارنظری نکردند و طبق گفته هیأت سیاسی بیشتر شنونده بودند. پس از آن پیرامون مسائل سیاسی روز به بحث پرداختند که نمایندگان هیأت سیاسی تحلیل آن موقع را که در جزوه/نقلاب

۱. بولتن سیاسی، پاسخی کوتاه به توضیحات لازم حزب توده ایران، شماره ۹، مورخه ۶۱/۷/۲۸، ص ۶.

ایران در راه ترقی اجتماعی منعکس است را مطرح کردند و آنان در این مورد گویا نظرات تکمیلی ارائه می‌دادند و تحلیل را مثبت می‌دانستند. بنا به گفته این دو تن (علی کشتگر و هیبت‌الله غفاری) خود دیر دوم سفارت نسبت به حزب توده موضع منفی داشت. گویا در همین جلسه تحلیل و تفاسیر سیاسی هیأت سیاسی را از روندهای سیاسی کشور به طور کتبی نیز به آنان تحویل دادند. در همین حد مسائل مربوط به رابطه با اعضای سفارت شوروی به من گفته شد که بعداً هیأت سیاسی در این مورد از خودش انتقاد کرد (که چرا به من و تعدادی دیگر از اعضا و مشاورین گفته است). پس از این در پلنوم بعدی تصمیم گرفته شد که پلنوم به هیأت سیاسی این اجازه را بدهد که مسائل امنیتی را که تشخیص می‌دهد نباید با دیگر اعضا و مشاورین مطرح کنند طرح نمایند مگر اینکه دوسوم اعضا خواهان طرح آن باشند که این تصویب شد.

البته بعدها، کشتگر مدعی شد که مخالف دخالت شوروی در این امور بوده است.<sup>۲</sup> به هر تقدیر، انگیزه و نیت منشعبین هر چه بود و هر نگاهی که آنان به حزب توده داشتند انشعاب رقم خورد. انشعابی که خودشیفتگی معمول آن را یک واقعه «تاریخی» دانست و دیگری نیز با توجه به ترکیب انشعابیون آن را «عصیانی روشنفکرانه علیه رهبری اکثریت» خواند و به «گنده‌گویی متفرعانه مشتی روشنفکر» تشبیه کرد.<sup>۳</sup> انشعابیون بعدها از خود انتقاد کرده و گفتند اقدامات مقابله‌جویانه‌شان بی‌نقص نبود. زیرا در انشعاب‌های پیشین با حمایت از کمیته مرکزی بر روش‌های به کار گرفته شده مهر تأیید می‌زدند؛ ولی «این بار که تیغ مستبدان حاکم گردن» خودشان را گرفت و ناگهان خواهان کنگره شدند و پرچم دمکراسی درون‌سازمانی را به اهتزاز درآوردند. در حالی که خود نیز همچون رهبری سازمان واحد به امر دمکراسی درون‌سازمانی بی‌اعتقاد<sup>۴</sup> بودند.

۱. غلامرضا زبردست؛ بازجویی، مورخه ۱۳۶۳/۷/۲۸.

۲. گفت‌وگو با علی کشتگر، سایت انجمن سخن ایران.

۳. غلامرضا زبردست؛ بازجویی مورخه ۱۳۶۵/۲/۱۴.

۴. همان.

دمکراسی درون‌سازمانی به عنوان یک ارزش که باید بدان تمکین کرد پذیرفته نشده بود بلکه دستاویزی بود برای حذف و یا حداقل بی‌اعتبار ساختن رقیب. از این رو کمیته مرکزی گرچه در آغاز استدلال می‌کرد همچنان که سازمان، مشی چریکی را بدون کنگره به کناری نهاد، اکنون نیز می‌تواند بدون کنگره، وحدت با حزب را مصوب و عملی سازد؛ ولی بالأخره با «شیطانی» خواندن کنگره به برگزاری آن تن داد. این بار این منشعبین بودند که با بی‌اعتمادی مطلق به کمیته مرکزی از وعده آنان استقبالی نکردند و راه انشعاب در پیش گرفتند تا بعدها بگویند «ما انشعاب را که می‌توانست به عنوان آخرین راه‌حل درست باشد به عنوان اولین راه‌حل انتخاب کردیم»<sup>۱</sup>

### دامنه انشعاب و پس از آن

صرف‌نظر از کمیت انشعاییون برخی از سازمان‌های مؤثر نیز با انشعاب همراه شدند. گروه ترجمه و نشر مهم‌ترین آنها بود. این گروه که از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان خارج از کشور تشکیل شده بود، به کار ترجمه منابع مارکسیستی اشتغال داشتند. پس از انشعاب این بخش کاملاً تعطیل شد.

بی‌شک این انشعاب گسترده‌ترین انشعابی بود که سازمان را دربر گرفت. تمامی سازمان‌های ایالتی درگیر انشعاب شدند. هر دو جناح ادعا می‌کردند که اکثریت اعضا و هواداران را با خود همراه دارند. گفته شده است «حدود ده، دوازده درصد اعضای سازمان جزو انشعاب بودند»<sup>۲</sup>

پس از آنکه حزب توده در سال ۶۱ ضربه خورد و اعضای رهبری آن به تخلفات خود از جمله دادن اطلاعات به شوروی اعتراف کردند، جناح کشتگر پیروزمندانه آن را «ورشکستگی اپورتونیزم» خواند که حقانیت بیانیه ۱۶ آذر را نشان می‌داد. این جناح بی‌درنگ نوشت که رهبری حزب توده جاسوسی را از

۱. سهراب، همان.

۲. نقی حمیدیان، همان، ص ۳۹۷.

وظایف خود می‌دانست؛ در حالی که جاسوسی از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم انقلابی مردود است.<sup>۱</sup>

اما این جناح نیز خطر را در نزدیکی‌های خود احساس می‌کرد. بنابراین با ایجاد تغییراتی در ساختار، خود را برای خطرات احتمالی آماده می‌کرد. به موجب این تغییرات تعدادی از نیروها به رغم مخالفت هیأت سیاسی و علی‌کشتگر تصفیه شده و ارتباطشان با تشکیلات قطع شد. کلیه کمیته‌های ایالتی جز در سه استان گیلان و خوزستان و مازندران منحل اعلام شد. کمیته ایالتی تهران نیز به چند کمیته تقسیم گردید که در رأس هر کمیته یک نفر از کمیته مرکزی قرار گرفت. بخشی از کمیته مرکزی به همراه تعدادی از افراد کمیسیون‌های سابق به خارج از کشور اعزام شدند.

جناح کشتگر، سال ۶۱ را آغاز «ترمیدور» انقلاب می‌داند. این جناح در پلنوم چهارم خود در خردادماه ۱۳۶۲ عنوان کرد که رژیم جمهوری اسلامی استحاله یافته و به حاکمیت مدافع سرمایه‌داران تبدیل شده است. بر اساس این تحلیل خرده‌بورژوازی با استفاده از موقعیت‌های سیاسی و اقتصادی خود به بورژوازی بوروکراتیک تغییر یافت و در نتیجه ماهیت طبقاتی جناح غالب و کل رژیم دگرگون گردید. مبتنی بر این رهیافت، کار مخفی در دستور قرار گرفت. در جلسه فوق‌العاده مرکزیت در مهرماه ۶۲ واژه «اکثریت» نیز از نام سازمان حذف گردید. پس از ضربه‌ای که در آبان ماه سال ۶۲ به این جناح وارد شد، پلنوم پنجم برگزار گردید. این پلنوم به تعبیر غلامرضا زبردست چیزی نبود جز «دهان باز کردن برای هیچ نگفتن». زیرا پلنوم جز تدارک مقدمات خروج از کشور، دستاوردی دربر نداشت. این جناح بالاخره در پلنوم ششم خود که در فروردین ماه سال ۱۳۶۴ برگزار شد، سرنگونی حاکمیت را به شعار اصلی خود تبدیل کرد. در تیرماه سال ۶۸ جناح کشتگر با سازمان «آزادی کار» پس از چند دور

۱. ورشکستگی اپورتونیسیم؛ نه بن‌بست مارکسیسم؛ نظر کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت پیرامون مصاحبه‌های رهبران حزب توده، چاپ اول، ۶۲/۲/۱۶.



گفت‌وگو و برگزاری کنگره مشترک با شعار «پیروز باد وحدت دو سازمان در راه وحدت صفوف جنبش چپ ایران» به وحدت رسید.

رهبری سازمان آزادی کار به عهده محمدرضا دبیری فرد بود که به همراه چند تن دیگر در سال ۶۰ از اقلیت جدا شده بودند. از وحدت سازمان فدائیان خلق و سازمان آزادی کار، «سازمان فدائی» تشکیل گردید؛ اما این وحدت دیری نپایید.

مدتی بعد کنگره سازمان فدائی «حضور نیروهای سازمان در کردستان و شرکت در جنبش خلق کرد» را تصویب کرد؛ و در اولین پلنوم مرکزیت که در هشتم مردادماه برگزار شد، مقرر گردید برای فراهم آوردن مقدمات این حضور هیأتی از سوی سازمان برای مذاکره با دولت عراق به این کشور سفر کند. گرچه حضور در کردستان عراق به معنای حضور در داخل کشور نمی‌توانست باشد، ولی سازمان فدایی به این نتیجه رسیده بود که باید مبارزه را در داخل کشور گسترش دهد؛ زیرا به گمان آنان «تشکل‌های چپ در طی سالهای گذشته روند تبدیل شدن به سازمان‌های خارج از کشوری را طی کرده» بودند. این وضعیت، مشابه وضعیت حزب توده در دهه سی بود. حیدر در بیان ضرورت انتقال مبارزه از خارج به داخل کشور، وضعیت چپ را بحران زده توصیف می‌کند: «جنبش چپ در مجموعه خود در وضعیت سخت، دردناک و بحرانی قرار دارد. شکست و یا عدم موفقیت مشی گروه‌بندیهای مختلف چپ در بطن شکست انقلاب بهمن و شرایطی که جنبش جهانی کمونیستی با عدم موفقیت‌های جدی و بحرانی روبروست، بحران عمیقی را در جنبش چپ به بار آورده است.»<sup>۲</sup>

حیدر یک بخش از این واقعیت را ناشی از «تشتت ایدئولوژیک - سیاسی و پراکندگی گسترده» نیروهای چپ می‌داند. بخش دیگر این واقعیت از نظر او مربوط است به «هرز رفتن انرژی نیروها در خارج از کشور». بنابراین او راه مقابله با این بحران را انتقال مبارزه به داخل کشور می‌داند تا مبادا گروه‌های چپ

۱. حیدر؛ ضرورت دگرگونی اساسی در راستای گسترش مبارزه در داخل کشور. ارگان مباحث نخستین کنگره سازمان فدایی، در راه کنگره، دوره دوم؛ شماره ۱، شهریور ۱۳۶۸.

۲. همان.

که زمانی به حزب توده انتقاد می‌کردند، خود به آن سرنوشت دچار شوند. او با اشاره به «انباشت رهبری، کادرها و اعضاء در خارج از کشور» و فقدان تشکیلات در داخل کشور می‌افزاید: «ادامه روند کنونی وضع را در آینده از این هم خراب‌تر خواهد کرد. برای آنکه به طور واقعی و جدی بتوان در جهت تقویت تشکیلات در داخل و گسترش فعالیت در ایران گام برداشت، باید روندی که تاکنون طی شده اساساً دگرگون شده و حرکتی در راستای خلاف جریان روند تاکنونی آغاز شود. یعنی برنامه ما در راستای انتقال کادرها و اعضا و از جمله بخشی از رهبری به داخل کشور، تمرکز انرژی بخش تشکیلات خارج کشور در جهت پاسخگویی به نیازمندی‌های داخل کشور و مستحکم نمودن ارتباطات تدوین شود. بدون یک چنین تحولی سخن گفتن از گسترش فعالیت در ایران و تقویت تشکیلات در داخل به شعارهای میان‌تهی بدل خواهد گردید.»<sup>۱</sup> با این ضرورت، سازمان فدایی تصمیم گرفت با اعزام چند نفر به کردستان عراق یک گام به ایران نزدیک شود تا شاید روزی «بخشی از رهبری» نیز به داخل منتقل گردد. سازمان فدایی برای ارتباط با رژیم عراق جهت یافتن پایگاهی در کردستان عراق قرعه فال را به نام علی کشتگر زد.

کمیته مرکزی به رغم مخالفت کشتگر، چون حضور او را در هیأت اعزامی به عراق ضروری تشخیص داد، نام او را نیز برای دریافت ویزا به سفارت عراق ارسال کرد.<sup>۲</sup> پس از موافقت دولت عراق، ناگهان کشتگر پی برد که نمی‌تواند «برای شکست دشمن با شیطان متحد» شود، از همراهی هیأت انصراف داد. بنابراین از هیأت اجراییه سازمان فدائی کنار گذاشته شد. وی در استعفانامه‌ای که در مورخه ۶۸/۹/۲۸ در کیهان لندن چاپ شد، نوشت: «ایجاد مناسبات میان سازمان ما و سازمان امنیت عراق (اداره استخبارات عراق) هیچ مفهومی جز درغلتیدن به زشت‌ترین اصل ماکیاولیستی هدف وسیله را توجیه می‌کند، ندارد.»

۱. همان.

۲. توضیحی پیرامون برکناری رفیق علی از هیأت اجراییه. سازمان فدایی، مورخه ۶۸/۹/۲۳.

انتشار این استعفانامه در نشریه سلطنت طلب کیهان لندن، شاید حاوی این پیام نیز بود که وی سلطنت را بر رژیم بعثی عراق ترجیح می‌دهد اما حتماً کشتگر پیش از وحدت با سازمان آزادی کار از حضور تنی چند از هواداران این سازمان در کردستان عراق که بی‌ارتباط با اداره استخبارات نبوده‌اند، بی‌اطلاع نبوده است. اصولاً استقرار در کردستان عراق بدون جلب حمایت و همکاری با اداره استخبارات امکان‌پذیر نمی‌بود. کشتگر مدعی است هرگاه موضوع ارتباط با دولت عراق در مرکزیت مطرح می‌شد، با آن قاطعانه مخالفت می‌کرد. او می‌افزاید «حالا دیگر پرسش من این است که چرا کمیته مرکزی کوشیده است مرا که تا این حد با سیاست فوق مخالفت کرده‌ام مجبور کند مأمور مذاکره با عراق و مستقیماً مسئول پیشبرد این سیاست باشم؟ چرا کمیته مرکزی با اصرار عجیبی مرا بر سر دوراهی اجرای این سیاست و یا پذیرش تنبیه سازمانی قرار داده است؟» به عبارت دیگر کشتگر از این بابت ناخرسند است که چرا انجام چنین مأموریتی به او واگذار شده است. اگر کس دیگری چنین مأموریتی می‌یافت، کشتگر از رابطه با استخبارات عراق چنین بر نمی‌آشفته؛ همانگونه که این موضوع بارها در مرکزیت مطرح شد و کشتگر مدعی است که با آن مخالفت می‌کرد؛ ولی هیچ‌گاه چنان برنیاشفته که منجر به استعفا شود. متن استعفای او نیز اعتراضیه‌ای است به برکناری اش از هیأت اجراییه و نه به ارتباط با استخبارات عراق. کشتگر در استعفانامه خود همچنین به نقض حقوق اعضا و رواج جعل و دروغ و استفاده از «روش‌های پوسیده‌ای» که حتی فکر آن «عرق شرم بر پیشانی» می‌نشانند در سازمان متبوعش یاد کرده و می‌گوید «صمیمانه به حال کمیته مرکزی و سازمان افسوس» می‌خورد.

از مذاکرات اعضای اعزامی به کردستان عراق با اداره استخبارات آن کشور اطلاعی در دست نیست. اما چنان که پیداست سازمان فدایی «تجربه شکست خورده حزب توده» را تکرار کرد. زیرا حیدر با برزخی خواندن شرایط تشکل‌های چپ می‌نویسد: «دو راه بیشتر وجود ندارد. یا ادامه روند کنونی یا دگرگونی اساسی در جهت سازماندهی مبارزه انقلابی و جدی در داخل کشور. ...

در پیش گرفتن راه نخست و ادامه روند کنونی نتیجه‌ای جز تکرار تجربه شکست خورده حزب توده به بار نخواهد آورد. راه دوم و تمرکز انرژی در راستای مبارزه انقلابی جدی در داخل، تنها راهی است که می‌تواند چشم‌انداز روشنی را پیش رویمان گشوده و...»

اما این سازمان که روش‌های پوسیده‌اش عرق شرم بر پیشانی کشتگر می‌نشانند و باید به حال آن صمیمانه افسوس خورد، برای برخی دیگر نماد دمکراسی بود. یکی از دوستان کشتگر به او نوشت:

من قبل از اینکه به اینجا بیایم ناصر پاکدامن به من زنگ زد و رفیق کاخ‌ساز هم در منزل ما بود که می‌گفتند شما نمی‌دانید چقدر با اهمیت هستید؛ ولی شکست شما شکست دمکراسی در ایران است... پاکدامن را من یکی از محافظه‌کارترین افرادی می‌دانم که می‌شناسم و من نیز اکثراً با او دعوا دارم که تو محافظه‌کار هستی و مرعوب راه کارگر می‌شوی یا اهل حرکت نیستی و نظر نمی‌دهی و... پس حرفی که او زده مشخص کننده این است که ما در ایران مطرح شده‌ایم... الآن می‌بینیم که سازمان کارهایی را انجام داده که در همه جا منعکس شده و از طرفی هم مثلاً هما ناطق (دومین مورخ بعد از آدمیت) در حال حاضر می‌گوید من به این جریان اعتماد دارم، پس این جریان به این دلیل اعتماد ایجاد کرده که مربوط به ما نیست بلکه مربوط به یک فکر و یک نهضت و تحول بزرگ در روشنفکر چپ ایران است که من آن را رنسانس فکری در ایران می‌دانم.

کشتگر بعد از جدایی از سازمان فدایی بار دیگر تحت عنوان سازمان فدائیان خلق فعالیت خود را آغاز کرد. مدت کوتاهی بعد وی در اسفندماه همان سال بیانیه‌ای منتشر کرد با عنوان «یا مرگ یا تولدی دیگر». این بیانیه در حقیقت وداع شرمگینانه‌ای بود با مارکسیسم - لنینیسم. او نوشت که جنبش چپ گرفتار انشعاب و نفاق است و تنها راه پایان دادن به این تشتت و پراکندگی «فراروئیدن

به یک جنبش سیاسی بزرگ» با آرمان‌های سوسیالیستی است. کشتگر با مشاهده اولین ترک‌ها در اردوگاه سوسیالیسم بی‌درنگ از آن فاصله گرفت و به نقد آن پرداخت. کشتگر در این بیانیه به موارد دیگری از اختلاف‌های خود با اعضای سازمان آزادی کار اشاره می‌کند. او می‌نویسد که وی و جناحش «آزادی‌های سیاسی را از اهداف محوری خود» می‌دانستند و تأکید داشتند «سوسیالیسمی که در تضاد با آزادی قرار گیرد، با انسان و با عدالت نیز قطعاً در تضاد قرار خواهد گرفت»؛ ولی جناح مقابل از دیکتاتوری پرولتاریا دفاع می‌کرد و اعتقاد داشت که می‌توان «آزادی را به منظور دفاع از سوسیالیسم محدود کرد». کشتگر مدعی شد که «با فرمولبندی نادرست تبعیت منافع ملی از منافع بین‌المللی مخالف بود»؛ ولی جناح مقابل از «مصالح مشترک کل طبقه کارگر» در عرصه جهانی سخن می‌گفت. جناح کشتگر بر این اعتقاد بود که تحلیل شرایط کنونی جهان معاصر با فرمول‌های گذشته دیگر امکان‌پذیر نیست. زیرا «تحولات کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته و رسیدن آنها به سطحی کیفیتاً نوین از رشد اقتصادی اولاً ذهنی بودن نظریات مربوط به بحران عمومی نظام سرمایه‌داری و فروپاشی قریب‌الوقوع آن را نشان داده و ثانیاً روشن ساخته است که رسیدن جامعه سرمایه‌داری به مرحله انحصاری، به معنای پایان یافتن ظرفیت ظرفیت رشد آن نیست.» و گذشته از آن نظام‌های توتالیتر سوسیالیستی یکی پس از دیگری به دست مردم و با شعار آزادی برچیده می‌شوند. بنابراین عباراتی چون «تضاد اساسی دوران، تضاد میان اردوگاه سوسیالیسم و امپریالیسم است و یا دوران ما گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم است و یا اینکه سوسیالیسم برتری خود را اثبات کرده است»، عباراتی بی‌معناست که جناح مقابل همچنان به آن شعارها وفادار مانده است. کشتگر گفت که هدف نهایی‌شان استقرار سوسیالیسم دمکراتیک و انسانی است. و این «سوسیالیسم در وجه اقتصادی به معنای سلب مالکیت مردم و انتقال آن به دولت نیست. چنین نظامی می‌تواند از طریق بکارگیری اشکال گوناگون مالکیت عمومی، تعاونی و خصوصی و فردی و ترکیب‌های گونه‌گونی از آنها و در عین حال بکارگیری مکانیسم‌های بازار تحقق یابد»؛ اما جناح مقابل بر همان سوسیالیسمی که شکست

آن بر همگان آشکار شده است پای می‌فشرد و علت «بن‌بست کشورهای سوسیالیستی» را در ناتوانی احزاب کمونیست در اجرای درست مارکسیسم - لنینیسم می‌داند و نه در ماهیت آن ایدئولوژی. و بالاخره کشتگر می‌گوید که وی و دوستانش خواستار حزبی چپ و فارغ از جزم‌ها و تعصبات ایدئولوژیک هستند. زیرا انسجام ایدئولوژیک ناممکن و تفرقه‌انگیز است و حداکثر می‌تواند حزبی سربازخانه‌ای ایجاد کند.

گرچه پیروان بیانیه ۱۶ آذر نسبت به جناح دیگر اکثریت زودتر به نقد اردوگاه و ایدئولوژی‌زدایی از سازمان و اصولاً از فعالیت سیاسی پرداخت، ولی هر دو جناح پس از چند سال کشمکش و با مشاهده نتایج رقت‌بار «سوسیالیسم واقعاً موجود» و فروپاشی اردوگاه، به نتایج یکسانی دست یافتند. اما این وداع با مارکسیسم - لنینیسم و ایدئولوژی‌زدایی از کار سیاسی برای هیچ‌کدام فضیلتی محسوب نشد؛ زیرا آنان فرصت‌های گرانبهایی را به قربانگاه ایدئولوژی خود برده بودند.

می‌دانیم نقطه عزیمت مارکسیست لنینیست‌ها برای تعیین وظایف خود در قبال هر حاکمیتی، تحلیل ماهیت طبقاتی و توجه به سمت‌گیری آن حاکمیت است. فداییان اکثریت از جمله پیروان بیانیه ۱۶ آذر با خرده‌بورژوازی دانستن حاکمیت برآمده از انقلاب به طرح شعارها و مطالبات مبتنی بر ایدئولوژی خود پرداختند که امکان تحقق آن مطلقاً وجود نداشت. اکنون کشتگر با به فراموشی سپردن اثرات زیانبار آن مطالبات که به آشفتگی فضای سیاسی کشور انجامید، در چرخشی ایدئولوژیک همه آن شعارها را نفی می‌کند. او اکنون حزبی را وعده می‌دهد که از دموکراسی درونی بهره‌مند خواهد بود. دموکراسی هم در یک فرایند حاصل خواهد شد و هم طیفی را تشکیل می‌دهد. فداییان هیچ‌گاه به دموکراتیسم سازمانی وفادار نبودند و همواره یکدیگر را به نقض آن متهم می‌کردند. آنان حتی دموکراسی را در سازمان خود تمرین نکردند، بنابراین آنان در طیف دموکراسی خواهان جای نداشتند. دموکراسی آنان همانا دیکتاتوری طبقه‌ای بود بر دیگر طبقات. بدین سبب در فرایند دموکراسی نیز اخلال کردند.

این عضو کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق بدون آنکه سهم خود را در

باروری آن اندیشه‌ای که اینک با آن وداع می‌کند روشن سازد و بدون آنکه به سهم خود در دمکراسی‌ستیزی که در یک سوی آن ایستاده بود اعتراف کند، اکنون از «هم‌میهن آزادیخواه و هم‌مرزم فدایی و هم‌مرزم چپ» می‌خواهد که «برای شکل‌گیری یک جنبش مدرن و بزرگ چپ» به او کمک کنند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق - جناح کشتگر - بر این پندار بود که با انتقاد از اردوگاهی که دیگر فروپاشیده بود و با حذف ایدئولوژی از کارزار سیاسی و بدون تعیین و تبیین نقش خود در رویدادهای پس از انقلاب خواهد توانست بار دیگر مخاطبینی بیابد. اما انحلال این سازمان در سال ۷۱ خامی این طمع را آشکار ساخت. بنابراین «تولدی دیگر» در کار نبود.

---

۱. اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران؛ یا مرگ یا تولدی دیگر، مورخه ۲۸ اسفندماه ۶۹ مطابق با ۲۷ فوریه ۹۰.

[www.iran-archive.com](http://www.iran-archive.com)



## خروج از ایران

سازمان فداییان برای وحدت با حزب توده هزینه سنگینی پرداخت. با اندکی تسامح می‌توان ادعا کرد که تمامی انشعاب‌های سازمان در پس از انقلاب، واکنشی بود به روند نزدیکی سازمان به حزب توده. اما این وحدت به رغم اشتیاق فدایی‌ها به علت امتناع و استدلال نورالدین کیانوری دبیر اول حزب توده میسر نشد. حزب زیرکانه استفاده خود را از سازمان برده بود. دیگر وحدت جز در دسر بهره‌ای نداشت.

گرچه حزب و سازمان به وحدت مورد نظر دست نیافتند، روابط آن دو چنان بود که تخلفات بی‌شمار حزب به پای سازمان نیز نوشته می‌شد. پس از آن که در اعترافات سران حزب توده آشکار گردید که حزب دارای سازمان مخفی و سازمان نظامی است، شماری از اعضای سازمان از این بی‌صدافتی حزب برآشفته شدند. اعتراض این عده بدین خاطر بود که چرا حزب با تظاهر به رعایت قانون، رفتاری کاملاً غیرقانونی پیشه کرد و از این طریق سرنوشت سازمان را، که خود را مقید به رعایت قانون می‌دانست، به بازی گرفت. شاید این عده از برخی تخلفات سازمان متبوع خود مانند خروج غیرقانونی از مرز، ارتباط با اعضای سفارت بیگانه، واگذاری سازمان نظامی خود به سازمان مخفی حزب و مخفی کردن سلاح بی‌اطلاع باشند و یا شاید این دست تخلفات در نزد آنان اهمیتی نداشت.

بی‌تردید رفتارهای غیرقانونی حزب و سازمان از نگاه حاکمیت مخفی نبود. اما شاید آنچه که ضربه به حزب را ضرورت و سرعت بخشید اخباری بود که جواد مادرشاهی با خود از پاکستان به تهران آورد. آقای هاشمی رفسنجانی در خاطرات خود می‌نویسد: «عصر مهندس جواد [مادرشاهی] و حبیب [...] که برای گرفتن

اطلاعات از فردی مطلع به پاکستان رفته بودند، آمدند و مطالب جالب و مفیدی که از او گرفته‌اند - درباره عملکرد کا.گ.ب و حزب توده و سیاست آینده شوروی در ایران - گزارش دادند.<sup>۱</sup>

آقای هاشمی رفسنجانی روشن نمی‌سازد که آن اطلاعات چه بود و آن فرد که اطلاعات جالب و مفیدی در اختیار مادرشاهی گذارده بود کیست. ولی می‌دانیم که ولادیمیر کوزیچکین افسر اطلاعاتی «کا.گ.ب» و کارمند سفارت شوروی در تهران، به تازگی یعنی در خرداد ۶۱، به انگلستان پناهنده شده بود. احتمالاً منشأ آن اطلاعات که در اختیار مادرشاهی قرار گرفت کوزیچکین بوده است. می‌توان حدس زد که آن اطلاعات مربوط بوده است به تلاشهای حزب برای براندازی و آمادگی شوروی برای حمایت همه‌جانبه از حزب. اما آیا آن اطلاعات صحیح بوده است؟ آیا نمی‌توانسته فریبی باشد برای نگران ساختن جمهوری اسلامی از شوروی و درگیر ساختن ایران در جبهه سیاسی دیگر؟

بالاخره در بهمن ماه سال ۶۱ حزب توده ضربه خورد. ضربه به حزب توده نمی‌توانست به سازمان امتداد نیابد. آن دو پیکری واحد بودند. چنانکه جبهه دمکراتیک مردم ایران به رهبری محمود اعتمادزاده (به آذین) با حزب توده نیز چنین بود.

روز پس از دستگیری رهبران حزب توده، هیأت دبیران سازمان تشکیل جلسه داد تا در این باره مشاوره کند و تصمیم گیرد. به پیشنهاد عبدالرحیم‌پور خروج رهبران سازمان از کشور قطعی شد. همچنین به پیشنهاد او شوروی به عنوان کشور مقصد انتخاب شد. اعضا و کادرهای سازمان از چند نقطه مرزی که پیش‌تر شناسایی شده بود به اتحاد جماهیر شوروی رفتند تا با چشم خود «سوسیالیسم واقعاً موجود» را از نزدیک ببینند.

سازمان تا این اواخر شوروی را کشوری سوسیالیستی ولی آمیخته با رویزیونیسم می‌دانست، اما تدریجاً نظر خود را به سود سوسیالیستی دانستن شوروی تغییر داد و به مدافع و مبلغ پرشور آن تبدیل شد. به طوری که نوشت:

۱. آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی، کارنامه و خاطرات، مهر ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۲۶۳.

«مردم اتحاد شوروی اکنون به مرحله سوسیالیسم رشد یافته، رسیده و به سوی ساختمان کمونیسم گام می‌نهند.»<sup>۱</sup>

توصیف اکثریت از جامعه شوروی به بروشورهای تبلیغاتی بخش فرهنگی سفارتخانه آن کشور بی‌شبهت نبود: دمکراسی سوسیالیستی به بهترین شکل در جریان بود و «اتوریته اجتماعی در بین توده‌های مردم توزیع موزون‌تری» می‌یافت. اعضای جامعه از طریق «آموزش جهان‌بینی کمونیستی، پرورش موضع کمونیستی در قبال کار، تربیت مردم با روح انترناسیونالیسم پرولتری و میهن‌پرستی سوسیالیستی، تبدیل اخلاق کمونیستی به عادات، تسلط بر علم و تکنولوژی و عشق ورزیدن به دستاوردهای هنری تمام بشریت مترقی» از لحاظ ایدئولوژیک و معنوی به یکدیگر نزدیک‌تر می‌شوند. حتی علم نیز در کشورهای سوسیالیستی نتایج مرغوب‌تری به دنبال دارد: «انقلاب علمی و فنی معاصر در جوامع سرمایه‌داری، نتایج اجتماعی متضادی به وجود می‌آورد. ثمرات عظیم این انقلاب اولاً به علت تضادهای ذاتی نظام سرمایه‌داری میدان کاملی برای ظهور و شکوفایی خود نمی‌یابد و ثانیاً درست به خاطر عملکرد همین تضادها تنها به تشدید تضادهای اجتماعی، افزایش فقر و بیکاری و محرومیت اکثریت توده و تمرکز هر چه بیشتر ثروت در دست اقلیتی استثمارگر و طفیلی منجر می‌شود... اما در نظام سوسیالیستی از آنجا که منافع جامعه بر منافع فرد تفوق دارد و پیشرفت علمی و فنی از وحدتی بنیادی برخوردارند جامعه می‌تواند از دستاوردهای این انقلاب برای کنترل هر چه بیشتر تولید اجتماعی و تکامل همه‌جانبه اعضای خود استفاده کند.»<sup>۲</sup>

از نظر نویسندگان کار نه تنها اتحاد جماهیر شوروی بلکه اردوگاه سوسیالیسم به پیروزی‌های عظیمی در زمینه‌های گوناگون نائل آمده بود و ضمناً با اتکا به این اردوگاه روند انقلاب جهانی به سوی سوسیالیسم شتاب گرفته بود. در این

۱. اردوگاه سوسیالیستی و نقش آن در روند انقلاب جهانی، کار؛ شماره ۱۱۱، مورخه ۶/۳/۶۰.

۲. شوروی با گام‌های سنجیده در راه کمونیسم، کار؛ شماره ۹۹، مورخه ۶/۱۲/۵۹.

اردوگاه اولاً بدان خاطر که مالکیت سرمایه‌داری ملغی شده است اساس اقتصادشان یکسان است و ثانیاً به علت حاکمیت طبقه کارگر نظام سیاسی یکسانی نیز دارند و بالاخره ایدئولوژی مشترک و یکسانی هم دارند و «این وحدت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زمینه عینی روابط رفیقانه مستحکم را در درون اردوی سوسیالیستی فراهم می‌نماید که همانا تجلی‌گر انترناسیونالیسم سوسیالیستی است» و از همه مهمتر دموکراسی در این اردوگاه است «دموکراسی سوسیالیستی، دموکراسی را از شعار به واقعیت تبدیل ساخته است حال آنکه در کشورهای سرمایه‌داری این دموکراسی عملاً به صورت ظاهری و تشریفاتی وجود دارد.» و از رهگذر این دموکراسی حق کار؛ استراحت، تفریح، آموزش، بهداشت و امنیت اجتماعی تأمین می‌گردد.<sup>۱</sup>

صدها پژوهش و کتاب و مقاله درباره ناهنجاری‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه شوروی و ناتوانی مارکسیسم در اداره کشور، به عنوان تبلیغات بورژوایی و امپریالیستی مورد انکار قرار گرفت و به کناری نهاده شد. فداییان خلق اصرار داشتند که چشم بر واقعیات ببوشند. آنان شائق بودند «معجزات و کرامات بهشت موعود زمینی» را به چشم خود ببینند، اما «در همان دو سه ساعت اول ورود به اتحاد شوروی احساس ناخوش‌آیندی نسبت به این کشور در آنان جوانه زد.»<sup>۲</sup>

۱. اردوگاه سوسیالیستی و نقش آن در روند انقلابات جهانی، کار؛ شماره ۱۱۱، مورخه ۶/۳/۶۰.

۲. نقی حمیدیان، همان، ص ۴۰۹.

## نشست‌های مرکزیت

هنگامی که فرخ نگهدار و علی توسلی در مسکو با اولیانفسکی ملاقات کردند، اولیانفسکی<sup>۱</sup> به آنان گفت که شهر زیبای تاشکند را برای استقرار اعضای سازمان در نظر گرفته‌اند. تدریجاً کادرهای سازمان از نقاط مختلف خود را به تاشکند رساندند. پس از استقرار در این شهر و عادی شدن روال زندگی، اختلافات درونی که مدتی پنهان مانده بود بار دیگر آشکار گردید. این اختلافات باید در یک پلنوم مورد بحث و بررسی قرار می‌گرفت تا شاید راهی برای کاستن از آن یافت می‌شد. در مهرماه سال ۶۳ پلنوم مرکزیت برگزار گردید و چند قطعنامه صادر کرد. اما انتظارات تأمین نشد و نتوانست از شدت اختلافات بکاهد. در اواخر سال ۶۳ اختلافات چنان اوج گرفت که تدارک پلنومی دیگر در دستور کار هیأت سیاسی قرار گرفت. پس از تصویب در این هیأت تدارک مقدمات برگزاری آن به شعبه تشکیلات ابلاغ گردید. انتخاب افراد برای شرکت در پلنوم از موضوعات مورد مناقشه بود. در آن زمان هیأت سیاسی از سه جناح تشکیل می‌شد. جناح چپ مرکب بود از فرج‌الله ممینی کاظمی، قربانعلی عبدالرحیم‌پور، نقی حمیدیان، بهزاد کریمی و علیرضا میرمؤیدی؛ و جناح راست از فرخ نگهدار، علی توسلی و جمشید طاهری‌پور تشکیل می‌شد. اصغر سلطان‌آبادی، مهدی

---

۱. پروفیسور روستیلاو اولیانفسکی دارای دکترای اقتصاد، استاد دانشگاه مسکو و نویسنده کتب تحقیقی در زمینه‌های تاریخ و تئوری جنبش‌های آزادیبخش ملی در آسیا و آفریقا است. از جمله آنها «دلار در آسیا (۱۹۶۵)» سوسیالیسم و کشورهای آزادشده (۱۹۷۲) و چهره‌های سیاسی رزمندگان می‌باشد. وی از نویسندگان روزنامه پرآودا ارگان حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی بود. اولیانفسکی مسئولیت شعبه ایران کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی را هم به عهده داشت.

فتاپور و حسن پوررضایی خلیق نیز جناح میانه به شمار می‌رفتند. از مشاورین، فردوس جمشیدی رودباری جزو جناح اول و مازیار کاکوان و اکبر دوستدار صنایع جزو جناح دوم محسوب می‌شدند. هر یک از این جناح‌ها تلاش می‌کرد حضور افراد همسو با خود را که از ایران و اروپا راهی پلنوم می‌شدند، به تصویب هیأت سیاسی برساند.

مدت‌ها پیش از پلنوم یارگیری‌ها آغاز شده بود. بهزاد کریمی که به تازگی جایگزین جمشید طاهری‌پور در افغانستان شده بود، فرصت یافت تا به ترویج و تبلیغ نظرات خود در میان اعضای پیردازد که از ایران و از طریق افغانستان عازم تاشکند بودند. چندی بعد عبدالرحیم‌پور از تاشکند به افغانستان شتافت تا او را در این راه یاری کند. روابط جناح چپ و راست کاملاً خصمانه شده بود. جناح چپ خود را آماده کرده بود که سازمان را از جناح راست پاکسازی کند. میرمؤیدی و عبدالرحیم‌پور تلاش می‌کردند خود را طرفدار سیاست انقلابی و جناح رقیب را طرفدار سیاست انفعالی معرفی کنند.

پلنوم در بیست‌وپنجم فروردین ماه سال ۶۵ در تاشکند برگزار شد. اعضا و کادرهایی که از ایران به تاشکند رفته بودند برای آنکه یکدیگر را نشناسند در پس پرده نشستند. ریاست این پلنوم که «یک رویداد فوق‌العاده بزرگ در تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری» ایران دانسته شد، به عهده جمشید طاهری‌پور، فرخ نگهدار، فرج‌الله کاظمی، اصغر سلطان‌آبادی و قربانعلی عبدالرحیم‌پور بود. به دعوت سازمان، علی خاوری و صفری نیز از سوی حزب توده در جلسات شرکت داشتند.

### دویدن به دنبال باد

مشی «شکوفایی جمهوری اسلامی» که اکثریت آن را در سال ۶۱ ارائه کرد و

۱. نامه هیأت دبیران کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) به شعبه امور بین‌المللی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان؛ مورخه اردیبهشت ۱۳۶۵.

سیاست «وحدت با حزب توده» در صدر موضوعات پلنوم بود. پلنوم در آغاز به نقد سیاست خارجی جمهوری اسلامی پرداخت. آنان گفتند که تراژدی ادامه دارد و جمهوری اسلامی از «امل و حزب‌الله» حمایت می‌کند و «آنها با طرح شعار جمهوری اسلامی اختلافات مذهبی را تشدید کرده و مانع ایجاد یک دولت مقتدر ملی می‌شوند. سیاست آنها عملاً همسان با سیاست آمریکا و اسرائیل در لبنان است.» شدت دشمنی اکثریت با جمهوری اسلامی مانع از آن بود که این سازمان رویدادها را به درستی مشاهده و تبیین کند. طرح شعار تأسیس جمهوری اسلامی در لبنان توسط «حزب‌الله» و «امل» کاملاً عاری از حقیقت بود و به همان نسبت همسان دانستن سیاست حزب‌الله با اسرائیل در لبنان کین‌توزانه. جنبش «امل» اساساً و نظراً با حکومت دینی توافقی نداشت و هدف «حزب‌الله» نیز بر دفع تجاوز رژیم اشغالگر بود. حتی سال‌ها بعد که «حزب‌الله» دشمن صهیونیستی را از لبنان راند و در اوج اقتدار و محبوبیت قرار گرفت، هیچ‌گاه شعار تأسیس جمهوری اسلامی را مطرح نکرد. اکثریت همچنان «دیدگاه‌ها و آماج‌ها»ی خود را بر پایه توهم، ناراستی و کینه‌توزی استوار می‌ساخت.

در پلنوم ایران مسبب ادامه جنگ با عراق شناخته شد که از این طریق «عملاً» به مقاصد امپریالیسم یاری رساند. پلنوم، کردستان را «کانون تمرکز نیروهای ملی و دمکراتیک ایران» دانست و بنابراین حضور فعال سازمان در منطقه و تلاش برای تعیین سرنوشت نهایی آن مورد تأکید قرار گرفت. ماهیت طبقاتی جمهوری اسلامی، بورژوازی تشخیص داده شد که گرایش‌های وابسته به بورژوازی بزرگ تجاری در آن وزن عمده را دارد. جمهوری اسلامی رژیم سرپا تضاد بود که وحدت جناح‌های مختلف آن در کمونیسم‌ستیزی و شوروی‌ستیزی و جنگ‌طلبی خلاصه می‌شد. تضادهای درون حاکمیت از کانون‌های تشدید بحران سیاسی در هیأت حاکمه محسوب گردید که «باید مورد توجه کمونیست‌ها قرار» می‌گرفت.

۱. گزارش هیأت سیاسی از مجموعه اسناد پلنوم وسیع، فروردین ۶۵، کار، دوره دوم؛ شماره ۲۹، مورخه تیرماه ۱۳۶۵.

زیرا ممکن است که «روند گسترش این تضاد با بحران‌های کم یا پردامنه همراه شود و موجب سرنگونی رژیم گردد.» این سرنگونی باید از طریق اعمال قهر انقلابی صورت پذیرد. بنابراین سازمان وظیفه خود دانست «که طبقه کارگر و همه مردم ایران را برای مبارزه مسلحانه جهت سرنگونی رژیم آماده سازد.»<sup>۱</sup>

پلنوم در تعیین نقش و موقعیت اپوزیسیون به بررسی ماهیت جریان‌های سیاسی پرداخت. درباره نهضت آزادی گفته شد برنامه این نهضت حفظ نظام سرمایه‌داری و برقراری روابط دوستانه با امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکاست.

هیأت سیاسی در گزارش خود تشکیل «جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران» توسط مهدی بازرگان را تلاشی برای یک جابجایی لیبرالی در چارچوب نظام جمهوری اسلامی ارزیابی کرد و ادامه داد «هدف سفر سال گذشته بازرگان به آلمان و سفر کنونی ابراهیم یزدی به آمریکا جلب حمایت قدرت‌های امپریالیستی غرب» می‌باشد.

این گزارش «محتوی طبقاتی برنامه و خط‌مشی سیاسی و سمت‌گیری کنونی دستگاه رهبری مجاهدین خلق» را بورژوازی و راست‌گرایانه ارزیابی کرد که «به طور کلی در چارچوب مواضع دمکراسی ملی» می‌گنجد. در نتیجه «سیاست سازمان نسبت به این نیرو، اتحاد و مبارزه است.» در گزارش هیأت سیاسی قید شد «ما از مبارزه مجاهدین علیه رژیم حمایت می‌کنیم. سازمان ما جنایات رژیم علیه مجاهدین را افشا و محکوم می‌کند. تأمین همکاری و دوام آن، با گسترش کار مشترک در پائین نیز مربوط می‌شود. علیرغم موانعی که در بالا وجود دارد، زمینه همکاری در پائین کاملاً وجود دارد. فداییان خلق از کار مشترک در محیط کار و زندگی با مجاهدین استقبال می‌کنند و از آنان در برابر تهاجم رژیم حمایت می‌کنند. این فعالیت به گسترش مبارزه علیه رژیم کمک می‌کند.» این گزارش همچنین از مجاهدین می‌خواهد که در جلب اعتماد کمونیست‌ها بکوشد و از امپریالیسم دوری کند.

در گزارش هیأت سیاسی، حزب دمکرات کردستان ناسیونالیسم ترقیخواه خلق



گُرد را نمایندگی می‌کرد. این حزب به حزبی دمکراتیک فراروئیده بود. بنابراین سیاست سازمان در قبال این حزب، اتحاد و مبارزه بود. گزارش هیأت سیاسی به پلنوم ضمن آنکه «حزب توده» را چون خود سازمان یکی از گردان‌های پیشاهنگ طبقه کارگر می‌داند، درباره وحدت با احتیاط بیشتری سخن می‌گوید. در این گزارش بدون آنکه بر وحدت با حزب توده تأکید شود، آمده است: «سیازمان ما در راه وحدت همه پیروان سوسیالیسم علمی در حزب طبقه کارگر ایران بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و حول برنامه و اساسنامه واحد، پیگیرانه مبارزه می‌کند. سازمان در این مبارزه و در روابط خود با سایر نیروهای جنبش کمونیستی ایران از اصل برابری حقوقی پیروی می‌کند.» پیروی از اصل برابری حقوقی یعنی راندن حزب توده به ردیف دیگر سازمان‌هایی که وحدت با آنان ممکن بود؛ مانند پیروان بیانیه ۱۶ آذر و راه کارگر. این امتیازی بود که جناح چپ سازمان که مخالف روند وحدت با حزب توده بود از جناح راست گرفت. زیرا جناح چپ، همواره از اینکه سازمان دنباله‌رو حزب شده و از آن تبعیت مطلق دارد، ناخرسند بود.

پلنوم در ادامه به نقد سیاست و برنامه خود در طی سال‌های ۵۷ الی ۶۱ پرداخت. پلنوم بر این اعتقاد بود که باید در آستانه انقلاب بهمن شعار تاکتیکی خود را تشکیل دولت موقت و با شرکت همه نیروهای سرنگون‌کننده رژیم شاه قرار می‌داد و این دولت باید شرایط لازم را برای شرکت همه نیروهای انقلابی در مجلس مؤسسان فراهم می‌ساخت. این گزارش با تأکید بر ضدسلطنتی، ضداستبدادی و ضدامپریالیستی بودن انقلاب، ادامه می‌دهد که پس از سرنگونی قدرت سیاسی به روحانیت منتقل شد و روحانیت نیز با مشارکت دادن نهضت آزادی «همه سازمان‌های انقلابی کشور را که در گسترش و پیروزی انقلاب نقش جدی داشتند و تنها مشوق خلق به قیام مسلحانه بودند از شرکت در قدرت محروم کرد.»

دشوارترین بخش پلنوم که موضوع محوری آن نیز محسوب می‌شد نقد و بررسی مشی سازمان در سال‌های ۵۹ تا ۶۱ بود. «پلنوم در رابطه با موضوع مرکزی خویش، به دو رویکرد عمومی تقسیم شد: باورمندان به اشتباه استراتژیک

و معتقدین به اشتباه تاکتیکی.<sup>۱</sup> در نتیجه پلنوم برای پیشگیری از شکاف بیشتر در سازمان که امکان انشعاب را افزایش می‌داد، راه میانه‌ای برگزید که فعلاً طرفین مناصمه را حفظ کند. مبتنی بر این رهیافت، پلنوم حمایت سازمان از جمهوری اسلامی را انکار کرد و اعلام نمود «سازمان از آنجا که بر این باور نبود که حکومت خمینی می‌تواند خواستهای اساسی توده‌های قیام‌کننده را برآورده سازد، پشتیبان حکومت خمینی نبود. این سیاست درست بود. اما سازمان نمی‌بایست در پشتیبانی از اقدامات حکومت جدید در خلع‌ید از سرمایه‌داران بزرگ وابسته و براندازی مواضع سیاسی و نظامی امپریالیسم تردید نشان می‌داد.»

اتخاذ مواضع دوگانه بر سراسر پلنوم سایه انداخته بود. اگر سازمان در فروردین ۵۸ به فرماندوم جمهوری اسلامی رأی نداد سیاستی درست خوانده شد و اگر در انتخابات خیرگان تدوین قانون اساسی شرکت کرد، تاکتیکی درست بود «تا نیات ارتجاعی هیأت حاکمه» افشاء گردد. پلنوم بر این عقیده بود که سازمان پس از افشا و منزوی ساختن لیبرال‌ها کوشید «با طرق مناسب توده‌های خلق را از زیر نفوذ و رهبری خمینی خارج کرده، تحت رهبری خود قرار دهد. در انتخابات نخستین دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی نیز سازمان با تاکتیکی درست شرکت در انتخابات را برگزید». پلنوم همچنین نسبت به مسئله کردستان نیز عقب‌نشینی می‌کند تا شاید آب رفته را به جوی بازگرداند. «سازمان در نیمه دوم سال ۵۹ به حضور مسلحانه خود در جنبش خلق کرد پایان داد و در همان حال موضع نادرستی نسبت به این جنبش اتخاذ کرد. این امر به موضع اصولی ما در مبارزه برای خودمختاری خلق کرد آسیب وارد آورد.»

پلنوم وقوع جنگ میان ایران و عراق را یکی از مهم‌ترین عوامل توهم سازمان نسبت به ماهیت ضدامپریالیستی جمهوری اسلامی می‌دانست. پلنوم چون امکان انکار تجاوز نظامی عراق به ایران و اشغال بخش زیادی از جنوب ایران توسط

۱. بهزاد کریمی، یک کلمه پیرامون ارزیابی تنظیمی رفیق نگهدار در رابطه با سیاست شکوفایی، سایت اخبار روز، مورخه آدینه ۲۱ اسفند ۱۳۸۸.

ارتش عراق و تشویق و بهره‌برداری امپریالیسم آمریکا از این «جنگ تجاوزکارانه» را نداشت، کوشید حاکمیت را در شروع جنگ سهیم گردانند. بنابراین در گزارش پلنوم نوشته شد «تحریکات مداخله‌جویانه رژیم جمهوری اسلامی علیه عراق به نوبه خود در خدمت شعله‌ور شدن این جنگ قرار گرفت.» پلنوم یادآور می‌شود که سازمان در تحلیلی خطا از ماهیت جمهوری اسلامی بر راه‌حل نظامی برای دفع تجاوز تأکید می‌کرد و در حالی که باید «از همان آغاز جنگ سیاست دفاع از قطع بی‌درنگ جنگ و استقرار صلح و حل اختلاف دو کشور از راه مذاکره را پیش» می‌گرفت. پلنوم اصولاً جنگ ایران و عراق را شروع رشد تفکرات انحرافی و چرخش به راست در سازمان می‌داند. پلنوم بر این اعتقاد بود که خطمشی سازمان تا آستانه جنگ درست و اصولی بود و فقط نطفه‌هایی انحرافی در آن شکل گرفته بود؛ ولی با شروع جنگ انحراف به راست در خطمشی سیاسی سازمان پدیدار شد. درباره انحراف به راست سه نظر در پلنوم وجود داشت. جناح چپ معتقد بود که در سال‌های ۶۰ و ۶۱ اپورتونیسیم راست بر خطمشی سازمان غالب بوده است و در برابر مخالفینی که می‌گفتند در صورت پذیرش غلبه اپورتونیسیم راست بر سازمان، باید پذیرفت که در سه عرصه ایدئولوژی، سیاست و تشکیلات نیز اپورتونیسیم غلبه داشته است، استدلال می‌کرد که بر تشکیلات نیز اپورتونیسیم راست غالب بوده است. اما جناح راست می‌گفت قبول غلبه اپورتونیسیم بر سازمان به معنای خروج از طیف نیروهای کمونیستی است. زیرا غلبه اپورتونیسیم در درجه اول با نفی ایدئولوژی و تئوری صورت می‌گیرد؛ در حالی که سازمان در ایدئولوژی و تئوری انحرافی نداشته است و به انترناسیونالیسم پرولتری نیز وفادار بود. نظر سوم با قبول غلبه اپورتونیسیم راست بر سازمان، بیان بیرونی آن را صدمه به حیثیت سازمان می‌دانست. در نتیجه در قطعنامه، به بیان «انحراف به راست از سیاست مستقل طبقه کارگر» اکتفا شد.<sup>۱</sup>

۱. نامه هیأت دبیران کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) به شعبه امور بین‌المللی کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان، مورخه اردیبهشت ماه ۱۳۶۵.

شعار «افزایش تولید» که در سال‌های ۵۹ تا ۶۱ از سوی اکثریت مطرح شده بود نیز از سوی پلنوم شعار نادرست و غیراصولی معرفی شد. پلنوم همچنین پذیرش و تبلیغ اسناد برنامه‌ای برای جلسات مشاوره‌ای احزاب کمونیست و کارگری جهان را «بزرگ‌ترین و ارجمندترین دستاورد ایدئولوژیک سازمان طی آن سالها» دانست.

سیاست وحدت با حزب توده نیز از نقد و انتقاد پلنوم در امان نماند. پلنوم ضمن آنکه مبارزه در راه وحدت با حزب توده را دستاورد بزرگ برای جنبش کارگری ایران می‌دانست از بی‌اهمیت شدن برنامه و اساسنامه در امر وحدت و نقض شدن اصل حقوق برابر میان دو سازمان برادر که موجب دنباله‌روی سازمان از حزب گردید، انتقاد کرد. بالاخره چون سازمان، «مبارزه در راه اتحاد نیروهای ضدامپریالیستی و مردمی در جبهه متحد خلق و زیر رهبری امام خمینی را مبرم‌ترین وظیفه سازمان و دیگر نیروهای انقلابی» می‌دانست، پلنوم آن را برخلاف روند عینی رویدادها و انحراف به راست از سیاست مستقل طبقه کارگر ارزیابی کرد. پلنوم تأکید کرد که دشمنان مردم در مرحله کنونی عبارتند از جمهوری اسلامی، کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا. پلنوم برای سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار سوسیالیسم مبارزه مسلحانه را پیشنهاد داد و مرحله انقلاب را «ملی و دمکراتیک» دانست که نیروهای محرکه در این «انقلاب ملی و دمکراتیک» عبارتند از طبقه کارگر؛ دهقانان؛ خرده‌بورژوازی شهری و روشنفکران خلقی. طبقه کارگر انقلابی‌ترین و پیشرفته‌ترین طبقه و نیروی اصلی انقلاب دانسته شد که سازمان باید با تمام قوا در جهت تأمین سرکردگی و رهبری طبقه کارگر بکوشد.

### نگاه انتقادی به مباحث

پلنوم فروردین سال ۶۵ نه تنها انحطاط اخلاقی سازمان را به نمایش گذارد، بلکه پایان یافتن سازمان را نیز عیان ساخت؛ زیرا همه داده‌های آن بر دروغ و فریب استوار شده بود. آنان اعتراف کردند که حمایتشان از جمهوری اسلامی بر پایه

نیرنگ بوده است. آنان گفتند باید هنگامی که بخش وسیعی از مناطق جنوب و غرب کشور در اشغال رژیم توتالیتار و میلیتاریست عراق بود، بر طبل صلح می‌کوبیدند و جمهوری اسلامی را به تکدی برای بازپس‌گیری زمین‌های اشغالی‌اش دعوت می‌کردند. بدین ترتیب پلنوم «میهن‌دوستی» سازمان را عریان ساخت. البته آنان نگفتند که اگر جمهوری اسلامی در آن هنگام با کنار نهادن راه‌حل نظامی، مذاکره با عراق را برای بازپس‌گیری مناطق اشغالی برمی‌گزید، حاکمیت را به خیانت و اهمال در حفظ تمامیت ارضی و سرنوشت کشور متهم می‌کردند. آنان نقش امپریالیسم آمریکا را نیز در برافروختن آتش جنگ شایسته تخفیف دانسته و تلاش کردند آن کشور را تطهیر کرده و گناه بروز جنگ را یکسره بر دوش جمهوری اسلامی قرار دهند؛ و چنین استدلال کردند که آن زمان در رسانه‌های ایران مطالب تحریک‌کننده‌ای علیه رژیم عراق نشر می‌یافت. از نظر سازمان این مطالب تحریک‌کننده کافی بود تا نقش آمریکا در بروز جنگ کم‌اهمیت شود. بر پایه این استدلال باید هر روز جنگی تمام‌عیار در هر سوی عالم درگیرد، بدون آنکه متجاوز واقعی شناخته و محکوم گردد. زیرا همه رسانه‌های جهان آکنده است از مداخله در امور دیگر کشورها.

آنان از سازمان مجاهدین پوزش خواستند و در حالی که به همکاری سازمان مجاهدین با رژیم تجاوزکار عراق واقف بودند، خواستار همکاری با مجاهدین شدند. جناح چپ در حالی خواهان همکاری با مجاهدین بود که پلنوم به آنان اندرز می‌داد که از امپریالیسم دوری کنند. آنان حتی در این پوزش‌خواهی خود نیز فریبکاری پیشه کردند. زیرا بعدها نوشتند: «کسی از ما نقش مخرب سازمان مجاهدین خلق و بعضی ماجراجویی‌های برخی گروه‌های چپ در تشدید فضای امنیتی را... نفی نمی‌کرد.»<sup>۱</sup> اگر چنین است که اکنون بهزاد کریمی مدعی است، چگونه جناح چپ در زیر نگین ایشان در پلنوم، وحدت و همکاری با مجاهدین خلق را توصیه و تجویز کرد؟ البته می‌توان پذیرفت که در زمان برگزاری پلنوم،

۱. بهزاد کریمی؛ همان.

اکثریت، همچنان مجاهدین خلق را سازمانی تروریستی و مخرب می‌دانست. ولی احتمالاً بنا به توصیه تئوریسین‌های حزب کمونیست شوروی ناگزیر از عدول از مواضع خود بود. هنگامی که فرخ نگهدار و علی توسلی به دیدار اولیانفسکی رفتند، وی از مجاهدین به عنوان نیروی دمکراتیک یاد کرد که می‌توان با آن متحد شد. زمانی که نگهدار برای اولیانفسکی توضیح داد عملیات مسلحانه و ترورهای مجاهدین خود موجب بروز شرایط غیردمکراتیک در جامعه شد، اولیانفسکی در پاسخ گفت در جریانهای اجتماعی نمی‌توان بر روی یک مقطع از حرکت نیروی سیاسی انقلابی قضاوت کرد و باید کل روند حرکت را در نظر داشت. اکنون پلنوم بر روی تمامی واقعیاتی که اعضایش آن را درک کرده بودند، چشم فرومی‌بندد؛ زیرا اولیانفسکی چنین خواسته است و این تبعیت بی‌چون و چرا برای یک سازمان سیاسی هزاران بار مصیبت‌بارتر از استقبال از همکاری با سازمانی چون مجاهدین بود. جناح چپ، سازمان مجاهدین را در زمره «دوستان خلق» می‌دانست.

پلنوم همچنین در مورد شیوه براندازی جمهوری اسلامی نیز ملتهب شد. جناح چپ بر قهرآمیز بودن براندازی تأکید داشت. آنان می‌خواستند سنت فدایی را احیا کنند. حتی خواهان بازگشت مرکزیت به داخل کشور شدند. ولی جناح راست شیوه‌های مسالمت‌آمیز را از نظر دور نمی‌داشت. جناح چپ مایل بود به سازمان مجاهدین خلق و اقلیت - که فقط نامی از آن باقی مانده بود - نزدیک شود. بالاخره پس از گفت‌وگوهای بسیار پلنوم به براندازی صرف‌نظر از شیوه‌های آن رأی داد. اکثریت به همان نقطه‌ای رسیده بود که اقلیت آن را به پایان برده بود.

برخی از اعضای جناح چپ پلنوم بعدها ادعا کردند که از موضع حقوق بشر و دمکراسی با جناح راست درآویختند. بهزاد کریمی نیز مدعی است جنبش فدایی «تاریخاً اثبات کرد که ظرفیت بالایی برای دمکرات شدن و بر دمکراسی ایستادن دارد.»<sup>۱</sup> آنان از مفاهیمی سخن می‌گویند که با آن فرسنگ‌ها فاصله

۱. همان.

داشتند. در پلنوم دو سند درباره رهبری «انقلاب ملی و دمکراتیک» ارائه گردید. جناح چپ که زعامتش به عهده بهزاد کریمی و عبدالرحیم‌پور بود بر رهبری طبقه کارگر تأکید داشت و جناح راست بر جبهه متحد خلق اصرار می‌ورزید و سند جناح چپ را «چپ‌روانه» توصیف می‌کرد و متقابلاً جناح چپ استدلال می‌کرد که سند ارائه شده از سوی جناح راست ادامه همان پیش گذشته است و در عمل ضرورت رهبری طبقه کارگر را نفی می‌کند. علی‌خاوری که مدعو این پلنوم بود در سخنان خود سند ارائه شده از سوی جناح چپ را منعکس کننده دیدگاه «راه کارگر» دانست و در حالی که عصبانی و متشنج بود هشدار داد بدین ترتیب که پیش می‌روید هم خودتان را زیر آب می‌برید و هم ما را با خودتان زیر آب می‌کشید. بهزاد کریمی که در جناح چپ ایستاده بود آستانه تحملش چنان پایین بود که حتی نمی‌توانست در آنچه که خود مرحله انقلاب ملی و دمکراتیک نام نهادند، دمکراتیک رفتار کرده و اقشار دیگری را در کنار طبقه کارگر جای دهد، اکنون از استعداد فدایی‌ها برای دمکرات شدن سخن می‌گوید.

### ترازوی ترکیب دو جناح در هیأت سیاسی

جناح چپ خود را آماده کرده بود که جناح راست را به زیر بکشد؛ ولی در این زمینه توفیقی نیافت. در جناح چپ سه تن برای دبیراولی مطرح بودند: عبدالرحیم‌پور، فرج‌الله کاظمی و سلطان‌آبادی. اما آنان به علت اختلافات داخلی نتوانستند به نتیجه برسند. در نتیجه فرخ نگهدار با حداقل رأی ممکن همچنان دبیر اول سازمان باقی ماند. از سوی دیگر جناح راست می‌کوشید که میرمؤیدی و نقی حمیدیان از هیأت سیاسی حذف شوند. تلاش آنان بی‌نتیجه ماند. در نتیجه آن دو در کنار فرخ نگهدار، حسن پوررضایی خلیق، اصغر سلطان‌آبادی، جمشید طاهری‌پور، قربانعلی عبدالرحیم‌پور، مهدی فتاپور، بهزاد کریمی، فرج‌الله ممینی کاظمی به عضویت هیأت سیاسی انتخاب شدند. مشاورین هیأت سیاسی عبارت بودند از: علی توسلی، فردوس جمشیدی رودباری، اکبر دوستدار صنایع و مازیار کاکوان. هیأت دبیران عبارت بودند از: فرخ نگهدار، اصغر سلطان‌آبادی، جمشید

طاهری‌پور، قربانعلی عبدالرحیم‌پور و فرج‌الله کاظمی.

جناح چپ گرچه نتوانست جناح راست را چنان که تصور می‌کرد به زیر کشد ولی توانست قدرت‌نمایی کرده و در برخی مناصب جابجایی ایجاد کند. چنان که پیداست در هیأت سیاسی بین دو جناح موازنه برقرار شد. پنج رأی در برابر پنج رأی. هرگاه یکی از اعضا در جلسات هیأت سیاسی شرکت نمی‌کرد آرا به سود طرف مقابل چرخش می‌کرد. جمشید طاهری‌پور که در جناح راست به شمار می‌رفت و مسئولیت نشریه کار را به عهده داشت جای خود را به سلطان‌آبادی سپرد. موقعیت بهزاد کریمی در مسئولیت رادیو زحمتکشان و شعبه خلق‌ها تثبیت شد. مهدی فتاپور به رغم مخالفت جناح چپ همچنان مسئول اروپا باقی ماند.

اینکه جناح چپ خود دچار شکاف و انشقاق می‌شد. این جناح با طرح شعار تشکیل کنگره تلاش می‌کرد خود را پرچمدار دمکراسی معرفی کند. جناح چپ که می‌دانست نخواهد توانست آراء جناح میانه را به سوی خود جلب کند، بر برگزاری هر چه سریع‌تر کنگره اصرار می‌کرد. میرمؤیدی در رأس این جناح برخلاف مصوبه پلنوم تشکیل پلنومی دیگر برای برگزاری کنگره را غیرضرور می‌دانست. زیرا احتمال می‌داد در پلنوم بعدی ترکیب هیأت سیاسی به زیان این جناح تغییر کند؛ اما فرج‌الله کاظمی با میرمؤیدی موافق نبود. تدریجاً اختلاف کاظمی و میرمؤیدی به مباحث نظری نیز گسترش یافت. عمق و گستردگی اختلافات چنان بود که سازمان را در آستانه انشعاب دیگری قرار داد. جناح چپ که نگران وضع خود بود تلویحاً تهدید می‌کرد در صورت تصفیه شدن در پلنوم بعدی، انشعاب خواهد کرد. تشکیلات خارج از کشور که به جناح چپ گرایش داشت، رسماً به هیأت سیاسی اعلام می‌کرد که مصوبات آنان را اجرا نخواهد کرد. وضع در باکو نیز به همین منوال بود. پلنوم سال ۶۵ همچون پلنوم مهر ۵۸ نه تنها نتوانست از اختلافات بکاهد بلکه صفوف را بیشتر از یکدیگر جدا ساخت و موارد اختلاف را نمایان‌تر ساخت. انشعاب سایه خود را بر سازمان گسترده بود. ضرباتی که پس از پلنوم بر معدود هسته‌های سازمان در داخل کشور وارد آمد اختلافات را به اوج رساند. جناح چپ در تلاش بود تا بتواند با یارگیری



جناح راست را در پلنوم بعدی حذف کند. عبدالرحیم‌پور امیدوار بود با بندوبست با کا.گ.ب قدرت را به دست گیرد. وی در آستانه پلنوم ۶۷ به رابط کا.گ.ب گفته بود کار نگهدار دیگر تمام است و سازمان طرف اوست و تلویحاً حمایت کا.گ.ب را طلبیده بود.

### در تور کا.گ.ب

کا.گ.ب از همان ابتدای ورود اعضای سازمان به شوروی و پیش از آنکه یخ ذهنی افراد نسبت به «سوسیالیسم واقعاً موجود» ذوب شود، تور خود را گسترده و به شکار آنها پرداخت.

همکاری سازمان با کا.گ.ب در ابتدا به منظور برقراری تماس با نیروهای داخل کشور در کنار مرز آغاز شد؛ زیرا «مرزبانی» در حوزه وظایف کا.گ.ب بود. اما به تدریج این همکاری گسترش یافت؛ به طوری که کا.گ.ب برای جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز خود بدون هماهنگی با کمیته مرکزی سازمان به اعضا مراجعه می‌کرد.

مراجعه مکرر و گسترده کا.گ.ب به اعضا؛ مرکزیت را بر آن داشت که تا با دایر کردن شعبه امنیت به این روابط سامان بخشد. مرکزیت با دایر کردن این شعبه دو هدف را تعقیب می‌کرد. اولاً می‌خواست رابط‌ها با کا.گ.ب را از دید کسانی که چنین روابطی را بر نمی‌تابیدند پنهان بدارد و ثانیاً همواره از کم‌کیف رابطه و اطلاعاتی که اعضا در اختیار کا.گ.ب قرار می‌دادند با اطلاع باشد. خصوصاً آنکه تجربه حزب توده نشان داده بود که ارتباط با کا.گ.ب می‌تواند در تحولات درون‌سازمانی مؤثر باشد و به عنوان یک اهرم علیه رقیب به کار افتد.

مسئولیت شعبه به عهده عبدالرحیم‌پور و عضو فعال آن نیز اصغر جیلو بود. از آن پس کا.گ.ب اطلاعات موردنیاز خود را از طریق مراجعه به شعبه اطلاعات سازمان تأمین می‌کرد. ولی کا.گ.ب نیازی نمی‌دید روابط خود را با شعبه امنیت

۱. اتابک فتح‌الله‌زاده، خانه دایی یوسف، به کوشش علی دهباشی، نشر قطره، چاپ سوم، ۱۳۸۱.

محدود سازد. کا.گ.ب این حق را برای خود قائل بود که مستقلاً و بدون مراجعه به شعبه امنیت به اعضاء مراجعه کند و اخبار و اطلاعات مورد نیاز خود را از اوضاع ایران و یا مسائل سازمان دریافت کند و یا حتی آنکه آنان را برای انجام مأموریت راهی ترکیه و افغانستان و اروپا سازد.<sup>۱</sup>

کا.گ.ب که می‌دانست همبستگی‌های ایدئولوژیک به تنهایی قادر نیست اعضای سازمان را به همکاری ترغیب سازد «از شیوه‌های تطمیع و تهدید و به خصوص ارضای مالی و جنسی برای خبرگیری و جاسوسی استفاده می‌کرد».<sup>۲</sup>

شعبه امنیت سازمان حتی علیه گروه‌های اسلام‌گرا در تاشکند نیز با کا.گ.ب همکاری می‌کرد. یکی دیگر از وظایف شعبه امنیت، کنترل و مراقبت از اعضاء و هواداران و نامه‌های آنان بود. عبدالرحیم‌پور به علت موقعیتش در شعبه امنیت دستور داده بود از تمامی اسناد شعبه تشکیلات شبانه و مخفیانه میکروفیلم تهیه کنند. گرچه این اقدام به بهانه احتمال انشعاب صورت گرفت ولی با توجه به اینکه ارائه اخبار و اطلاعات اعضاء و هواداران به کا.گ.ب از وظایف این شعبه بود، احتمالاً میکروفیلم‌های تهیه شده از اسناد در اختیار کا.گ.ب قرار می‌گرفت.

همکاری با سرویس اطلاعاتی کشور بیگانه چنان امر مذمومی بود که این عمل پنهان و بدون اطلاع اعضاء و کادرها صورت می‌گرفت و این نقطه ضعفی بود که عبدالرحیم‌پور را گهگاه مجبور به سکوت می‌کرد. در ملاقاتی که نگهدار با اولیانفسکی داشت از وضعیت وخیم مالی سازمان سخن به میان آمد. اولیانفسکی وعده داد که در این خصوص به «بخش ویژه» سفارش لازم را خواهد کرد. یک بخش از این کمک‌های مالی صورت پذیرفت. بخش دیگر آن مصادف شد با سفر عبدالرحیم‌پور به مسکو. این کمک مالی در هتل کمیته مرکزی حزب کمونیست به وی پرداخت گردید. عبدالرحیم‌پور که در جریان این کمک‌ها نبود موضوع را به هیأت دبیران می‌کشاند. ولی نگهدار به او می‌گوید چون تو در ایران اولین

۱. همان، صص ۱۵۴، ۱۵۵ و ۱۶۲.

۲. همان.

رابطه را با کا.گ.ب برقرار کرده‌ای بهتر است مسئولیت آن را بپذیری. عبدالرحیم‌پور در آغاز مخالفت کرد ولی سپس مجبور به تمکین شد. بر پایه این سوابق اینک عبدالرحیم‌پور به حمایت کا.گ.ب برای حذف رقیب امید بسته بود.

### پلنوم شهریور ۱۳۶۷

پلنوم بعدی در شهریور سال ۶۷ برگزار گردید. هیأت رئیسه پلنوم مرکب بود از فرخ نگهدار، فرج‌الله کاظمی، اصغر سلطان‌آبادی، عبدالرحیم‌پور و جمشید طاهری‌پور. از همان آغاز جلسه متشنج بود. دستور جلسه عبارت بود از بررسی گزارش هیأت سیاسی، وضع سازمان در داخل کشور، معیارها و ضوابط کنگره و انتخاب ارگان‌های رهبری. جناح چپ حضور خود را به حذف بند آخر منوط ساخت، اما این پیشنهاد رأی نیاورد. در نتیجه پس از مباحث تند، جناح چپ جلسه پلنوم را ترک کرد. متعاقب گفت‌وگوها و پادرمیانی‌ها پلنوم در روز بعد به کار خود ادامه داد. اما بار دیگر با منازعه نگهدار و کاظمی پلنوم به بن‌بست رسید. مذاکره برای متقاعد کردن فرج‌الله کاظمی برای بازگشت به جلسه آغاز شد. او در حالی که هر دو جناح را به برخوردهای ناسالم متهم می‌کرد، بالاخره پذیرفت به هیأت رئیسه بازگردد.

گزارش هیأت سیاسی به پلنوم با گزارش پیشین تفاوت‌هایی داشت. اما در مجموع، گزارش بر براندازی حاکمیت تأکید داشت. این پلنوم پس از پایان جنگ ایران و عراق برگزار گردید. بنابراین بازسازی کشور از ویرانی‌های ناشی از دفاعی هشت ساله مهم‌ترین مسئله کشور بود. گزارش هیأت سیاسی مسئله بازسازی و اصولاً سیاست‌های اقتصادی و خارجی و جذب سرمایه‌های خارجی را از «شاخص‌ترین مضامین تضادهای درون حکومت» دانست و وعده مسئولان برای «فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی» و به رسمیت شناخته شدن حق انتقاد را مانور جناحی از درون حکومت دانست که موقعیت خود را در برابر جناح دیگر در مخاطره می‌دید. به موجب این گزارش این دو جناح عبارت بودند از

جناح هاشمی رفسنجانی که چاره حل مشکلات اقتصادی کشور را سیاست اقتصادی درهای باز، رفع محدودیت در برابر سرمایه‌داران بزرگ و بهبود روابط با غرب می‌داند. این گزارش می‌افزاید که هاشمی رفسنجانی که خود را برای ریاست جمهوری آماده می‌سازد خواهان اصلاحاتی در قانون اساسی و افزایش قدرت ریاست جمهوری می‌باشد که بتواند اهداف خود را پی‌گیرد. اما جناح مقابل هاشمی رفسنجانی مرکب از میرحسین موسوی نخست‌وزیر، محتشمی وزیر کشور و موسوی خوئینی‌ها دادستان کل، با سیاست درهای باز و ارتباط با غرب مخالف است و آیت‌الله منتظری نیز با انتقاد از برخی اقدامات می‌کوشد با رفسنجانی خط و مرز بکشد. این گزارش پیش‌بینی می‌کند که طی روندهای آتی درگیری میان جناح‌های حکومت شدت خواهد یافت، ولی هر دو جناح در زمینه حفظ نظام متحد می‌باشند. بنابراین راه‌هایی مردم‌سرنگونی رژیم است و اوضاع کشور حضور گسترده سازمان را در مبارزه توده‌ای علیه رژیم طلب می‌کند؛ از این رو از واحدهای سازمانی و هواداران می‌خواهد به صورت غیرمتمرکز و مخفی و به نام سازمان در میان مردم به فعالیت پردازند. این گزارش انشعاب روحانیون مبارز از جامعه روحانیت و تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام را ناشی از شدت گرفتن تعارضات درون نظام می‌داند. این گزارش همچنین نظام جمهوری اسلامی را در تضاد با الزامات سرمایه‌داری می‌داند. بنابراین اصلاحات احتمالی حاکمیت را در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برای تعدیل و متناسب ساختن روینای حاکم با سرمایه‌داری دانسته و تأکید می‌کند بهره‌گیری از اصلاحات احتمالی نافی مبارزه در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی نیست، بلکه لازمه آن است. پس سازمان باید از هر اصلاح و تحول مثبت در اوضاع کشور برای بسیج مردم و تقویت حضور و مواضع خود در میان آنان بهره‌گیری کند. این گزارش برای سرنگونی جمهوری اسلامی تشکیل جبهه‌ای وسیع مرکب از همه سازمان‌ها و احزاب و شخصیت‌های مترقی را پیشنهاد می‌دهد. اتفاق عجیب آن بود که کومله و نهضت آزادی نیز شایستگی لازم برای شرکت در این جبهه پیشنهادی را دارا بودند و سازمان مجاهدین خلق

که به تازگی یعنی مدت کوتاهی پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران و پایان جنگ و یک ماه پیش از برگزاری پلنوم با هماهنگی با ارتش عراق به کشور حمله کرده بود، نیز همچنان واجد صلاحیت برای عضویت در این جبهه بود. رعایت حقوق بشر، تأمین حقوق دموکراتیک مردم، تأمین آزادی‌های سیاسی و حق ایجاد سازمان‌های اجتماعی و صنفی از سیاست‌های ثابت سازمان دانسته شد که تبدیل آنها به مطالبات مردم و متشکل کردن آنان پیرامون این مطالبات وظیفه دیگر سازمان به شمار می‌رفت.

گزارش هیأت سیاسی همچنین نگاهی به اوضاع نابسامان و پریشان سازمان داشت. این گزارش با اشاره به ناتوانی سازمان در ایجاد تشکیلات در سطح کشور، تصریح کرد «این امر از بحران حاکم بر سازمان و تلاشهایی که در عمل موجب کشاندن هیأت سیاسی به تمایلات و تنش‌های تشکیلات خارج از کشور، سازماندهی نادرست امور و تقسیم کار نامناسب در دستگاه رهبری و عدم درک پیوند ضرور میان مبارزه درون‌حزبی و فعالیت انقلابی در داخل کشور ناشی شده است. تشدید اختلاف‌نظر و وجود عدم اعتمادی که در سازمان دامن زده شده بود، باعث عدم امکان تصمیم‌گیریهای مشخص گردید.» این گزارش با تقدیر از تشکیلات خارج از کشور به پدیده‌های منفی شکل گرفته در این تشکیلات توجه می‌کند «از جمله این پدیده‌ها، صدور و انتشار خودسرانه قطعنامه‌ای در شهر کلن آلمان فدرال است. در این قطعنامه پس از برشمردن موارد متعددی، صلاحیت کمیته مرکزی جهت برگزاری کنگره مورد سؤال قرار گرفته است... در مواردی در تشکیلات سازمان در خارج از کشور دیده می‌شود که بعضی از مسئولین سازمانی برخلاف اساسنامه، از اجرای تصمیمات ارگان‌های بالاتر و یا از تصمیمات ارگانی که عضو آن هستند خودداری می‌کنند.»

مهم‌ترین دستاورد این پلنوم تعیین معیارهای انتخاب و گزینش افراد برای شرکت در کنگره بود. طرح ارائه شده برای این منظور از سوی جناح چپ مورد انتقاد قرار گرفت؛ ولی بالاخره این طرح به تصویب رسید. در رأی‌گیری فرخ‌نگهدار مجدداً به دبیراولی انتخاب شد. هیأت سیاسی بار دیگر به سود جناح

راست چرخش کرد. علیرضا میرمؤیدی جای خود را به علی توسلی سپرد. قدرت‌یابی جناح راست بار دیگر به مسئله انشعاب از سوی جناح چپ دامن زد. تشکیلات سازمان در اروپا و باکو بر انشعاب اصرار می‌ورزیدند. عبدالرحیم‌پور به اروپا رفت تا آنان را از تصمیم خود منصرف کند و کاظمی نیز همین وظیفه را در باکو به انجام رساند. مواجهه آن دو با افراد چپ‌تر از خود شکاف‌ها را عمیق‌تر کرد. سازمان لرزان‌تر و شکننده‌تر از آن بود که بتواند بر بحران عمیق خود فائق آید. به پیشنهاد فرخ نگهدار و به منظور حفظ وحدت در صفوف سازمان، کنفرانس‌های منطقه‌ای به مورد اجرا گذاشته شد. در این کنفرانس‌ها افراد هر یک از جناح‌ها به تبیین نظرات خود برای دیگران می‌پرداخت. اما این روش نیز نتوانست بر فراکسیون غلبه کند. تشکیلات اروپا همچنان بر انشعاب پای می‌فشرد. ساده‌ترین تصمیمات هیأت سیاسی و یا هیأت دبیران به موقع اجرا گذارده نمی‌شد. تدریجاً جناح چپ در جلسات حضور نمی‌یافت و یا با کمترین بهانه‌ای جلسات را ترک می‌کردند. اندام‌ها و ارگان‌های سازمان یکی پس از دیگری تحلیل می‌رفتند و از کار می‌افتادند.

### پلنوم اسفند ۶۷

در اسفند ماه همان سال پلنوم دیگری برگزار شد. در گزارشی که امیر [فرج‌الله کاظمی]، بهمن [علیرضا میرمؤیدی]، عبدالله [نقی حمیدیان]، مجید [عبدالرحیم‌پور]، محمد [بهباد کریمی] و فردوس [جمشیدی رودباری] در دهم فروردین ماه ۱۳۶۸ از این پلنوم به حوزه‌ها و کمیته‌ها و جلسه‌های پیش‌کنگرس سازمانی ارائه کردند، با اشاره به نامه حسن [علی توسلی]، رحیم [جمشید طاهری‌پور] و بهرام [دوستدار صنایع] نیت واقعی آنان از برگزاری پلنوم را توضیح دادند. آنان در این گزارش خود یادآور شدند که پیش‌تر در نامه‌ای تحت عنوان وضع سازمان و راهی که باید رفت نیت حسن، رحیم و بهرام را آشکار کرده بودند و امروز معلوم شده که. پیشگویی‌شان مبنی بر قصد واقعی جناح راست برای «کودتا در بالا و سرکوب پایین» درست بوده است و هشدار می‌دهند

«بحران عمیق ایدئولوژیک را با رأی و با کودتا در بالا مطلقاً نمی‌توان حل کرد.» در این گزارش آمده است که پلنوم با حداقل آمادگی و با عجله هدفمند برگزار گردید؛ به طوری که «پلنوم حتی اجازه نیافت تا این موضوع را مورد بررسی قرار دهد که چرا هیأت سیاسی منتخب پلنوم پیشین نتوانسته از حوادث مهم زندگی سازمانی و مسائل جدی درون دستگاه رهبری در فاصله میان دو پلنوم گزارش تهیه کرده و ارائه دهد» و «از بررسی مشخص حوادث طوفانی در تشکیلات طی فاصله زمانی مهرماه تا اسفندماه ۱۳۶۷ بازماند.» آنان می‌گویند که اکثریت اجلاس در برابر مطالبات و انتظارات صریح و بی‌ابهام بخش بزرگی از تشکیلات بازماند و این پلنوم نخواست و نتوانست کلیت سازمان، واقعیت سازمان، هدف آینده سازمان و ادامه بی‌تنش یا حتی کم‌تنش راه مشترک و همگانی سازمان به سوی کنگره را نمایندگی کند. این افراد می‌گویند که ما ضمن آنکه تقاضا کردیم پلنوم به تعویق افتد، پیشنهاد کردیم دستور کار پلنوم تغییر کرده و به جای آن؛ بررسی بحران و راه برون‌رفت از آن، بررسی وضع تشکیلات داخل؛ بررسی و تصویب گزارش اوضاع سیاسی کشور؛ و رسیدگی به نامه‌های رسیده به مرکزیت در مورد کنگره، در دستور پلنوم قرار گیرد.

این گزارش می‌افزاید که یک ماه پس از پلنوم شهریورماه ۱۳۶۷ حسن، رحیم و بهرام در نامه‌ای خطاب به مرکزیت پیشنهادهای خود را برای نجات سازمان از بحران ارائه کردند و صادق [فرخ‌نگهدار] نیز با طرح پیشنهادهای مشابه به راه‌حل آنان پیوست و «ما نیز در نامه‌ای طرح خود را ارائه کردیم.» «این سه نامه حاوی راه‌حل‌هایی بر اساس دو گرایش متمایز در قبال وضع بحرانی سازمان بود» و باید پلنوم آن را به عنوان مهم‌ترین سند میان دو پلنوم در دستور قرار می‌داد ولی به رغم اصرار ما و به علت «بیم از بروز شکاف و اختلاف نظر در صف اتحاد مصلحتی» از این امر اجتناب کرد.

این گزارش با ذکر مواردی از اختلافات جناح چپ با جناح راست در مسیر برگزاری کنگره، تغییر توازن در هیأت سیاسی را هدف اصلی پلنوم اسفندماه ۱۳۶۷ می‌داند. آنان در تشریح این نظر خود می‌نویسند: «نتایج برغماری‌ها با قوت

تمام اثبات کرد که عمده‌ترین هدف رفقا از تشکیل پلنوم همانا تغییر ترکیب قبلی هیأت سیاسی و یا به عبارت دقیق‌تر تغییر توازن قوای موجود در رهبری و کل سازمان بود... رفقا بین خود توافق کردند که ترکیب معینی از صندوق آرا استخراج شود اما به گونه‌ای که ظاهر دمکراتیک برگماری یعنی اخذ رأی مخفی و مستقیم رعایت گردد.» و بالاخره این گزارش، پلنوم را به «کودتا» تشبیه کرد که موجب «نگهداشتن سازمان در کلاف مسموم دگماتیسم، هژمونیسیم و طلسم توده‌ایسم، و به دیگر سخن، تشدید بحران ریشه‌ای سازمان» گردید. بنابراین هشدار می‌دهد که هرگونه تمکین به راه‌حل‌های ضدمکراتیک و توافق و ائتلاف با راه‌حل‌های سازمان‌شکنانه، سازمان را در بحران غرق می‌کند. این نامه، نگرانی عمیق جناح چپ را از قدرت‌یابی مجدد جناح راست نشان می‌دهد. به طوری که برگزاری پلنوم را به کودتا تشبیه کرد. شاید نگرانی از آن بابت بود که سازمان در آستانه نخستین کنگره خود ایستاده بود و جناح چپ می‌پنداشت که جناح راست با در اختیار گرفتن تمامی اهرم‌های قدرت، آنان را در کنگره برای همیشه حذف خواهد کرد. اما حوادث خارج از پیش‌بینی دو جناح و به نحو دیگری رقم خورد. سازمان در شرایطی خود را برای برگزاری کنگره آماده می‌کرد که تحولات در شوروی شتاب گرفته بود. میخائیل گورباچف آخرین رهبر حزب کمونیست شوروی در سال ۱۹۸۵ قدرت را به دست گرفت. او با مشاهده ناتوانی مارکسیسم در اداره جامعه و وجود فساد عمیق و نهادینه شده در نظام توتالیتار شوروی، نظرات خود را برای نوسازی و دمکراتیک کردن جامعه به کنگره بیست‌وهفتم حزب که در سال ۱۹۸۶ برگزار شد ارائه کرد. او تلاش می‌کرد دیکتاتوری پرولتاریا و «سوسیالیسم واقعاً موجود» را که در بحرانی همه‌جانبه غوطه‌ور بود نجات بخشد. او در اولین گام خود «اصلاحات الکلی» را مورد توجه قرار داد تا شاید جامعه شوروی را که در الکل غرق شده بود، از آن منجلا بپایان ببرد. در فوریه ۱۹۸۸ ارتش سرخ را از افغانستان بیرون کشید. سر برآوردن تدریجی جنبش‌های ناسیونالیستی، نشان داد که لنینیسم به رغم تمام ادعاهایش نتوانسته است «مسئله ملیت‌ها» را حل کند.



این دگرگونی‌ها و تحولات به آهستگی مورد توجه نظریه‌پردازان سازمان واقع می‌شد. آنان مقالات خود را که برای نشریه به پیش آماده می‌کردند، با نظرات جدید در حزب کمونیست شوروی هماهنگ می‌ساختند و جملاتی از آنان به عاریت می‌گرفتند. اخبار و مقالات در این خصوص توسط مهرداد و فرهاد مینوکه که در مدرسه حزبی تحصیل می‌کردند ترجمه می‌شد و در اختیار علاقه‌مندان به این تحولات قرار می‌گرفت. سازمان نیز به تبعیت از حزب کمونیست شوروی متقاعد می‌شد که «سوسیالیسم واقعاً موجود» دارای نارسایی‌های بسیاری است. انتقاد از استالین و استالینسم تدریجاً معمول می‌شد. نشریه کار مصاحبه فردریخ قیرسف را با نشریه عصر جدید منتشر کرد که در آن شدیدترین انتقادات از استالین به عمل آمده بود. اکثریت از فروریختن دیوار برلین مشعوف گردید و در روزنامه کار نوشت: «همزیستی مسالمت‌آمیز کشورهای سوسیالیستی و سرمایه‌داری در طراز نوینی رخ نموده و در یک نگاه کلی‌تر موضوع دمکراتیزه کردن مناسبات بین‌المللی از ضرورت مبرم برخوردار شده است.» این سازمان همچنین از سرنگونی نیکلای چائوشسکو متحد همیشگی اتحاد جماهیر شوروی که اکنون آشکار شده بود در روزهای پایانی حکومتش «هزاران نفر از مردم بی‌گناه رومانی قربانی جنون جلادان سازمان امنیت» وی شدند ابراز خرسندی کرد.<sup>۱</sup> فرج‌الله کاظمی طی مقاله‌ای به دفاع از تحولات پرداخت و اقدامات انجام شده توسط گورباچف را در جهت طرد اپورتونیسیم و ناب‌سازی مارکسیسم - لنینیسم ارزیابی کرد. کاظمی نمی‌دانست که چه اتفاقاتی در شرف وقوع است، بنابراین عجولانه اقدامات گورباچف را ناب‌سازی مارکسیسم - لنینیسم خواند و از آن استقبال کرد. او برای آن که خود را با این تحولات هماهنگ سازد، جناح چپ را «نواندیش» و جناح راست را «کهنه اندیش» خواند.

۱. دیوار جدایی فرومی‌ریزد، کار، دور دوم؛ شماره ۷۰، اول آذر ۶۸.

۲. کار؛ شماره ۷۱، مورخه دی ۶۸.

### پلنوم فوق‌العاده در آستانه فروپاشی

عدم موفقیت جناح چپ در پلنوم سال ۶۷ و سرعت تحولات در شوروی که دیگر بوی فروپاشی از آن به مشام می‌رسید، موجب خروج اعضای این جناح از شوروی شد. آنان منتظر برگزاری کنگره نماندند و به سرعت به اروپا پناه بردند. به طوری که در باکو توازن به نفع جناح راست تغییر کرد. عبدالرحیم‌پور اعضا و کادرها را به خروج از شوروی تشویق می‌کرد. با خروج آنان نشریه کار در آستانه تعطیلی قرار گرفت. از سوی دیگر دولت افغانستان که دریافته بود که دیگر نخواهد توانست با تکیه بر ارتش سرخ به حکومت خود ادامه دهد، مذاکره با گروه‌های اسلام‌گرا را در دستور قرار داد و سعی می‌کرد مناسباتش را با دولت ایران بهبود بخشد. بنابراین رسماً خواستار تعطیل رادیو زحمتکشان شد. برخی از اعضای فعال در رادیو مجبور به ترک کابل و نیمروز شدند و از آنجا به تاشکند رفتند تا از آن طریق به اروپا بروند. پیش از آن اعضای حزب توده افغانستان را ترک کرده بودند. بنابراین رادیو که به مدیریت حزب توده و به طور مشترک اداره می‌شد در آستانه تعطیل قرار گرفت. اوضاع آشفته‌تر از آن بود که بتوان کنگره‌ای برگزار کرد. فرخ نگهدار در نامه‌ای خواستار برگزاری پلنوم فوق‌العاده شد تا بار دیگر درباره ضوابط و محل برگزاری کنگره تصمیم بگیرند. این پلنوم در ۱۲ الی ۱۶ مهرماه ۶۸ و در غیاب چند تن از اعضای کمیته مرکزی منتسب به بینش نو که از شوروی خارج شده بودند، برگزار شد و سازمان فقط با یک اطلاعیه چند سطری برگزاری آن را اعلام کرد. این پلنوم که برخلاف پلنوم‌های پیشین فاقد گزارش هیأت سیاسی و قطعنامه بود، بحران غیرقابل حل سازمان را نشان می‌داد.

در گزارشی که کمیته اجرایی، از این پلنوم در اختیار حوزه‌ها و کمیته‌های سازمانی گذارد، مهم‌ترین مسائل پلنوم را «اصلاحات ضوابط تعیین نمایندگان

---

۱. این رادیو توسط حزب توده و سازمان فداییان خلق و در کابل راه‌اندازی شده بود و چون مدیریت آن در اختیار افراد حزبی بود، همواره از موارد مورد مناقشه حزب و سازمان به شمار می‌رفت.

کنگره و تجدید سازماندهی دستگاه رهبری سازمان» دانست که دستیابی به «نتایج معین» یک موفقیت بزرگ برای سازمان شمرده گردید. هیأت سیاسی برای حصول نتیجه، کمیسیونی ۶ نفره را مأمور بررسی پیشنهادهای پیرامون ضوابط کنگره و تجدید سازماندهی دستگاه رهبری ساخت. این کمیسیون پس از بحث‌ها و مشاوره‌های گسترده به نتایجی دست یافت از جمله اینکه نسبت تعداد آرای کمیته مرکزی بیش از یک سوم کل آراء کنگره نباشد.

در حد فاصل پلنوم‌های شهریور و اسفند سال ۶۷ جناح چپ تشکیل «مجمع صلاحیت‌داری» را پیشنهاد داد تا ضوابط و زمان برگزاری کنگره را تعیین نماید. جناح راست با برخی تعدیل‌ها این طرح را پذیرفت و در نتیجه طرح به تصویب رسید ولی اینک گزارش با اشاره به مصوبه فوق می‌گوید: «اما در ماه‌های اردیبهشت و خرداد [۶۸] به دنبال ارزیابی از وضعیت بغرنج سازمان و سنجش امکانات عملی این فکر از نو به تدریج تقویت شد که شرایط به گونه‌ای است که فراخواندن یک مجمع تدارکاتی با اختیارات محدود نه به مصلحت است و نه هیچ از مشکلات واقعی سازمان را می‌تواند حل و فصل کند. به علاوه با در نظر داشتن امکانات محدود سازمان و پراکندگی وسیع اعضای مجمع در مناطق مختلف و مشکلات مشارکت از داخل کشور این نکته مسلم شد که فراخواندن یک مجمع وسیع برای ضوابط کنگره برای مدت مدیدی کنگره را به تعویق می‌اندازد و یا شاید هم زیان‌هایی از این بیشتر متوجه سازمان سازد.» در نتیجه کمیته مرکزی خود عهده‌دار تعیین ضوابط نمایندگان کنگره شد.

آشکار است که جناح راست برای عدم تمکین به درخواست‌های جناح چپ بهانه‌جویی می‌کرد، ولی برای آنکه اتهامی را متوجه خود نسازد کمیسیونی را در جنب هیأت سیاسی تشکیل داد تا به پیشنهادات رسیدگی و نظرات خود را نیز به آن ضمیمه سازد و برای اتخاذ تصمیم در اختیار کمیته مرکزی قرار دهد. این گزارش در ادامه به تشریح طرح‌های مختلف در نحوه توزیع اعضای که می‌توانند در کنگره شرکت نمایند می‌پردازد.

به نظر می‌رسد جناح چپ به تکاپو پرداخته بود تا از حوزه نفوذ جناح راست

بکاهد؛ زیرا این گزارش تأکید دارد که «هرگونه تصمیمات و اقدامات در وضع فعلی اولاً لزوماً از کانال ارگانهای رهبری قانونی سازمان انجام گیرد. ثانیاً با مشارکت وسیع عموم اعضای رهبری سازمان و رأی اکثریت قاطع آن اتخاذ گردد و از هرگونه برخورد یک طرفه در دستگاه رهبری و توسط اعضای آن اجتناب گردد. به ویژه این تصمیمات و اقدامات باید با حمایت رفقای تشکیلات مواجه گردد.»

این گزارش همچنین از طرح‌های مختلف برای جایگزین کردن هیأت اجرایی به جای هیأت سیاسی و هیأت دبیران خبر می‌دهد؛ که نهایتاً با انحلال هیأت سیاسی و هیأت دبیران، یک هیأت اجرایی مرکب از هفت نفر تشکیل گردید که وظایف دو هیأت منحل شده را در فاصله دو پلنوم به عهده گرفت. در نتیجه رأی گیری نقی، مجید، جمشید، کیومرث، حسن و خسرو به عنوان اعضای هیأت اجرایی انتخاب شدند و صادق نیز به عنوان مسئول برگزیده شد.

اما این پلنوم همچنین تصویب کرد به منظور تجهیز سازمان به برنامه و اساسنامه، یک کمیسیون مرکب از چهار عضو به منظور مشاوره و تبادل نظر و هماهنگی در کمیته مرکزی تشکیل گردد. اعضای این کمیسیون مرکب بودند از امیر، بهروز، رحیم و نقی.

این گزارش در جمع‌بندی می‌نویسد که بدین ترتیب پس از ماه‌ها تشنج در تشکیلات، پلنوم مهرماه موفق شد در مورد دو امر مهم یعنی کنگره و چگونگی هدایت سازمان تا کنگره تصمیم بگیرد.

اما این پلنوم نتوانست نظر موافق جناح چپ و یا حداقل نظر برخی از آن جناح را تأمین کند. مدت کوتاهی پس از این پلنوم فرج‌الله کاظمی بیان داشت که مهم‌ترین مسئله‌ای که اینک سازمان با آن مواجه است این است که آیا می‌خواهند حزبی بنیادگرا و قشری بسازند و یا حزبی غیربنیادگرا و غیرقشری؟ او که اکنون دریافته بود اقدامات گورباچف به منظور ناب‌سازی مارکسیسم - لنینیسم نیست و یا حداقل چنین نتیجه‌ای دربر ندارد، ادعا کرد که بیش از دو سال پیش در کمیته مرکزی این موضوع را مطرح کرد که باید مسائل فلسفی و مرامی را از مسائل سیاسی و حزبی تفکیک کرد تا به اندیشه واقعاً نوین دست یابند. به گمان او هرگاه احزاب سیاسی بر

ایدئولوژی و یا دین مبتنی شوند بنیادگرا و قشری می‌شوند. «زیرا فلسفه‌ها در توضیح واقعیات جهان از علم عقب مانده‌اند. تعصب در دنباله‌روی از مکاتب فلسفی به عقب‌ماندگی از علم منجر شد.» او «عامل فاجعه‌های ویرانگر در کشورهای سوسیالیستی و در احزاب م.ل.» را ناشی از پافشاری روی اصولی می‌داند که به صورت ایده‌های مقدس درآمده بودند.

فرج‌الله کاظمی می‌افزاید که بسط و تحکیم اندیشه «دیکتاتوری پرولتاریا» برجسته‌ترین دستاورد تئوریک لنین بود. او با توسل به این تئوری با سایر پیروان سوسیالیسم مرزبندی کرد. اما اینک مجریان این تئوری در عمل بر این تئوری نقطه پایان نهادند. او می‌گوید: «امروز متعصب‌ترین نیروهای طرفدار اعمال دیکتاتوری پرولتاریا درست به دلیل پافشاری روی این اندیشه و این کیش، رسوا و مغلوب شده‌اند.» زیرا دیکتاتوری از هر نوع آن و متعلق به هر طبقه‌ای جز فساد و تباهی دستاوردی نداشته است و نخواهد داشت. کاظمی پا را فراتر گذاشته و تأکید می‌کند که تئوری لنین در این باره که امپریالیسم آخرین مرحله تکامل سرمایه‌داری است بی‌پایه و بی‌بنیاد است؛ و اکنون جهان دورانی را سپری می‌کند که نافی تئوری دوران لنین است. او می‌گوید که مارکسیسم بر علوم اجتماعی سایه انداخت. در نتیجه هنگامی که یک مارکسیست راجع به کشورهای سوسیالیستی پژوهش می‌کند، خوبی‌های احتمالی را جست‌وجو می‌کند ولی هنگامی که در مورد جوامع غیرسوسیالیستی پژوهش می‌کند فقط به بدی‌ها توجه می‌کند. او با این اعتقاد که «فلسفه هم یک علم است» می‌گوید بنابراین چنانکه ما این حق را برای عالمان قائلیم که به کشف حقایق علمی بپردازند، برای فلاسفه نیز باید قائل باشیم که آزادانه به حقایق فلسفی بپردازند و می‌پرسد چرا ما این حق را برای سارتر و راسل قائل نیستیم که نظراتی خلاف مارکس بیان کنند؛ زیرا اگر فلسفه علم است باید همان آزادی را برای فلسفه قائل باشیم که برای هر علم دیگر قائلیم.

فرج‌الله کاظمی تیغ نقد خود را متوجه دولت سوسیالیستی کرده و می‌نویسد: لنین دستگاه اندیشگی مارکس را «به گونه‌ای بسیار دگماتیستی» درآورد و دولت شوروی نیز به خاطر منافع خود و حفظ موقعیت هژمونیک خود همین تعصب و

جمود را مورد تأکید قرار داده و تداوم بخشید و اگر لنین به یک بت تبدیل شد به خاطر «نیاز یک دیکتاتور مقتدر چون استالین و جانشینان هژمونیکست و بوروکرات وی» بود که جامعه شوروی را غرق در بحران همه‌جانبه کردند. او با تأکید بر کنار گذاشتن مسایل فلسفی و مرامی از امور حزبی می‌گوید که در پی ایجاد یک جنبش نوین است که بر پایه سه رکن ملی بودن، دمکراتیک بودن و عدالت اجتماعی استوار گردد. کاظمی به تشریح این سه رکن پرداخته و می‌نویسد که سازمان در مبارزه خود برای ملی بودن دچار انحرافات و نارسایی‌های بسیاری بوده است؛ چون از انترناسیونالیسمی دفاع می‌کرد که با منافع ملی انطباق نداشت. او می‌افزاید که در قبال جنگ ایران و عراق و تهدیدهای رژیم شوونیست عراق و همدستان او علیه ایران و در برابر همه نظامیان و بسیجی‌هایی که برای مهار ارتش عراق در حمله به خرمشهر و آبادان و اهواز جنگیدند و جان دادند، باید موضع ملی و هوشیارانه داشت و این جدای از موضع ما در قبال رژیم است.

عدالت اجتماعی و سوسیالیسم مورد نظر کاظمی اینک خلاف سوسیالیسمی است که در «کشورهای بحران‌زده سوسیالیستی» حاکم است. او می‌گوید تجربه و تئوری مارکس در مورد سوسیالیسم دیگر قابل دفاع نیست. زیرا سوسیالیسم مورد نظر او در «سوسیالیسم واقعاً موجود» تجلی یافته و آن نیز با شکست مواجه گردیده است. از نظر کاظمی «سوسیالیسم واقعاً موجود» در سوئد متجلی شده است. او می‌گوید: «سیستم گسترده تأمین اجتماعی در جوامعی مثل سوئد و متکی شدن حکومت به رأی آزادانه مردم کاملاً بر سوسیالیسم منطبق است»<sup>۱</sup>

### نقدهای درون‌سازمانی

مقاله کاظمی بیانیه‌ای بود علیه مارکسیسم و خصوصاً علیه لنینیسم. اما گویا او فراموش کرده بود در پلنومی که در سال گذشته برگزار شده بود، به عنوان یک

۱. فرج‌الله ممینی کاظمی، گفتاری درباره برنامه، بولتن داخلی، آبان ۱۳۶۸.

عضو جناح چپ و در قامت یک مارکسیست ارتدکس بر ناب‌سازی مارکسیسم - لنینیسم از تمامی انحرافات اپورتونیستی تأکید داشت و تأمین رهبری طبقه کارگر در انقلاب ملی و دموکراتیک را وظیفه اساسی و استراتژیک خود برمی‌شمرد. او اینک مدعی است که از دو سال پیش بر جداسازی ایدئولوژی از کار سیاسی تأکید داشته است؛ و نیز اعتراف می‌کند که سال‌ها در پی سراب دوان بوده است؛ ولی روشن نمی‌کند که از رهگذر «تضاداندیشی» که اکنون به نقد آن پرداخته؛ و نیز از رهگذر امید به دستیابی به یک جامعه سوسیالیستی که اینک از دست داده، چه امکانات انسانی و مادی و معنوی به تباهی کشیده شده است.

او همچنین نیازی ندید که توضیح دهد این چرخش در طی یک سال چگونه رخ داد؟ چگونه می‌توان در عرض یک سال از یک مارکسیست ارتدکس به یک دموکرات لیبرال «فراروئید»؟ بی‌گمان نمی‌توان آن را فقط به آشکار شدن آثار شکست در اردوگاه سوسیالیسم فروکاست. زیرا پیش از آن، بسیاری درباره شکست سوسیالیسم از نوع لنینی آن سخن گفته بودند و خود نیز از همان آغاز ورود به شوروی آن را به چشم خود دیده بود؛ اما همچنان بر ناب‌سازی مارکسیسم - لنینیسم امید بسته بود.

کاظمی مدعی است سخنان او نگاه گرایش غالب در سازمان را باز می‌تاباند.<sup>۱</sup> گویا آنچه را که فدایی‌ها هرگز نخواستند خود بیاموزند، تازیانانه زمانه با خسارت فراوان به آنان آموخت.

مقاله و مصاحبه فرج‌الله کاظمی مایه بهت و حیرت جناح چپ شد. اختلافات به اوج رسیده بود. این بار خروج از کشور شوراهای به مرکزیت سازمان سرایت کرد. جناح چپ همچنان در این حرکت «پیشگام» بود. هر یک از اعضای جناح چپ مرکزیت به بهانه‌ای کشور شوراهای را ترک می‌کردند و مرده ریگ لنین نیز در حال فروریختن بود.

پس از فرج‌الله کاظمی اینک نوبت فرخ نگهدار بود تا مفهوم نوینی از

۱. دموکراسی، بزرگترین خواست جنبش ماست؛ مصاحبه با راه ارانی، آبان ۱۳۶۸.

سوسیالیسم و انقلاب ارائه کند. او گفت کسانی که به بهانه سوسیالیسم، دموکراسی را نقض می‌کنند، هم سوسیالیسم و هم دموکراسی را به نابودی می‌کشند. سوسیالیسم موردنظر وی دیگر به معنای دولتی کردن تمام اقتصاد کشور و لغو بازار و رقابت مؤسسات تولیدی نبود؛ بلکه می‌توانست اشکال متنوع مالکیت را دربر داشته باشد. استقرار سوسیالیسم نیز با ریشه گرفتن دموکراسی ممکن می‌شد. نگهدار تأکید می‌کند که در میان چپ‌های ایران کمتر کسی است که بر اعتقادات پیشین خود مبنی بر لزوم رهبری طبقه کارگر باقی مانده باشد. او می‌گوید: «اگر منظور از انقلاب از نظر سیاسی استقرار دیکتاتوری یک حزب یا یک فرد و از نظر اقتصادی انحصار تمام وسایل تولید در دست دولت باشد، من با صراحت اعلام می‌کنم، نه، من یک چنین انقلابی‌ای نیستم. دست زدن به این کارها تحت عنوان انقلاب، به ویژه پس از آشکار شدن نتایج تلخ آن در کشورهایی که همین راه را طی کرده‌اند، امروز اگر ناشی از دگماتیسم و یا بی‌خبری و حماقت سیاسی نباشد، باید از هوس قدرت‌طلبی و عشق مفرط به فرمانروایی ناشی شده باشد.» او یک گام به پیش می‌گذارد و تحقق آرمان‌های خود و سازمان متبوعش را لزوماً به سرنگونی حاکمیت منوط نمی‌سازد.<sup>۱</sup>

جناح چپ و جناح راست همزمان و توأمان با مارکسیسم و تمامی آموزه‌های آن وداع می‌کردند. اما هنوز این جسارت را در خود نمی‌دیدند تا از نقش خود در وقایع پس از انقلاب انتقاد کنند. گویا فراموش کرده بودند که خود بخشی از جامعه را به این سو و آن سو می‌کشاندند و فضای سیاسی کشور را با تأکید بر رادیکالیسم و ارائه تحلیل طبقاتی از تمامی رخدادها ملتهب ساختند و شاید آنان خود را در آنچه که رخ داد سهیم نمی‌دانستند.

تحولات در سازمان فداییان خلق حیرت‌آور بود. جناح چپ که بر محوری بودن مبارزه مسلحانه با جمهوری اسلامی اصرار داشت، اکنون می‌گوید با «کاربست خشونت» موافق نیست و تأکید می‌کند که به «شیوه‌های قهری متوسل»

۱. مصاحبه با رفیق فرخ نگهدار، کار، دوره دوم؛ شماره ۷۱، مورخه دی ۱۳۶۸.



نمی‌شود و کار کسانی را که به این شیوه‌ها متوسل می‌شوند اشتباه می‌خواند.<sup>۱</sup> گفت‌وگو با «نیروی سلطنت» و پاسخ به بیانیه «آقای رضا پهلوی» امر مثبتی دانسته شد. «برپایی دموکراسی مقدم‌ترین وظیفه و هدف سازمان» به شمار می‌رفت. اما هنوز جناح چپ و یا حداقل عبدالرحیم‌پور نمی‌خواهد بپذیرد که بحران ناشی از «شکست سوسیالیسم واقعاً موجود» فقط دامنگیر آنان است. او بحرانی را که مارکسیسم در آن غوطه‌ور بود، به همه عالم تعمیم داده و می‌گوید «خطاست اگر تصور شود فقط چپ دچار بحران است». او بدون نیاز به اقامه دلیل، ادعا می‌کند «بحران در عمق هستی؛ در جان ایران‌زمینیان جریان دارد» که حتی دامنه آن نیز به نقاشی و موسیقی و ادبیات گسترده شده است.<sup>۲</sup>

### نخستین کنگره

سازمان در شرایطی بسیار بحرانی و در حالی که «ارگان‌های دستگاه رهبری سازمان - مشخصاً کمیته مرکزی و هیأت اجراییه - عملاً قدرت و کارایی خود را از دست داده بودند» و در غیاب گروهی از «مسئولین سابق و کادرهای پرسابقه» که حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد از نمایندگان را تشکیل می‌داد،<sup>۳</sup> نخستین کنگره خود را از ۱۳ الی ۲۳ مردادماه سال ۶۹ برگزار کرد.

برگزاری کنگره همواره یکی از وعده‌های مرکزیت پس از پیروزی انقلاب بود که به دلایل نامعلومی به تعویق می‌افتاد. در هشتم مرداد سال ۱۳۵۹ هیأت سیاسی به کلیه کادرها و اعضا اطلاع داد که در انجام تدارکات لازم برای تشکیل نخستین کنگره سازمان، جزوه بررسی جامع جوانب بحران زیرنظر ارگان‌های رهبری تنظیم شده است و در اختیار تمامی اعضا قرار خواهد گرفت تا با مطالعه آن نظرات اصلاحی و تکمیلی خود را به کمیته ترویج ارسال دارند.

۱. مصاحبه با رفیق قربانعلی عبدالرحیم‌پور، کار، دوره دوم؛ شماره ۷۶، مورخه اول خرداد ۶۹.

۲. همان.

۳. اسناد کنگره اول، مصاحبه با فرخ نگهدار درباره کنگره و نتایج آن، کار؛ شماره ۷۸، مورخه ۱۳۶۹/۶/۱.

در دوازدهم آذرماه همان سال مرکزیت سازمان طی اطلاعیه‌ای «مسائل ایدئولوژیک» را که باید در «دستور کار کنگره یکم» قرار گیرد به اطلاع اعضا رساند. به موجب این اطلاعیه، مرکزیت سازمان پس از جلسات متعدد و «پس از بررسی روند تکوین و تکامل سازمان از بدو پیدایش تا حال» موفق شد وظایف اساسی نخستین کنگره سازمان را مشخص کند. این بیانیه یادآور می‌شود که مرکزیت سازمان یقین یافته است که گردهمایی احزاب کمونیستی و کارگری جهان در سال‌های ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ نقش تعیین‌کننده‌ای در پی‌ریزی خط‌مشی نوین جنبش جهانی کمونیستی داشته است؛ و اهمیت این رویداد تاکنون مورد غفلت سازمان واقع شده است. زیرا سازمان «از آغاز راهی در پیش گرفت که بیشتر تجسم خودانگیختگی روشنفکران انقلابی بود تا جلوهای از حرکت آگاهانه و اصولی مارکسیست - لنینیست‌ها»؛ ضمن آنکه سازمان اساساً توان پرداختن و قضاوت در مورد مسائل حاد و اساسی جنبش جهانی کمونیستی را نداشت در نتیجه «بدون تعمق و آگاهی و بدون یک برخورد حداقل توضیحی دستاوردهای گردهمایی‌های ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ احزاب کمونیستی و کارگری را تخطئه» می‌کرد. بدین لحاظ مرکزیت سازمان، اعلام موضع نسبت به مصوبات این دو گردهمایی را که «حاوی اساسی‌ترین مسائل دوران کنونی می‌باشد» مهم‌ترین وظیفه خود در کنگره دانست.

مرکزیت سازمان در اطلاعیه بدون تاریخ بعدی خود در گزارشی از چگونگی پیشرفت کار تدارک کنگره توضیح داد که پیش‌بینی می‌کرد کنگره ظرف ۲ تا ۳ ماه برگزار گردد اما سیر پرشتاب حوادث و تهاجم رژیم عراق به خاک میهن وظایف دیگری بر عهده مرکزیت سازمان نهاد.

این بیانیه با اشاره بر اهمیت ایدئولوژی تأکید می‌کند که «تنها با تکوین ایدئولوژی است که سازمان می‌تواند در دیگر عرصه‌ها راه تکوین و تکامل را طی کند» و یادآور می‌شود که این بینش موفق شد اقلیت را منفرد کند و «ولنگاری آنان را نسبت به ایدئولوژی آشکار سازد». بیانیه می‌افزاید که انشعاب اقلیت، سازمان را در تنگنا قرار داد؛ به طوری که رهبری سازمان بر این تصور بود که یگانه راه برون‌رفت از بحران، برگزاری کنگره و تأمین شرایط نظارت تشکیلات

بر رهبری است؛ ولی تدریجاً مسائل ایدئولوژیک رخ نمود که کنگره باید به مهم‌ترین مسائل ایدئولوژیک پاسخ می‌گفت.

این مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسائل ایدئولوژیک، همان اتخاذ موضع در برابر مصوبات گردهمایی‌های احزاب کمونیستی و کارگری در سال‌های ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ بود. مرکزیت سازمان در نشست شهریورماه خود تصمیم گرفت فقط نسبت به بخش‌هایی از مفاد اعلامیه ۱۹۶۰ توجه کند که از آن آگاهی داشت، ولی تاکنون نسبت به آن موضع رسمی اعلام نکرده بود؛ و مسائلی مانند صلح و جنگ، همزیستی مسالمت‌آمیز، اشکال‌گذار مسالمت‌آمیز به سوسیالیسم، دیکتاتوری پرولتاریا و ضرورت رهبری حزب کمونیست، در دستور کنگره قرار نگیرد. اما با مطالعات بعدی مرکزیت به این نتیجه رسید که این شیوه تناقض‌آمیز است. زیرا مهم‌ترین مسائل ایدئولوژیک همان مواردی بود که قرار شد در دستور قرار نگیرد. گذشته از آن توجه به بخشی از مفاد اعلامیه‌ها و کنار نهادن بخشی دیگر اساساً امکان‌پذیر نیست؛ زیرا «نظریات مطرح شده در آنها مجموعاً یک دیدگاه کامل و انسجام یافته را عرضه می‌دارد.» این عوامل موجب گردید که مسئله سانترالیسم دمکراتیک که قرار بود مسئله محوری کنگره باشد جای خود را به اتخاذ موضع در قبال جنبش جهانی کمونیستی دهد.

ضرورت تکمیل ساختار تشکیلات، ناهماهنگی بافت تشکیلاتی و ارگان‌سازی طبق تجربه تمام احزاب کمونیست از دیگر ادله‌ای بود که برگزاری کنگره را تا یک دهه به تعویق انداخت.

در کنگره نخست سازمان، موارد گوناگون و متنوعی به بحث و تبادل نظر گذاشته شد. کنگره در آغاز تلاش کرد با قلب واقعیت و تحریفی آشکار ارزش‌های نوین خود را به گذشته نیز تعمیم دهد. بنابراین، ماده یک بند دو تزه‌های پیشنهاد شده یکی از کمیسیون‌ها را چنین اصلاح کرد: «سازمان ما از دل جنبش فداییان خلق که در دهه ۴۰ در پیکار علیه دیکتاتوری شاه با آرمان دمکراسی و سوسیالیسم شکل گرفت...»<sup>۱</sup>

تردیدی نیست که سازمان علیه دیکتاتوری شاه مبارزه کرد، ولی نه برای استقرار دموکراسی و در معنایی که امروز از آن فهمیده می‌شود، بلکه برای جایگزین کردن طبقه‌ای به جای طبقه دیگر و استقرار نوعی از دیکتاتوری به جای نوع دیگر. نیاز به توضیح و تفصیل نیست که دموکراسی هیچ‌گاه مورد عنایت نظریه‌پردازان سازمان نبوده است. شکوه و شکایت از دیکتاتوری شاه به معنای قبول دموکراسی نمی‌توانست باشد. حداقل در آن دوره، قبول مارکسیسم - لنینیسم به معنای قبول دیکتاتوری طبقه کارگر بود که نقطه مقابل دموکراسی بود.

بررسی گذشته سازمان و عملکرد رهبری مهم‌ترین بخش کنگره را به خود اختصاص داد. کمیسیون مربوطه محورهای ذیل را تدوین نمود و از اعضای رهبری خواست به آنها پاسخ دهند:

الف: در عرصه تدوین سیاست عمومی سازمان:

۱. سیاست شکوفاسازی رژیم جمهوری اسلامی. (سیاست سازمان در کردستان، ترکمن صحرا ...)
  ۲. سیاست سرنگونی در پلنوم ۶۳ و بیانیه ۶۴ با حزب توده ایران.
  ۳. سیاست نزدیکی به رضا پهلوی.
  ۴. سیاست عمومی نسبت به احزاب و سازمان‌های سیاسی.
  ۵. سیاست نزدیکی به حزب توده ایران. (چرایی انحلال ارگان‌های سازمان - از جمله هیأت سیاسی) و (همکاری با حزب در برنامه رادیویی).
- \* موضع‌گیری نسبت به (حزب دمکرات...، اقلیت...).
- \* چگونگی ارتباط و همکاری با کشورهای بلوک شرق.

ب: در عرصه تشکیلاتی:

۱. چگونگی برخورد رهبری با حقوق و وظایف خود و اعضای تشکیلات.
- \* روند تشکیل کمیته مرکزی (چگونگی انتخاب دبیر اول).
- \* چگونگی تشکیل شعبه اطلاعات - اهداف و فعالیت‌های آن و روابط با کا.گ.ب

۲. چگونگی برخورد رهبری با انشعابات.
۳. چگونگی برخورد با تشکیلات در مقطع ضربه.
  - \* رها کردن تشکیلات شهرها به حال خود.
  - \* انحلال سازمان جوانان.
۴. چگونگی برخورد با پدیده مهاجرت.
  - \* عدم تدوین برنامه‌ای برای نیروها در خارج (جابه‌جایی نیروها در کشورهای مختلف).
۵. چگونگی برخورد با تشکیلات در داخل.
  - \* چگونگی تدوین سیاست تشکیلاتی.
  - \* چگونگی برخورد کمیته‌های ارتباطی با داخل.
۶. چگونگی برخورد با تشکیلات در خارج.
  - \* نحوه ارتباط ارگان‌های خارج از کشور با دستگاه رهبری.
  - \* بحران.
  - \* مسائل مالی.

از سوی گروهی از نمایندگان پیشنهاد شد چون کمیته مرکزی تاکنون گزارشی از عملکرد خود ارائه نکرده است، دبیران و مسئولین سازمان گزارشی از زوایای مختلف به کنگره ارائه دهند. این پیشنهاد به تصویب رسید.

پس از سخنان فرخ نگهدار که توضیح داد چرا از سوی کمیته مرکزی گزارشی برای ارائه به کنگره آماده نشده است، فرج‌الله کاظمی سیر شکل‌یابی مرکزیت در سازمان را از زمان تشکیل تشریح کرد و یادآور شد که مرکزیت سازمان در پیش از انقلاب سه بار تقریباً به طور کامل نابود شد و «در سال ۱۳۵۶ مجموعه نیروی سازمان پر عظمت چریک‌ها را اگر جمع می‌کردید به زحمت نصف این ردیف (اشاره به یک ردیف از نمایندگان) را پر می‌کرد. تا نیمه سال ۵۷ آنچه از سازمان مانده بود کمتر از ده تیم بود که مسئولیت آن بر دوش سه چهار نفر از اعضای معمولی و کم تجربه سازمان افتاده بود». او کم‌تجربگی و دانش اندک مسئولان سازمان را منشأ تمام فسادها در سازمان می‌داند. کاظمی در ادامه ترکیب مرکزیت

سازمان را توصیف کرد.

بهزاد کریمی با استناد به سخنان کاظمی می‌گوید: «در سال ۵۸ سازمان ما دیناسوری بود با بدنه بسیار بزرگ و مغز بسیار کوچک». وی این را بزرگ‌ترین درد سازمان در پس از انقلاب می‌داند که سبب انحرافات بسیاری در سازمان از جمله نزدیکی به حزب توده شد. او می‌گوید در حالی که به حزب توده فحش می‌دادند، در سیاست مدام به آن نزدیک می‌شدند و «از فرط درماندگی به ریسمان حزب توده چسبیدند».

عبدالرحیم‌پور در سخنانش فرخ نگهدار را به خاطر عدم تهیه گزارش از عملکرد رهبری سازمان مورد شماتت قرار داد و دلایل او را توجیهی بیش نخواند و طعنه‌زنان گفت کمیته مرکزی هیچ‌گاه نتوانسته برای پلنومش گزارش بنویسد. عبدالرحیم‌پور که گویا نگران بود نگهدار بار دیگر به دبیر اولی انتخاب شود، از شرکت‌کنندگان در کنگره می‌خواهد که فریب انتقاد از خود را نخورند؛ زیرا این انتقاد از خود را شیوه‌ای رایج می‌داند برای کسب رهبری.

دامنه انتقادات عبدالرحیم‌پور به پیش از انقلاب نیز گسترده می‌شود. او با اشاره به سطح نازل علی‌اکبر جعفری، محمد حسینی‌حقوق‌نواز و نسترن آل‌آقا می‌گوید: «حمید اشرف هم کیفیتاً خیلی بالاتر» نبود. او تأکید می‌کند که کمیته مرکزی که سه بار همه‌شان کشته شدند «کیفیتشان خیلی پایین بود».

انتقاد عبدالرحیم‌پور از یک سو متوجه سطح نازل دانش تئوریک اعضا در پیش و پس از انقلاب است؛ به طوری که می‌گوید حتی بنیانگذاران سازمان هم مغزهای اندیشمندی نبودند. او درباره مارکسیست شدن اعضا می‌گوید که آنان با مطالعه آثار جزئی مارکسیست می‌شدند و استدلال می‌کردند چون جزئی قضایا را مارکسیستی تحلیل کرده، پس ما هم مارکسیست هستیم. او آرزو می‌کند «کاش آثار مارکس و اینها را» می‌خواندند تا این قدر خرابکاری نمی‌کردند.

انتقاد عبدالرحیم‌پور از سوی دیگر متوجه اخلاقیات اعضای سازمان است. او نمایندگان را مورد خطاب قرار داده و می‌گوید: «شعور ملی شما در حال فروپاشی است.» او از حاکمیت ثقل و دروغ در سازمان متبوعش سخن می‌گوید. او با

اشاره به اینکه اعضا چشم در چشم یکدیگر دروغ می‌گویند اضافه کرد که «ابتدایی‌ترین مسائل در میانشان هنوز به شیوه غیرانسانی حل می‌شود.» او گفت که کمیته مرکزی هشت سال است به جهنم تبدیل شده است و همه از دست یکدیگر خسته شده‌اند. عبدالرحیم‌پور نیز مانند کاظمی و طاهری‌پور و فتاپور از بی‌رمق بودن سازمان در آستانه انقلاب سخن می‌گوید.

دیگر نمایندگان حاضر در کنگره نیز بی‌توجه به آنکه تبعیت محض از مرکزیت سازمان در طی سال‌های متمادی جایی برای انتقاد آنان باقی نمی‌گذارد، مرکزیت را به باد شدیدترین انتقادات گرفتند. یکی از بحران هویت اجتماعی سخن گفت و دیگری از تفرعن رهبری. یکی خطاب به رهبری گفت «سیاست‌هایی که شما شخصاً و بدون دخالت توده تشکیلات پیش بردید جنایتکارانه بود» و دیگری گفت که شیفتگی در برابر انترناسیونالیسم پرولتری، خلاف منافع ملی بود. یکی اعتراف کرد که تصویری که از کشورهای سوسیالیستی ارائه می‌کردند، غیر واقعی بود و در بیان حقیقت، صداقت نداشتند. دیگری از حاکمیت استالینسم در هیأت سیاسی سخن گفت. آنان نمی‌خواستند این واقعیت را بپذیرند که استالینسم محصول یک کنش جمعی است. قربانیان استالینسم در مراتب مختلف، خود در پدید آمدن آن شریک بودند. انتقاد از استالینسم از سوی کسانی که بدان تمکین کرده‌اند، فریبکاری و فرصت‌طلبی است و نه فضیلت.

پس از سخنان نمایندگان، قطعنامه‌ای درباره خطاهای گذشته به تصویب رسید. این قطعنامه سیاست و برنامه سازمان را در راه شکوفایی جمهوری اسلامی بزرگ‌ترین خطای سازمان دانست. این قطعنامه تصریح دارد که این خطا از آنجا ناشی شد که جهان را به دو اردوگاه تقسیم کرده و مواضع ضدامپریالیستی حاکمیت را به سود اردوگاه سوسیالیسم ارزیابی می‌کردند.

کنگره، سیاست وحدت با حزب توده را که «در روند خود به سیاست ادغام سازمان در حزب منجر گردید» محکوم و آن را ناقض استقلال سازمان دانست. کنگره همچنین «سیاست سازمان در برخورد با اتحاد شوروی و سایر

کشورهای اردوگاه سوسیالیسم را نادرست ارزیابی» کرد. قطعنامه تأکید کرد «این سیاست که پس از پذیرش اسناد جلسات مشاوره احزاب کارگری و کمونیستی سال‌های ۵۷، ۶۰ و ۶۹ و بر پایه این اسناد اتخاذ شده بود، بر واقعیت انطباق نداشت. ناباوری نسبت به وجود برتری‌طلبی در حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی، صحنه گذاشتن بی‌قید و شرط بر سیاست‌ها و عملکردهای آنها، تبلیغات غیرواقعی به سود این کشورها و معرفی جامعه شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به مثابه تنها مدل سوسیالیسم و جامعه آرمانی به اعتبار سازمان» لطمات جدی وارد ساخت.

کنگره اعلام کرد ساختار تشکیلاتی سازمان که بر پایه تمرکز قدرت در دستگاه رهبری است، موجب بی‌حقوقی کامل اعضا و پرورش روحیه فرمانبری گردید. بنابراین آن را غیردمکراتیک می‌داند.

کنگره تصریح کرد: «دستگاه رهبری با نقض مکرر حقوق اعضا - تا نادیده گرفتن اساسنامه مصوبه خویش - موجب تخریب روابط درون سازمان؛ تشدید منازعات و گسترش بحران، شکل‌گیری دسته‌بندی و تخریب روابط سالم در بین فعالین سازمان در تمامی سطوح تشکیلات گردید.» کنگره از همه کسانی که «به دلیل اقدامات غیرمسئولانه رهبران و یا مسئولین، سازمان را ترک» کرده بودند دعوت کرد که به سازمان بازگردند.

کنگره از اعضای «هیأت سیاسی و کمیته مرکزی که فروتنانه جای خود را به شورای مرکزی منتخب سپردند» صمیمانه سپاسگزاری کرد. البته پیش از آن کاظمی در سخنان خود برکناری همه آنان را خواستار شده بود. اعضای کمیته مرکزی به خاطر پیشگیری از انشعاب، جملگی استعفای خود را به کنگره ارائه کردند. پس از انتخاباتی که صورت گرفت ده تن به عنوان شورای مرکزی جانشین کمیته مرکزی شدند. این ده تن عبارت بودند از: طهماسب وزیری مسئول تشکیلات داخل؛ فریدون احمدی مسئول تشکیلات خارج؛ بهزاد کریمی مسئول نشریه کار؛ فردوس جمشیدی رودباری مسئول روابط عمومی؛ قربانعلی عبدالرحیم‌پور مسئول امور امنیتی؛ احمد پورمندی مسئول امور خلق‌ها؛ مهدی



ابراهیم‌زاده مسئول امور مالی؛ علی پورنقوی مسئول تدارک اجرایی کنگره آتی؛ اردشیر بهتویی مسئول تدارک اسناد کنگره و ماشاءالله رزمی مسئول تدارکات. کنگره همچنین شعار سرنگونی جمهوری اسلامی را حذف و آن را به «پایان بخشیدن به جمهوری اسلامی» تغییر داد؛ زیرا سرنگونی متضمن خشونت بود و فداییان خلق مایل بودند از خشونت فاصله بگیرند. برای فداییان اعمال خشونت زمانی مجاز بود و معنا می‌یافت که پشتوانه استقرار دیکتاتوری پرولتاریا باشد. اکنون آنان با مشاهده نتایج زیان‌بار این دیکتاتوری و شکست سوسیالیسم و با براثت از مارکسیسم - لنینیسم، خشونت را نفی می‌کردند؛ زیرا در غیاب آن ایدئولوژی که کسب قدرت سیاسی را هدف قرار داده باشد به کارگیری خشونت نوعی آنارشیسم بود. در نتیجه باید گفت در این زمان نفی خشونت از جانب فداییان نه به خاطر وجه ضدانسانی آن، بلکه به خاطر پرهیز از تن دادن به آنارشیسم بود. ضمن آنکه اتخاذ این شعار می‌توانست «بخش مهمی از تحولات بزرگ فکری در چپ و در سازمان را بازتاب دهد... کنگره به پشتوانه تحولات فکری و متدیک در سازمان، اصطلاح پایان دادن را جایگزین مقوله سرنگونی کرد که در فرمولبندی سابق سازمان، ناظر بر شکل مطلق قهر در برچیدن بساط رژیم قهر و استبداد بود. فرمولبندی پیشین، پیشاپیش راه را بر تنوع اشکال پایان دادن به حاکمیت رژیم می‌بست و سازمان را عملاً در بهره‌گیری از امکانات و ابتکارات عدیده مردم در برچیدن بساط رژیم جمهوری اسلامی محروم می‌کرد... تجارب غنی در مقیاس جهانی و تا حدی در ایران یک قرن اخیر، بیانگر آن است که پایان‌یابی حیات رژیم‌های سیاسی در اشکال متنوع و گاه کاملاً بدیع و جدید بروز می‌یابد... به علاوه، خصلت انسان‌دوستی و دمکراتیک سازمان و آگاهی متکی بر تجربه آن از عوارض به غایت منفی و مخرب قهر و جبر در مبارزه سیاسی، ما را وامی‌دارد که در هر گام از مبارزه سیاسی با دشمنان مردم، پیگیرانه منادی و مبشر اشکال مسالمت‌آمیز باشیم... ما که تروریسم، جنگ، کین‌خواهی و انتقام‌جویی را مغایر ارزش‌ها و آرمان‌های انسان‌دوستانه خود و مخرب و زیانبار برای دمکراسی در کشور می‌دانیم؛ صراحتاً به مردم می‌گوییم که خواستار اجتناب

از توسل به قهر و خونریزی در مبارزه هستیم و خواهان آنیم که در مبارزه به حق مردم علیه رژیم جمهوری اسلامی؛ خون کسی بر زمین نریزد...»<sup>۱</sup>

آنان بر این اعتقاد بودند که بین شعار سرنگونی و پایان بخشیدن «تفاوت بسیار جدی و بسیار مهمی وجود دارد. تفاوتی به اندازه تعلق به دو نظام ارزشی. تجربه نشان داده است که شکل‌گذار تأثیری بسیار جدی بر خصلت حکومت جانشین دارد. کمتر انقلاب و تحول قهرآمیزی را می‌توان سراغ داشت که خود خارج از اراده برپادارندگان نظام جدید به اشکال دیگری از استبداد دچار نشده باشد.»<sup>۲</sup> به دیگر سخن نویسنده مدعی است که به کارگیری قهر در براندازی هر حکومتی، حکومت جدید را نیز مستعد بکارگیری قهر خواهد ساخت و براندازی مسالمت‌آمیز نیز خصلت‌های خود را به حاکمیت جدید منتقل خواهد کرد. صرف‌نظر از نادرست بودن چنین تحلیلی آنان نخواستند به این واقعیت توجه کنند که قهر و خشونت می‌تواند از سوی گروه‌های برانداز آغاز گردد؛ چنانکه فدایی‌ها قهر را از همان روز بعد از انقلاب به کار گرفته و آن را به حاکمیت جدید تحمیل کردند. اما موضوع این نبود که ادعا می‌شد. شاید اظهارات عبدالرحیم‌پور نشان دهد که حذف قهر و خشونت نه به خاطر خصلت‌های غیرانسانی نهفته در آن، بلکه به خاطر ناکارآمدی‌اش مورد انکار قرار گرفت. او گفت: «همه رفقا بر این نظر هستند که در چشم‌انداز قابل ارزیابی، سقوط رژیم محتمل به نظر نمی‌رسد. من هم این طور فکر می‌کنم. واقعیت این است که جامعه ایران درگیر بحران اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اخلاقی است. ولی واقعیت دیگر این است که رژیم جمهوری اسلامی علیرغم همه اینها، همچنان حکومت می‌کند. هنوز تحولات سیاسی کشور بیشتر تحت تأثیر اختلافات و کشاکش‌های درونی رژیم است و کمتر تحت تأثیر مبارزات مردم و اپوزیسیون. این اختلافات اگر چه شدید است ولی به گونه‌ای نیست که مانع

۱. کار؛ شماره ۸۰، مورخه ۱۳۶۹/۸/۱. -

۲. گفت‌وگو درباره خط مشی سیاسی سازمان، سیامک بهزادی، کار، ضمیمه شماره ۸۱، مورخه ۱۳۶۹/۹/۱.

تداوم حکومت شود...<sup>۱</sup> هنگامی که هیچ چشم‌انداز سقوط وجود ندارد، بکارگیری قهر، آزمودن آزموده است.

موضوع مهم دیگری که از سوی نمایندگان کنگره مطرح و کمیته مرکزی باید به آن پاسخ می‌گفت ارتباط با کا.گ.ب بود. این روابط حتی از سوی یکی از اعضا شرم‌آور توصیف شد. ولی این موضوع از جانب کمیته مرکزی و خصوصاً عبدالرحیم‌پور مسئول شعبه امنیت مسکوت ماند. این سکوت در حالی بود که برخی از نمایندگان در کنگره بر علنیت تأکید داشتند. علت این سکوت و عدم پیگیری خصوصاً از جانب کسانی که آن را شرم‌آور توصیف کردند دانسته نیست. آیا در خلال کنگره از آنان خواسته شده بود سکوت اختیار کنند و یا آنکه موضوع از نظر آنان فاقد اهمیتی بود که پیگیری بیشتری بطلبد؟

همزمان با برگزاری کنگره، رژیم صدام حسین به کویت حمله کرد و آن کشور را تصرف نمود. هیأت رئیسه کنگره اطلاعیه‌ای انتشار داد و در آن نوشت: «سازمان ما الحاق کویت به عراق را قویاً محکوم کرده خواستار عقب‌نشینی فوری و بدون قید و شرط ارتش تجاوزگر عراق به پشت مرزهای شناخته شده بین‌المللی است». این اطلاعیه از جامعه جهانی می‌خواهد با «اعمال کامل تحریم تسلیحاتی و اقتصادی علیه عراق، رژیم میلیتاریست و قلدرمنش صدام را به عقب‌نشینی سریع از کشور کویت و گردن نهادن به قوانین بین‌المللی و ادار سازد»<sup>۲</sup>.

به یاد داریم که در پلنوم سال ۶۵، سازمان درباره جنگ ایران و عراق اظهار داشت که باید «از همان آغاز جنگ سیاست دفاع از قطع بی‌درنگ جنگ و استقرار صلح و حل اختلاف دو کشور از راه مذاکره را پیش می‌گرفتیم». مایه تحیر و تأسف است که این سازمان در شرایطی که بخشی از خاک ایران در اشغال رژیم «میلیتاریست و قلدرمنش صدام» بود برقراری صلح و مذاکره را بهترین راه حل اختلافات بین دو کشور می‌دانست، ولی اینک که کویت توسط

۱. همان.

۲. الحاق کویت به عراق را محکوم می‌کنیم، کار، شماره ۷۸، مورخه شهریور ۱۳۶۹.

همان رژیم اشغال شده است خواهان عقب‌نشینی فوری و بدون قید و شرط ارتش تجاوزگر به پشت مرزهای بین‌المللی می‌باشد و از جامعه جهانی نیز می‌خواهد که با اعمال فشار از جمله تحریم اقتصادی، رژیم صدام را به عقب‌نشینی وادار سازد.

درک و تحلیل این همه آشفتگی در مواضع سیاسی سازمان فداییان خلق ناممکن است. این سازمان همواره نشان داده است که به منافع دیگر کشورها بیش از منافع کشوری که خود را بدان منتسب می‌دانند اهمیت می‌دهد. ملاحظه کردیم که یک هفته پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران، سازمان مجاهدین خلق با اتکا و پشتیبانی «رژیم میلیتاریست و قلدرمنش صدام» به ایران حمله‌ور شد. با وجود این اکثریت، خواهان اتحاد عمل با آن سازمان بود. ولی اینک اکثریت، رژیم عراق را به خاطر اشغال خاک کویت محکوم می‌سازد. بی‌تردید نمی‌توان مواضع دوگانه سازمان را در قبال رویدادی مشابه به جناح‌های مختلف فروکاست؛ بلکه باید آن را در چارچوب بی‌تعهدی این سازمان در قبال منافع کشور مورد توجه قرار داد.

این کنگره اعتراف‌نامه‌ای بود علیه خود. اما خودافشاگری آنان نیز از خودشیفتگی تهی نبود. آنان در کنگره‌ای که برگزاری آن ده روز به طول انجامید لازم ندانستند از مردم برای تحمیل خشونت، برای فریب آنان، برای ارتباط با کا.گ.ب، برای تلاش برای قربانی کردن منافع ملی در پیش پای انترناسیونالیسم پرولتری، برای تلاش برای بردن کشور در پشت دیوار آهنین و برای عدم صداقت در معرفی کشورهای سوسیالیستی و برای ده‌ها موضوع دیگر پوزش بخواهند.

کنگره البته مخالفینی نیز داشت. جمعی از کادرها و اعضا که ادعا کرده‌اند داخل کشور می‌باشند، در اطلاعیه‌ای اعلام کردند «این بار به نام دمکراسی دمکراسی را سر بریدند» این افراد حتی به اینکه «چنین اجلاسی اولین کنگره سازمان نامیده شد» اعتراض کرده و بیان داشتند از این پس «فعالیت نیروهای تحت مسئولیت خود را مستقلانه هدایت» می‌کنند و به کمیته مرکزی سابق نیز

هشدار می‌دهند که از این اطلاعیه سوءاستفاده نکنند و از اعضا می‌خواهد که خطاهای آنان را همچنان مورد بررسی قرار دهند و افشا سازند «تا در کنگره بزرگ سازمان نتوانند مجدداً اهرم‌های قدرت بدست گیرند.»<sup>۱</sup>

این کنگره یادآور کنگره نخست اقلیت بود. در آنجا نیز عده‌ای به نامیده شدن آن اجلاس به کنگره اعتراض کردند. در آنجا نیز پس از کنگره عده‌ای مستقلاً به راه خود رفتند. در آنجا نیز کنگره بوی اضمحلال می‌داد. کنگره گرچه نشان داد فداییان واقعیات را اندکی درک کرده‌اند، ولی هنوز دریافت‌های جدید آنان خالی از ابهام نبود. الف. مؤمنی [احمد پورمندی] که به عضویت شورای مرکزی راه یافته بود این ابهام را چنین توضیح می‌دهد: «کنگره با تصویب اینکه آرمان ما سوسیالیسم است و ما برای دستیابی به ارزش‌های سوسیالیستی مبارزه می‌کنیم، کوشید تا رابطه میان سوسیالیسم و ارزش‌های سوسیالیستی را مورد توجه قرار دهد اما خالی از ابهام نیست. این ابهام از آلودگی ما به نگرش گذشته و تأثیرگذاری اندیشه‌ای که هنوز سوسیالیسم را با مجموعه‌ای از قانونمندی‌ها تعریف می‌کند، ناشی شده است... لنین بارها در آثار خود بر این اندیشه سوسیال دمکراتیک تأکید نمود که جز از طریق دمکراسی راهی به سوسیالیسم وجود ندارد. این اندیشه که امروزه همه تجارب مثبت و منفی سده اخیر و از جمله تجربه شکست خورده اتحاد شوروی مؤید صحت آن است، در مقابل ایده انقلاب سوسیالیستی که وجه غالب تفکر لنین بود تاب نیاورد و حاصل تحقق اندیشه انقلاب سوسیالیستی آن شد که دیدیم...»<sup>۲</sup>

به عبارت دیگر بخش عمده فداییان پیوند خود را از سوسیالیسم واقعاً موجود که به تعبیر فرج‌الله کاظمی تمام امید آنان را به لجن کشیده بود، می‌گسستند و سوسیالیسم را به عنوان یک ارزش می‌پذیرفتند.

فرخ نگهدار که به سخت‌ترین وجه مورد حمله قرار گرفته و از دبیراولی عزل شده بود، در ارزیابی خود از کنگره، آماده نبودن اسناد و پیشنهادها را یک اشتباه

۱. کار؛ شماره ۸۲، مورخه اول دی‌ماه ۱۳۶۹.

۲. کار؛ شماره ۸۱، ۱۳۶۹/۹/۱.

خواند و قطعنامه کنگره در زمینه بررسی خطاهای سازمان را بسیار شتابزده دانست؛ ولی از آن لحاظ که «کنگره، سازمان را از خطر انشعاب و از مصیبت دسته‌بندی به کلی نجات داد» و موجب فروکش کردن بحران در سازمان شد آن را مفید دانسته و اظهار امیدواری می‌کند کسانی که «از زوایای مختلف از ادامه فعالیت در سازمان کنار گرفته‌اند» به سازمان بازگردند. وی تأکید می‌کند مقصودش کسانی نیست که «حل مسائل زندگی شخصی را تمام مضمون زندگی خود تلقی می‌کنند»، بلکه معترضینی است که عملکرد سازمان موجب عدم همکاری آنان با سازمان گردیده است. اما آنچه را که نگهدار مهم‌ترین نیاز سازمان می‌دانست «دگرگون‌سازی بنیادین ساختار و ترکیب ارگان‌های دستگاه رهبری» بود. او استدلال می‌کرد که احزاب مارکسیستی برای وصول به وحدت و در جریان مبارزه ایدئولوژیک، با خشن‌ترین روش‌ها و حتی با سببیت، رقیب و یا افراد مستقل را از دستگاه رهبری حذف می‌کردند که نمونه بارز آن «تصفیه‌های خونین استالینی» بود. در دوره‌های متأخر، این احزاب رهبری جمعی را جایگزین کیش شخصیت و رهبری فردی ساختند، ولی حفظ وحدت ایدئولوژیک همچنان به قوت خود باقی ماند. گرایش‌های گوناگون نمی‌توانستند در رهبری حزب حضور داشته باشند و دستگاه رهبری، دژی تسخیرناپذیر بود که فقط مرگ می‌توانست حزب را از چنگ آنان نجات دهد. نگهدار، دوران برژنف را شاهد مثال می‌آورد. وی می‌افزاید تنها راه نجات از حزبی سستی و جایگزین ساختن حزبی مبتنی بر دمکراسی، این است که از هر نوع توافقی که هدف آن حفظ دستگاه رهبری باشد قاطعانه امتناع ورزید. البته این «فرارویی» از یک حزب سستی به یک «حزب نوین مبتنی بر دمکراسی» و امتناع از زدوبند برای حفظ رهبری پیش از آنکه اختیاری و یا بر اثر فشار بدنه سازمان باشد، توفیقی بود که از رهگذر تحولات در شوروی حاصل شده بود.

عبدالرحیم‌پور از جهنم هشت ساله در کمیته مرکزی سخن می‌گوید. چگونه او - که خود عضو ارگان رهبری بود - و دیگر معترضان در این هشت سال

۱. مصاحبه با فرخ نگهدار درباره کنگره و نتایج آن، کار؛ شماره ۷۹، مورخه ۱۳۶۹/۷/۱.

سکوت اختیار کردند، ولی ناگاه در «ابتدای اجلاس کنگره علیه رهبری سابق قیام» و تهدید نمودند «یا ما در سازمان نیستیم و یا اگر باشیم بایستی که رهبری کنار برود. مشخصاً هم هیأت سیاسی سازمان استعفا بدهد»؟<sup>۱</sup> بی‌تردید سپری شدن دوران استالین و برژنف این جسارت را به اعضای یک سازمان مارکسیستی بخشیده بود که علیه رهبری سازمان متبوع و مطبوعشان قیام کنند.

البته آنان دیگر با مارکسیسم وداع کرده بودند و صریحاً اعلام نمودند «ما به عنوان یک سازمان سیاسی، مدافع هیچ مکتب ایدئولوژیک - فلسفی نیستیم. اعضای ما در انتخاب هر عقیده مذهبی، فلسفی و مکتبی آزاد هستند.»<sup>۲</sup> آنان مصاحبه یوری آفاناسیف را در نشریه کار چاپ کردند که در آن تصریح کرده بود که کمونیزم از همان سال ۱۹۱۷ ایده‌ای به بن‌بست رسیده بود. نشریه کار در معرفی و مدح آفاناسیف نوشت: «وی در ۱۲ مارس در مقابل کنگره نمایندگان خلق، لنین را متهم کرد که بی‌قانونی را به اساس سیاست کشور تبدیل کرد».<sup>۳</sup> اکثریت به همان میزان که از لنینیزم فاصله می‌گرفت، به سوسیال دموکراسی اروپایی گرایش می‌یافت. نشریه کار با درج «برنامه حزب سوسیال دمکرات سوئد»<sup>۴</sup> رویکرد نوین سازمان را نشان داد.

مدت کوتاهی پس از برگزاری کنگره، اعضای باقی مانده در شوروی این کشور را ترک کرده و راهی اروپا شدند. بی‌گمان ستاره بخت فداییان بسیار بلند بود. زیرا آنان یا باید سرنوشتی می‌یافتند که نسل‌های بعد و تاریخ از آنان به عنوان فسیل‌های در مهاجرت یاد می‌کرد؛ چنان که نسل متقدم فدایی‌ها از کمیته مرکزی حزب توده چنین یاد کرد. اگر هم بر سنت اعتراض‌آمیز فدایی باقی

۱. گفت‌وگوی دوستانه با یکی از رفقای فدایی پیرامون نخستین کنگره سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، جزوه دیدگاه‌ها، اسناد کنگره اول اکثریت؛ ص ۵، مورخه آذر ۱۳۶۹، انتشارات حزب توده (کمیته باکو).

۲. برنامه سیاسی - اجتماعی سازمان نوین ما، کار؛ شماره ۸۲، مورخه ۱۳۶۹/۱۰/۱.

۳. مصاحبه اشیگل با یوری آفاناسیف؛ سیاستمدار شوروی؛ درباره لنین؛ لنینیزم و گارباچف، کار؛ شماره ۷۹، مورخه ۶۹/۷/۱.

۴. کار؛ شماره ۸۰، مورخه ۱۳۶۹/۸/۱.

می‌ماندند، سرنوشتی بهتر از دفن شدن در میان برف‌های انبوه سیبری نمی‌یافتند. اما فداییان انتخاب خود را کرده بودند. تبعید دو تن از اکراد کمونیست به سیبری توسط کا.گ.ب که در اعتراض به سفر طارق عزیز به مسکو در سال ۱۳۶۷ رهبری تظاهرات اکراد را به عهده داشتند، فداییان را واقف کرد که باید جانب احتیاط را نگهدارند و مصالح میزبان را بر مصالح خود ترجیح بدارند. اما فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی این فرصت را برای آنان فراهم ساخت تا راهی غرب شوند تا همچنان میراث‌خوار جزئی و احمدزاده باقی بمانند. حتی اگر با مارکسیسم وداع کرده باشند.

اعلام عدم تعلق سازمان به مکاتب ایدئولوژیک فلسفی و خروج از شوروی نمی‌توانست بدون واکنش از سوی منشعبین باقی بماند. سازمان فدایی که از اقلیت انشعاب کرده بود و برای مدت کوتاهی با علی کشتگر وحدت کرده بود، درباره تحولات نظری اکثریت می‌نویسد:

اما آنچه که به دنیای ما کمونیست‌های ایرانی، مربوط می‌شود سوسیال - اپورتونیست‌های زبون و حقیری که تا دیروز کدوین را به سروناز تشبیه می‌کردند و در سایه آن آرمیده بودند؛ اکنون که باد را توفنده و برگ‌ها را ریزان می‌بینند ماهیت مفلوک خرده‌بورژوایی خویش را آشکار کرده و خودباخته از گرد چنار کهن می‌گریزند و روبه گریزگاه‌های سرمایه‌داری منحط پناه می‌جویند. آنان که در رسیدن به بهشت کمونیسم شتاب داشتند، اکنون شتابزده به سوی سراب سرمایه‌داری می‌تازند. آنهایی که زمانی نه کلام استالین و خروشچف و برژنف را، که سخنان گوینده رادیو مسکو را، همچون چماق بر سر انتقادکننده مستقل از سوسیالیسم واقعاً موجود می‌کوبیدند و او را ناسیونال کمونیست می‌خواندند و به هر فرد طرفدار دمکراسی سوسیالیستی برچسب سوسیال دمکراسی و یا بدتر از آن لیبرالی می‌زدند، اینک با ترویج بی‌پرنسیبی، کمونیست‌های روشن‌بین را متحجر می‌خوانند و خود با سخنان کهنه و دستمالی شده سرمایه‌داری قرون عتیق را با عنوان ریشخندآمیز نواندیش و نوآوری، تئوری‌های جهان‌آفرین و همیشه بهار مارکسیستی را، که تازه‌ترین



و پرتراوت‌ترین ره‌آورد ذهن بشری در پیوند با کهن‌ترین آرمان‌های اوست  
تخطئه می‌کنند...<sup>۱</sup>

### دهه کنگره‌ها و بحران در گفتمان

شورای مرکزی منتخب کنگره در اولین نشست خود مصوباتی داشت؛ از جمله برای تنظیم رابطه شورای مرکزی با هیأت تحریریه نشریات کار و اکثریت مصوب گردید مسئولیت مقالات با امضاء بر عهده نگارنده آن است و مسئولیت مقالات بی‌امضا به عهده هیأت تحریریه می‌باشد و اگر سردبیر - به عنوان نماینده شورای مرکزی - با مواضع اتخاذ شده از سوی هیأت تحریریه مخالف بود، هیأت تحریریه برای مشخص شدن این اختلاف، موظف است امضای خود را زیرمقاله مورد اختلاف قید کند.<sup>۲</sup> این مصوبه به منظور تمرکززدایی و دموکراتیک کردن سازمان به تصویب رسید. مقالات منعکس شده در نشریات سازمان می‌توانست فقط نظرات نگارنده آن را - و نه الزاماً نظرات سازمان را - بازتاب دهد. این مصوبه ناقض اصول و ساختار سازمانی بود. نشریه‌ای که نظرات گوناگون در آن راه یابد، نمی‌تواند نشریه سازمانی تلقی گردد. یک سازمان الزاماً باید نظرات معین و مشخصی را تبلیغ و ترویج کند تا معلوم گردد این سازمان کدام اهداف و برنامه‌هایی را پی می‌گیرد و به مسائل سیاسی چه پاسخی می‌دهد. به یاد داریم که پیش از انشعاب اقلیت و در اوج درگیری‌هایی که درون مرکزیت جریان داشت، هیأت سیاسی سازمان در گزارشی به تاریخ ۵۹/۳/۶ و به شماره ۲۰۳۱ خطاب به «رفقا» نوشت: «... روشن است درج مواضع سیاسی اقلیت در ارگان تبلیغی - سیاسی سازمان در کنار مواضع رسمی سازمان، عملاً به معنی انحلال سیاسی سازمان است و این به هیچ‌وجه نمی‌تواند مورد پذیرش قرار گیرد.» برابر با این تعریف درج مقالات با دیدگاه‌های متفاوت که حتی می‌تواند با

۱. اتحاد کار؛ شماره ۱۶، بهمن ۱۳۶۹، ص ۱۶.

۲. کار؛ شماره ۷۸، مورخه ۱۳۶۹/۶/۱.

نظر سردبیر به عنوان نماینده شورای مرکزی هماهنگ و همسو نباشد در ارگان رسمی سازمان «عملاً به معنی انحلال سیاسی سازمان» بود. ارائه نظرات مختلف و احتمالاً مخالف به آشفتگی دامن می‌زد. اکثریت در تلاش برای تمرین دموکراسی نه به یک جبهه، بلکه به یک محفل تغییر ماهیت می‌داد. محفلی که یک عضو آن به عنوان نماینده سازمان در کنگره سلطنت‌طلبان شرکت می‌کند و عضو دیگر مدعی شود «فریدون احمدی به صفت شخصی در کنگره حزب مشروطه ایران حضور داشته و در آنجا نظرات خودش را بیان کرده است»<sup>۱</sup> سازمانی که اعضای آن نظرات متضادی داشته و در بیان آن آزاد باشند و قاعدتاً عمل هر یک از آنان برآمده از نظراتشان است، دیگر نمی‌توان نام سازمان بر آن نهاد.

به آشفتگی‌های نظری سازمان باید بحران مالی را نیز افزود. تا زمانی که سازمان از حمایت‌های مالی اتحاد جماهیر شوروی برخوردار بود، بحران مالی وجود نداشت؛ ولی با قطع این کمک‌ها بحران رخ نمود. به طوری که شورای مرکزی «اوضاع مالی را بسیار نگران‌کننده ارزیابی» کرد و هشدار داد در صورت ادامه این بحران و عدم تدبیر فوری «ادامه فعالیت سازمان در سطح کنونی ناممکن خواهد شد»<sup>۲</sup>

اکثریت برای دموکراتیزه کردن خود و بازگشت پرشتاب از «کژراهه» ای که رفته بود، پیاپی کنگره برگزار کرد؛ به طوری که فرخ نگهدار دهه ۷۰ را دهه کنگره‌ها نامید. مضمون تمام این کنگره‌ها یکسان و در چارچوب مبانی کنگره نخست بود. این بار آنان «تجدد» را، به مثابه ایدئولوژی، جایگزین مارکسیسم - لنینیسم نمودند. «در کنگره [نخست] در بحث پیرامون ارزشها، این فکر به میان کشیده شد که تجدد به مثابه یک ارزش پایه‌ای در کنار سایر ارزشها قید گردد. منطبق این فکر آن بود که در جامعه عقب‌مانده ما پیکار در راه تجدد یک رکن مبارزه است

۱. بهروز خلیق، سایت عصر نو، مورخه ۱۳۸۹/۶/۱۵.

۲. فراخوان - با کمک مالی به ما یاری رسانید. دبیرخانه شورای مرکزی، کار؛ شماره ۷۹، مورخه ۱۳۶۹/۷/۱.

ولذا ضروری است تا از مقوله تجدد مستقلاً در بخش ارزشها نام برده شود.<sup>۱</sup> توسعه‌نیافتگی و عقب‌ماندگی معضل اصلی جامعه ایران تشخیص داده شد که اکثریت به عنوان نیروی مدافع و مروج تجدد و پیشرفت تلاش در راه غلبه بر موانع توسعه را در صدر وظایف خود قرار داد.<sup>۲</sup>

### اتحاد با سلطنت‌طلبان

جمهوری پارلمانی هدف سیاسی فداییان به حساب آمد. آنان مایل و آماده بودند بر سر چگونگی گذار به نظام موردنظرشان با نیروی سلطنت نیز به توافق برسند. کنگره چهارم به این میل قلبی فداییان شفافیت بخشید. بهروز خلیق پیرامون مصوبات کنگره چهارم می‌گوید: «مورد دوم به مناسبت آترناتیو دموکراتیک با سایر آترناتیوها برمی‌گردد. این توهم به وجود آمد که طرفداران آترناتیو دموکراتیک هرگونه همکاری با سایر آترناتیوها، در مرحله گذار به نظام منتخب مردم را رد می‌کنند و معتقد به کنار زدن و طرد طرفداران سلطنت، شورای ملی مقاومت و رساندن خود به حکومت می‌باشند. در سند مصوب کنگره به صراحت آمده است که آترناتیو دموکراتیک موردنظر ما باید بکوشد با سایر آترناتیوها بر سر چگونگی گذار به نظام منتخب مردم به توافق برسد.»<sup>۳</sup> خلیق روشن نمی‌سازد با طرفداران سلطنت که نظام مطلوب و «غیردموکراتیک» خود را «منتخب مردم» می‌پندارند بر سر چه چیزی توافق خواهد کرد. وی همچنین تلاش دارد هرگونه توهم نسبت به امتناع همکاری و توافق بین فداییان و سلطنت‌طلبان را بزدايد. در کنگره نخست، فداییان در رابطه با سلطنت و سلطنت‌طلبان اعلام کردند: «مردم میهن ما در انقلاب بهمن به رژیم سلطنتی نه گفتند و آن را سرنگون کردند. سازمان، نظام سلطنت را

۱. کار؛ شماره ۸۱، مورخه ۱۳۶۹/۹/۱، ص ۶.

۲. خط‌مشی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، کار؛ دوره سوم؛ شماره ۶۵، مورخه ۱۳۷۲/۵/۲۷.

۳. رفیق بهروز خلیق؛ عضو شورای مرکزی سازمان؛ در گفتگو با کار، پیرامون کنگره چهارم و مصوبات آن، کار؛ شماره ۱۱۵، مورخه ۸ شهریور ۱۳۷۴.

نظامی غیردمکراتیک می‌شناسد. سازمان در سیاست اتحادها بر همکاری و اتحاد عمل و تشکیل جبهه با نیروهای جمهوری‌خواه طرفدار دمکراسی تأکید دارد و اتحاد با سلطنت‌طلبان را رد می‌کند.<sup>۱</sup> این موضعگیری کنگره، متعاقب پاسخی بود که جمشید طاهری‌پور در نشریه کار به بیانیه «آقای رضا پهلوی» داد و در جریان کنگره «به خاطر آن مورد نکوهش اهانت‌بار قرار» گرفت.<sup>۲</sup> رضا پهلوی در بیانیه خود اعلام داشت استقرار دمکراسی در ایران را پذیرفته و «از همه میهن‌دوستان دعوت کرد که قطع نظر از عقاید مختلف و برنامه‌های سیاسی و اجتماعی متفاوتی که دارند با یکدیگر وارد همکاری و ائتلاف شوند.»<sup>۳</sup> جمشید طاهری‌پور این «زرفش شناخت نسبت به دمکراسی» را سببی می‌داند تا «فعالین چپ از جمله فداییان را به سوی تغییر موضع نسبت به سلطنت‌طلبان و از جمله نسبت به طرفداران خود رضا پهلوی ترغیب» سازد و در پاسخ به دعوت رضا پهلوی که گفته بود مایل به گفت‌وگو با مخالفان سیاسی است، اعلام نماید «ما نیز مکرراً اعلام کرده‌ایم که اولاً اصل گفت‌وگو با تمام مخالفان سیاسی خود را به طور کلی می‌پذیریم. ثانیاً حاضریم به کمک همه نیروهای معتقد به دمکراسی و آزادی یک رهبری سیاسی متحد ایجاد کنیم.» شاید آنچه که طاهری‌پور را به ایجاد یک رهبری سیاسی متحد با سلطنت‌طلبان متقاعد ساخت موقعیت ویژه آنان باشد. وی درباره این موقعیت ویژه می‌گوید: «نیروهای طرفدار سلطنت ... در خارج از کشور و مشخصاً در آمریکا دارای نفوذ و ارتباطات نیرومند هستند و با محافل حاکمه در غرب پیوندهای مؤثری دارند.»<sup>۴</sup> آنچه که زمانی نشانه وابستگی تلقی می‌گردید، اکنون به عنوان یک امتیاز از نظر فداییان دور نمی‌ماند. این مقاله خشم برخی از فدایی‌ها را در نخستین کنگره برانگیخت. اما دیری نپائید که فداییان به این نتیجه رسیدند که توافق و همکاری با «سلطنت» چندان که تصور می‌کردند نکوهیده

۱. اسناد کنگره اول سازمان، کار؛ دوره دوم؛ شماره ۷۸، مورخه ۱۳۶۹/۶/۱.

۲. جمشید طاهری‌پور؛ عمر دوم، کار؛ شماره ۱۱۶، چهارشنبه ۲۲ شهریور ۱۳۷۴.

۳. پیرامون بیانیه اخیر آقای رضا پهلوی، کار؛ شماره ۷۳، مورخه اسفند ۱۳۶۸.

۴. همان.

نیست. بنابراین کم و بیش درک کردند که مواضع طاهری پور واقع بینانه و درست بوده و گام به گام به آن نزدیک و نزدیک‌تر شدند.<sup>۱</sup> این امر خشنودی طاهری پور را به دنبال داشت و وی اظهار امیدواری کرد که سازمان «در این راستا بیشتر رود».<sup>۲</sup> کنگره چهارم نیز نشان داد که طاهری پور را ناامید نساخته است. اکنون می‌توان از اتحاد عمل با سلطنت طلبان سخن گفت و از آن دفاع کرد. اکنون می‌توان در کنگره سلطنت طلبان شرکت کرد و از بابت گذشته‌ها پوزش طلبید. حتی می‌توان به «پیوندهای مؤثر آنان با محافل حاکمه در غرب» امید بست.

به یاد داریم که فداییان استدلال می‌کردند که کاریست قهر و خشونت برای براندازی هر حکومتی، عنصر خشونت را به حاکمیت جدید منتقل خواهد کرد. اما آنان توضیح ندادند که آیا توافق و همکاری با سایر آلترناتیوهای غیردمکراتیک بر سر چگونگی گذار به نظام جدید، عناصر و ارزش‌های غیردمکراتیک را به حاکمیت جدید منتقل خواهد ساخت یا خیر؟ البته نباید فراموش ساخت که فداییان، سالیان دراز آدرسی در دست داشتند و مردم را بدان می‌خواندند که بعدها گفتند آن آدرس «تمام امیدشان را به لجن کشید». بنابراین دمکراتیک خواندن خود می‌تواند از جنس «پیشگام» خواندن خود باشد. فدایی‌ها نیز مانند بسیار کسان دیگر خودشیفته هستند. آنان در هر موضع و مقامی که قرار گیرند چه مارکسیست باشند و چه تجددگرا، بدون تأمل و درنگ و بدون شناخت و علم لازم رهنمود می‌دهند. زمانی مارکسیست بودند و سوسیالیسم را وعده می‌دادند. بعدها گفتند «ای کاش آثار مارکس و اینها را می‌خواندند تا کمتر خرابکاری می‌کردند». اینک تجددگرا هستند و ارزش‌های نوین را تبلیغ و ترویج می‌کنند. اما این بار عبدالرحیم پور منتظر نماند تا سالیان بعد بگوید ای کاش اندکی کتاب می‌خواندند و دانش خود را ارتقا می‌دادند و با مبانی مدرنیته و تجدد آشنا می‌شدند و کمتر به تحقیر فرهنگ و تاریخ ملی خود می‌پرداختند. او

---

۱. طاهری پور؛ همان.

۲. همان.

پیشاپیش نوشت:

نیروهای چپ همیشه گفته‌اند، نوشته‌اند که باید به علوم سیاسی معاصر مجهز شد. باید از جهان و جامعه خود شناخت علمی داشت، اما متأسفانه هیچ‌وقت نتوانسته‌اند این معضل بزرگ را برای خود حل کنند. جنبش چپ ایران (از همه رقمش) از آنجا که به ارائه برنامه و سیاست‌گذاری پرداخته است، هیچ‌وقت نتوانسته است از سطح کلیات فراتر برود. نیروهای این جنبش در اندیشه‌ها و ارزش‌های خود غرق شدند؛ به کلی گویی‌هایی نظیر دفاع از طبقه کارگر و زحمتکشان پرداختند؛ الگوبرداری از احزاب کشورهای دیگر کردند؛ شعارهای کلی نظیر آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی دادند، بی‌آنکه درک همه‌جانبه از آنها و جامعه خودمان داشته باشند. هیچ‌وقت نتوانستند برنامه و سیاست منطبق بر ویژگی‌های فرهنگی؛ اجتماعی؛ اقتصادی و سیاسی کشورمان ارائه بدهند. نه ارزشها و عناصر مثبت موجود در تاریخ و فرهنگ کشورمان را به طور همه‌جانبه و عمیق شناخته‌اند و نه عوامل و عناصر منفی ریشه‌دار و بازدارنده آن را به درستی شناخته‌اند. عدم تسلط به علوم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی معاصر و ضعف و کمبود شناخت از جامعه از بزرگ‌ترین ضعف‌های جنبش چپ و یک ضعف تاریخی این جنبش است. اکنون که نیروهای چپ ایران؛ دوره بازبینی و نوسازی اندیشه و روش و تدقیق اهداف خود را می‌گذرانند این خطر وجود دارد که یک بار دیگر دچار برخورد سطحی با مسائلی نظیر دموکراسی؛ مبارزه مسالمت‌آمیز؛ جمهوری پارلمانی و... شوند.... دیگر نباید و نمی‌توان با شعار کلی نظیر دموکراسی، جمهوری پارلمانی؛ آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی با بوکشیدن و موضع‌گیریهای تیزهوشانه و سرزنشگاهی سخن از رهبری سیاسی گفت.<sup>۱</sup>

این سخن در بطن خود به نبود دانش اجتماعی در نزد فداییان اشاره دارد و

۱. قربانعلی عبدالرحیم‌پور، جنبش فداییان خلق ایران؛ گذشته و حال؛ کار؛ ویژه‌نامه ۱۹ بهمن، شماره ۷۷، چهارشنبه ۲۰ بهمن ۱۳۷۲.

می‌توان گفت سخنی است شجاعانه.

آنان این بار گفتند که از ارزش‌های عموم بشری و از حقوق بشر حمایت می‌کنند. ادعا کردند که سازمان را باز کردند و دمکراسی را در زندگی سازمانی به کار گرفتند.<sup>۱</sup> اما آنگاه که از سر اجبار و برابر با قرار کنگره یازدهم می‌خواهند به برخی قتل‌های نابجا در پیش از انقلاب اعتراف کنند، آن را به قتل‌های درون سازمانی محدود می‌سازند. زیرا هنوز از نظر آنان کسانی شایسته اعاده حیثیت هستند که نام «چریک فدایی» بر خود نهاده باشند.

فدایی‌ها در طول حیات خود با دمکراسی و حقوق بشر به کلی بیگانه بودند؛ زیرا دستگاه نظری آنان چنین ایجاب می‌کرد. آنان، بنیان‌های نظری‌ای را که موجب بیگانگی سازمان با دمکراسی و حقوق بشر گردید، چنین توضیح می‌دهند:

بخش بزرگی از جنبش سوسیالیستی از اوایل قرن بیستم میلادی از قائل شدن نقش کلیدی برای حقوق بشر در مبارزه خود فاصله گرفت و عدالت اجتماعی را بدون پیوند با آزادی و دمکراسی در رأس برنامه خود قرار داد. با پیروزی انقلاب اکتبر روسیه و اولویت یافتن حفظ نظام برآمده از این انقلاب، نظرات و اندیشه‌هایی در جنبش چپ جهانی قدرت یافت که بسیاری از بنیان‌های اعتقادی سوسیالیسم را تحت‌الشعاع جلوگیری از بازگشت مناسبات گذشته به کشورهای روی آورده به سوسیالیسم واقعاً موجود می‌دید. جنبش چپ ایران در آن شرایط شکل گرفت و از جنبش جهانی کمونیستی بیشترین تأثیر را پذیرفت، جنبشی که استراتژی آن، به قدرت رسیدن احزاب کمونیست و دائمی بودن این قدرت از طریق برقراری دیکتاتوری پرولتاریا بود. این دیکتاتوری در پراتیک سوسیالیسم واقعاً موجود، به نظامی تبدیل شد که در عرصه بسیاری از حقوق انسانی در قیاس با دستاوردهای بشریت از انقلاب فرانسه تا انقلاب روسیه، به عقب گام برداشت. جنبش فدائیان خلق ایران نیز

۱. بهروز خلیق؛ سیر مبانی شکل‌گیری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، سایت اخبار روز، مورخه ۲۷ فروردین ۱۳۸۹.

مانند اکثر نیروهای سیاسی چپ ایران، از تأثیر نحوه نگرش جنبش کمونیستی به حقوق بشر دور نماند. در نزدیک به دو دهه نخست فعالیت فدائیان، نگرش غالب بر این جنبش و از جمله سازمان ما، نگاهی بود که برای حقوق بشر به مفهوم تبیین شده در اسناد جهانی تصویب شده پس از جنگ جهانی دوم جایگاهی کلیدی قائل نبود.<sup>۱</sup>

البته اگر تغییر از گفتمان مبتنی بر دیکتاتوری پرولتاریا به گفتمان مبتنی بر دموکراسی و حقوق بشر ناممکن نباشد، حداقل بسیار دشوار و کند خواهد بود و یا به تعبیر عبدالرحیم پور «نظام سیاسی مبتنی بر آزادی، حقوق بشر، دموکراسی و عدالت اجتماعی، ماشین نیست که بتوان آن را خرید.»<sup>۲</sup>

چنین نیست که آنان تصور می‌کنند صرف تمایل می‌تواند دموکراسی و حقوق بشر را برایشان به ارمغان آورد و افراد را به رعایت آنها متعهد گرداند. اگر دموکراسی و حقوق بشر به همان سادگی که بر زبان جاری می‌شود می‌توانست توسط مدعیانش رعایت گردد، اکنون عبدالرحیم پور نباید در نامه سرگشاده خود با اشاره به «درگیری‌های درونی» اتحاد جمهوری خواهان و جمهوری خواهان دمکرات و لائیک بنویسد: «اتحاد جمهوری خواهان از بدو تأسیس تا همین اواخر، سیاست همکاری حتی با دیگر جمهوری خواهان را در پیش نگرفت. خودمحوربینی، هژمونی طلبی، دگماتیک حاکم بر اتحاد جمهوری خواهان امید بیش از هزار نفر از امضاکنندگان و هواداران منشور برای اتحاد جمهوری خواهان ایران را نقش بر آب کرد. آنها حتی برای همکاری با سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت نیز که بخشی از اعضایش در آن حضور دارند و بخش اعظم کارهایش را انجام می‌دهند هزار اما و اگر دارند و همکاری نمی‌کنند... اندیشه و منطق و روش تضادگرا، اختلاف جو و تمامیت خواه و هژمونی طلب، از امراض بزرگ فکر و فرهنگ سیاسی جامعه ما و از موانع اصلی دمکراتیزه شدن نیروهای سیاسی کشور

۱. بیانیه سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت - پیرامون جایگاه و اهمیت حقوق بشر، سایت گویانیوز، مورخه ۱۳۸۷/۶/۴.

۲. قربانعلی عبدالرحیم پور، روی سخنم باشماست! سایت اخبار روز، مورخه ۱۳۸۸/۱۰/۱۴.



و روابط میان آنها بوده و هست.<sup>۱</sup>  
آن نوع اعتراف به قتل‌های درون‌سازمانی بهترین شاهد برای عدم باورمندی به حقوق بشر است.

ادعای تعهد به دموکراسی و حقوق بشر برای کسانی که در گسترش و نهادینه کردن خشونت به قدر کفایت کوشیده‌اند و هیچ‌گاه دموکراسی را در روابط درون‌سازمانی تجربه و تمرین نکرده‌اند اگر گراف نباشد نمی‌تواند چندان جدی تلقی گردد.  
فداییان روشن نمی‌سازند کدام اکسیر می‌تواند بوریای زمخت و ضخیم دیکتاتوری پرولتاریا را که تاروپودش خشونت و استالینیسیم است؛ و دست‌گاه اندیشگی آنان را در خود پیچیده است، ناگهان به دیبای مردم‌سالاری و دموکراسی تغییر دهد.

www.iran-archive.com

---

۱. قربانعلی عبدالرحیم‌پور، نامه به اعضای کمیسیون ۹ نفره سازمان فدائیان خلق - اکثریت، سایت اخبار روز، مورخه ۱۳۸۸/۱۱/۲۰.

## فهرست منابع و مآخذ

- ناله کوک: غنی بلوریان، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا
- آرش
- آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی، کارنامه و خاطرات
- آتابک فتح‌الله‌زاده، خانه دایی یوسف، به کوشش علی دهباشی، نشر قطره
- اتحاد کار
- اخبار جنبش مقاومت سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
- ادوارد رازنیسکی، نخستین زندگی‌نامه استالین، ترجمه مهوش غلامی، مؤسسه اطلاعات
- اسناد درون تشکیلاتی
- اسناد کنگره اول اکثریت
- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی
- اشرف دهقانی سخن می‌گوید. مصاحبه با رفیق اشرف دهقانی.
- اشرف دهقانی: بازمانده‌ای از دوران کودکی
- اعلامیه‌ها
- بولتن مبارزه ایدئولوژیک علنی
- بولتن مرکزی درون تشکیلاتی
- بولتن؛ مصوبات نخستین گردهمایی سازمان چریک‌های فدایی خلق؛ اکثریت
- جناح چپ
- بیژن جزنی، چگونه مبارزه مسلحانه توده‌ای می‌شود
- پیش به سوی مبارزه ایدئولوژیک پاسخ به مصاحبه با رفیق اشرف دهقانی؛

- سازمان چریک‌های فدایی خلق
- تأثیرات اعدام فاتح، جزوه دستنویس از شاخه کرج
  - تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی. مترجمین: شمس‌الدین بدیع‌تبریزی، هدایت حاتمی، علی گلاویژ، انتشارات حزب توده ایران
  - ترازنامه و چشم‌انداز
  - جزوات درون‌گروهی
  - جنگ خونین سنندج و دستاورد آن
  - جهان؛ ارگان خارج از کشور سازمان چریک‌های فدایی خلق
  - چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در اروپا.
  - مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات
  - چرا مبارزه ایدئولوژیک را علنی کردیم
  - چشم‌انداز ایران
  - حسن میرزائیان؛ نامه به لیلا
  - حمید شوکت، نگاهی از درون به جنبش چپ ایران، گفت‌وگو با مهدی خانبابا
  - تهرانی
  - خبر کوهستان
  - خبرنامه کومله
  - خبرنامه هواداران سازمان چریک‌های فدایی خلق
  - در افشای هر چه بیشتر فاجعه نقده بکوشیم (جزوه)
  - ر. اولیانفسکی، مسائل معاصر آسیا و آفریقا، انتشارات حزب توده ایران؛ چاپ سوم
  - رادیو صدای ایران
  - راه ارانی (نشریه)
  - روزنامه اطلاعات
  - روزنامه کیهان
  - ریگای گه ل

- زندگی و مبارزه خلق ترکمن از انتشارات کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن
- سایت اخبار روز
- سایت انجمن سخن ایران.
- سایت بی.بی.سی
- سایت رادیو فردا
- سایت عصر نو
- سایت گاه
- سفر با بال‌های آرزو، سوئد
- صحیفه امام
- فدایی ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
- فصلنامه مطالعات تاریخی
- فیس بوک اتحاد جمهوری خواهان
- قیاده موقت چماق امپریالیسم و ارتجاع در کردستان سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران - شاخه کردستان
- کار اقلیت
- کار، جناح کشتگر
- کار اکثریت
- کتاب کنگره
- گزارش نخستین کنگره سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران
- گزارش‌های درون تشکیلاتی
- گفتگوهای زندان
- لنین، مجموعه آثار
- مباحث و اسناد نخستین پلنوم سازمان چریک‌های فدایی خلق
- مجاهد؛ ارگان سازمان مجاهدین خلق ایران

- انوشیروان ابراهیمی؛ بازجویی
- حمیدرضا زمانی کندوانی. بازجویی
- شاهیندخت شایان. بازجویی
- ع.ن. بازجویی
- عبدالعظیم صبوری، بازجویی
- علیرضا اکبری شاندیز، بازجویی
- غلامرضا زبردست؛ بازجویی
- محمدباقر نمازی؛ بازجویی
- محمدرضا غبرائی؛ بازجویی
- محمدعلی عمویی، بازجویی
- محمدمهدی پرتوی؛ بازجویی
- محمود محمودی، بازجویی
- مصاحبه با رفیق اشرف دهقانی
- مصاحبه با یکی از اعضای مرکزی کومله، آبان ۵۸
- مصاحبه دانشجویان پیشگام تبریز با نیروهای سیاسی هیأت نمایندگی کردستان
- مصاحبه دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر با یکی از اعضای مرکزی کومله
- مصطفی چمران، کردستان، بنیاد شهید چمران
- مکاتبات و گزارشهای درون تشکیلاتی
- میتینگ مهاباد. سخنرانی چریک فدایی خلق، رفیق اشرف دهقانی
- میهن
- نادری محمود، چریکهای فدایی خلق از نخستین کنش‌ها تا بهمن ۱۳۵۷
- نامه دبیرخانه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به جناب حجت‌الاسلام ناطق نوری وزیر محترم جمهوری اسلامی ایران
- نبرد خلق ارگان سازمان چریک‌های فدایی خلق، پیرو برنامه هویت
- نبرد خلق، ارگان تئوریک اقلیت

- نخستین پلنوم؛ پروسه انتقاد و تصحیح خطا، مهرماه ۱۳۵۸
- نخستین کنگره سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران
- نشریه به پیش درون تشکیلاتی
- نشریه کار، ویژه کردستان
- نگاهی به: مصاحبه رفیق اشرف دهقانی، انتشارات چریک‌های فدایی خلق ایران، مرداد ۱۳۵۸
- نورالدین کیانوری؛ مسائل داخلی و خارجی انقلاب ایران، جلسات پرسش و پاسخ شماره

[www.iran-archive.com](http://www.iran-archive.com)

## فهرست اعلام

احسن، مجید / ۳۶۶	۱.آ
احمد / ۲۳۶، ۲۴۹	آدمیت، فریدون / ۴۴۴
احمد / ۳۱۱	آذرفام، کیان / ۷۲
احمدزاده، مستوره / ۱۱، ۳۰، ۲۶۳، ۲۸۱،	آذرنوش، عبدالرسول (بهرز) / ۱۸۲،
۲۸۷، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۱۴،	۲۰۲، ۲۱۳، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲،
۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲،	۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۴، ۲۴۵،
۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۹، ۳۳۴، ۳۴۱، ۳۴۲،	۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۹، ۲۵۳، ۴۰۵
۳۴۴، ۳۴۶، ۵۱۵	آرتا، حمید / ۳۳
احمدزاده، مسعود / ۳۷، ۳۹، ۴۱، ۴۹،	آغائی بیزیلی، حسین / ۷۸
۵۲، ۵۶، ۱۶۵، ۱۷۳، ۱۷۸، ۱۸۸، ۲۳۲،	آغائی بیزیلی، قرنی آغا / ۷۸
۲۴۹، ۳۸۵، ۳۸۶، ۴۳۱، ۴۹۶	آفاناسیف، یوری / ۴۹۵
احمد صالح، ابراهیم / ۵۱۰	آل آقا، نسترن / ۴۸۶
احمدی، صلاح / ۵۰۹، ۵۱۱	آلنده، سالوادور / ۳۵۷
احمدی، عبدالرزاق / ۵۱۰	آهنگری، بردی (دکتر) / ۲۴
احمدی، عیسی / ۶۴	آینه چی، صمد (محمد) / ۲۴۸، ۲۴۹
احمدی، فریدون / ۴۸۸، ۴۹۸	ابراهیمزاده، مهدی / ۴۸۹
اخوان بی طرف، محمود / ۲۹۳، ۲۹۴،	ابراهیمی، انوشیروان / ۳۹۲
۲۹۵، ۲۹۶، ۳۰۰، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۵، ۳۳۶،	ابرقویی، رضا / ۴۲۶
۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۴۰۰	ابوخلود [افسر اداره استخبارات] / ۳۴۰
ارزانش، ولی محمد / ۳۱، ۳۲	ابوشریف [آقازمانی، عباس] / ۱۳۹



امید ← بابایی، جمال	۴۹۵، ۴۹۶
امیر ← زمانی کندوانی، حمیدرضا	اسدیان، سیامک / ۱۷۸، ۱۸۲، ۲۶۳
امیر ← ممینی کاظمی، فرج‌الله	۲۶۶، ۲۸۶، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۴
امینی، حسن / ۷۶	۳۳۸
انصاری، مسعود / ۴۲۶	اسکندر ← اسدیان، سیامک
انگلس، فریدریش / ۲۱۵، ۲۳۳، ۳۷۸	اسکندری، منصور / ۱۸۲، ۱۸۷، ۲۵۳
اولیانفسکی، رستیلاو / ۳۵۲، ۳۹۸	۳۲۸، ۲۶۳
۴۵۳، ۴۶۲، ۴۶۶	اشرف ← بهکیش، زهرا
اویسی، غلامعلی / ۱۴۹، ۲۲۹	اشرف، حمید / ۱۰، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۸۶
ایزدی، اصغر / ۱۸	۴۸۶
	اصغر / ۳۲۹
<b>ب</b>	اصغرزاده، جواد / ۷۲
بابایی، جمال / ۵۹، ۶۱، ۶۲، ۱۶۰	اصفهانی، مهدی / ۳۴۱
بابک ← محمودی، محمود	اعتمادزاده (به آذین)، محمود / ۴۵۰
باززانی، ملامصطفی / ۸۵	اعظم ← احمدزاده، مستوره
بازرگان، مهدی (مهندس) / ۳۰، ۴۱	اعظمی، محمد / ۴۲۶
۴۵، ۴۶، ۴۷، ۷۳، ۸۵، ۸۸، ۹۹، ۱۲۳	افسری، عبدالله / ۱۸
۱۸۳، ۱۹۶، ۳۵۰، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۷	افشار قاسمی، سهراب / ۱۶۸، ۵۰
۳۵۹، ۳۶۲، ۳۸۰، ۴۵۶	افضلی، اکرم / ۳۹۶
بامری، علیرضا / ۶۱	افضلی، بهرام / ۳۹۶
باهنر، محمدجواد (حجت‌الاسلام) / ۳۶۱	اقدسی، سعید / ۵۱۰
بختیار، تیمور / ۱۶	اکبری شاندیز، علیرضا / ۱۲، ۴۵، ۷۲
بختیار، شاهپور / ۱۸۴، ۲۲۹	۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۹، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۳۰
برژنف، لئونید / ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶	۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۵۱، ۱۵۲
بریری، مسعود / ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰	۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۶، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶
بطحایی، مسعود / ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷	۴۰۰، ۴۲۰

بهمن ← افشارقاسمی، سهراب	۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸
بهمن ← میرمؤیدی، علیرضا	بلوریان، غنی / ۷۳، ۸۳، ۸۷، ۹۶، ۹۷
بیژن ← سامع، مهدی	۱۰۴، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴
	بنی صدر، ابوالحسن / ۸۳، ۱۳۵، ۱۵۸
پ	۱۸۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۰۹
پارسیان، عیسی / ۳۳	۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۶، ۲۱۸، ۲۲۳، ۲۲۴
پاکدامن، ناصر / ۴۴۴	۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۵۳، ۲۶۰، ۲۷۱
پاکزاد، مهرداد / ۴۲۶	۳۰۱، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۷، ۳۵۸
پالیزبان، عزیز (سپهبد) / ۷۷، ۱۴۸	۳۵۹، ۳۶۱، ۴۰۴، ۴۱۳
پرتو ماه، مظفر / ۸۴	بوراچالو، مسعود (فرید) / ۳۴۱
پرتوی، محمد مهدی / ۳۹۵	بهتویی، اردشیر / ۴۸۹
پرویز ← زهری، عبدالحسین	بهرام ← دوستدار صنایع، اکبر
پوراحمدی، عزیز / ۶۳	بهرام ← نعمتی، شاهرخ
پوررضایی خلیق، حسن / ۱۲، ۴۵۴	بهرام ← زهری، عبدالحسین
۴۶۳، ۴۹۹	بهروز خلیق ← پوررضایی خلیق، حسن
پورقباد، ارسلان (قباد) / ۱۲۶، ۱۲۷	بهروز / ۳۱۷، ۳۱۹، ۳۲۱، ۳۲۴، ۳۲۵
۱۲۸، ۱۲۹	۳۴۲
پورمندی، احمد / ۴۸۸، ۴۹۳	بهروز / ۳۲۹
پورنقوی، علی / ۴۸۹	بهروز ← صبوری، عبدالکریم
پولاد ← سنجری، فریرز	بهزاد / ۱۶۱
پهلوی، رضا / ۴۸۱، ۴۸۴، ۵۰۰	بهزادی، منوچهر / ۳۹۱
	بهکیش، زهرا / ۲۸۶، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶
ت	۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۲
توسلی، علی (حسن) / ۵، ۱۲، ۱۳، ۱۴	بهکیش، محمدرضا / ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۶۱
۱۴۵، ۳۹۰، ۳۹۵، ۴۰۳، ۴۵۳، ۴۶۲	۲۶۳، ۲۶۶، ۲۷۰، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷
۴۶۳، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۶	۲۷۸، ۲۸۶، ۳۲۹

- توفیق، سعید / ۵۳۵  
 توکل ← کامیابی، اکبر  
 تورج ← خادمی، محمدرضا
- جیلو، اصغر / ۷۲، ۴۶۵
- چ
- چائوشسکو، نیکلای / ۴۷۳  
 چمران، مصطفی (دکتر) / ۹۰، ۹۱، ۹۶، ۱۱۵
- ح
- حامدبیگ / ۱۵۱  
 حبش، جرج / ۲۰  
 حیب / ۳۱۸  
 حیب / ۴۴۹  
 حجری، عباس، ۳۹۱  
 حرمتی‌پور، محمد / ۱۱، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۹، ۵۰، ۵۲، ۵۴، ۵۶، ۵۸، ۵۹، ۱۵۸، ۱۶۰، ۲۴۷، ۲۴۸، ۳۲۷، ۳۳۸  
 حسامی، عبدالله / ۵۱۰  
 حسن / ۳۳۴  
 حسن ← توسلی، علی  
 حسن ← سنجری، فریرز  
 حسن‌پور، محمود / ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۳۰، ۳۳  
 حسن‌زاده، عبدالله / ۸۳، ۸۷  
 حسین / ۳۲۸، ۳۲۹  
 حسین‌زاده (عطاری‌پور، رضا) / ۱۶  
 حسینی بهشتی، سیدمحمد (آیت‌الله) / ۸۳، ۲۱۷، ۳۵۰، ۳۷۲  
 حسینی، شیخ‌جلال / ۷۷، ۱۰۶، ۱۲۱
- جبل عاملی، بهمن / ۳۳  
 جبل عاملی، خانجان / ۲۴، ۲۷، ۳۳  
 جرجانی، حسین / ۲۷، ۳۳  
 جزنی، بیژن / ۴، ۲۰، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۵۲، ۵۶، ۶۱، ۷۱، ۷۸، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۸، ۱۸۸، ۲۶۸، ۳۶۶، ۳۸۵، ۳۸۶  
 ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۸۶، ۴۹۶  
 جعفر آغا / ۷۸  
 جعفری، حسن / ۲۵، ۲۶  
 جعفری، علی‌اکبر / ۴۸۶  
 جعفری، ناصر / ۱۷  
 جلالی، جلال / ۹۲  
 جلیل / ۲۹۳، ۳۲۸  
 جمال / ۲۹۳  
 جمشید / ۳۰۸، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷  
 جمشیدی رودباری، فردوس / ۴۵۴، ۴۶۳، ۴۷۰، ۴۸۸  
 جواد ← اکبری‌شاندیز، علیرضا  
 جواد / ۳۰۵  
 جوانشیر ← میزانی، فرج‌الله

- ۱۴۷، ۱۴۶  
 خلیفہ، صادق (حجت الاسلام) / ۹۷  
 حسینی، شیخ عزالدین / ۷۴، ۷۶، ۷۷، ۷۹، ۹۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۳۵، ۱۴۷، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۴  
 حسین، روح اللہ (امام) / ۱، ۷۶، ۷۹، ۳۵۷، ۳۵۰، ۱۸۲، ۱۲۲، ۱۰۳، ۱۰۲، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۷۲، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۲، ۴۰۱، ۴۵۸، ۴۶۰  
 حسینی، ناصر / ۵۷  
 حماد شیبانی ← اخوان بی طرف، محمود  
 حمید / ۲۸۷، ۲۹۲  
 حمید / ۳۲۸  
 حمید ← صبوری، عبدالعظیم  
 حمیدیان، نقی / ۴، ۱۱، ۱۲، ۲۵، ۲۶  
 دبیر، رژی / ۱۸۸  
 دبیری فرد، محمدرضا / ۱۲، ۱۴، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۸۱، ۱۹۶، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۶، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۳، ۲۶۴، ۲۶۸، ۲۷۹، ۳۸۷، ۴۰۳، ۴۱۵، ۴۴۱، ۴۴۳  
 دبیری فرد، محمدرضا / ۲۹، ۳۰، ۱۷۲، ۱۹۳، ۳۶۵، ۴۵۳، ۴۶۳، ۴۷۰  
 حواری نسب، جلیل / ۷۲  
 حیاکی، ملا عبدالہ / ۱۴۳  
 حیدر ← دبیری فرد، محمدرضا  
 حیدری، حاج احمد بیگ / ۷۸  
 خادمی، محمدرضا / ۵۰، ۶۷، ۱۶۴، ۱۶۵  
 خاکساری، ماشاء اللہ / ۷۲  
 خاوری، علی / ۳۹۸، ۴۵۴، ۴۶۳  
 خروشچف، نیکیتا / ۲۱۵، ۳۰۴، ۴۹۶  
 خسرو / ۳۱۴  
 خسرو ← فتاپور، مہدی  
 خطیب، ابوالحسن / ۳۸۷  
 دانشگری، رقیہ / ۳۶۰، ۳۹۳  
 درخشنده توماج، محمد / ۲۶  
 دودانگہ، قہرمان (ستوان یکم) / ۹۹  
 دوستدار صنایع، اکبر / ۱۳، ۱۷۸، ۴۵۴، ۴۶۳، ۴۷۰، ۴۷۱  
 دھقانی، اشرف / ۱۱، ۳۰، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲  
 ۵۳، ۵۴، ۶۳، ۶۶، ۶۷، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۶۷، ۱۶۸، ۳۳۷

- دیده‌ور، قدرت (سرهنگ) / ۲۵  
 زمانی کندوانی، حمیدرضا / ۲۶۳، ۲۶۴،  
 ۲۶۹، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱  
 زهره ← میرهاشمی، زینت  
 رؤف / ۳۰۰  
 رئیس، حشمت‌الله / ۱۳، ۲۵  
 رادمریخی، حسن / ۵۷، ۵۹، ۶۱  
 رازنیسکی، ادوارد / ۳۳۸  
 رجایی، محمدعلی / ۲۰۴، ۲۰۵، ۳۵۷  
 ۳۵۹، ۳۶۱  
 رجوی، مسعود / ۱۵۷، ۱۵۸، ۲۱۸  
 ۲۲۴، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۷۱، ۳۰۱، ۳۰۵  
 رحمتی، مسعود / ۵۱۱  
 رحیم ← طاهری‌پور، جمشید  
 رحیم ← محفوظی، علیرضا  
 رحیم‌خانی، ناصر / ۱۶، ۴۲۶  
 رزمی، ماشاء‌الله / ۴۸۹  
 رسول / ۳۲۵  
 رشیدی، قاسم / ۳۶۶  
 رضا / ۳۲۸  
 رضایی، عزیز / ۸۱  
 رضایی، نسرین / ۲۳۶، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۹  
 رفیعان، اسد (جلیل) / ۵۷  
 رکنی، حسین / ۶۶  
 ز  
 زبردست، غلامرضا / ۴۳۷، ۴۴۰  
 زرشناس، حمید / ۵۳۱  
 سامع، مهدی / ۱۱، ۱۴، ۱۶، ۱۸، ۳۱  
 ۱۶۸، ۱۷۸، ۲۴۴، ۲۵۴، ۲۵۸، ۲۶۲  
 ۲۶۳، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱  
 ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲  
 ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲  
 ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۱۹، ۳۲۰  
 ۳۲۲، ۳۳۰، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۸۷  
 سحابی، عزت‌الله (مهندس) / ۱۱۵، ۱۲۳  
 سعید / ۳۲۵  
 سعید ← حمادشیبانی ← اخوان بی‌طرف،  
 محمود  
 سعیدی، فاطمه / ۱۶۸  
 سلاحی، رضا / ۳۴۱  
 سلطان‌آبادی، اصغر / ۱۳، ۱۵۶، ۳۹۰  
 ۳۹۱، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۷  
 ۴۷۶  
 سلمانی کله، نسرین (طیبه) / ۶۳، ۶۵  
 سلیمانی، بهروز / ۱۳، ۷۲، ۸۰، ۹۰

شهاب / ۱۸، ۳۲۵	۱۰۲، ۱۰۷، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۲، ۱۴۵
شهرزاد، حشمت‌الله / ۳۶۶	۱۵۲، ۱۵۶، ۴۲۶، ۴۳۷
شهلائی، بهزاد / ۳۴۰	سنجری، فربرز (پولاد- حسن) / ۱۱
شیرازی (دکتر) / ۱۲۳	۴۰، ۵۰، ۵۱، ۶۵، ۶۷، ۱۶۸، ۵۰۹، ۵۱۱
شیرازی، مجید / ۳۳۴، ۳۳۵	سورکی، عباس / ۳۶۶
شیرخانی، محمدامین / ۳۹۴	سولیوان، ویلیام / ۷۷
شیرمحمد / ۳۶۷	سیامک / ۳۱۹، ۳۲۴
شیرین ← دهقانی، اشرف	سیاوش / ۳۲۵
شیشوانی، یدی ← نوری، خسرو	سیفی، اکبر / ۴۲۶
	سیمین ← مهدی‌نیا طبری، زینت
ص. ض	سیروس ← فرزانیان، محسن
صادق ← نگهدار، فرخ	
صادقی بناب، اکبر / ۷۲	ش
صباغیان، هاشم / ۱۱۵، ۱۲۲، ۱۳۲	شاکر، حسین (سرلشکر) / ۱۰۵
صبوری، اختر / ۱۶۸	شالگونی، محمدرضا / ۱۵، ۲۱، ۳۲۵
صبوری، عبدالرحیم / ۱۱، ۳۹، ۴۰، ۴۲	شاهسوندی، سعید / ۳۰۵
۴۳، ۴۴، ۴۹، ۵۰، ۵۲، ۵۳، ۵۶، ۵۸	شایان، شاهیندخت / ۲۶۴
۵۹، ۶۰، ۶۱، ۱۵۸، ۱۶۰	شب‌انگیز، اسماعیل / ۲۹۳
صبوری، عبدالعظیم / ۳۸، ۵۷، ۶۰، ۱۶۰	شریعتمداری، کاظم (آیت‌الله) / ۱۴۷
۱۶۱، ۱۶۶	۲۲۷
صدام حسین / ۱۴۴، ۱۴۷	شفیعی، ابراهیم / ۴۱۹، ۴۲۶، ۴۲۷
صدر حاج‌سیدجوادی، احمد / ۸۳، ۸۴	۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۲
صفدری، علی (حجت‌الاسلام) / ۷۹	شکیبا، محمدرشید (دکتر) / ۱۱۳
۸۰	شلتوکی، رضا / ۱۰۴
صفری، حمید / ۴۵۴	شمس‌الدین، امیر / ۵۱۲
صفری، علی / ۳۳۰، ۳۳۱	شنگه، احمد / ۳۳۳

- صفری، علیرضا/ ۳۲۸، ۳۳۰  
صفری، ماشاءالله (سرهنگ) / ۷۹، ۸۰  
صمد ← مدنی، مصطفی  
صیادیان، خلیل / ۱۴۸  
ضیاءظریفی، حسن / ۳۶۶
- ط. ظ  
طالب، جواد (کاوه) / ۵۱۲  
طالبانی، جلال / ۸۱، ۵۲۴  
طالبی، تاجی / ۳۳  
طالقانی، سید محمود (آیت‌الله) / ۸۳، ۸۴، ۸۶، ۸۷  
طاهری پور، جمشید / ۱۳، ۳۹۰، ۳۹۱  
۴۰۳، ۴۲۱، ۴۲۸، ۴۳۰، ۴۵۳، ۴۵۴  
۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۷، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۶  
۴۸۷، ۵۰۰، ۵۰۱  
طبری، احسان / ۳۶۰  
طیب غفاری، هیبت‌الله / ۴۲۶  
ظهيرنژاد، قاسم‌علی (سرهنگ) / ۸۲
- ۹۰، ۱۴۵، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵  
۳۹۸، ۴۰۳، ۴۵۰، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۶۳  
۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۷۰  
۴۷۴، ۴۸۱، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۹۰  
۴۹۱، ۴۹۴، ۵۰۱، ۵۰۴  
عبدالله ← حمیدیان، نقی  
عجمی، حاجی رحیم / ۲۸، ۳۳، ۳۴  
عزیز، طارق / ۴۹۶  
عصاره، قاسم / ۴۲۶  
عضدی ← ناصری، محمدحسن  
عطاءاللهی، احمد / ۲۷۸  
علی / ۲۹۳  
علی / ۳۴۵  
علیاری، سمکو / ۱۴۶، ۱۴۷  
عمادیان، علی / ۵۷، ۵۹، ۶۶، ۱۶۰  
۱۶۱، ۱۶۷  
عمویی، محمدعلی / ۳۶۰، ۳۸۶، ۳۸۹  
۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۵، ۴۳۶  
عنایت / ۱۴۵  
عنصری، کاکا / ۲۴

## ع

- عباس / ۳۳۸  
عباس ← شب‌انگیز، اسماعیل  
عباس ← کریمیان، رحیم  
عبدالرحیم پور، قربانعلی / ۳، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۲۱، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۹  
غ  
غبرائی، محمدرضا / ۱۲، ۱۴، ۳۹۲، ۴۰۳  
غفاری، هیبت‌الله / ۱۶، ۴۳۷، ۴۳۸  
غلام / ۳۱۴  
غلامیان لنگرودی، احمد / ۲، ۷، ۱۰، ۱۲

فرید ← مدیرشانه چی، محسن	۱۳، ۱۴، ۱۷۲، ۱۷۸، ۱۸۱، ۲۵۳، ۲۵۴
فریدون ← کریمی، اسفندیار	۲۶۲، ۲۶۵، ۲۷۰، ۲۷۷، ۳۲۹، ۳۶۵، ۳۶۷
فلاحی، ولی (سرتیپ) / ۹۱، ۹۶، ۱۳۸	
فلامرزی، اسحاق / ۶۶	<b>ف</b>
فیروز / ۶۲	فؤاد / ۳۳۸
فینکو، ولادیمیر / ۳۹۵	فاتح یزدی، محمدصادق / ۱۶۹
	فاطمی ← نیک سرشت، نسرین
<b>ق</b>	فتاپور، مهدی / ۶، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۳۱
قاجار، ناهید / ۲، ۲۵	۳۹، ۴۰، ۱۷۰، ۳۶۰، ۳۸۷، ۴۰۳، ۴۲۱
قادر / ۳۳۸	۴۵۴، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۷۶، ۴۸۷
قاسم ← جعفری، حسن	فراحتی، حمزه / ۷۲
قاسملو، عبدالرحمن / ۷۳، ۸۷، ۹۶، ۱۰۵	فراش، احمد / ۱۱۰
۱۱۸، ۱۴۳، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۶، ۱۵۷	فراشاهی، محمد (سرهنگ دوم) / ۹۸
قاسمی، احمد / ۴۲۸	فرید، فتح الله / ۶۳، ۶۵
قاضی، علی / ۱۴۸	فرید، ناصر (سرلشگر) / ۸۴
قاضی محمد / ۱۴۸	فرخنده جهرمی، علی محمد / ۳۱۵
قرنی، ولی (سرلشگر) / ۸۲، ۸۴	۳۹۰، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۷، ۳۹۸، ۴۱۸
قریشی، فیروز / ۴۲۶	۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸
قریشی، کاظم (محسن) / ۱۶۱	۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۲، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶
قرل ایاق، ابوالفضل (مصطفی) / ۲۹۰	۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۲، ۴۴۳
قیرسف، فردریخ / ۴۷۳	۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۹۶
قیله چی، هوشنگ / ۵۷	فرزانیان، محسن / ۵۰، ۵۶، ۵۸، ۵۹، ۱۶۰
	فروتن، احمد / ۴۲۸
<b>ک</b>	فروهر، داریوش / ۱۱۵، ۱۱۷
کابلی، میرهادی / ۱۶۴، ۱۶۵	فرهاد / ۱۶۰
کاپوچی (اسقف) / ۲۹۴	فرهاد / ۶۱



کریمیان، رحیم / ۴۰، ۵۰، ۵۱، ۶۷، ۱۶۵	کاخ‌ساز، ناصر / ۴۴۴
کشتگر ← فرخنده جهرمی، علی محمد	کارتر، جیمی / ۴۶، ۴۷
کشی‌زاده، یوسف / ۷۲	کاظم (مهندس) / ۴۰۲
کلانتری، سعید / ۱۸، ۱۹	کاظم ← بهکیش، محمدرضا
کلانتری، منوچهر / ۲۶۸	کاظم ← نیکخواه اردی، علی اصغر
کلیبی، جابر / ۳۸	کاکوان، مازیار / ۴۵۴، ۴۶۳
کمانگر، صدیق / ۸۰، ۸۱، ۸۳، ۸۵	کامیابی، اکبر / ۱۳، ۱۸۱، ۱۸۷، ۱۹۵
کوزیچکین، ولادیمیر / ۴۵۰	۲۰۴، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۵
کهنه‌پوشی، رئوف / ۸۹	۲۱۶، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۴۰، ۲۴۱
کیانوری، نورالدین / ۱۷۵، ۳۶۰، ۳۷۲	۲۴۸، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱
۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲	۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۷۰، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵
۳۹۵، ۳۹۷، ۴۲۰، ۴۴۹	۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳
کیانی، ستار / ۴۲۶	۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۹۳، ۲۹۶، ۲۹۷
کیومرث ← سلطان‌آبادی، اصغر	۲۹۸، ۳۰۱، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۰۸، ۳۱۴، ۳۱۵
گ	۳۱۶، ۳۱۷، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۴، ۳۲۵
گری، بیگ‌مراد / ۲۴	۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹
گل عنبریان، فرشته / ۱۴۲	۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷
گل‌مژده، یدالله / ۲۵۴، ۲۵۹، ۲۶۲، ۲۶۴	۴۱۴
۲۶۵، ۲۷۰، ۲۷۷، ۳۲۸	کاوه (کرمانشاهی) / ۳۲۵، ۳۳۳، ۳۳۴
گورباچف، میخائیل / ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۶	۳۳۸، ۳۳۷
گوگلانی، آنه گلدی / ۳۴	کریمی (سرهنگ) / ۹۵
گوگلانی، نازمحمد / ۳۳	کریمی، اسفندیار / ۲۷، ۳۲
ل	کریمی، بهزاد / ۱۲، ۷۲، ۱۱۰، ۱۱۱
لاهوئی، حسن (حجت‌الاسلام) / ۹۳	۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۳۶، ۱۵۶، ۴۵۳
-	۴۵۴، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۷۰
-	۴۸۶، ۴۸۸

محمد ← کریمی، بہزاد	لاہوتی، مختار / ۵۱۰
محمد حسین ← لولوئی کوهپایہ،	لطف اللہ زادہ، ابراہیم / ۳۹۴
غلامرضا	لطفی، انوشیروان / ۱۲، ۳۹۳، ۳۹۵
محمدی سامانی، فریدون / ۱۶۴	۴۰۲، ۳۹۶
محمدی، ملا عبداللہ / ۸۱	لنین، ولادیمیر ایلیچ / ۲، ۹، ۴۳، ۱۹۴
محمود / ۳۲۴، ۳۲۵	۱۹۵، ۲۰۴، ۲۱۵، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳
محمودی، محمود / ۲۰۴، ۲۶۳، ۲۸۱	۲۳۰، ۲۳۱، ۲۸۱، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹
۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۳، ۳۰۰، ۳۰۶، ۳۰۷	۴۰۱، ۴۷۷، ۴۷۹، ۴۹۳، ۴۹۵
۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶	لولوئی کوهپایہ، غلامرضا / ۶۳، ۶۴
۳۱۷، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۴، ۳۲۶	۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۱۶۵
مختوم، عبدالحکیم / ۲۶	لیلی ← صوری، اختر
مدائن، داود / ۳۲۸	لیماکشی، ابراہیم / ۲۴
مدائن، لقمان / ۳۲۸	
مدنی، مصطفیٰ / ۱۱، ۲۵۲، ۲۹۶، ۳۳۲	م
۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۸، ۳۳۹	مادر شاہی، جواد (مهندس) / ۴۴۹، ۴۵۰
۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۷، ۳۵۰، ۳۹۹، ۴۰۰	مارکس، کارل / ۲۱۵، ۲۳۳، ۲۶۶، ۳۷۸
۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۱۶	۳۷۹، ۴۰۱، ۴۷۸، ۵۰۱
مدیر شانہ چی، محسن / ۱۴، ۳۱، ۱۸۲	مجید ← عبدالرحیم پور، قربانعلی
۲۵۳، ۲۵۴، ۲۶۳، ۲۶۴، ۳۳۵	محتشمی، علی اکبر / ۴۶۸
مرادی، عبداللہ / ۷۶	محسن / ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶
مرادی، علی اکبر / ۷۲، ۱۴۲	۳۱۷، ۳۱۸
مرتضیٰ / ۳۰۸، ۳۱۵، ۳۲۵	محفوظی، علیرضا / ۱۸۷، ۲۴۵، ۲۴۶
مرضیہ / ۱۶۱	۲۴۷، ۲۵۳، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۵۹
مریم / ۳۲۷	۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۷، ۲۶۹، ۲۷۰
مستغنی، سیاوش / ۱۶۸	۲۷۱، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۸، ۲۸۱، ۲۸۲
مسعود ← حرمتی پور، محمد	۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۹۳، ۳۱۳

مهوش / ۳۱۱	مسعودی (سرگرد) / ۸۰
میرزائیان، حسن / ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۳، ۱۷۴، ۱۷۹، ۱۸۲، ۱۹۹	مصدق، محمد (دکتر) / ۲۰۶، ۳۵۴، ۳۵۷
۲۴۰، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۶۳، ۲۶۶، ۲۷۰، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷	معینی چاغروند، هیبت‌الله / ۴۱۹، ۴۲۱، ۴۲۸، ۴۲۶
۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۹۰، ۲۹۱، ۳۲۵	مفتی‌زاده، احمد / ۷۶، ۷۷، ۷۹، ۸۰، ۸۴، ۸۵، ۱۰۷، ۱۱۲
میرمؤیدی، علیرضا / ۴۰۳، ۴۵۳، ۴۵۴	ملکی، خلیل / ۴۲۸
۴۶۳، ۴۶۴، ۴۷۰	ممبینی کاظمی، فرج‌الله / ۱۱، ۱۲، ۳۰، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۴۰۲، ۴۱۹، ۴۲۰
میرمؤیدی، هادی / ۱۲، ۱۵۶	۴۲۶، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۷
میرمحمدصادقی، حسن / ۳۶۶	۴۷۰، ۴۷۳، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹
میرهاشمی، زینت / ۳۰۰، ۳۱۹	۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۹۳
میزانی، فرج‌الله / ۳۸۹، ۳۹۰، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۳۴	منتظر ظهور، محمد / ۵۷
مینا / ۳۱۹، ۳۳۰	منتظری، حسینعلی (آیت‌الله) / ۴۶۸
مینوکنده، فرهاد / ۴۷۳	منصور / ۳۲۵
مینوکنده، مهرداد / ۴۷۳	منوچهر / ۳۲۵
ن	منیژه / ۳۳۰، ۳۳۱
نادر / ۱۶۸	موسوی خوئینی‌ها، محمد / ۴۶۸
نادر / ۳۳۰، ۳۳۱	موسوی، میرحسین / ۴۶۸
ناصری، محمدحسن / ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰	مهدی نیا طبری، زینت / ۵۹، ۱۶۰، ۳۲۵
ناصری، نفیسه (نسترن) / ۳۱۶	مهدی / ۳۱۸، ۳۲۴
ناطق، هما / ۲۹۱، ۴۴۴	مهران ← اسکندری، منصور
ناهید / ۳۳۴	مهرنوش [م. ک] / ۱۶۵
	مهرنوش ← قاجار، ناهید
	مهری / ۳۲۵، ۳۳۴

- نظام ← گل مزده، یدالله  
 نعمانی، فرهاد/ ۴۲۶
- نعمتی، شاهرخ / ۵۰، ۵۱، ۵۴، ۵۵، ۵۷،  
 ۵۸، ۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۴
- و  
 نعیمی برغانی، حمید/ ۴۰۰  
 نقشبندی، آنالقیچ / ۲۵  
 نقشبندی، شیخ عثمان / ۱۴۸  
 نقشبندی، کمال / ۵۱۰  
 نقشبندی، مادح (دکتر) / ۵۱۰
- ه  
 هاتقی، رحمان / ۳۹۲  
 هادی ← غلامیان لنگرودی، احمد  
 هادی طلب، علیرضا/ ۴۲۶
- هاشم ← هاشمی، عباس ← میرزائیان،  
 حسن  
 هاشمی رفسنجانی، اکبر (آیت الله) / ۸۳،  
 ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۶۸
- هلیل رودی، منوچهر ← شفیعی،  
 ابراهیم  
 ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۹۳، ۴۹۴
- ه  
 نوذری، ناصر (رسولی) / ۱۹  
 نوری، خسرو / ۲۸۹، ۲۹۶، ۲۹۷، ۳۱۴
- یزدان پناه، سعید / ۲۸۶  
 یزدی، ابراهیم / ۴۵۶  
 یونسی، ابراهیم / ۸۴  
 یوسف ← عمادیان، علی  
 ۳۱۵، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۴، ۳۴۱
- نیری، ایرج / ۴۲۶  
 نیک پی، محسن / ۳۳  
 نیکخواه اردی، علی اصغر / ۵۰، ۵۱،  
 ۵۶، ۵۸، ۵۹، ۱۵۹، ۱۶۰  
 نیک سرشت، نسرین / ۵۹، ۱۶۰

[www.iran-archive.com](http://www.iran-archive.com)

www.iran-archive.com

پیوست‌ها

برگزیده تصویرها و اسناد

www.iran-archive.com

پس از آن که ارتش آمریکا و نیروهای متحدین در فروردین سال ۱۳۸۲ کشور عراق را اشغال و رژیم بعثی حاکم بر این کشور را سرنگون کردند، مراکز اطلاعاتی و امنیتی این کشور توسط مردم تسخیر شد و اسناد موجود در آنجا به دست آنان افتاد و شماری از آن در اختیار مراکز اسنادی ایران قرار گرفت. این اسناد دارای ارزش ممتاز تاریخی است و انتشار مستقل آنها می‌تواند بخشی از فعالیت افراد و گروه‌های سیاسی ایران را روشن سازد. اسناد ضمیمه نمونه‌ای کوچک از آن است.

## به کلی سری

به: اداره کل عملیات سری شماره/ق/۸/ [ناخوانا]/۲۵۲۵  
 موضوع: سازمان فدایی خلق اقلیت تاریخ ۱۵ آگوست ۱۹۸۲ [۱۳۶۱]  
 ذیلاً ارزیابی مان را در خصوص فعالیت‌های سازمان یادشده از زمان تعیین  
 عبدالرزاق کریمی به عنوان نماینده‌شان در کرکوک می‌آوریم:

۱- در تاریخ ۲۹ حزیران ۸۲ مشارالیه که از سوی شما به عنوان نماینده سازمان  
 متبوعش در عراق فرستاده شده بود، به پایگاه ما آمد. فعالیت‌های سازمان یادشده  
 که به وسیله نماینده‌اش به انجام رسیده، به قرار زیر می‌باشد:

الف. ارسال برخی تجهیزات به ایران از راه قلعه دیزه - سونه پایگاه (ح د ک)  
 ایرانی. این تجهیزات از بغداد به همراه فولاد نامی برای ما فرستاده شده بود. لازم  
 به ذکر است برابر طرح عملیاتی می‌بایست صلاح‌احمدی به همراه فرد مذکور  
 عزیمت می‌کرد اما فولاد از رفتن سر باز زد و درخواست نمود در کرکوک بماند  
 و در این اقدام راحت‌طلبانه از نماینده‌شان پیروی کرد. از این رو کشمکش‌های  
 لفظی میان این دو نفر (صلاح‌احمدی و فولاد) درگرفت چنان که ناچار شدیم  
 برای خاتمه دادن به درگیری و تأمین امنیت رساندن مواد به ایران در موضوع  
 مداخله کنیم.

ب. در تاریخ ۵ تموز ۸۲ عملیات رساندن صلاح‌احمدی به سلیمانیه تأمین و  
 انجام شد. این اقدام به منظور برقراری ارتباط وی از آنجا با هواداران‌شان در  
 منطقه سنندج و از طریق مریوان صورت گرفت. از طریق مراقبتی که بر فرد  
 یادشده اعمال کردیم معلوم شد که او مأموریت سپرده شده به وی را انجام نداده؛  
 و در اقامتگاه سعید اقدسی در سلیمانیه باقی مانده است. او در تاریخ ۱۴ تموز ۸۲  
 سلیمانیه را به مقصد قلعه دیزه و از راه سونه ترک کرد. او به همراه بهیه فیض‌الله  
 مادر سعید اقدسی و ابراهیم احمد‌صالحی یکی از اعضای سازمان‌شان عزیمت  
 کرد، بدون اینکه به نماینده‌شان در کرکوک اطلاع داده و موافقت وی را گرفته  
 باشد. این امر نشان می‌دهد میان دو فرد یادشده به عنوان اعضای کادر رهبری  
 سازمان، اختلافاتی وجود دارد و اینکه صلاح‌احمدی، عبدالرزاق کریمی را به



عنوان نماینده‌شان در عراق به رسمیت نمی‌شناسد.

ج. ما به صورت مستقیم و غیرمستقیم از عبدالرزاق کریمی خواستیم تلاش نماید با اعضای سازمانشان در ایران به منظور کسب اطلاعات از فعالیت‌های ایشان ارتباط برقرار نماید و نیز دیگر وظایف خود را در این خصوص به انجام رساند. ما برای این منظور عملیات احضار یکی از اعضای سازمانشان به نام مختار لاهوتی را به شهر کرکوک در تاریخ ۱۱ تموز ۸۲ تأمین نمودیم. این عملیات برای حفاظت و امنیت ارتباط با نامبرده صورت گرفت. همچنان که ما نماینده یادشده را از تاریخ ۳۱ تموز ۸۲ لغایت ۱۱ آب ۸۲ به سلیمانیه فرستادیم. این انتقال به درخواست وی انجام شد البته بعد از آنکه ما به وی اصرار کرده بودیم در جهت حفظ ارتباطش با مرکزیت سازمان در داخل ایران تلاش نماید. فرد یادشده سپس در یکی از هتل‌های شهر اسکان داده شد. از طریق عملیات مراقبت تحرکات سوژه دریافتیم که او این بازه زمانی را در ضیافت‌های میهمانی اعضای خاندان نقشبندی ساکن در سلیمانیه گذرانده است، که از جمله آنهایند: دکتر ماح نقشبندی، عبدالله حسامی، کمال نقشبندی و جمال عبدالله. گفتنی است این فرد پس از بازگشت، اطلاعات دروغینی را در خصوص ارتباط‌گیری‌اش با اعضای ایرانی سازمان خود ارائه کرد. او در جلسه بررسی و مصاحبه ما با وی، نام کسانی را که با ایشان ارتباط گرفته، شیوه‌های ارتباط‌گیری، مکان و تاریخ آن و اطلاعاتی را که از ایشان در خصوص فعالیت‌های سازمانشان به دست آورده، در اختیار ما قرار نداد.

۲- افزون بر اقدامات برشمرده شده در بالا، اقدامات زیر را نیز به انجام رساندیم:

الف. منزلی را اجاره و آن را مبله و اسباب و اثاثیه موردنیاز آن را فراهم کردیم تا به عنوان پایگاهی برای وی در شهر کرکوک باشد.

ب. هماهنگی با اداره برق پست و تلفن کرکوک به منظور تهیه صندوق پستی و تلفن در اسرع وقت ممکن.

ج. درمان ۵ تن از بیمارانشان در بیمارستان سلیمانیه و بیمارستان نظامی کرکوک.

این افراد از طریق قلعه دیزه و به قصد دریافت درمان رسیده بودند.

و. مبلغ ۲۲۰ دینار در اختیار نماینده‌شان برای هزینه‌های شخصی‌اش قرار دادیم.

## ۳- نتیجه‌گیری و نظریه

الف. از مواردی که در بالا آورده شد درمی‌یابیم که در فعالیت‌های نماینده سازمان در عراق سستی و رکودی رخ داده که به دنبال سستی و رکود سازمان در صحنه ایران، پدیدار شده است؛ چنانکه از منابعمان در منطقه و نیز از لابلائی جلسات تخلیه و بررسی با نمایندگان سازمانها و احزاب مرتبط با ما، هیچ‌گونه اطلاعاتی در خصوص فعالیت قابل ذکر سازمان در زمان حاضر به جز پخش برخی اعلامیه‌ها به دست نمی‌آید.

ب. حالتی از عدم انسجام و فقدان یکپارچگی میان اعضای سازمان و شماری از کادر رهبری آن وجود دارد به ویژه میان پولاد، صلاح‌احمدی و عبدالرزاق کریمی و مسعود رحمتی.<sup>۱</sup>

ج. در صورتی که سازمان در همین سطح کنونی از فعالیت‌هایش بر ضد نظام خمینی و به ویژه در صحنه کردستان ایران باقی بماند آن هم در زمانی که این صحنه شاهد فعالیت‌های حزب دموکرات ایران و کومله و نیز تا حدودی حضور سازمان مجاهدین خلق می‌باشد، ما بر این باوریم که سازمان از این اندازه کنونی‌اش نیز کوچکتر و بیشتر به تحلیل خواهد رفت.

د. از لابلائی معاشرتمان با نماینده‌شان عبدالرزاق کریمی دریافتیم که او فردی متفاوت است. از این نظر که به دروغ‌گویی و زبان‌بازی گرایش دارد، حتی با اعضای سازمانش؛ چنان که در تماس‌های تلفنی با دوستانش در پاریس اطلاعات دروغینی را درباره فعالیت‌های خودش در اختیار آنان قرار می‌داد.

مراتب جهت استحضار تقدیم می‌شود. ما هم به نوبه خود خواهیم کوشید نامبرده را واداریم بر فعالیت‌هایش بیفزاید و نظریه‌ها و دیدگاه‌های ما را در خصوص ضرورت افزایش فعالیت سازمان بر ضد رژیم خمینی منتقل سازد.

با سپاس

۱. مسعود رحمتی یکی از پیش‌مرگه‌های اقلیت بود که طی یک درگیری در بهمن سال ۶۱ در کردستان کشته شد...

الجمهورية العراقية

الجمهورية العراقية

مجلس قيادة الثورة  
رئاسة المخابرات العامة  
مديرية مخابرات محافظة النجف  
العدد / ق ٨ / ٥٥٥٥ /  
التاريخ ٥٥ / آب / ١٩٨٢



سري للغاية

IRAQI GENERAL INTELLIGENCE SERVICE

٥٥

السيد محمد  
مدرسة محمد باقر  
١٤٤١

الى / مديرية الخدمة السرية العراقية  
الموضوع / منظمة فدائي خلق الاقلية

بدرج ادناء تقنيا للعمليات المنظمة المذكورة وبمقتضى تعيين ممثلهم  
على الزمان كورسي في كركوك  
بتاريخ ٢٥ حزيران ٨٢ قدم الى مقرنا النوا اليه برسالة من قبلكم  
كتمثل لتتطلب من القطر، بما قامت به المنظمة من نشاطات عن طريق  
مناشاة طالبني  
ازمال بعض التحقيقات والتي ازيلت عنها من بغداد صحيفة الدعوى  
فيولاد الى ايران عن طريق قلعة لوزر في سنة ١٩٧٩ م (ع د ك) الايراني  
علما بان الخطة كانت تقضي بنهاب صلاح احمد و جبهة  
النوا اليه الا ان الاخير رفض النهاب وطلب التنا في كركوك لغرض  
(البراه اسوة بمثلهم) وقد حصلت عدة شادات بينهما مما اضطرنا  
الى التدخل في الموضوع لاجل الزواج وتامين اتصال النوا الى ايران  
بتاريخ ٥ تموز ٨١ تم تأمين اتصال صلاح احمد الى السلمانية  
لغرض الاتصال من هناك بوالديهم بنقلته مستند عن طريق مهران  
ومن خلال مراقبتنا للنوا اليه تبين تقدم قيامه بتنايد اليه من كركوك اليه  
وقام في مسكن سعيد اقدسي في النجف التي رسم بمناشاة السليمانية  
الى قلعة دزه بتاريخ ١٤ تموز ٨٢ حيث غادرها عبر سوسة مع زوجته  
فيد الله والدة سعيد اقدسي وابراهيم احمد صالح اجدد المستنجد

من حسن  
ص ١

(١٤٤١)  
سري للغاية

١٤

الجمهورية العراقية

الجمهورية العراقية



IRAQI CENTRAL INTELLIGENCE SERVICE

مجلس قيادة الثورة  
رئاسة المخابرات العامة  
مديرية مخابرات محافظة الناصرية  
العدد /  
التاريخ ١١ / /

سرور للناحية

مما تشتمهم الذين علم منهم في كركوك ما يتحصل من مراقبة مما يشتمهم  
الى وجود خلاقات بين العنقا التي تنشاها من قيادي التنظيم  
وعدم اعتراف اصلاح الحسدي محمد الرزاق كريمي، كمثل لهم في القطر  
طلبا مقصودا بالاعتراف من عبد الرزاق كريمي ضرورة التحرك  
وتامين الاتصال باعضاء التنظيم في ايران لمعرفة نشاطاتهم  
والقيام بابحاثهم واما مقتضى لاجل ذلك احضار المدعو مختار لاهوسي  
امجد افغان منظمين بتاريخ ١١ / ١١ / ٨٢ الى كركوك لغرض تامين  
الاتصال اعضاء الى اخيرا ارتبطا الممثل المذكور بتاريخ ٣١ / ١١ / ٨٢  
السليمانية والى ١١ / ١١ / ٨٢ رتبا على طلبه بعد الاحتفاظ عليه  
بالتحرك لغرض تامين الاتصال بالتنظيم داخل ايران وقد تبين  
اشكائه في احدي قيادي التنظيم ومن خلال قيامه بتحركاته وجدتها  
بانه امس القنصر المذكور في ولايته لدى افراد عائلة التقميدية  
التواجديين في السليمانية منهم ( ذ. مالح التقميدى - عبد الله حسامي  
- كمال التقميدى - جمال عبد الله ) علما انهم ذكر بعد عودتهم  
معلومات كاذبه عن قياصه بالاتصال مع ايرانيين من تنظيمه ولم يزودتنا  
من خلال مقتضى له عن اسما الفيين المتعلق بهم وان مقتضى  
الاتصال وبكائه وتاريخه او ما حصل عليه من معلومات عن نشاطات تنظيمهم

٢ - اضافة الى اجراءات الواردة اعلاه قمتنا بما يلي :-

١ - تاجير دار وتأمينها لتكون مقرا له في كركوك

٢ -  
سرور للناحية

الجمهورية العراقية

مجلس  
قيادة الثورة  
رئاسة المخابرات العامة  
مفوضية عمليات عائلته التأميم  
البيدق /  
الباربع / / / ١٨

الرجال والرج



IRAQI GENERAL INTELLIGENCE SERVICE

سرى للفاينة



التشويق مع د. اثيره بربق وزيد وهاتف كركوك لغرض تامين صلته مع سرك  
رهاتفه في اقرب المشرق بمكتبه  
مخالفة خمسة من برصاصه وصولا من طريق قلعة دوز والعلمانية للمعالجة  
في مستشفى السلطنة كركوك العسكري  
توريد بثلبهم بملح (٢٢٠) ديناراً لمصرفاته الشخصية .

التخطيط والايستراتيج

ما ورد اعلاه يؤكد ان هناك حصول في نشاط مثل المنظمة في القطر  
مترادف الحضور التنظيمية في الساحة الايرانية حيث لم تردنا مسبقا  
بمادتها في التنظيمية له ومن خلال المراقبة التي نجحنا بها مع بطلانسي  
المنظمات والاحزاب التي لها علاقة خاصة بالملفات من نشاط يذكر  
للتنظيمية في الوقت الحاضر عندما ترتفع بعض المنظمات  
هناك حالة من عدم الانسجام بين اعضاء التنظيمية والذين يمثلون  
جزء من قيادتها وخاصة بين كل من فولاد وجراح والمجدي ومحمود  
الرزائي كريمي وسعيد ورحماني  
في حالة يقام المنظمة على تميزها الحالي في النشاط المعاصر لنظام  
خميني وخاصة في الساحة الكردية الايرانية بالوقت الذي يقف فيه  
هذه الساحة بمعالجات للحزب الديمقراطي الكردستاني الايراني والكردية  
ومع التواجد لتنظمة مجاهدي خلقية بالوقت الحاضر فان حجمها  
سيتمثل الى مستوى اقليمي ما هي عليه الان

## سازمان فدایی خلق ایران (اقلیت)

## شکل‌گیری سازمان

این سازمان در سال ۱۹۷۱ [۱۳۴۹] در مناطق شمالی ایران بر اساس تفکرات مارکسیست - لنینیستی جهت سرنگونی رژیم ایران تأسیس شد و با برخی دیگر از سازمان‌های دیگر جهانی خصوصاً سازمان بادر ماینهوف در ارتباط بوده است. تعداد اعضای این سازمان در سراسر کشور در حدود ۵۰۰ نفر می‌باشد.

## معروفترین اعضای رهبری سازمان

- حماد شیبانی (ملقب به ابوعباس) عضو کمیته مرکزی که در حال حاضر عضویتش معلق است و در منطقه کلاله عراق مستقر است.
- بهرام محمد [حسین زهری] - عضو کمیته مرکزی و مسئول تبلیغات در خارج و در حال حاضر در پاریس مستقر است.
- بابک بیژن جزنی<sup>۱</sup> - عضو کمیته مرکزی.
- جواد طالب (اسم مستعار کاوه) کادر سیاسی.
- امیر شمس‌الدین - کادر سیاسی.
- مسعود رجوتی [رحمتی] کادر سیاسی.
- احمد یوسف - نماینده سازمان در عراق.

## تأثیرات سازمان بر نظام

این سازمان اخیراً اقدام به حمله به مؤسسات نظام ایران در اروپا نموده که از جمله آنها می‌توان از حمله به دفتر هواپیمایی ایران در اتریش و لندن و پاریس و حمله به سفارت ایران در بلژیک نام برد.

۱. تاکنون خبر و یا گزارشی از عضویت بابک جزنی فرزند بیژن در سازمان چریک‌های فدایی خلق به دست نیامده است. احتمالاً این نام مستعار یکی دیگر از اعضا می‌باشد.

کمک‌های مالی انجام شده به سازمان به تازگی کمک‌های مالی به سازمان اختصاص داده شد که مقدار آن: پرداخت مبلغ ۲۵ هزار دلار هر سه ماه یک بار. پرداخت مبلغ ۳۰ هزار دلار به صورت ماهانه که در خارج از کشور پرداخت می‌شود.

#### روابط سازمان

این سازمان روابط خوبی با حزب دموکرات کردستان ایران دارد. این سازمان روابطی وسیع با فرانسه و برخی کشورهای اروپایی داشته و همچنین طرفدارانی در میان دانشجویان ایرانی در دانشگاه‌های اروپا خصوصاً هلند و فرانسه داشته که هر چند یک بار اقدام به تظاهرات علیه نظام ایران می‌نمایند.

مناطق که اعضای سازمان در آن حضور دارند محل اصلی فعالیت اعضای سازمان کردستان ایران و شهرهای زابل و زاهدان در نزدیکی مرز پاکستان و افغانستان و منطقه کلاله عراق می‌باشد. البته سازمان در برخی دیگر از شهرهای ایران نیز حضوری ضعیف دارد و مجموعه اعضای آن تقریباً ۵۰۰ نفر می‌باشد.

کمک‌های نظامی انجام شده به این سازمان

۱۵۰ قبضه اسلحه کلاشینکف با فشنگ

۷ قبضه تیربار آر.پی.کی

۶ قبضه موشک انداز آر.پی.جی

۱۰ دستگاه بی سیم تاکی - واکی

۱۴۰ عدد نارنجک

۸۰ قبضه کلت برونینگ

مقدار قابل توجهی تی.ان.تی

۱۵۰۰۰ گلوله کلاشینکف

۳۰ عدد موشک آر.پی.جی ۷

منطقة قذافي خلوة الاقرانية الاقنية

نقطة المنظمة

أضحت المنظمة عام (١٩٧١ في مناطق شمال لبنان وتمتد الكون  
الباركني الليبير نظرية انزا وصحى التي اسفاد للنظام الايراني  
والتي لا تاتي تحت المنظمات المعروفة وواجهه منظمة باز رايد وف  
حجم المنظمة واهر قادتها

تبلغ عدد نقاط المنظمة حدود (٥٠٠) نقطة في عموم لبنان  
اما أبرز قادتها هم :-

علاء الدين ايتياني (اللقب أبو العباس) مسؤول لجنة مركزية

وخاليا شه مخيد وبهاجد في منطقة كلاله الخراقيه

بدرام مخيد مسؤول لجنة مركزية ومسؤول الاعلام في الضواحي

وبهاجد خاليا بن باربر

بايد بنين جزين مسؤول لجنة مركزية

زاد المالك (اللقب أبو) كادر سياسي

احمد شعبي الدين كادر سياسي

اسحود رجوين كادر سياسي

مها احمد يوسف ممثل المنظمة في القطر ومن كوادرا القبعسه

تأثيرها على النظام:

قامت مؤخرا باقتحام بعض مؤسسات النظام الايراني في اورشليم

ومن بيدرا مكتب الخطوط الجوية فسن النسا ولبنان وباربر وانك

واقتحام السفارة الايرانية في بيروت والسفارة اليابانية في طرابلس

ان مساعداه التاليه:

م خمير مساعداه عاليه للمنظمة مؤخرا بقدرها (٢٥) جنسية

وعشرون اعد مسار تخليا (كل ثلاثة اشهر) (ضاهه الي (٣٠) ثلاثون

القد ولا يرتريا سلم لدم في الخارج

علاقات المنظمة:

لنمنظمة علاقات جيدة مع (ج د د ك) الايراني كما أن لديها

علاقات خارجيه قوية مع فرنسا وبعض اعدول الاوربيه ولديها



سومین بن ایدالله (۱۰) - انتخابات اروپا ما با استخفا علی القيام ببعض  
 المنظمات ضد نظام خمینی و خاصه من هولندا کفرنسا  
 ایان را و عناصر العنقه  
 للمنظمة: تراحد محدود جدا المدن الإيرانية مثل زابل: زاهدان  
 والحدود الإيرانية، الأفغانه، ومنطقة كلاله المراقبه  
 أما المنطقة التي تشملها المنظمة فهي المنطقة الشماليه  
 من إيران (كردستان إيران) بالإضافة إلى زيادة محدود فيني  
 داخل المدن الإيرانية وتبلغ عدد مقاتلي المنظمة بحدود { ۵۰۰ }

المساعدات العسكريه

- ۱. (۱۰۰) بندیه الاشعريفه غار خا
- ۲. (۷) رشاد حوسيله آرمي ك
- ۳. (۷) رشاد آرمي ك
- ۴. (۱) جزا زهول، زولي
- ۵. (۱) رشاد يدويه
- ۶. (۸۰) مددك براوليك
- ۷. كعمه شاسيه من طحرات تن آن تن
- ۸. (۱۵۰۰) لقه كاشكوف
- ۹. (۱۳۰۰) علم
- ۱۰. (۳۰) صاروخ آرمي ك

مکاتبه مسئول میز ایران در سازمان امنیت عراق با معاونت سازمان در رابطه با

ملاقات با حماد شیبانی در سال ۱۹۸۲ [۱۳۶۱]

نظر اینجانب در ارتباط با پاراف نامه مورخه ۱۳/ع در سه بند ذیل به اطلاع می‌رسد:

۱- دیدار جناب‌عالی با رئیس هیأت حماد شیبانی و عبدالرزاق کریمی در بغداد.

۲- اعزام افرادی که اسامی آنان مشخص گردیده جهت انجام مطالعه به پاریس.

۳- موافقت با ادامه اقامت نماینده سازمان در کرکوک پس از اطلاع از نتایج مذاکرات با نامبردگان.

مراتب جهت اطلاع

۱۵ آوریل ۸۲ [۱۳۶۱]

ش ۱۰

تلفنی با احسان تماس گرفته شد و به وی ابلاغ گردید رئیس هیأت [حماد شیبانی] و همراهش را به بغداد اعزام نماید.

معاونت محترم

امروز با حسن ماسالی ملاقات کردم و نظر وی را پیرامون فرد مذکور [شیبانی] سؤال کردم، نامبرده اظهار داشت آنها جایگاه قابل توجهی در داخل ایران داشته و توان انجام عملیات ایدائی را دارند.

مراتب جهت اطلاع

۱۰۰  
۱۰۰  
۱۰۰

السید علیرضا شهبازی

کتابخانه شماره ۱۰۰

این کتاب به استحضار شما رسید و در صورت لزوم به شما ارسال خواهد شد.  
با احترام  
السید علیرضا شهبازی

علیرضا شهبازی  
۱۰۰

کتابخانه شماره ۱۰۰

۱۰۰

شماره ۱۰۰

السید علیرضا شهبازی

۱۰۰

السید علیرضا شهبازی

این کتاب به استحضار شما رسید و در صورت لزوم به شما ارسال خواهد شد.  
با احترام  
السید علیرضا شهبازی

علیرضا شهبازی  
۱۰۰  
۱۰۰

۱۰۰

مکاتبه مسئول میز ایران در سازمان امنیت عراق با معاونت سازمان

با توجه به پی‌نوشت در حاشیه نامه مورخه ۷/۲۰ به اطلاع می‌رساند در حال حاضر تنها نماینده سازمان فدایی خلق اقلیت (عبدالرزاق کریمی) در کرکوک حضور دارد اما رئیس هیأت حماد شیبانی که قبلاً از کشور ما دیدار کرده بود هم‌اکنون در پاریس حضور دارد و مجدداً به زودی به عراق بازخواهد گشت. مراتب جهت اطلاع، ضمناً ما منتظر بازگشت حماد شیبانی خواهیم ماند و به او ابلاغ خواهیم کرد جهت دیدار رئیس سازمان امنیت آماده باشد، زیرا نماینده آنان در کرکوک در جایگاهی نیست که با رئیس سازمان ملاقات نماید.

[۱۳۶۱] ۱۹۸۲/۷/۲۱

موضوع به آقای احسان ابلاغ گردید

المنه بالاداء للثورة العارفة المبرم

(کتابخانه مرکزی)

هاتفه المنه و منسبها بامارة الناصر المبرم . في سنة ۱۳۰۲ هـ عارفا  
بوجه ان الزلزل عالميا جعل منظر يداني ظهور الامة (عنه البرزخية المبرم)

اما رتبة الامة انما راز العظم وهو عمار السنين ما به موجود  
حاليا في تاريخه و مستور من رتبة الامة

للتفصيل الامامي طرنا من انتظار عديم التيقن ان لا ياتي من عالم  
المترايب لان منسبهم الكون و هو الزلزل لم يكن بالمستول للامور  
او ما به ما سياتي ... مع الشكر

خطبه

عزمان مصلح فدام

۱۳۰۲

لعمري

تمت طباعة هذا الكتاب في طهران

ط

۱۳۰۲

۱۳۰۲

۱۳۰۲

مکاتبه مسئول میز ایران در سازمان امنیت عراق با معاونت سازمان

معاون محترم امور عمومی

در پاسخ به پی‌نوشت معاونت محترم در حاشیه نامه مورخه ۲/۲۰ مبنی بر دیدار با هیأت اعزامی سازمان فدایی خلق اقلیت که در حال حاضر در کرکوک بسر می‌برند گزارش ارسالی از سازمان امنیت تأمیم پیرامون ملاقات و گفتگوهای انجام شده با هیأت مذکور به شرح ذیل به اطلاع می‌رسد.

۱- اهداف سازمان مذکور و اقوامی که در تعامل با آنها می‌باشند.

۲- روابط سازمان مذکور با حزب دموکرات ایران و کومله و مجاهدین خلق که در پاسخ اظهار داشتند با تمامی سازمان‌های مخالف ایران به جز حزب توده ارتباط خوبی دارند.

۳- جهت انجام عملیات نظامی در داخل و خارج ایران آمادگی دارند.

۴- اعلام کردند سازمان در حال حاضر با کمک‌های کمیته‌های تشکیل شده سازمان در داخل و خارج و جمع‌آوری کمک‌های مالی توسط آنان اداره می‌شود.

۵- روابطشان با قیاده موقت تیره بوده، لیکن روابط مثبتی با نیروهای جلال طالبانی دارند.

آ- هدف از حضور هیأت در عراق را گفتگو با مقامات عراقی و همچنین اطلاع از نقطه‌نظرات مسئولین عراق پیرامون اهداف عراق از ادامه جنگ با ایران ذکر کرده‌اند.

ب - می‌خواهند از نظرات ما پیرامون وضعیت ایران مطلع گردند.

همچنین اعلام کردند می‌خواهند از عراق جهت تردد به دیگر کشورها استفاده کرده و همچنین مایلند توسط عراق با برخی از گروه‌های فلسطینی ارتباط برقرار نمایند.

مضافاً آن که تقاضای ایجاد تسهیلات برای سفر تعدادی از اعضای سازمان به فرانسه و همچنین تأسیس دفتر سازمان در عراق را دارند.

در این جلسه یک نکته حاشیه‌ای هم در میان آمد و آن درباره فردی به نام حسن

ماسالی بود که به تازگی موافقت ریاست محترم جمهوری و رهبر (انقلاب) برای دادن جنگ‌افزار و پول به وی گرفته شده بود. اما نامبردگان بالا اظهار داشتند نامبرده در بازه زمانی ۷۲ تا ۷۸ که آنها در عراق بودند جزو سازمان و تشکیلاتشان بوده است اما هم‌اکنون این شخص به رغم این که فردی میهنی و فداکار است اما مطلقاً هیچ‌گونه تشکیلاتی در اختیار ندارد و آنها آمادگی دارند در این خصوص با وی رو در رو مناظره نمایند.

مراتب جهت اطلاع، ضمناً پیشنهاد می‌شود تنها رئیس هیأت جهت مذاکره به بغداد بیاید تا مذاکرات مفصل‌تری با وی صورت گیرد تا اطلاعات بیشتری پیرامون آنان جمع‌آوری شود زیرا آنان تاکنون اسامی واقعی خود را بیان نکرده‌اند.

۸۲/۴/۱۲ [۱۹۸۲] [۱۳۶۱]

پی‌نوشت معاون رئیس سازمان امنیت

۱- مسئول آنان جهت ملاقات به بغداد بیاید.

۲- نسبت به جمع‌آوری اطلاعات پیرامون آنها اقدام گردد.

بسم الله الرحمن الرحیم

المستند بحدوث ظهور الفیاض فی الزمان

هاستند بحدوث ظهور الفیاض فی الزمان...  
وحدود ظهورها...  
تسمیة الذوات علیها...

الذوات

١. اذ هو المظهر وبتبلیغ المصنوع فی الزمان...

فلا یستطیع من الزمان التبریر فی الاصل...  
ان اول ظهورها...

الذوات وبتبلیغ المصنوع فی الزمان...  
فلا یستطیع من الزمان التبریر فی الاصل...

٢. اذ هو المظهر وبتبلیغ المصنوع فی الزمان...

فلا یستطیع من الزمان التبریر فی الاصل...  
ان اول ظهورها...

٣. اذ هو المظهر وبتبلیغ المصنوع فی الزمان...

فلا یستطیع من الزمان التبریر فی الاصل...  
ان اول ظهورها...

٤. اذ هو المظهر وبتبلیغ المصنوع فی الزمان...

فلا یستطیع من الزمان التبریر فی الاصل...  
ان اول ظهورها...

٥. اذ هو المظهر وبتبلیغ المصنوع فی الزمان...

فلا یستطیع من الزمان التبریر فی الاصل...  
ان اول ظهورها...

٦. اذ هو المظهر وبتبلیغ المصنوع فی الزمان...

فلا یستطیع من الزمان التبریر فی الاصل...  
ان اول ظهورها...

٧. اذ هو المظهر وبتبلیغ المصنوع فی الزمان...

فلا یستطیع من الزمان التبریر فی الاصل...  
ان اول ظهورها...

٨. اذ هو المظهر وبتبلیغ المصنوع فی الزمان...

فلا یستطیع من الزمان التبریر فی الاصل...  
ان اول ظهورها...

٩. اذ هو المظهر وبتبلیغ المصنوع فی الزمان...

فلا یستطیع من الزمان التبریر فی الاصل...  
ان اول ظهورها...

١٠. اذ هو المظهر وبتبلیغ المصنوع فی الزمان...

فلا یستطیع من الزمان التبریر فی الاصل...  
ان اول ظهورها...

هذا المستند...  
بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

١. حضر سورتهم فی بغداد

و ساقیة

٢. اذ هو المظهر وبتبلیغ المصنوع فی الزمان...

٤١٢٧



مکاتبه وزارت خارجه عراق با سفارت عراق در پاریس ش ۲۶۷۶۱۰

تاریخ ۱۹۸۲/۱۰/۹

به پیوست مبلغ (۶۰) هزار دلار جهت پرداخت به ابوالمجد نماینده سازمان  
(فدایی خلق) که شما او را به نام بهرام محمد می‌شناسید ارسال می‌گردد.

مدیریت امور عمومی

٢/

وزارة الخارجية



للخارجية

شعبة الشؤون العامة

الرقم ٢٦٧٦  
التاريخ ١٩٨٢/١٠/١٩

الى / سفارة الجمهورية العراقية / باغداد / شعبة الشؤون العامة

الموضوع / ملحق

طياً ملحق (٦٠٠) ستمن التدوير. راجع  
فصلها الى مثل منظمة ابو الجدي في طريقه الى بغداد  
والملحق الاخير لملف ٥٥٤٤ عن القديس

ر. شعبة الشؤون العامة

المستتر ١٠٠٠٠٠٠  
تعاليم المدعى هو من السفارة العراقية  
المناضيه مستخدم المصير المذكور  
الى القسم المشرف (البريد) صهيونية  
مستمع عادل...  
المدعى  
١٩٨٢/١٠/١٩  
(١-١)

١٩٨٢/١٠/١٩  
١٩٨٢/١٠/١٩

تاریخ: ۱۹۸۲/۱۰/۲۸

از: سفارت جمهوری عراق در پاریس

به: وزارت خارجه عراق - شعبه امور عمومی

فردی ایرانی به نام (جواد) از مجموعه ابوالمجد ضمن مراجعه به سفارت  
پاکتی را که محتوی سی و پنج هزار فرانک فرانسه می‌باشد تحویل ما نموده و  
تقاضا کرده است محتویات پاکت به نماینده آنان در بغداد به نام سعید توفیق  
تحویل داده شود.

شعبه امور عمومی سفارت

www.iran-archive.com

AMBASSADE DE LA RÉPUBLIQUE D'IRAK  
 PARIS  
 21, RUE DE LA SAISONNIÈRE - 75130 PARIS  
 TEL : 823-21-20



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شعبه الشؤون العامه

الرقم: ١٨٢/٤٨

التاريخ: ١٩٨٢/١٠/٢٨

الس / وزارة الخارجية - المكتب الخاص / شعبه الشؤون العامه - رقم: ١٨٢/٤٨  
 م / معلونات

راجعتنا الايراني (جواد) من مجموعة اعد الجسد وطلب افعال الظروف العرفي طبا  
 الذي يحتوي على مبلغ ( ٣٥ / ٠٠٠ ) خسة وثلثون الف فرنك فرنسي الى مبلغهم في بغداد. استند  
 تولى ( )

• للتدخل بلا اطلاع • مع التقدير •

العرفيات

مظروف

ر / م / شعبه الشؤون العامه

الرجاء الحرفه  
 العتق من  
 ستم ( )  
 ( )

سالت الحرفون  
 فلامسيد من الحرف  
 في دنار واقد سنت  
 دست استند

شعبه الشؤون العامه  
 ( )

رسید تحویل ۹۰,۰۰۰ دلار پول با دستخط و امضای بهرام محمد و گزارش سفارت عراق در پاریس به بغداد در رابطه با پرداخت مبلغ مذکور بهرام محمد طی امضای متنی به شرح ذیل رسید مبلغ مذکور را اعلام کرده است. اینجانب امضاءکننده ذیل بهرام محمد گواهی می‌نمایم که مبلغ ۹۰,۰۰۰ را دریافت نموده و به همین مناسبت امضاء می‌نمایم.

۱۹۸۰/۱۱/۱۴

۱۳۷۲

این المراسله (نامه به سرانجام) بمن  
 التماس محمود صلح (۹۰۰۰۰۰) بکسر الفی دولار رلاصله  
 دفعه

التم (محرر)



۱۳۸۰/۱۱/۱۴

www.Iran-archive.com

AMBASSADE DE LA REPUBLIQUE

53 Avenue de la Liberté - 75116 PARIS

Tel: 01 47 53 40 47

Fax: 01 47 53 40 47

Telex: 270000

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

1985

Handwritten signature and stamp

وزارة الخارجية / المكتب الخاص / شبكة الشؤون العامة

م / شباهم تلخ

تاریخ: 10 / 2648 / 11 / 1985

مبلغ: 40/000 اسجون الفادولا رند ...  
التي تمثل منظمة ابو العبد الجوهريام

للتفعل بالبادع ح التقدير

Handwritten signature

المفقاته / وصل استلام المبلغ اعلامه

م / شبكة الشؤون العامة

اجرای  
مذاکره جلسه اوله ۳/۲

از: اداره کل اطلاعات خارجی (مخابرات) تأمین

ق ۵۲۲۱۸

به: اداره کل عملیات سرّی

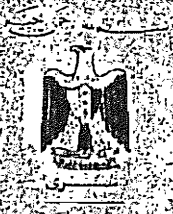
[۱۳۶۲] ۱۹۸۴/۸/۲۷

به پیوست تقاضای احمد یوسف جهت افتتاح حساب دلاری در یکی از شعبه‌های بانک رافدین جهت دریافت مبالغ ارزی واصله ارسال می‌گردد. مراتب جهت اطلاع و هرگونه اقدام.

ضمناً تأیید افتتاح حساب رئیس سازمان امنیت تأمین نیز ضمیمه می‌باشد.  
ضمناً ورودی و خروجی مبالغ تحت کنترل قرار گیرد.

مدیر مخابرات استان تأمین





الجمهورية العراقية

مجلس قيادة الثورة  
جهاز المخابرات  
مديرية مخابرات التأميم

العدد / ٨  
التاريخ / ١٩٨٠

الى / مديرية الخدمة المدنية المتابعة  
العزيز / عاليه

بسم الله الذي تقدم به مظل حناقا ابو العبد ابن التاميم العذراء احمد يوسف  
والذي يرحو العياقة ظن فتح حساب جاري لمحتلتهم في احد فروع مصرف الراءديسن  
في محافظة التاميم لا ستاحم بحب يا معلم من بقود من الخارج على ان يكون الحساب  
باسم العبد العجس  
يرجى التفضل بالاطلاع واعلامنا بمتنتكم .. مستم التقد ..

مخابرات محافظة التاميم


٢٤٤

تحت


١٠٠٠

پرداخت مبلغ ٤٦٤٤٠ دينار عراقي به احمد يوسف نماينده سازمان فدائيان

١٤



IRAQI INTELLIGENCE SERVICE



جمهورية العراق

مجلس قيادة الثورة  
جهاز المخابرات  
مديرية مخابرات الناصرية  
العدد / سجل / رقم  
التاريخ / ١٩٨٠ / ١٢ / ١٧

١٨٠٥٧  
١١٩٧٥

الن / مديرية الخدمات: الميزة العامة  
الموضوع / مستند صرف

بالتاريخ ١٦/١٢/١٩٨٠م مبلغ احمد يوسف مبلغ مئة  
فدائي خلق جماعة اسما للجهاد مخصصا (٤٦٤٤٠) فقط  
معه واربعون الف واربع مائة واربعين دينار لاجل  
يرجع التفضل بالاطلاع \*\*\* مستند التقدير

المرقات  
مستند صرف

منابرات مخابراتية التاثير

١٦/١٢/٨٠

نام مستعار

رقم ثبت الیه

التاریخ

اسم الحساب

۱۹۸۰ / ۷ / ۱۷

الطابق	الغالب	
	دینار	ریال
الحکم فی المظالم مجلس شورای عالی	۱۰۰	۱۰۰
وزارت ستم آریستوکراسی و زمین	۱۰۰	۱۰۰

المدیر

طیلسا " ولاجله وکالت

دینار و

استظمت الجبل و قدره  
محمد حسین

استظمت الجبل و قدره

التوقيع: محمد حسین

اسم السلطة:

التاریخ: ۱۹۸۰ / ۷ / ۱۷

تاریخ: ۱۹۸۲/۵/۱۲ [۱۳۶۲]

مخابرات استان تأمین

به: مدیریت خدمات محرمانه عمومی

موضوع: گزارش

طی جلسهٔ مصاحبه و تخلیه که با ایرج کشکولی نماینده حزب رنجبران داشتیم موارد زیر را به دست آوردیم:

۱- سازمان فدایی خلق (گروه حماد شیبانی) به دو جناح تقسیم شدند که جناح اول را حماد شیبانی و جناح دوم را بیژن [مهدی سامع] رهبری می‌کند. فرد یادشده علت انشعاب را چنین برشمرد که حماد شیبانی اتهام راست‌گرایی و گرایش به حزب توده را به بیژن وارد نموده است.

۲- حماد شیبانی در روستای باغچه بوکان مستقر گردیده و محل استقرار بیژن قریه (غالوه) در شهر مهاباد می‌باشد.

۳- در تلاش برای ابطال اتهامات وارده به گروه بیژن مبنی بر اینکه این گروه عملیات نظامی بر ضد رژیم (امام) خمینی انجام نمی‌دهد، گروه یادشده که شامل ۲۰ نفر می‌شوند اقدام به حمله به یک سنگر نظام بین سقز و بوکان نموده که این حمله ۱۱ نفر از نیروهای گروه کشته شدند و همین حادثه بر آتش اختلافات میان دو جناح یادشده دامن زد.

برخی از گزارشها حاکی است که تعدادی از اعضای سازمان پس از این انشعاب به حزب دمکرات کردستان ایران پیوسته‌اند.

۴۴۳  
۲۴

بسم الله الرحمن الرحيم



IRAQI  
INTELLIGENCE SERVICE



سری

الجمهورية العراقية

مجلس  
قيادة الثورة  
رئاسة المخابرات

العدد / ١ / ٢٢٢٢  
التاريخ / ١٥ / ١٢ / ١٩٨٢

٥٩٢

الى / مديرية الخدمة السرية العامة  
الموضوع / مخابرات

١١٧١  
١١ / ٥ / ٨٢

علماً ما يلبي من خلال ماقتضاه لتمثيل حزب البعث في العراق المدعو ايضاً كعضو لعضو :

١- اشرفت منظمة فدائي خلق (جماعة جواد الشيباني) الى جناحان الاول يقوده جواد  
الاميني والثاني يقوده المدعو بيجان ذكر العوا اليه بان سبب الاشتاق مسو  
مهم

اتهام جواد الشيباني لبيجان باليهينة والتخالف مع حزب تنوده \*

٢- اتخلى جواد الشيباني قرية (باغجه) في قاطع بركان مرقا " لسه " في حين اتخذ بيجان  
قرية (خالنوه) في قاطع مياناد مرقا " لشم "

٣- اتخلى " لاذ ايات الموجه الى حكومة بيجان بعدم قيامها بعمليات صالحة ضد تنظيم  
جيش قاعد الحكومة المذكور والمؤلفين من الذين يقابل بحزم على موقع للنظام بين  
سكن بيجان وقد نفذت الحكومة المذكورة (١١) من عملياتها وقد زاد ذلك من  
خدة التباينة بين الجناحين المذكورين :

الرجاء

٤- ان الاوضاع المذكورة في عام ١٩٨٢ قد تدهورت من ناحية اخرى بدأت بالاشتاق  
الاول بين اذ في خلق الثورة والاسم من ابناء " الانتفاضة الى جميعين اشرف  
دخان بجماد الاميني واعقبه اذ " حكومة البعث في العراق وقد تدهورت بين

(١ - ٢)

١١ / ٥ / ٨٢

مدیر محترم شعبه  
موضوع: بهرام محمد

در پی دیدار مورخه ۱۹۸۵/۲/۱۱ [۱۳۶۳] با بهرام محمد مطالب ذیل به اطلاع جنابعالی می‌رسد.

۱- مبلغ ده هزار دلار هدیه رئیس سازمان به نامبرده تحویل گردید (از چگونگی تحویل پول فیلمبرداری شد). (این ملاقات به وسیله فیلمبرداری، مستند گردید).

۲- نامبرده اعلام کرد سازمانش تمایل دارد تعدادی اسلحه و مهمات وارد عراق نماید و افزود مذاکرات لازم جهت خرید تسلیحات از طریق واسطه سوئیس انجام شده و آنان تسلیحات مذکور را مشاهده کرده‌اند. وی افزود دولت‌های فرانسه و سوئیس از این موضوع مطلعند و خرید تسلیحات مذکور با نام یک شرکت پوششی انجام می‌گیرد و این تسلیحات تحت عنوان لوازم الکترونیکی توسط یک شرکت هوایی خارجی وارد عراق خواهد شد.

ملاحظه

در این رابطه با دفتر ریاست جمهوری مکاتبه شده است.

۱۷۱

السيد مدير الصحة المتفرغ

الموضوع / بهرام محمد (محل جماعة البرعاص)

باتت ضوء لفتائكم يوم ١١ / ٤ / ١٩٨٥ بالمذكور أعلاه ، أدناه  
 اجمع ما دار في المساء ،  
 ١) تم تسامحه مبلغ (١٠٠٠٠) عشرة آلاف دولار كهدية من السيد مدير  
 الجهاز المتفرغ تلك خدمات (تم توثيق اللقائه بالندوة)  
 ٢) بما تشته موضوع إدخال الاسلحة التي ترعى من استيرادها من اسلحة  
 الدول الاوربية للخطر (موسيرا اذ رئيسا) ست استشارك ان صالان  
 وسيط بين منظمهم والشركة السورية المجهزة للسليمة وترامد الوسيط  
 في فرنسا حاليا ، وذكر انهم قد راوا الاحتمال في الشركة من الانقلاب  
 المفديف تلك الشركة حيث سيم الشراء باسم شركة جديدة (ستال ورك)  
 وهي شركة ضامات خديز وميل تركيا اسلحة ، واعطى الشركة عنوان في كركوك  
 فاست الشركة باعطاء نسخة من النكس للحكومة ريثكة ان الحكومتين الفرنسيين  
 والسورية في تلك عام بأن الموضوع نفس منظمهم بأن الاسما وضعية وان  
 الضمنة سيتم برفقة الحكومتين ، وأشار أيضا انه سيتم نقل المواثيق  
 سفط طائرات احدى شركات الخطوط الجوية الاجنبية بدون علمهم بأنها اسلحة  
 وانما اراد عامة كبريائية سيكون مترامد على نفس الطائرة التي تنقل بنقل المواد  
 رحمت اشرافه وبالنتيجه مع الشركة المجهزة .

تعليم

حصلت موافقة السيد مدير الجهاز المتفرغ على مناقحة رئاسة (جمهورية -  
 الكويت) لاستعمال المواثيق على ادخال الاسلحة بموا وجاهتاً كما بينا  
 المرجه ان رئاسة جمهورية الكويت ولطيفان الذكور ايضا تزويدنا بالكميات  
 الخاصة بالاحلحة لعنة بيعتها والشركة المجهزة لنا كذا اكثر من لخدمة القلبية  
 وعدم تأثرها نسبياً .  
 ٣. تم مناقشة موضوع شالهم في بلوجستان والمانية مساعدتهم مادياً لقرى

۱۷۲۰۰

[۱۳۶۳] ۱۹۸۴/۱۲/۷

کاغذ آرم‌دار سفارت عراق در پاریس

اینجانب بهرام گواهی می‌نمایم که مبلغ شصت هزار دلار از آقای محمود دریافت نموده‌ام.

AMBASSADE DE LA RÉPUBLIQUE D'IRAK  
PARIS  
63, RUE DE LA FOSANDRIE - 75006 PARIS  
TEL. 1 663 31 89



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
رَسُولَ اللَّهِ مُحَمَّدًا

بیت‌القدس

ای المذبح ادا... (محمود)

(محمود) شصت هزار دلار از آقای محمود

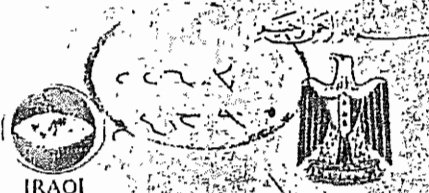
۱۷۲۰۰

۱۹۸۴/۱۲/۷

www.iran-archive.com



۵  
ص



IRAQI  
INTELLIGENCE SERVICE  
۱۹۷۹

الجمهوریة العراقية

علی  
قادة الثورة  
بیتا انقلابی

العدد  
الرقم ۱۷  
التاریخ ۸ / ۱۹ / ۱۹۷۹

الس / مديره  
الخدمة السرية

الس / مديره  
رقم ۱۷ / ۱۹ / ۱۹۷۹  
تتم إرسال این المظار اليه بأمانكم أعانه وقدره القوي  
جریک های فدایی خلق  
المنشور  
الرجوع اليه  
الطريق السري

مدير الحسابات  
۱۹۷۹/۸

صحة /  
مديره



ش ۶۱۱۰

به: سفارت عراق در پاریس

تاریخ [۱۳۶۳] ۱۹۸۵/۱/۱۲

به پیوست مبلغ سی هزار دلار جهت پرداخت به بهرام محمد ارسال می‌گردد.

شعبه امور عمومی

۱۸

وزارت الخارجية  
التعمیرات



ویرجی الأمانة بین البرقیة تقاملاً

سری

شعبة الشؤون العامة

الرقم ۱۸  
التاریخ ۱۹۸۵/۱/۱۲

الى السفارة الجمهورية العراقية / باريس / شعبة الشؤون العامة  
التعمیرات / تسليم مبلغ

بروق لكم طياً مبلغ ( ۳۰.۰۰۰ ) ثلاثين الف دولار راجين صليهما  
الى منزل منطقة ابو العجد في طرزم العديو بهرام محمد واعلانها  
الاتصال ۰۰۰۰ من بغداد

التوقيعات

۳۰.۰۰۰ ثلاثون الف دولار

ر. شعبة الشؤون العامة

السليم شمس المزم  
المبلغ المذكور منه تسامرات  
شهر كانون الأول ۱۹۸۵  
م. شمس

سليم  
مليو  
۱۱/۸

( ۱ - ۱ )

سری

مع التعمیرات المبلغ المذكور  
مستنداً بالقرائن و تم تسليمه  
الى السفارة المذكورة

ش ٥٤٠١٠

به: سفارت عراق در پاریس

تاریخ ۱۹۸۵/۲/۲۰ [۱۳۶۳]

به پیوست مبلغ سی هزار دلار کمک ماهانه جهت پرداخت به بهرام محمد ارسال می‌گردد. وصول را اعلام نمائید.

ب/

وزارت الخارجية

المكتب المركزي

مكتب الشؤون العامة



بغداد

الرقم ٥٢٠

التاريخ ١٩٨٥/٢/٢٠

١٧٥

الى / سارة الجمهورية العراقية / باريس / لجنة الشؤون العامة

الموضوع / مبلغ

بمبلغ ٣٠٠٠٠ (٣٠ ألف) دولار راجين صليهما

الى منظر نقطة اموال الخدمه التي طرفكم العتق بهرام محمد

واعلاما الاستلام

التاريخ

(٢٠٠٥) دوزار

و. ر. لجنة الشؤون العامة

بغداد

السيد م. م. الختم

مع تسامحات شهرنا من حيث  
١٩٨٥ تاريخ ترميم ...

مكتب  
١٩٨٥/٢/٢٠  
(١٧٥)

به: سفارت عراق در پاریس

۱۹۸۵/۲/۱۵ [۱۳۶۳] ش ۷۵۷۱۰

به پیوست مبلغ سی هزار دلار جهت تحویل به بهرام محمد نماینده سازمان ابوالمجد ارسال می‌گردد. لطفاً وصول را اعلام نمائید.

رئیس شعبه امور عمومی

مبلغ مذکور مربوط به پرداخت ماهانه ماه شباط [فوریه] می‌باشد. ضمناً رسید دریافت مبلغ مذکور با امضای بهرام ضمیمه می‌باشد.

www.iran-archive.com

٢٢

وزارة الخارجية

المكتب المركزي

شعبة الشؤون العامة



سوى

الرقم: ٧٥٧

التاريخ: ١٩٨٥/٢/١٥

١٧٥٩

الى / سفارة الجمهورية الجزائرية / بالرباط / شعبة الشؤون العامة

الموضوع / تسليم مبلغ

دقيق لكم طياً بمبلغ ( ٣٠.٠٠٠ ) ثلاثين الفاً دولاراً راجين تسليمها بالنسيء  
الابراني ببرنامج محمد مثل منظمة ابو القحذ في طرفكم وأعلننا الاستسلام.

بسم القدير

المرقبات

٣٠.٠٠٠ الفاً دولار

ر. شعبة الشؤون العامة

٢١/١٥

السيد .. ش .. المحترم

عنه المرفق الكشورتي لشهرينا لم  
لشفتها جذاها جاسر بمذقم .. من القدير

Handwritten signature and date ١٩٨٥/٢/١٥

( ١ - ١ )

سوى

۲۵



IRAQI

INTELLIGENCE SERVICE

جمهوری عراق



الجمهورية العراقية

مجلس قيادة الثورة

العدد ۱۹  
التاريخ ۱۱/۲/۶۸

المخبر السيد / مدير ادارة الخدمة السرية العامة

أعلمكم الرقم ۲۵۰۹۷ والمؤرخ ۱۱/۲/۶۸  
تم صرف الناتج الصادر الله بأعانتكم أعلاه وقدره تقابلنا بملف من المصادرة  
التي التفتت عليها جليل زامل - من تاريخ ۱۹/۱/۶۸ من ضمنها المراسلات  
التي بين العلم من القديس

و. مدير الحسابات

من جهة الصرف

اجزاب  
ابو العباس

۱۷۶

امین المرحوم آرشاد استغاثه

محمد صالح (۲۰۰۰) لائوس العاد حلاله

والله اعلم

ام

۱۹۸۵/۲/۲



www.iran-archive.com



AMBASSADE DE LA RÉPUBLIQUE D'IRAK  
PARIS  
51, RUE DE LA PAISANCONNE - 75116 PARIS  
TEL : 553 31 88



بیتنازلة الامم المتحدة العراقية  
بغداد

بغداد

۶۷۰۷ /  
(۲۰۳۰۰)

ای الموعود اوتاه  
ملاکوت الله در دلاور من الله محمد ولاحد وتمع

سید

www.iran-archive.com

بیوست‌ها

رقم قیست البریست

التاریخ: ۱۹۸۵ / ۴ / ۲۰

اسم العصاب

۱۷۷۱

الطابق	الطابق	
	دینار	فلس
<p>۱۰۰۰۰۰ فلس                  حلق البریست                  دیست البریست (تاریخ ۱۹۸۵)                  ۱۷۷۱                  ۱۹۸۵ / ۴ / ۲۰</p>	۴۵۰۰۰	
<p>۱۰۰۰۰۰ فلس                  حلق البریست و دیست البریست</p>	۴۵۰۰۰	

الدینار

عمر صدر

تاسمت " ولاجله و قمتت

استطت الحلق بقدره حقه و عسرون الفیلار و

التوقيع

اسم العصاب

التاريخ ۱۹۸۵ / ۴ / ۲۰



۱۰

وزارت الخارجية

المكتب العام

شعبة الشؤون العامة



سري

يرجى الإشارة الى الرقم التالي

الرقم ١٠٦٢٠١  
التاريخ ١٠/٥/١٦

٧٨٩

الى / سفارة الجمهورية العراقية / بائمين / شعبة الشؤون العامة

الموضوع / تسليم مبلغ

بمبلغ ( ٣٠٠٠٠٠ ) ثلاثون الف دولار .

راجين تسليمها الى ممثل منظمة أبو المجد في طرفكم

الغدو بهرام محمد واعلا طبا ٠٠ مع التقدير

التفقيات

٣٠٠٠٠ ثلاثون الف دولار

ر. شعبة الشؤون العامة

السيد مدير التجهيز الموزع

المعلم الدكتور من المساء استغوية

لشهر نيسان ١٩٨٥ الرقم

تاريخ مع التقدير

( ١ - ١ )

سري

موزع  
٥١٦

AMBASSADE DE LA RÉPUBLIQUE D'IRAK  
PARIS  
23, RUE DE LA PAILLONNÈRE - 75015 PARIS  
TÉL. 56821-60



بیتنازه جمهوری اسلامی ایران

تکارتین

۴۴  
العدد / ۹۹۶  
التاریخ / (۹۸۹۵/۷)

رئیس / ۷

شعبه الشؤون العامة

الى / وزارة الخارجية - المكتب الخاص - شعبة الشؤون العامة م ۴ - دمشق  
م / تسليم مبلغ

کتابکیم الترقیم ۹۶۹ فی سنی ۱۹۸۵ / ۴ / ۲۳

بسم اجراء الامم المتحدة تطبق اعلاه وظيا وظل الاسلام

www.iran-archive.com

مدیر شعبه الشؤون العامة

بر الحسب

٤٢



IRAQI  
INTELLIGENCE SERVICE  
١٩٦٨



الجمهورية العراقية

مجلس قيادة الثورة

١٩٨٥

السيد / مستشاره الكريمة السيد / الفاضل

١٩٨٤  
أعزبتكم بالرقم ٢٥٠٩٧ والمواعيد ١١/١١/١٩٨٤  
بمجرد التماس الفشار التي بأذنكم أعلاه وقدرة تقابلها بروتوكول  
التي التفتت حليل ل  
التيين العلم

بديري الحارم

٢ / ح / ح / ح

مجلس

۱۳۶۴  
 ای الموعز الامم محمد قدس سره بن السید  
 محمدرضا طبع (۲۰۱۳) الف دولار و لاهد  
 ذهب

ام  
 ۱۳۶۵/۵/۱  
 ۲

www.iran-archive.com

ای الموقوفه ادناه میر امجد استخدا صلح

(۲) ثلاثون الف دولار من الفیه محمود رحمة

۱۷۶۸

سید

۱۹۶۵/۵/۴

رحمة

www.iran-archive.com





IRAQI

INTELLIGENCE SERVICE

۱۹۶۸



الجمهورية العراقية

علیه

قادة الثورة

وحیداً حاکماً

العدد

التاريخ

۱۹۸۵

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
التامين

أما بعد فإني أفتيكم بأنكم

تم برفق الله تعالى الله بأعمالكم أفاض بقدرة الله عز وجل

والله اعلم بالصواب

رأسين العلم

بسم الله الرحمن الرحيم  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
التامين

بسم الله الرحمن الرحيم

ع ۹

سازمان

ش ۱۶۸/م۳

[۱۳۶۴] ۱۹۸۵/۴/۱۵

تحویل مبلغ ۹۰,۰۰۰ دینار عراق به نماینده اداره حسابداری جهت توزیع به شرح ذیل تحویل می‌گردد.

سازمان خبات (۶۰,۰۰۰) دینار.

۲- سازمان فدایی خلق شاخه اشرف دهقانی (۱۰,۰۰۰) دینار.

۳- دفتر شیخ عزالدین حسینی (۲۰,۰۰۰) دینار.

www.iran-archive.com

٤٨

جمهوری اسلامی ایران



IRAQI INTELLIGENCE SERVICE



سرمربی و شخصیتها

الجمهورية العراقية

مجلس قيادة الثورة  
جهاز المخابرات  
مديرية مخابرات التأميم

العدد / ش ٣ م / ١٠٠٠٠٠٠٠

التاريخ ١٥ / ٥ / ١٩٨٥

١٧٦٥

٢٧٩٨  
٨٥٠٢٦

الى / مديرية المخابرات

التوقيع / استاذ مبلخ

اشارة الى اعلام م ١٩٤٠ / ش ١٠٠٠٠٠٠٠ / ش ٣ م / ١٠٠٠٠٠٠٠  
برجس الطفل بصالح السيد محمد حسن اسماعيل مبلخ ( ١٥٠٠٠٠ )  
نظرا لحضون الك ديار من المنظمات الفعالة للمنظمات الخارجية ادناه  
( الوجهة الاولى لعام ١٩٨٥ ) ٥٠٠٠ معتمد التقد ~~بشخصيته~~  
المناجسات

- ١- منظمة خابات ( ٦٥٠٠٠ ) نظمت الك ديار \*
- ٢- منظمة فدائي خلق - اشرف د صقان ( ١٥٠٠٠٠ ) نظمت الك ديار \*
- ٣- منظمة الفرع في الدين الخميني ( ٣٠٠٠٠٠ ) نظمت الك ديار \*

مديرية مخابرات التأميم

مصنفه الي /

مديرية التعمير والتنمية العامة / تاريم اعلامه \* برجس التعمير  
بالتاريخ ٥٠٠٠ معتمد التقد ~~بشخصيته~~

( ١ - ٦ )

بشخصيته

٣٠٠٠٠٠٠٠

٤ / ١٥ / ٨٥

البيانات

شماره ١٢٨٥

به: وزارت خارجه عراق

تاریخ ٨٥/٨/٢٠ [١٣٦٤]

از: سفارت عراق در فرانسه

عطف به نامه شماره ١٨٧٧ مورخه ١٩٨٥/٨/٩ به اطلاع می‌رساند مبلغ شصت

هزار دلار تحویل بهرام محمد گردید.

AMBASSADE DE LA REPUBLIQUE D'IRAK  
PARIS  
33, rue de la Faleandrie - 75116 PARIS  
Tél. : 501-51-00

سفارت الجمهورية العراقية  
ساریس  
شعبة الشؤون العامة

الرقم ١٢٨٥

التاريخ ١٩٨٥/٨/٢٠

٧٧٨٥

وزارة الخارجية / المكتب الخاص / شعبة الشؤون العامة

م / تسليم مبلغ

تاريخه من ١٥ / ٨ / ١٩٧٧ في ٦ / ٨ / ١٩٨٥

م مبلغ (٥٥٠٠٠) استون الف دولار الى ممثل منظمة اونا الخلد

الذعر بهرام محمد

للغضيل بالاطلاع مع القدير

شعبة الشؤون العامة

١٩٨٥ / ٨ / ٢٠

ابراهيم /

٨٥ / ٨ / ٢٠

۷۸۴  
 این المونگ (ادبیه) (۱۳۳۰) محمد احمد بن  
 السید محمود صلح (۱۳۳۰) سون الف دولار  
 دلدار و سینه

درام  
 ۲

www.iran-archival.com

طرح اطلاعاتی پیرامون سازمان فدایی خلق در سال ۱۹۸۶ [۱۳۶۴]

### اهداف طرح

- آ- ایجاد و تشکیل بانک اطلاعاتی در خصوص سازمان
- ب - استفاده از این اطلاعات در راستای فرصت‌های اطلاعاتی
- ج - برآورد موقعیت و وضعیت تشکیلاتی و سیاسی نظامی سازمان

### لوازم و ابزار اجرای طرح

- آ - منابع محرمانه
- ب - دیدارهای مستقیم با نمایندگان سازمان
- ج - اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های صادره سازمان
- د - استفاده از اطلاعات موجود در نزد دیگر سازمان‌ها در خصوص این سازمان

### نقشه چارچوب اهداف اطلاعاتی

آ- جمع‌آوری اطلاعات پیرامون اعضای کمیته مرکزی بر اساس برنامه تهیه شده در همین رابطه.

اولاً - بهرام محمد [حسین زهری]

ثانیاً - عباس توکل [اکبر کامیابی]

ثالثاً - مستوره احمدزاده [اعظم]

ب - شناسایی دیگر اعضای کمیته مرکزی و محل حضور و اقامت آنان.

ج - بیانیه‌ها و منشورات محرمانه سازمان.

بیانیه‌های داخلی: که تنها جهت اطلاع اعضای سازمان منتشر می‌گردد.

بیانیه‌های ویژه.

د - چارچوب‌های تشکیلاتی و مسائل درون سازمانی.

ه - موضع سازمان در قبال حقوق نژادی و ملی.

اولاً - موضع در قبال مسئله فلسطین

- ثانیاً - موضع سازمان در قبال اشغال جزایر سه‌گانه در خلیج عربی [خلیج فارس].
- ثالثاً - مواضع سازمان در قبال توافقنامه ۱۹۷۵ الجزایر بین عراق و ایران.
- و- روابط سازمان با دیگر مجموعه‌های مخالف نظام ایران.
- اولاً - رابطه با (ح.د.ک) [حزب دموکرات کردستان ایران].
- ثانیاً - رابطه با کومله
- ثالثاً - رابطه با سازمان خبات
- رابعاً - رابطه با سازمان فدایی خلق. گروه اشرف دهقانی
- خامساً - رابطه با دیگر دسته‌جات کوچک مخالف
- ز- رابطه با سازمان‌های خرابکار مخالف کشور [عراق].
- اولاً - رابطه با گروه خرابکار ا.و.ک
- ثانیاً - رابطه با گروه قیاده موقت [بارزانی‌ها]
- ح - روابط بین‌المللی سازمان.
- اولاً - روابط سازمان با کشورهای اروپایی (فرانسه، آلمان، انگلیس، آمریکا، ایتالیا، روسیه و دولت‌های کمونیستی).
- ثانیاً - رابطه با سازمان آزادیبخش فلسطین.
- ز - پول‌ها و اموال موجود نزد سازمان.
- اولاً - حساب‌های سازمان در نزد بانک‌های کشورهای مختلف.
- ثانیاً - منابع تأمین مالی (اعانه کشورهای خارجی، کمک‌های هواداران از تهران، دیگر منابع مالی)
- ک - میزان هماهنگی بین سازمان و پایگاه‌های داخل و خارج.
- ن - اسلحه و مهمات موجود نزد سازمان.

الخطة الاستراتيجية للمنظمة -دائي خلق الألفية لعام ١٩٨٦

أهداف الخطة:

- أ. تكون قاعدة من المعلومات عن المنظمة
- ب. الاستفادة من هذه المعلومات للقرارات الاستراتيجية
- ج. تقدير موقف المنظمة سياسياً، وصكراً وتنظيماً.

مستلزمات التنفيذ:

- أ. المصادر البشرية
- ب. اللقائات المباشرة مع عظمى المنظمة
- ج. الأعدادات الإعلامية للمنظمة
- د. معلومات المنظمات الأخرى عن هذه المنظمة

المتطلبات الاستراتيجية: ( خارطة الأهداف الاستراتيجية)

أ. معلومات من أعضاء اللجنة المركزية وفق النموذج المقدم لهذا الغرض:

- أولاً . بهرام محمد
- ثانياً . عامر تركلي
- ثالثاً . مستورة أحمد زادة ( أعظم )

ب. عدد أعضاء اللجنة المركزية التميز محورين لديها أسماءهم ومناطقهم:

تواجدهم

ج. الأعدادات السرية للمنظمة:

- بيانات داخلية: لاطلاع أعضاء المنظمة فقط
- معلومات خاصة:



157

- د. • الهیكل التنظيمي، والنظام الداخلي للمنظمة.
- ع. • موقف المنظمة من حقوقنا القومية والوطنية:
- أ. • الموقف من قضية فلسطين
- ب. • الموقف من موضوع اختلال النظام الإيراني للجزر العنكبوتية
- ج. • الثلاث في الخليج العربي.
- د. • موقفهم من مفاسدة الجزائر لعام 1970 المعقودة بين الجزائر وأيران.
- هـ. • علاقات المنظمة مع هيئة أطراف المعارضة الإيرانية:
- أ. • العلاقة مع (ج. ب. د. هـ) الإيرانيين.
- ب. • العلاقة مع الكونلة.
- ج. • العلاقة مع منظمة خبات
- د. • العلاقة مع منظمة فدائي خلق (شرف دهباني).
- هـ. • علاقتهم مع بقية التيارات المعارضة الصغيرة.
- و. • علاقات المنظمة مع الحركات التخريبية المعادية للقطار:
- أ. • علاقتهم مع زمره مخربين 1، 2، 3، 4، 5، 6، 7، 8، 9، 10، 11، 12، 13، 14، 15، 16، 17، 18، 19، 20، 21، 22، 23، 24، 25، 26، 27، 28، 29، 30، 31، 32، 33، 34، 35، 36، 37، 38، 39، 40، 41، 42، 43، 44، 45، 46، 47، 48، 49، 50، 51، 52، 53، 54، 55، 56، 57، 58، 59، 60، 61، 62، 63، 64، 65، 66، 67، 68، 69، 70، 71، 72، 73، 74، 75، 76، 77، 78، 79، 80، 81، 82، 83، 84، 85، 86، 87، 88، 89، 90، 91، 92، 93، 94، 95، 96، 97، 98، 99، 100، 101، 102، 103، 104، 105، 106، 107، 108، 109، 110، 111، 112، 113، 114، 115، 116، 117، 118، 119، 120، 121، 122، 123، 124، 125، 126، 127، 128، 129، 130، 131، 132، 133، 134، 135، 136، 137، 138، 139، 140، 141، 142، 143، 144، 145، 146، 147، 148، 149، 150، 151، 152، 153، 154، 155، 156، 157، 158، 159، 160، 161، 162، 163، 164، 165، 166، 167، 168، 169، 170، 171، 172، 173، 174، 175، 176، 177، 178، 179، 180، 181، 182، 183، 184، 185، 186، 187، 188، 189، 190، 191، 192، 193، 194، 195، 196، 197، 198، 199، 200، 201، 202، 203، 204، 205، 206، 207، 208، 209، 210، 211، 212، 213، 214، 215، 216، 217، 218، 219، 220، 221، 222، 223، 224، 225، 226، 227، 228، 229، 230، 231، 232، 233، 234، 235، 236، 237، 238، 239، 240، 241، 242، 243، 244، 245، 246، 247، 248، 249، 250، 251، 252، 253، 254، 255، 256، 257، 258، 259، 260، 261، 262، 263، 264، 265، 266، 267، 268، 269، 270، 271، 272، 273، 274، 275، 276، 277، 278، 279، 280، 281، 282، 283، 284، 285، 286، 287، 288، 289، 290، 291، 292، 293، 294، 295، 296، 297، 298، 299، 300، 301، 302، 303، 304، 305، 306، 307، 308، 309، 310، 311، 312، 313، 314، 315، 316، 317، 318، 319، 320، 321، 322، 323، 324، 325، 326، 327، 328، 329، 330، 331، 332، 333، 334، 335، 336، 337، 338، 339، 340، 341، 342، 343، 344، 345، 346، 347، 348، 349، 350، 351، 352، 353، 354، 355، 356، 357، 358، 359، 360، 361، 362، 363، 364، 365، 366، 367، 368، 369، 370، 371، 372، 373، 374، 375، 376، 377، 378، 379، 380، 381، 382، 383، 384، 385، 386، 387، 388، 389، 390، 391، 392، 393، 394، 395، 396، 397، 398، 399، 400، 401، 402، 403، 404، 405، 406، 407، 408، 409، 410، 411، 412، 413، 414، 415، 416، 417، 418، 419، 420، 421، 422، 423، 424، 425، 426، 427، 428، 429، 430، 431، 432، 433، 434، 435، 436، 437، 438، 439، 440، 441، 442، 443، 444، 445، 446، 447، 448، 449، 450، 451، 452، 453، 454، 455، 456، 457، 458، 459، 460، 461، 462، 463، 464، 465، 466، 467، 468، 469، 470، 471، 472، 473، 474، 475، 476، 477، 478، 479، 480، 481، 482، 483، 484، 485، 486، 487، 488، 489، 490، 491، 492، 493، 494، 495، 496، 497، 498، 499، 500، 501، 502، 503، 504، 505، 506، 507، 508، 509، 510، 511، 512، 513، 514، 515، 516، 517، 518، 519، 520، 521، 522، 523، 524، 525، 526، 527، 528، 529، 530، 531، 532، 533، 534، 535، 536، 537، 538، 539، 540، 541، 542، 543، 544، 545، 546، 547، 548، 549، 550، 551، 552، 553، 554، 555، 556، 557، 558، 559، 560، 561، 562، 563، 564، 565، 566، 567، 568، 569، 570، 571، 572، 573، 574، 575، 576، 577، 578، 579، 580، 581، 582، 583، 584، 585، 586، 587، 588، 589، 590، 591، 592، 593، 594، 595، 596، 597، 598، 599، 600، 601، 602، 603، 604، 605، 606، 607، 608، 609، 610، 611، 612، 613، 614، 615، 616، 617، 618، 619، 620، 621، 622، 623، 624، 625، 626، 627، 628، 629، 630، 631، 632، 633، 634، 635، 636، 637، 638، 639، 640، 641، 642، 643، 644، 645، 646، 647، 648، 649، 650، 651، 652، 653، 654، 655، 656، 657، 658، 659، 660، 661، 662، 663، 664، 665، 666، 667، 668، 669، 670، 671، 672، 673، 674، 675، 676، 677، 678، 679، 680، 681، 682، 683، 684، 685، 686، 687، 688، 689، 690، 691، 692، 693، 694، 695، 696، 697، 698، 699، 700، 701، 702، 703، 704، 705، 706، 707، 708، 709، 710، 711، 712، 713، 714، 715، 716، 717، 718، 719، 720، 721، 722، 723، 724، 725، 726، 727، 728، 729، 730، 731، 732، 733، 734، 735، 736، 737، 738، 739، 740، 741، 742، 743، 744، 745، 746، 747، 748، 749، 750، 751، 752، 753، 754، 755، 756، 757، 758، 759، 760، 761، 762، 763، 764، 765، 766، 767، 768، 769، 770، 771، 772، 773، 774، 775، 776، 777، 778، 779، 780، 781، 782، 783، 784، 785، 786، 787، 788، 789، 790، 791، 792، 793، 794، 795، 796، 797، 798، 799، 800، 801، 802، 803، 804، 805، 806، 807، 808، 809، 810، 811، 812، 813، 814، 815، 816، 817، 818، 819، 820، 821، 822، 823، 824، 825، 826، 827، 828، 829، 830، 831، 832، 833، 834، 835، 836، 837، 838، 839، 840، 841، 842، 843، 844، 845، 846، 847، 848، 849، 850، 851، 852، 853، 854، 855، 856، 857، 858، 859، 860، 861، 862، 863، 864، 865، 866، 867، 868، 869، 870، 871، 872، 873، 874، 875، 876، 877، 878، 879، 880، 881، 882، 883، 884، 885، 886، 887، 888، 889، 890، 891، 892، 893، 894، 895، 896، 897، 898، 899، 900، 901، 902، 903، 904، 905، 906، 907، 908، 909، 910، 911، 912، 913، 914، 915، 916، 917، 918، 919، 920، 921، 922، 923، 924، 925، 926، 927، 928، 929، 930، 931، 932، 933، 934، 935، 936، 937، 938، 939، 940، 941، 942، 943، 944، 945، 946، 947، 948، 949، 950، 951، 952، 953، 954، 955، 956، 957، 958، 959، 960، 961، 962، 963، 964، 965، 966، 967، 968، 969، 970، 971، 972، 973، 974، 975، 976، 977، 978، 979، 980، 981، 982، 983، 984، 985، 986، 987، 988، 989، 990، 991، 992، 993، 994، 995، 996، 997، 998، 999، 1000.
- ب. • علاقتهم مع بلدان أوروبا (فرنسا، ألمانيا، انكلترا، أمريكا
- أ. • إيطاليا، روسيا، وبقية البلدان الاشتراكية).
- ب. • علاقتهم مع منظمة التحرير الفلسطينية.

۱۰

- الرصيد المصفي أو المدور من المبالغ لدى وحدة المنظمة
- حساب المنظمة في الفصائل والبنوك العاملة
- ضاير التحويل العادي، أعمدة خارجية، تبرعات من المومنين
- داخل طهران، مصادر أخرى غير العراق
- مدى الانسجام بين قيادة المنظمة وقواعد من الداخل والخارج
- رصيد المنظمة من الأشحة والأمتعة

www.iran-archive.com

## سازمان فدایی خلق اقلیت

۱۹۸۶

- ۱- تعداد عملیات نظامی ۳
- ۲- جمع‌آوری اطلاعاتی ۵
- ۳- دیدارها ۲
- ۴- خارج کردن کالا از فرودگاه ۵
- ۵- تسهیلات برای خرید لوازم -
- ۶- اسلحه تحویل شده -
- ۷- استقبال از عناصر سازمان ۷
- ۸- تسهیلات برای سفر عناصر سازمان ۷
- ۹- مبالغ مالی تخصیص داده شده ۶/۱۰۰ دلار

## سازمان فدایی خلق - اشرف دهقان

۱۹۸۶

- ۱- عملیات نظامی ۵
- ۲- جمع‌آوری اطلاعات نظامی ۱
- ۳- دیدارها ۲
- ۴- خارج کردن کالا از فرودگاه ۵
- ۵- تسهیلات جهت خرید لوازم ۵
- ۶- تسلیحات واگذاری ۱ به وزن ۱۸۰ پاوند
- ۷- استقبال از عناصر سازمان ۲
- ۸- تسهیلات سفر اعضای سازمان ۱
- ۹- منابع مالی تخصیص داده شده ۱۷۴۰۰ دینار به عنوان مبلغ  
تخصیصی سه ماهه

کتابخانه ملی ایران - تهران

۱۹۸۶

۱۰

- ۱. عملیات مکرریه (۳)
- ۲. معلومات راجع به (۵)
- ۳. لغات (۴)
- ۴. ازجمله تصنیفات منظر (۳)
- ۵. تسطیل شکر سرد لایحه
- ۶. اسامی الملحقه لغات ۱۹۸۶ لایحه
- ۷. استقبالات عامه (۷)
- ۸. تسطیل شکر سرد (۶)
- ۹. الملحقه من الملحقه الملحقه فعلاً (۱۰) دوزخ

کتابخانه ملی ایران - تهران

۱۹۸۶

- ۱. عملیات مکرریه (۵)
- ۲. معلومات راجع به (۱)
- ۳. لغات (۴)
- ۴. ازجمله تصنیفات منظر (۵)
- ۵. تسطیل شکر سرد (۵) جامان تصنیفات کسر الملحقه
- ۶. اسامی الملحقه لغات ۱۱۸۱ (۱۱) صیم دریا ۱۸۰ یادگار
- ۷. استقبالات عامه (۴)
- ۸. تسطیل شکر سرد (۱۱)
- ۹. الملحقه من الملحقه (۱۷۴) دستور من الملحقه الملحقه الملحقه

آربع و صمان لایحه

شماره ۲۲۰۲۹

از: سفارت عراق در پاریس

تاریخ ۱۹۸۶/۱۱/۱۱ [۱۳۶۵]

به: سازمان امنیت عراق

پیرو درخواست شما مبنی بر ارائه گزارشی پیرامون برنامه کاری سازمان [سازمان فدایی خلق] بهرام محمد گزارشی از برنامه‌های آتی سازمان ارائه نموده که به ضمیمه ارسال می‌گردد.

شعبه امور عمومی

یکی از مسئولین سازمان امنیت عراق در حاشیه برنامه کاری نوشته است: طرح ارائه شده بیشتر یک برنامه سیاسی است تا یک برنامه امنیتی و اطلاعاتی.









گزارش داخلی سازمان امنیت عراق

شماره ۱ م/۱۱۷۵

تاریخ ۱۹۸۷/۲/۲۱ [۱۳۶۵]

پیرامون تشکیلات سازمان فدایی اقلیت و آخرین وضعیت آنها

۱- حضور و وجود کادر رهبری برای سازمان برای ما مسجل نشده و آنچه که مشخص است تنها شخص بهرام محمد مسئول این گروه شناخته می‌شود.  
۲- در کمیته مرکزی علاوه بر بهرام محمد، نماینده سازمان در عراق و حمید زرشناس حضور دارند.

۳- ما به این نتیجه رسیده‌ایم که سازمان به همین شکل محدود به حیات خود ادامه خواهد داد و کاملاً بعید می‌دانیم از طریق حضور در کردستان تأثیری در فضای سیاسی ایران داشته باشند و منابع ما حضور تشکیلاتی آنها را در کردستان مورد تأیید قرار نداده‌اند.

www.iran-archive.com

۴/۲۰



مجلس  
قادة الثورة  
جهاز الخبائر

العدد ۱۱۷۵  
التاريخ ۱۳۲۷ / ۲ / ۲۰

اعلام

الن / ۱۴

املاکم بر ۰۳ ق ۱۳ / ۱۵۴ / ۶۱۵۴ - سی ۲۳ ايلول ۸۷

۰ ۱ . لم يتأكد لنا وجود هيئة مشرفة بشكل كامل على هذا الضبط

وأنا هناك شخص واحد هو بهرام حميد الذي يعتبر

المضرب الأساسي

۰ ۲ . في العيادة تشكل لجنة مركزية تضم إضافة إلى بهرام حميد

كل من أحمد يوسف منظم في التأمين وحفيد زوشان احمد

العاملين في العيادة

۰ ۳ . في قنصلنا ان هذه المجموعة سوف تبقى ضمن هذه الامكانيات

الضيق وتستبعد بشكل كامل ان يكون لها تأثير في داخل

الساحة الايرانية من خلال تواجدهم في منطقة كردستان

۰ ۴ . اشارت بعض مصادرنا ان لهذه الفئة خصوصاً كبهرام حميد

العومدي في أوروبا حيث من الممكن ان تقوم ببعض النشاطات

السياسية في أوروبا ولم تأيد مصادرنا وجود تنديبات بالشكل

المضارفة عليه في داخل العمق الايراني مرتبط بالمعتمدين

شماره ۱۱۷۵  
تاریخ ۱۳۲۷ / ۲ / ۲۰  
مجلس قاده الثورة

السيرة معتمدين

كليت للمؤمنين بالاصالة

التي سوف ترفع بهرام حميد

سليمان بالاصالة

التي سوف ترفع بهرام حميد

( ۱ - ۲ )

۱۳۲۷

به: معاونت محترم مدیرکل سرویس مخابرات  
موضوع: سازمان فدایی خلق اقلیت

علاقه‌مندیم مطالب ذیل را به اطلاع شما برسانیم

۱. در تاریخ ۱۹۸۷/۵/۲۰ [۱۳۶۶] عباس توکل [اکبر کامیابی] (عضو شورای مرکزی فدائیان خلق و مسئول سابق کمیته کردستان) بر اساس درخواست خود وارد عراق شد و در دیداری که با او داشتیم اظهار نمود با رهبری سازمان در ارتباط با چهارچوب‌های تشکیلاتی و همچنین با بهرام محمد [حسین زهری] عضو کمیته مرکزی و مسئول کمیته خارجی) اختلاف پیدا کرده و در پی آن اعضا و هواداران آنها در عراق نیز دچار اختلاف شده و به طرفداران او و بهرام محمد تقسیم شده‌اند و اعلام کرد آماده است موارد مورد اختلاف و مشکلات را با حضور ما با بهرام محمد در میان بگذارد تا به راه‌حلی دست یابند.

۲. بعد از تذکر جنابعالی در رابطه با موضوع، بهرام محمد جهت مذاکره پیرامون مسائل مورد اختلاف و امکان حل آنها و همچنین جلوگیری از نابودی سازمان فراخوانده شد.

در تاریخ ۱۹۸۷/۷/۶ [۱۳۶۶] بهرام محمد وارد عراق گردید و طی دو جلسه برگزار شده با حضور طرفین [عباس توکل، بهرام محمد] مطالب ذیل مورد بحث و گفتگو قرار گرفت.

اولاً - ابتدا ما مطالبی را پیرامون روند روابط کشورمان با سازمان فدایی خلق از ابتدا تاکنون و همچنین شرایط فعلی مالی سازمان و اختلافات ایجاد شده و همچنین انشعاب عباس توکل از سازمان و ضرورت توضیح پیرامون انشعابات مکرر در داخل سازمان.

ثانیاً - ضرورت حرکت در راستای اهداف مشترک و مشخص نمودن اهداف آینده در مقابله با رژیم خمینی را یادآور شدیم.

ثالثاً - بر ضرورت برگزاری نشستی با مرکزیت سازمان جهت روشن شدن شایعاتی که دیگر سازمان‌های مخالف ایران اعلام می‌کنند مبنی بر اینکه دوران و

نقش سازمان چریک‌های فدایی اقلیت در صحنه ایران به سر آمده تأکید نمودیم. رابعاً - تهیه دستورالعملی مشخص در رابطه دوجانبه سازمان و کشور عراق به گونه‌ای که اخلاقی در مسائل داخلی و خارجی عراق ایجاد نکرده و موجب وارد کردن خدشه به امنیت داخلی عراق نگردد که برخی از این مسائل از جمله عنوان کردن این مطلب از سوی برخی افراد سازمان که ما با رشوه دادن به مأموریت امنیتی عراق تسهیلات سفر دریافت کرده‌ایم با مشکلاتی که در روابط ما با برخی از کشورهای اروپایی ایجاد می‌نماید مواجه نشویم.

بهرام محمد مطالب خویش را به شرح زیر عنوان نمود.

اولاً - در طول چند سال گذشته امکانات و نیروهای سازمان صرف درگیری‌های درون‌سازمانی گردید نه علیه رژیم ایران و این امر که منبث از خواسته‌های شخصی و تمایلات فردی برخی از اعضای مرکزیت از جمله مهدی سامع، هاشم، رحیم و مدنی بوده موجب تضعیف شدید تشکیلات گردید. ثانیاً - سه ماه قبل کمیته مرکزی به دلایل ذیل تصمیم به اخراج عباس توکل از سازمان گرفت.

(۱) طرح عباس توکل جهت تشکیل جبهه واحد با سازمان فداییان خلق اکثریت و حزب توده و تهدید به جدایی از سازمان در صورت رد درخواست وی.

(۲) تلاش‌های نامبرده در جهت ایجاد موانع بر سر راه برگزاری کنگره عمومی سازمان در پاریس و تحریک دیگران به عدم شرکت در نشست یادشده در راستای حفظ جایگاه خود در مرکزیت سازمان.

(۳) مرکزیت سازمان مسئولیت شکست‌های اخیر در کردستان را که به صورت قاطعانه در مقابل حماد شیانی مقاومت نکرده و آنها کنترل رادیوی سازمان را به دست گرفتند را متوجه عباس توکل می‌داند.

تقاضاهای بهرام محمد به شرح ذیل می‌باشد:

آ. به مدت شش ماه به آنها فرصت داده شود تا نسبت به بازسازی تشکیلات و برنامه‌های سیاسی و تشکیلاتی اقدام نمایند و پس از آن رهبری سازمان جهت

هماهنگی‌های بعدی در عراق حضور خواهد یافت.

ب. تجدید پشتیبانی مالی و تسلیحاتی سازمان در شش ماه آینده تا سازمان را قادر سازد اهدافش را پیاده نماید زیرا کمک‌های به سازمان از یک‌ونیم سال قبل قطع گردیده و تجدید اقدامات نیاز به تأمین امکانات موردنیاز دارد.

ج. ایجاد تسهیلات جهت دخول و خروج عناصر سازمان و همچنین ایجاد تسهیلات جهت انجام کارهای تشکیلاتی از طریق کردستان ایران و بهرام متعهد می‌شود در آینده از انجام کارهای ناصحیح خودداری نماید، او پنهان نکرد که برخی از گذرنامه‌های عوامل آنها جعلی می‌باشد لیکن ویزاهای داده شده به آنها از سوی کشورهای اروپایی همگی درست و غیرجعلی می‌باشد.

د- تحویل پنج ظرف مملو از ماده منفجره تی.ان.تی جهت انفجار اهداف موردنظر در داخل ایران.

ه - نظر و دیدگاه کارشناسی ما موافقت با موارد زیر است:

آ- پرداخت ۴۱۵۰۰ دینار عراقی جهت دو دوره آینده و همچنین ۷۴۷۰۰ دلار آمریکا جهت سه ماه آینده، و برای ماه‌های آینده بر اساس انجام تعهدات توافق شده و همچنین پس از حضور کادر رهبری در عراق تصمیم‌گیری خواهد شد.

ج- ضمناً در رابطه با تحویل ۵ ظرف حاوی مواد منفجره توافق به عمل آمد و پیرامون چگونگی تعیین اهداف، هماهنگی لازم بین مدیریت عملیات سری و سازمان صورت خواهد گرفت.

مسئول بخش ایران

۲۰ حزیران ۱۹۸۷ [۱۳۶۶]

السياسة الخارجية والعام المأتم

الموضوع / منطحة جغرافي خلق الأقلية

السيد الزاهد  
أما في شهر محمد  
الكارية

يود أطلع منقادكم على ما يلي  
بتاريخ ١٩٨٧/٥/١٠، وصل إلى التط الأرائي مائس  
توكل (عضو اللجنة المركزية للمنظمة جغرافي خلق الأقلية  
مسؤول لجنة كردستان سابقاً) بناء على طلب مفوض  
اللواء بهي حبيبي، وأخبارياته قد اختلفت مع مادة  
سليمة جغرافي خلق الأقلية حول بعض المشاكل التنظيمية  
وللا بد من معالجة شخصية مع الأرائي بهرام محمد (عضو اللجنة  
القومية للمنظمة جغرافي خلق الأقلية - مسؤول لجنة الخارج)  
وأن عناصرهم القاسدين في المنظمة اشتغلوا بين مؤيد  
له، وتؤيدون بهرام محمد، وهو على استعداد للقاء موسع  
مع بهرام محمد بحضورنا للمناقشة هذه المشاكل ووضع  
المسؤول المناهضة لها

٢. بعد المذكرة مع سيادتك حول الموضوع، نستمع استبداء  
بهرام محمد، لوضع الوقوف على المشاكل التي يتسوقها عقل  
المنظمة والملاقات بين عناصرها القيادية، وأمانة جليلها،  
وتضمنية هذه العلاقات خدمة لكل المنظمة. وأتاناها من  
الصياح، خصوصاً وأنها صغوية ضمن النعائل التي يتلك  
تزايداً ملحوظاً على الساحة الأرائية.

بتاريخ ١٩٨٧/٦/٦، وصل الأرائي بهرام محمد إلى  
القطر، وتم اللقاء به بحضور العيين عاي جليستين  
(عضو اللقاء موضح جانباً)، ثم فيه مناقشة ما يلي:-  
٣. مرضنا بهرام محمد الأمور التي تم تأشيرها من جانبنا  
منذ بداية العلاقة مع المنظمة ولحد الآن كالآتي:-

٥٥٥

الوضع المالي الذي يزره منظمة فدائي سابق  
 الانشطة (والاستثمارات والملاقات الفع)  
 بعينها فتادي المنظمة ، ومسالمة استنفا  
 عاسا توكل بمن المنظمة وظلته العمل لتنظيم  
 بنساجي مستقل ، وضرورة توضع استنفا  
 فدواجي الانتقافات المستمرة داخل المنظمة  
 ضرورة الزوفا عند حدود مشتركة للفرقة مع  
 المنظمة لتحديد الاجتهاد المقبلة للعمل ضد نظام  
 حقيقي

التأكد على ضرورة عقد اجتماع مشترك مع قيادة  
 المنظمة في النظر للموقف على حقيقة التفافات  
 التي تطلبها مشاكل المارضة الإيرانية الأخرى هي  
 أن منظمة فدائي سابق الأجلة فدائي دورها  
 في الصناعة

العمل وفق تحديد سياقات ثابت للعمل بموجبه حثاه  
 مسألة الناطق والمناهي من وإلى المنظر من عناصر  
 المنظمة بالشكل الذي لا يؤدي إلى الأملال ناس  
 القدر ، وحيننا النوع بأشكال وأحزابا فعلية  
 مع دول أوروبا الغربية جراء بضرات وأذعاءات  
 بعض عناصر منظمهم بأفقتهم دنمو متابع لعناصر  
 المخابرات العراقية لقاء تسهيل سفره للخارج

— أوضح الأيراني يعلم محمد ما يلي :-

أن سياسة منظمهم عن السنوات الماضية قد أضعفت  
 تونهم وأتعبهم ، وأنهم قد ركزوا جهادهم على الصراعات  
 الداخلية ، وعلى التهميش الاستراتيجي ضد مصائل المعارضة  
 الأخرى وليس ضد صهيون ، ما أضعفت تنظيماتهم ، وكانت

هذه التناقضات تطرح أسئلة على مسؤول  
 وإقواء بتدبير النظام اللغوي المركزي  
 بسبب نظام اللغوي المركزي في اتحاد القدرات  
 (أي أن كل مقولته مركبة - مسؤول لجنة  
 تختص القدرات التي تتناسب والموارد والطرف  
 الذي يربطه دون الرجوع للجنة المركزية)،  
 أمثال تمهيداً لتأجيلها، وتتم رمادي، مما  
 على بقيادة المنظمة التي اتحاد قراراً بإيجاد  
 هذه العناصر على التوالي وبالتكامل الذي  
 يضمن اختيار اتجاهات صحيحة لهم النظام  
 ويتم الخوض لأجزاء التي تخص في اللبس  
 المركزي.

تالياً تلك التدبيرة أشهر اتحاد قراراً لتتم المركز  
 بالأساطير بأعداد عالية تكون عن المنظمة  
 وقصده للدراسات التالية :-

(١) ظروفات عباساً توكيل الأخيرة داخل قيادة  
 المنظمة بضرورة العمل على تشكيل جبهة  
 مع منظمة فدائي خلق الأكرية ضمن  
 تودة وحلله الانفصال وتأمين تنظيم  
 خاص به في حالة عدم الموافقة على طلبه  
 لتنفيذ على طه لرحله.

(٢) عمل عباساً توكيل وتسمى الاتجاهات لفرقة  
 استناد الموترات العام للمنظمة في باريس  
 والدعوة من قبله لحداد حصر الموترات  
 بقية الأعضاء للعمل على ذلك بهدف  
 الاحتياط بمنصه داخل قيادة المنظمة.



۵

(۶) محله مسئولیت اختیارات الحوزة التي واجهتها  
 المنظمة في منظمة كورستان، من تلك قيادة  
 اللجنة المركزية، ليست ضعف قيادته، وبما حتم  
 لكافة فصائل المقاومة الإيرانية، وبلاد الرافدين  
 بحجم ضخمة، أمام تحركات جمادات الشبان وبلاد  
 اتحادة للفرزات الصادقة التي جعلت جمادات  
 الشبان يستطيع على أداءه المنظمة وحصول  
 المصداقات

(۷) العمل على تحريض قيادى المنظمة على عمل حضور  
 مؤمن اللجنة المركزية والعمل على كسب اعظم بصورة  
 اللجنة المركزية، في جانب، وهي بدرجة خالصاً  
 في أعماله من انقسام، بالبقاء في المنظمة، أو  
 الذهاب مع توكيل، والتفقت رجلاً العمل، بسنة  
 وتوجهات المنظمة، أو اعتبارها مفضولة من  
 التنظيم

لذلك اتخذت اللجنة المركزية قراراً ساعياً، بتخصه كامة  
 جهودهم للتضالك ضد نظام خميني، ومايزون بذلك  
 السنة أشهر القادمة في أظهار قوتهم وازواجها  
 على الساحة داخلياً وخارجياً ولديهم حالاً بالمرحلي  
 (د) شخص من مناصرهم في الخارج، ويعين بأيمانهم  
 للقطر ربيع عسكري تديبي لهم في منظمة كورستان  
 لتجهيزهم لتنفيذ خطة المنظمة خلال المرحلة  
 المقبلة.

رأياً أن خروج مباحث توكيل من منظمتهم لن يؤثر على  
 شرعيةهم وعلى حضورهم في المسألة الإيرانية بقدر  
 ما يؤمن لهم استنجاح سياسة توكيل لهم المحافظة

على تنظيم السياسة الداخلية والخارجية، والذات  
 الثالث من مصادر رأس مصلحتهم وبما بينهم والمهاد  
 في طهران، وتجاريلهم لزيادة تعليمهم  
 خلال السنة والسياسة الخارجية، وبما يؤمن تنفيذ  
 خططهم السياسية والاقتصادية، كقوة معارضة  
 في السياسة.

٤. طلب الأيراني بعزم محمد علي

٦. ولما لم يترفع سنة من القرنين وتنتج عملية إعادة  
 تنظيمهم وتنفيذهم الخطة السياسية والتطبيقي، وأكد  
 حضورهم العلي في السياسة، ولقد هاجم حضورهم  
 المنظمة التي تتكون من أعضائها، وبما يحيا المستقبلي  
 على ضوء ما تطلبه من أعضائها، خلال هذه الفترة  
 إعادة مواصلة الدم المادي والسياسي بما يؤمن إمكانية  
 تنفيذ خططهم السنة، من أجل إعادة لبنان المتأخرات مطروحة  
 نظم سد القرنين سنة ونصف، وبداية تعلم الحديث بالخاصة  
 هذه المتطلبات.

٧. تسهيل دخولهم عن طريق من وإلى القطر، وبما يؤمن  
 مواصلة تنفيذ خططهم التطبيقي، غير كورستان ايراني  
 ويتعهد بهرام بعدم حصول أي حالة غير صحيحة باستغلال  
 وهو لا ينبغي، أي أن بعض جوانب عناصرهم مزورة ولكن  
 كانت سمات الدخول المبرجة لهم من الدول الأوربية  
 صحيحة، وبما يؤمن لأنها تتخضع من قبل الحكومة المبرجة  
 في المطارات الأوربية، وأنه لا يرسل أي من عناصرهم ما  
 لم يتم التأكد من ولائهم وعدم وجود أية مؤثرات حول  
 وبما يؤمن عدم الضرر بأمن القطر، وأمن وسلامة المطور  
 البرية العراقية.

۱۰۵

در ترمیم د (ه) حسن عزوات (مجموعه شماره ۱۳۰۷۳) عنوانه: الاحكام والاشكال لغرض ادخالها بید عناصر مهم التي داخل ايران غير منقطعة كرويات ايران لتفيد بعض العمليات تجاه شنات واجبات سيتم اختيارها من قبلهم

المطابق المتاعذات المالية بالذات الراغبين للعضوين القارمين في الماطلة (١٥٠٠) واخذوا بعون الفدائية ديوانه واطبقوا سنات المائة بالدولار الامريكاني لتلاوة اسهم والدافه (٧٤٧٠) اربعه وعشرون الف وسقائه دولارا بعدها يوم الغرام المصير باسم اروها من عذمه على ضوء الوعد الذي تقدم به وهو تنفيذ ما يؤكده مصورهم بالاشارة خلال السنة اسبق القادمة واللقاء الوهاب مع قيادة المنظمة ودرولت وحرفج عناصرهم من والى القطر بقدر التأكد من استكمال كفاية مستلزمات السفر من حوزة وسمه دخول، على ان يوضع مثل المنظمة في الطاسه هل ان الجوان والعهه من عذمه

ترويم د (ه) حسن عزوات (١٣٠٧٣) مختلفه الرشكال والاشهام بالتسيق مع مديرية العمليات السرية ويقيم تحديد الأهداف بالتسيق مع المنظمة على ضوء إمكاناتها من قبلنا

الشيخ محمد باقر  
مدير العلاقات  
١٩٨٧

يوجهي التفضل بالأطلاع .. دناقرونه شابا .. مع التقدير

مدير العلاقات  
١٩٨٧

الشيخ محمد باقر  
مدير العلاقات  
١٩٨٧

## گزارش داخلی سازمان امنیت عراق پیرامون سازمان فدایی خلق اقلیت

سرفصل‌های گزارش مذکور به شرح ذیل است:

- ۱- قابلیت تشکیلاتی و سازمانی.
  - ۲- سران سازمان.
  - ۳- اماکن محل حضور نیروهای سازمان.
  - ۴- اقدامات نظامی.
  - ۵- اقدامات تبلیغاتی.
  - ۶- اطلاعاتی که سازمان تاکنون در اختیار ما گذاشته است.
- در این سند فهرستی از مجموعه اطلاعات مورد درخواست و اطلاعات دریافتی از سازمان ذکر شده که در ذیل می‌آید:
- مذاکره پیرامون فعالیت‌های اتمی ایران که برنامه گسترده‌ای در این رابطه طراحی شده است.
- درخواست تهیه اطلاعات پیرامون مراکز مهم و حیاتی داخل ایران.
- اطلاعاتی از وضع داخلی ایران.
- اطلاعاتی پیرامون روابط فرانسه و ایران.
- تلاشها و اقدامات سفارت ایران در لندن.
- اطلاعاتی از خریدهای نظامی ایران.
- ضمناً در این گزارش ذکر شده است این گروه در دسترس ما در تهیه برخی از تجهیزات اطلاعاتی و امنیتی نقش داشته است.

منظمة فدائى خلق

النشأة :

في اذار ١٩٧١ تشكلت منظمة فدائي خلق من ثلاث مجموعات منفصلة ترجع أصولها الى منتصف الستينات ، المجموعة الأولى بقيادة برهان جازائي تأسست عام ١٩٦٤ ، والمجموعة الثانية بقيادة محمود أخضر رابذة تأسست عام ١٩٦٧ ، والمجموعة الثالثة بقيادة بهروز دهقاني تأسست في ١٩٦٥ ، وقد اتحدت هذه المجموع الثلاثة أملاء وسميت بمنظمة فدائي خلق .

الأمسبادف :

كان هدف المنظمة عند تشكيلها هو النضال الثوري من أجل إسقاط نظام الشاه وتهيئة الظروف لتتحقق الاشتراكية في ظل حكم ديمقراطي في إيران . واتخاذ النضال المسلح طريقاً لتحقيق ذلك على أن يصبح مرحلة الاستعداد والكسب السياسي وتهيئة الجماهير قبل البدء بمرحلة النضال المسلح . شعارهم استقلال ، عمل ، سكن ، حرية .

فكر المنظمة :

تؤمن المنظمة بالفكر العارضي اللابدي (خط الأتحاد الشيوعي) ولكن ليست لهم ملاحظات ذهلية بالمعسكر الاشتراكي وتؤمن كذلك بأن فكرة اقتباس النظرية الشيوعية ونقلها الى إيران كما هي وبدون تغيير أو تكيف هي فكرة برهوتة .

الانشاقات :

تعرفت هذه المنظمة ومنذ سجي غبهلي للسلطة الى عدة انشقاقات وبرزت فيها العديد من الزعامات وأبرزها مايلي :

جواب

### ٤٢ مقررات المنظمة :

للمنظمة حالياً ثلاث مقررات فقط في كل من شد له وكرتوك وسليمانيه ولديهم  
شخص في قطعة دزة، طما انه لا يوجد لديهم مقررات في العنق الا براني .

### ٤٤ النشاط العسكري للمنظمة :

تد في عملة المنظمة بان لديهم نشاط عسكري على شكل عمليات عسكرية في منطقة  
سليمانيه وبلوچستان . وقد زيدتها ببعض البيانات والنشرات الخاصة بذلك  
وقد تأيد قيام بعض عناصرهم ببعض العمليات في منطقة بلوچستان بالتنسيق مع الشيخ  
دين محمد احمد شنيخ البلوش التعاونيين محلياً .

### ٤٥ النشاط الاقليمي :

تصدر عن المنظمة نشرات سياسية تردنا بشكل متقطع هي :

- آ . ريكان كل (طريق الشعب) .
  - ب . أهكاي كريكار (طريق العمال) .
  - ج . كار (العمل) .
  - د . سياهكل وتصدر في باريس .
  - هـ . بامي أستار ويصدرها ويصدر عن المنظمة في بلوچستان .
- أضافة الى بيانات تصدر عن لجنة الخارج 'ولجنة كردستان بين الحين والاخر' .

## ٦٠٦ التحصیل الاستخباری من خلال العمل مع المنظمة :

أ٠ يعتبر بهرام محمد مسؤول لجنة الخارج ونصو اللجنة المركزية مصدر الجميع

المعلومات التي تزودنا بها المنظمة بين الحين والآخر ويعبر في حكم المجدد لتألي عطفنا ولا يتردد في تزويدنا بما نطلبه منه أو نكلفه بمسء وقد سبق وأن زدنا بمعلومات عن عدة مواضع مختلفة تم طلبها عنه أثناء لقاءاتنا به في بغداد .

ب٠ وجه السيد معاون النقيب المذكور خلال اللقاء به بتاريخ ١٨٦٦/١٠/٢ لتزويدنا بمعلومات فعلية من المجاهدين وعن اللوايا العدو الأيراني الهجومية ، الأهداف الخفية الأيرانية ، المظافة الذرية الأيرانية وتم وضع خطة عمل مفصلة له ، وأرسلنا نسخة منها الى محطتنا في باريس لتابعها مع النوما إليه .

ج٠ زدنا اليوم إليه بالمعلومات البهينة أدناه للفترة من ١ كانون الثاني ١٩٨٦ ولحد الآن وكما يلي :

أولاً٠ معلومات عن الجهد العسكري الأيراني والمساعدات العسكرية لايران .

ثانياً٠ معلومات عن المجاهدين وبالذات سمور رجوى .

ثالثاً٠ معلومات عن الوضع الداخلي في ايران ( أضراب الأطباء الأيرانيين ) .

رابعاً٠ نشاط السلاطة الأيرانية قسي لسدن .

خامساً٠ معلومات عن تحشيد النظام الأيراني لتوات عسكرية ضخمة جنوب البصرة .

سادساً٠ العلاقات الفرنسية الأيرانية .

سابعاً٠ تسهيل حصولنا على بعض الأجهزة الاستخبارية .

ليست تسليحات و تجهيزات نظامي دريافتي توسط شاخه اشرف دهقاني در سال ١٩٨٦



IRAQI  
INTELLIGENCE SERVICE



جمهورية العراق

مجلس  
قيادة الثورة  
جهاز المخابرات

العدد /

المسوق (ب)

نظرة فرائد مهاف اشرف دهقاني

التاريخ / / ١٩٨٦

ت	المادة	الكمية الظريفة	الكمية المستوردة
١	أقلام حلاقة	٥٠٠٠٠	٥٠٠٠٠
٢	أقلام حلاقة خاصة	١٠٠٠٠	١٠٠٠٠
٣	أقلام حلاقة خاصة برونز	٥٠٠	٥٠٠
٤	صابون	٥	٥
٥	لحم حمر	١٠٠٠	١٠٠٠
٦	لحم حمر	١٠٠٠	١٠٠٠
٧	لحم حمر	١٠٠٠	١٠٠٠
٨	لحم حمر	١٠٠٠	١٠٠٠
٩	لحم حمر	١٠٠٠	١٠٠٠
١٠	لحم حمر	١٠٠٠	١٠٠٠
١١	لحم حمر	١٠٠٠	١٠٠٠
١٢	لحم حمر	١٠٠٠	١٠٠٠
١٣	لحم حمر	١٠٠٠	١٠٠٠
١٤	لحم حمر	١٠٠٠	١٠٠٠
١٥	لحم حمر	١٠٠٠	١٠٠٠
١٦	لحم حمر	١٠٠٠	١٠٠٠
١٧	لحم حمر	١٠٠٠	١٠٠٠
١٨	لحم حمر	١٠٠٠	١٠٠٠
١٩	لحم حمر	١٠٠٠	١٠٠٠
٢٠	لحم حمر	١٠٠٠	١٠٠٠



لیست سفته ضابطی خلق آشفرد و صفای من الامتداد و لایحه لعام ۱۹۸۶

شماره	اسم ماده	تاریخ و الموعده من برایه الامتداد و لایحه عام ۱۹۸۵	تاریخ الطاریف	تاریخ و الموعده عام ۱۹۸۶	التماسنامه
۱-	چهارشنبه کلانمجلس	۱۰۳	۶۰۰	۳۰	مهریون الویسوند الموقرین من التأمیم
۲-	دوینت شعبه P.B.K	—	۳۰	۵	مهریون المبتسومین من التأمیم
۳-	خداوندی نمازخانه	—	۵	۳	مهریون الموقرین من التأمیم
۴-	خداوندی P.P.C 7	۱۰	۱۰	۴	مهریون الموقرین من التأمیم
۵-	انجمن کلانمجلس	۳۶۰۰۰	۵۰۰۰	۳۰۰۰۰	
۶-	انجمنی فضا	—	۱۰۰۰	۳۰۰	
۷-	خداوندی P.B.C 7	۱۵۰	۵۰۰	۱۰	مهریون الموقرین من التأمیم
۸-	انجمنی صحت شهیدان	۱۶۸۰	۵۰۰	۵۰۰۰	
۹-	خداوندی ۶۰ م	—	۵	—	
۱۰-	لایحه خیرات	—	۳۰۰	—	
۱۱-	لایحه خیرات	—	۵۰۰	—	
۱۲-	رسالة بیهوشه جویبار	۱۰	۵۰۰	۱۰۰	مهریون الموقرین من التأمیم
۱۳-	تعمیرات ۱۸۰ باند	۵	۱۵	۱۰	
۱۴-	تعمیرات	۱	۵	۵	مهریون الموقرین من التأمیم
۱۵-	تعمیرات	—	۳۰	—	

www.iran-archive.com

مکاتبه داخلی سازمان امنیت عراق

شماره ۱۵۲۸۱۴م/۲ق/۱۲/۷۷۷۶

(سری) تاریخ ۱۹۸۷/۱۲/۷ [۱۳۶۶]

در این گزارش آمده است در تاریخ ۱۹۸۷/۱۰/۲۸ [۱۳۶۶] با بهرام محمد دبیرکل سازمان فدایی خلق ملاقات و مطالب ذیل طی این مذاکره ردوبدل گردید.

۱- نامبرده اظهار داشت بخشی از برنامه‌های سازمان جهت ضربه به مؤسسات و مراکز ایرانی در خارج از کشور محقق گردیده است.

۲- نامبرده آمادگی خود و سازمانش را جهت انجام کارهای اطلاعاتی در راستای خواسته‌های ما اعلام کرد.

۳- نامبرده گفته است احمد یوسف نماینده سازمان به عضویت دفتر سیاسی سازمان درآمده و مسئولیت تشکیلات کردستان سازمان را عهده‌دار گردیده و آماده هرگونه همکاری جهت برآوردن خواسته‌های اطلاعاتی ما [عراق] می‌باشد.

۴- طی این مذاکرات برنامه‌های آتی همکاری بین طرفین مورد بحث قرار گرفت و بر اساس موافقت نامبرده بنا بر این شد که موضوع جمع‌آوری اطلاعاتی برای ما از سوی نامبرده خارج از چهارچوب ارتباطات ما با سازمان صورت گیرد و تأکید نمودیم که ما در هر دو بخش از وی حمایت خواهیم کرد.

٤٧٠٠٥

٧٧٧٦  
١٢  
العقد ١٢  
التاریخ ١٢/١٢/١٩٨٧



سری

مجلس  
قيادة الثورة  
جهاز المخابرات

اعتلام



الن. / م - ت - المخابرات

أیازمک م. آ. م. / ١١٢٥٠ / فن ٢١ / ٢٠١٩٨٢

بوز اطلاع طان مایلی : ت

بتاریخ ١٠/٢٨/١٩٨٢ تم استخدام الأبرائی بهرام محمد و سکریتیر

طام بعنفة فدائی خلق الأقلية وقد تم استخراج مایلی : ت

١٠ أشار المذكور بأنهم قد حققوا جزءاً من برنامجهم التیرونی تجاه  
مؤسسات و منشآت النظام الأبرائی في الخارج ( رسائلکم المرفقة

٥٦٢ في ١٥/١٠/١٩٨٢ )

٢٠ أیدی المذكور استعداداً و منضحة لتزويدنا بكافة المعلومات  
التي تحتاجها في مجال عملنا الاستخباری .

٣٠ أوضح الدوما اليه بأن مثل المنظمة أحمد يوسف أصبح عضواً  
في المكتب السياسي للمنظمة و مسؤولاً لتتظیفات كردستان و المذكور

متعدد بدوره للتعاون معنا لتحقيق الفائدة الاستخباریة  
المرجوه منه .

٤٠ للمنظمة حقوق سیاسی في الخارج يؤكد العمل التعرضی  
والاعلامی الصادر اليه في الفقرة (١) أعلاه .

٥٠ يؤكد الأبرائی بهرام محمد بأن لديهم حدود داخل أیمان  
ولديهم غرر اتصال سريه بعناصرهم في الداخل من خلال

{ ١ - ١ }

سری

مجلس

ن ٤/٣٠



سري

مجلس  
قيادة الثورة  
جهاز المخابرات

السيد

التاريخ ١٨٨ /

اعلام

أولاً ، وما يؤكد ذلك هو سبل المعلومات المقدمة إليها من خلال  
الطوط إليه عن طريق محطاتنا في باريس .

٠٦ تم وضع خطة عمل متكاملة للطوط إليها وتم شرحها له وتم طابقتها  
تالياً مع محطاتنا في باريس وتم الاتفاق معه على أن يكون التعامل

الاستخباري معه في منزل عن تعاملنا مع المنطقة مع تأكيد

استمرارنا على دعم الحائزين أعلاه ، بل عن حده .

وددنا أظنكم . مع التقدير .

- ٢ -

سري

از: سفارت عراق در پاریس

تاریخ ۱۳/۴/۱۹۹۰ [۱۳۶۹]

به: وزارت خارجه

علاقه‌مندیم به اطلاع برسانیم

۱. سازمان چریک‌های فدایی خلق (که از سازمان اکثریت کشتگر و سازمان آزادی کار) تشکیل گردیده علی کشتگر را جهت بازسازی و نظام بخشیدن مجدد سازمان در شمال عراق مأمور نمود لیکن پس از رد و عدم پذیرش این امر از سوی کشتگر وی از این سازمان کنار گذاشته شد.

۲- در پی این اقدام علی کشتگر بیانیه‌ای پیرامون این امر صادر کرد که به ضمیمه ارسال می‌گردد.

روابط عمومی سفارت

AMBASSADE DE LA RÉPUBLIQUE D'IRAK  
PARIS

55, RUE DE LA FAISANDERIE - 75116 PARIS  
TEL. 45-01-51-00



١٤٢٥  
١٩٠٤/١٨  
جمهورية العراق  
بغداد

العدد ٥٦٥

شعبة العلاقات

التاريخ ١٩٩٠/٤/١٣

وزارة الخارجية / مكتب السيد الوزير / شعبة العلاقات / م/٤ د/١٢

م / بوسيان

١٤٤٧

بود اعلامكم مايلسي \*

١- سبق لمنظمة سارمسان فدائي (التي ابيقت من اتحاد مجموعة كشتر الاكبر  
ومجموعة ازادي كسر) ان مهنت علي كشتر كمسؤول لاغادة تنظيم امور المنظمة في شمال  
القطر ، لكن المنظمة اعلاه مادت وطردت المذكور بسبب رفته للقطر \*

٢- ووفقاً لما تقدم في اعلاه فقد أصدر علي كشتر (منظمة فدائي الشعب الايراني)  
بيانا حول الموضوع خلال هذه الفترة برفقه لكم ضيفاً للاطلاع \*

مع التقدم

مدير شعبة العلاقات

المرفقات

السيد  
البريس

بيسان

السيد السيد

١٤٢٥

(ش ۲-ب ۲) م ۸/۵

مکاتبه داخلی سازمان امنیت پیرامون لوازم و وسایل مربوط به سازمان فدایی خلق موجود در سازمان امنیت عراق که برخی از اقلام آن به شرح ذیل است:

- |        |   |
|--------|---|
| ۲ عدد  | ۱- پست سیاسی                                  |
| ۲۴ عدد | ۲- مهرهای آلومینیومی خصوصی سازمان             |
| ۱۲ عدد | ۳- مهرهای پلاستیکی                            |
| ۱۱ عدد | ۴- مهرهای چوبی                                |
| ۶ عدد  | ۵- مهرهای آهنی                                |
| ۱ عدد  | ۶- دستگاه ضبط                                 |
| ۳ عدد  | ۷- گذرنامه عناصر سازمان                       |
| ۱ عدد  | ۸- کارت شناسایی صادره از اداره کشتیرانی ایران |
| ۱۲ عدد | ۹- کارت پایان خدمت وظیفه                      |

لسروري

العدد / ٤٩١

التاريخ / ١٦٩٦/٨/٢

العدد ٣

٢ / ٧ / ٨ / ٥١

الخامس / ٤ / ٥

استشارة لادعلائكم ٤٤٥٠ في ١٩٩٥/٩/٢١  
 ولد هتلا لادعلائنا ١٧٥٤ في ١٩٩٦/٦/١٧  
 فليل اليكم تلاتك صفتاب ديلاواسيه تحتوي على  
 عدد من الادفاتام وعلب اصبار الادفاتام المتتية  
 لدينا به موهوبات في نصب الجرد المزنه لريا  
 للاجين استلاسهنا ... مع التقدير

١٦٩٦  
 ١٥٠٣٠٥  
 ١٩٩٦/٨/١

المرتبقات

مرد

في ايد الازدياد

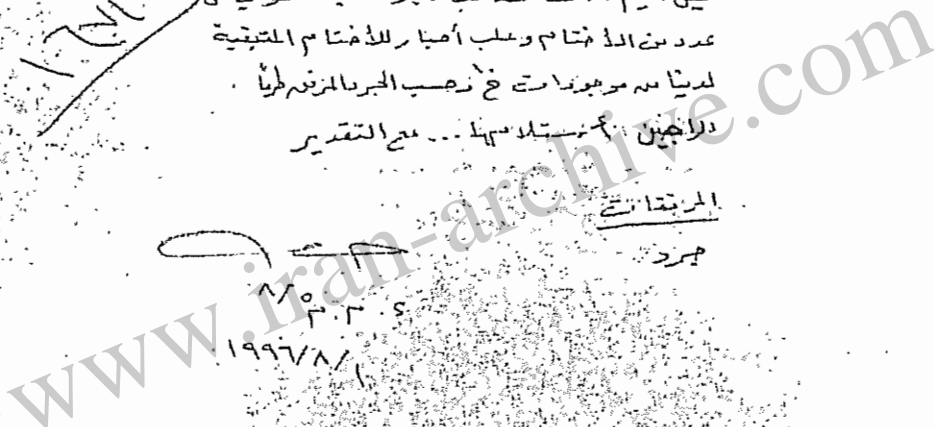
السهم

اللازم

(١-١)

مرد

١٦٩٦  
 ١٥٠٣٠٥  
 ١٩٩٦/٨/١





سریک

میزد المراد الجمادة المنطوقة تراوی میلفنم قلبه استیقو لدرینا (شماره ۵) ۸/۵  
 وکالمجید ۱

ت	اسم ماده	العدد
۱-	حقیقته دلوانا سیه	۰۴
۲-	علی ا حیار ا قنما ۲	۰۵
۳-	علیة دهن منقره	۰۱
۴-	ا قنما ۳ مطا علیه فایه بالمشه	۰۶
۵-	و دیلاستکیه و ۲	۱۲
۶-	عشیه = =	۱۱
۷-	مدریریه = =	۰۶
۸-	فتم مراهی صد = =	۰۱
۹-	مجات عمده عملی شکل فتم و ۲	۰۲
۱۰-	مراهات معدنیه = =	۰۸
۱۱-	فوسقه مراهات سوسیل	۰۱
۱۲-	سریک ذاکری عملی شکل فتم	۰۱

۳۵  
 تارانه تقط  
 فم رشرون تقط  
 واحده تقط  
 ا ربع رشرون تقط  
 تارانه عشر تقط  
 امدل عشر تقط  
 سته تقط  
 واحد تقط  
 ا ثمان تقط  
 سمانیه تقط  
 واحد تقط  
 واحد تقط

سرفه املانا ۵ ۲/۲/۷۷  
 ۱۹۹۷/۸/۲ ۲۹۱

۱۳۵۳ قلمی تقط

(۱۱-۱)  
 سریک

طرح تداوم ارتباط با بهرام محمد و احمد یوسف در راستای جمع‌آوری اطلاعاتی  
 آ- تداوم ارتباط با بهرام محمد دبیرکل سازمان در دو جهت: ۱- استفاده هر  
 چه بیشتر از نامبرده در سایه برنامه کاری تدوین شده ۲- سوق دادن نامبرده در  
 جهت برنامه‌ریزی برای حمله به مؤسسات ایرانی در خارج از ایران.  
 ب- تلاش در جهت ایجاد فرصت‌های لازم برای جمع‌آوریهای اطلاعاتی از  
 طریق گسترش هر چه بیشتر رابطه با احمد یوسف نماینده سازمان در عراق.  
 ج - تلاش برای جذب نیرو جهت نفوذ بیشتر در سازمان جهت کسب اطلاعات  
 بیشتر از درون سازمان.

الهدف	المفاوضة المطلوبة	التنويات	الوقت الزمني
	<p><u>الاستراتيجيات</u></p> <p>۱- ايجاد صلة بمرحوم بهرام محمد دبیرکل سازمان و استناد به ارتباطات                      الارواح العميقة الالهية و الاهتمام بزيادة التطور في هذه المجالات                      في صورة خطة العمل الموسومة بالتنسيق بين سوريا والمغرب                      ودمشق وارجاء تنفيذها الى ان يتم تصديقها من قبل السلطات العراقية                      في الخارج.</p> <p>ب- العمل على توثيق مرصدها وتهيئتها من اجل تطوير العلاقة مع العراق                      ودراسة سبل التنسيق في القاسم وارجاء تصديق الخطة في الختام                      سيرة</p> <p>ج- العمل على توثيق مرصدها وتهيئتها من اجل تطوير العلاقة مع العراق                      ودراسة سبل التنسيق في القاسم وارجاء تصديق الخطة في الختام                      اقتطعت لتتبع الامور والمعلومات منه</p>		

روزنامه - روز

کتابخانه - خبر

- ۱- صفحه پنجم از یک صفحه
- ۲- نسخه شماره یک از سه نسخه
- ۳- به همین ترتیب
- ۴- از راه داد و ستد معاشی که در آن روزها در میان ما بود
- ۵- شماره گزارش
- ۶- تاریخ گزارش
- ۷- بیوست
- ۸- ۶- کورندگان خبر ۳۱۱
- ۹- ۷- پنج ۱۳۴۱
- ۱۰- ۸- منشأ زمان این
- ۱۱- ۹- تاریخ وقوع امر
- ۱۲- ۱۰- تاریخ رسیدن خبر به جمعیت منبع امر
- ۱۳- ۱۱- تاریخ رسیدن خبر به جمعیت محل امر
- ۱۴- ۱۲- بلاخفایات حفاظتی

۱- شکل زندانیان در زندان اویس

در پنج ماه پیش افراد گروه چریک‌های مصلح فدایی زندان اویس دستگیر و در آنجا زندانی شدند. در آنجا زندانیان با یکدیگر در ارتباط بودند و با هم صحبت می‌کردند.

- ۱- علی اصغر انزوی
- ۲- محمد علی حکمی
- ۳- محمد علی حکمی
- ۴- محمد علی حکمی
- ۵- محمد علی حکمی
- ۶- محمد علی حکمی
- ۷- محمد علی حکمی
- ۸- محمد علی حکمی
- ۹- محمد علی حکمی
- ۱۰- محمد علی حکمی
- ۱۱- محمد علی حکمی
- ۱۲- محمد علی حکمی
- ۱۳- محمد علی حکمی
- ۱۴- محمد علی حکمی
- ۱۵- محمد علی حکمی
- ۱۶- محمد علی حکمی

این زندانیان در زندان اویس با یکدیگر در ارتباط بودند و با هم صحبت می‌کردند. در آنجا زندانیان با یکدیگر در ارتباط بودند و با هم صحبت می‌کردند. در آنجا زندانیان با یکدیگر در ارتباط بودند و با هم صحبت می‌کردند.

این زندانیان در زندان اویس با یکدیگر در ارتباط بودند و با هم صحبت می‌کردند. در آنجا زندانیان با یکدیگر در ارتباط بودند و با هم صحبت می‌کردند. در آنجا زندانیان با یکدیگر در ارتباط بودند و با هم صحبت می‌کردند.

این زندانیان در زندان اویس با یکدیگر در ارتباط بودند و با هم صحبت می‌کردند. در آنجا زندانیان با یکدیگر در ارتباط بودند و با هم صحبت می‌کردند. در آنجا زندانیان با یکدیگر در ارتباط بودند و با هم صحبت می‌کردند.

این زندانیان در زندان اویس با یکدیگر در ارتباط بودند و با هم صحبت می‌کردند. در آنجا زندانیان با یکدیگر در ارتباط بودند و با هم صحبت می‌کردند. در آنجا زندانیان با یکدیگر در ارتباط بودند و با هم صحبت می‌کردند.

نظریه ۲ - آیا در گروستان حکومت انفرادی وجود دارد ؟

رفیق دوستم مورد در صورتی که مردم نمی‌خواهند و دولت نمی‌فرماند در چنین کشیدی داوران نامدار حکم وجود سوسیالیسم را در گروستان مطرح کرده است و با کبود رفتی که داشته است سعی کرده با آید آید از شرایط اقتصادی - اجتماعی گروستان بی‌اطلاع دنیا آید چه دره و یا شفیقه است و در این تناقض حقیقی به ریشه رفتی مکتوب جنبش کمونیستی دستاویز رسیدن از خلق توان کرد و سازمان را به حرکت وسیع و فعال دعوت نماید اما این جنبه به کبود واقعیت رفتی و نکته گیری از جملات نوشته به انضمام است و این تکرار نکات تکراری و مبروری نوشته در بازرگانی کردن بعضی نکاتش را محدودی تشخیص خادم و مرامت به نوشتن کردم :

درست در زمان که سید مقدم شرکت در مباحثات توده ای در مکتبانی " یا پراخنی و امرشکلیت در سازمان دادن آن و یا " عدالتی تفویک در سه آن " گذاشت باید در دستور کار سازمانی قرار گیرد و درست رفتی در واقعیت گروستان و ذهن‌ها را متعلق میکند .

سند گروستان از جنبه ارتقای حقیق مطرح بود و با کفول سازمان کم‌ترین اندازه را برای رسیدگی به مسائل آن مقرر کرده است و این بیشتر به حدس و گمان برای سازمان موجود آمده است. و شما هم مانند به دیگر کرده‌ها از نظر کلیات راه کم‌ترین تا سالیانه متفاوت تعیین درست آورد خود را در اختیار سازمان گذارد . لذا بی‌شک کمترین اندازه ای تا گروستان سعی می‌کند از نکات اندرج و مقدار رفتی را مارتز کم تا حداقل در دستور کار که باید در واقعیت لایم گرفته و سعی می‌کند متفاوت بنشیند .

۱- نظری محترم به شرایط اقتصادی - اجتماعی گروستان در ترکیب طبقه و وضعیت تیره‌های سیاسی :  
جامدگی که رفتی نوشته و تحلیل را تا حد تحمل خواهد داد . نقطه تمیز کمترین تفاوت نظر به سایر روش‌های سازمان و بر خلاف نظریات سازمان انقلابی زحمت گروستان ایران و در تفاوت بر است سطحی اکثریت روش گروستان کرد و نظام حکم مسلط در گروستان و نیز خودی و خودی یا ملتگی تا ساخته ای نیست . تا حدی به تبع رسیدگی سیستم سرمایه داری و گروستان مسلط است و بالطبع این سرمایه داری و ماهیت سرمایه داری و سرمایه داری وابسته - رادار . شهری سلب و ترقی و مینمای رنگ در درون هم مطرح است . در گروستان اما این خودی و مشورانی که گفته یا شاید بسیار وسیع کردن گفته ، یا با همان های ملودر رشیده مسلط مشورانی در رابطه با هم نیست . درست نیز گروستان از نظر روشی ، گام‌ها به به تباری نشود و با بر خودی کمین رسیته در صورت ، با و بر بلک (د) تا نشود ایست . اما در این به شیوه مشایق نقش جدا افتاد گروستان نشود که تبارانیک سیستم یا سیستم را مسلط کند . در گروستان رستلر از گروستان معدده هم‌انسانی شیم نیست ، نه ای مناطق گروستان را رابطه م گروستان ذاتی تا نزدیک اورد و سید نظر است این :

استان گروستان - کرمان خان : اکثریت آذربایجان نمیزد ، قسمتی از زنجان و حدان شفیقه تمایز به یازگ در رابطه سرمایه داری مسلط است .

۱- در شهرها : ایستاد و از این شرط نگاه بردگ :

این سرمایه داری در دو دسته تقسیم می‌شوند ، یکی رفیقه و یکی . البته با این امر باید سرمایه گذاری مستثنی از مملکتی و دولتی  
\* در نظری سطحی به نوشته رفتی بنظر بسیار خوش می‌آید و در بیان به بر سر سازمان را به تیره ترشک دعوت می‌نماید

کتاب ۴۱

۱

ما در دست شما رفا!

در این باره روز بروز اوضاع جادویی نمود، بدین ترتیب که عمده مسلمانان نبردهای پیش رو که در شهرها و روستاها  
گسترش یافته و در جریان بوده، همانند آن آملاهای گذشته را مازمی باید که این جریان سرافراز است با هر کس که از این رفا  
اوج یافته و در شهرها و روستاها با فتنه جملات نبردهای این نبردهای هم چنین با وجودی است که در این نبردهای  
بوجود شرکت علمی دارند.

رقای ما در دست شما سرگشته ای زرق و برق دار و در دست ما از ما زخمی و گلی می خواهد و ما هم تا حال از آن  
زخمی و زخمی می بینیم و زخمی می بینیم و زخمی می بینیم و زخمی می بینیم و زخمی می بینیم و زخمی می بینیم و زخمی می بینیم  
چنانچه تعدادی از نبردهای ما با در کاران در یک جلسه مشترک تصمیم گرفته کرده اند که کمی اعلامیه ای قطع ارتباط خود را  
با سایرین اعلام نمایند و در این هم موضع متغیر سازمان در حال مسائل بود.

نبردهای سیاسی که در تاریخ غزالی و حزب در کاران نیز هست در این موضع ما در حال می بینیم و در میان مردم  
را می بینیم. ضمناً حزب اخیر نیز گفته است که بر ما علیه همه مردم موضع گیری کرده و در نبردهای هم چنین که در میان  
ملای (مادری) اشاره نمود و می گوید که در مورد رهبری کتاب که نگاه داشته اند زیرا نبردهای دیگر تا حال کلان کلان  
نگراندند که با در نبردهای اخیر صحنه های در میان نبردهای دولت (دولت) و ما نبردهای کلان کلان  
در صورت صورت گرفته که از آن روی که نبرد نبردهای آیند که این واقعیتی است در میان تیره نبردهای و در  
لها نبردهای با حزب دهکای حزب با جریان ما هم اطلاع می رسد که اگر که تقسیم دولت عراق شده در سازمان شماره  
موقف نبردهای شده است. به جهت سیاسی در جریان است که می بینیم از کم و کیف آن مطلع شویم  
امروز رفا خراب و در آن که لها نبردهای با افسان در نبردهای پیش رو که طرف سرگشته رفا است (سوق از حدت)  
به ترتیب حزب در کاران در نقطه بدست و در نبردهای دیگر با در کاران سرگشته را تا جمع آورده اند (در اسلام  
نبرد، شماره و آ. بی. جی)

در سازمان در نبردهای نبردهای رخ دار که از اکتبر تا ۹ جمع اعلامیه داشته در میان آن چند نبردهای

در حال حزب یا پیوستگی حیات ندارد. گفته خلق کرد یا کرده ما و در آنکه این امر را نیز فریتم حزب  
 که نوزاد اعضای درجه دو (نسبت به رهبری) را برای مذاکره فرستاده آن نام همین استقلال هارا مطرح  
 کردند و در نتیجه با عنایت کریم اول باید روشن شود چه مسائلی مطرح است و حداقل خواسته ها همان  
 چیست بعد از آنکه مقررین سخن روشن شدیتران در مورد مسئله صحبت کرد. قرار شد حزب با  
 دعوت نماید ولی در این فاصله در ماباد در سطح محلی از رهبری حزب با فرود هر و نماینده امام  
 مذاکرات غیر رسمی شروع شد اعضای این بزیر از رهبری حزب از جناح کرده ای بودند  
 [در حزب از جناح کرده ای و دیگر کرات مطرح هستند، جناح کرده ای از ارباب نظری  
 حزب کرده را در مورد مسائل دارند و با اصطلاح مارکسیستی هم نیز احدهم برخورد کنند و جناح دیگر کرات  
 ناسیونالیست و بیشتر از اهل هشته - البته این تقسیم بندی در رهبری مصداق دارد.]  
 شروع حزب برای آتش بس به هم مورد محدود بود: سمیت یافتن حزب، خروج پسران از  
 اردستان، مخالفت از نقل و انتقالات نظامی، آزادی امر، هیات دولت سمیت یافتن  
 حزب را پذیرفته بود و عنوان کرده بود که فعالیت رهبری حساسیت دارد ولی ما و فریتم بیانیه های  
 شما را با نام خردتان در رادیو تکرار میزنیم و مطبوعات با اطلاع همگان برسانیم و با اصطلاح دوفاکتور  
 سمیت حزب را پذیرفته بودند و در نقل و انتقالات نظامی که با قرار گذاشته بودند که کمتر  
 به مناطق غیر قریب المشرق نهفته در این مورد مطمئن هستیم و بر این اساس موافقت کرد و آتش بس  
 را در صورت پذیرفته و گویا قرار گذاشته بودند اگر نیروی آتش بس را نقص کرد یا همکاری  
 یکدیگر متقابل کنند؛ در ضمن حزب گفته بود اگر هیچ این طرح را انصاف نکنند اشکال مهم پیش خواهد  
 آمد ولی به حال بدون هیچ، حزب آتش بس را رعایت خواهد کرد ولی قبل از اعضای هیچ

حاضریت به تهران آنرا شش‌نماید. در ۱۶ / ۱۸ / ۵۸ حزب پانزی تشکیل دادند  
 جناح دیکرات رهبری حزب با این آتش‌بس مخالفت کرد. و به ۳ سینه برخورد با سنده آتش  
 پس پانزوم را باریان رسانیده: ۱- قبول آتش‌بس با اجزای م. شرط حزب ۲- ادامه جلا در  
 و عدم اعلام آتش‌بس دلی ادامه آتش ۳- بپذیرش اصل خردفتاری با این تأکید که است  
 حتماً کلمه خردفتاری را عنوان کند. و مهم‌تر آنکه حزب تا از این اعلام سرزد از سوی دولت  
 آتش‌بس برقرار گردد - این نظر سوم سینه در دنامه جناح <sup>کاملاً</sup> دیکرات است) برد.

روز ۱۷ / ۸ / حزب، شیخ را به پایگاه خرد (واقع در زمین) دعوت کردند و با او مابینند که حزب  
 بروی <sup>مختار</sup> جردن خرد صراحت و در ضمن به شیخ گفته که رهبری <sup>پاراست</sup> هیات نمایند  
 شیخ را نمی‌پذیرد. و باز در مورد فانی‌ها سنده بی نام جنیدان و اینکه خردفتاری برای سازمان سنده  
 نیست و حساسیت دریم را در باره فدائی‌ها عنوان کرده مدور کرد که گفته بودند که عناصری هستند  
 هرچند درج طلب و بی‌زنامه و دشمن حزب دیکرات و نقش مهمی ندارند در کل خراسان بردند  
 حزب را بجزان تبلیغ گاه به شیخ توصیه کنند و او اصرار خرد نمایند. در ۱۸ / ۷ / حزب ا  
 دفتر شیخ را مله فدائی دعوت کرد. در آغاز تا سلسله انتقاد از سازمان را مطرح کردند. نام  
 جنبیه و آنکه در کد بی‌ترتیب <sup>مختار</sup> جنبیه است. و اضافه کرد البته مابین این که مسائل داخلی دارند  
 دیگر منظوراتی هستند و بعد <sup>مختار</sup> جنبیه را تا به آخر حلیه ادامه داد و فضا نه که تذکره آتش‌بس  
 برین فنی بلدیان و کریم حسامی (نکات غیر مهم می‌باشد) و... را با هیات دولت قبول نه اردو  
 به‌نقته اساسی سنده خرد رسید که <sup>مختار</sup> جنبیه اصرار دارد که <sup>مختار</sup> جنبیه هیات نمایندگی خلق کرد، حزب  
 باشد و صراحتاً گفت ماده ۱ مایاد و مستخرج در هیات <sup>مختار</sup> جنبیه را در هیات نمایندگی





بیک ذهن‌گیری کامل در دجا می‌تواند . با استدلالاتی که در سرفقا لگا ر ۱۲۲ تمسکین شده ، آنچه تا کنون مالتبادل می‌گیریم و بدان عمل می‌نویسیم ، چریک آنرا فکا مل چریز دیگری نبوده است ، ضرورتی بها ثابت با یکا زگیری تا کنیکهای - مسلحانه در کمرستان و توضیح اربط آن با تا کنیکهای سیاسی در سایر مناطق بوده است ، اما اساسا بی رقیبا می‌بندیم و جنگ داخلی شما معباری در سراسر میهن ما ن جریان در ادوا زه ما نخستین روزها یکا زگیری تا کنیکهای نظامی (رأس) مضمون جنگ با رتیزارائی (در سراسر ایران) و میباید در دستور کار قرار داد همیشه . حال اگر در کورسقا ط کورنریستان تهران ، بخران ، اصفهان و ... توده‌های وسیعی در مقابل حکومت روان بودند تا کنون نیز علیه حکومت بها اقدامات مسلحانه دست نیافته اند و بدین دوپا در مناطقی نظیر کتید ، شیریز و ... تنها در مقابل کوتا جی گودها بها اقدامات مسلحانه روی آورده و در میرا رزه مسلحانه شرکت کرد ، تداوا شکل مبارزاتی ، توده‌ها تا کنون اشکال غیر مسلحانه نبوده است و هنوز هم توده‌ها در این مناطق در میرا رزه مسلحانه شرکتی ندادند ، این سطح دیده است و باید بدین معنی آن توجه داشت . لابد جنگ داخلی شما معباری را رقیبا می‌بندیم و در عمق جریان داخشی و نه در سطح و لذا ما فادر دیدن آن نیستیم . اما واقعیت اینست که جنگ داخلی شما معباری در سراسر ایران جریان نداشت ، جنگ تکی از میرا رزه طبقا می است ، جنگ تکی از مبارزات توده‌هاست و برای تشخیص آنچه می‌باید می‌گردد و یکپارگی قوی نیست ، با چشم‌های غیر مسلح هم می‌توان آنرا دید . همه روزه می‌توان شرکت توده‌ها در میرا رزه مسلحانه علیه رژیم را در کوه و خرابی آن ، شهروندان را خبر آنرا شنید ، هما نگونه امروز با دگی میتوان تشخیص داد که در کمرستان جنگ منطقه‌ای در جریان است بهمان طریق نیز میتوان با قاطعیت گفت که از رقیبا می‌بندیم و متلاذرا ستان شهران جنگی جریان نداشت ، آنچه که سرفقا لگا را به چنین نتایج تکی گوش کثافت است همانا عدم توجه مطلق به ما موزونی سطح و شدیدا رزه طبقا می در مناطق مختلف است .

ما بدرستی در آن موقع با توجه به این تا موزونی و شرایط عینی و ذهنی توده در هر منطقه‌ای بر خلاف اسکا سرفقا لگا ضمن مجا زوهوری در سخن یکا زگیری تا کنیکهای مسلحانه در کمرستان در سایر مناطق یکا زگیری تا کنیکهای (تبادل شرایط عینی و ذهنی) مجا ز می‌باید متوجه تداوا با شرایط عینی و ذهنی شما با یکا زگیری تا کنیکهای مسلحانه در سایر مناطق را در دستور کار می‌باید . اگر چه یکا جی به وضعیت دیبا ان و نیم گذشته بها نداد و نیز از یکا ز غشای تا از سر یکو بها و تداوا با شرایط عینی و ذهنی ما تکی به یاد توده‌ها را به در پیرو و واقعیت بگیریم تا در سه تشخیص ما از موضوع خود را هم بود که در بسیاری مناطق توده‌ها هنوز در آن بر کفر فلان و مسلحانه علیه رژیم توده‌ها داشته و می‌گویند شرکتی در عملیات نظامی و درگیریهای نظامی ندادند و عملیات نظامی بطور روشن و متعجب روهیا بوده و از منتسکین می‌گردد و به نسبت همگامی با سایر زرات آنها ندادند . عملیات تدریجی تدریجی گروه‌ها را نباید بیاد و بر یکم چه انگاسی در میرا ن توده‌ها پیدا کرد و حتی سا زمان نیز بدین معنی آن تروورها را می‌گویند . ولی غیر مسلم هما بینها سرفقا لگا معتقد است که از رقیبا می‌بندیم و جنگ داخلی شما معباری را هم می‌بندیم و در سراسر ایران عملیات با رتیزارائی میباید در دستور کار داده شود .

با توجه به همین تا همگامی ما رزه طبقا می در مناطق مختلف است که می‌گوئیم دلیل شد با فتن میرا رزه طبقا می در کمرستان تا مرحله جنگ منطقه‌ای ، عملیات با رتیزارائی و اشکال لگا مل با فتن میرا رزه مسلحانه نبوده است و ما زبیکه ضرورتی است ، ولی بر یکم در اغلب مناطق کشور از آنجا که هنوز میرا رزه طبقا می در مرحله درگیریهای مسلحانه نبوده است ، تنها فتن است ، یکا زگیری تا کنیکهای مسلحانه و از جمله عملیات با رتیزارائی بهیچ رس نبوده و مجا ز ضروری تعبیر شد . دلیل دیگری که سرفقا لگا لگایات صحت یکا زگیری تا کنیکهای نظامی و عملیات با رتیزارائی بران تا کنیک کرده است ضرورت ساوا ما ندگی جوخه‌های رزمی و انجام عملیات رزمی برای تدارک قیام است لذا ضروری است ر ا نظمه جوخه‌های رزمی را با قیام پیش از تدارک قیام ، و در یک تشخیصی را در این مورد ، بررسی کنیم تا بتوانیم در بها بمکذا با این از رقیبا می‌بندیم و سراسر ایران انجام عملیات رزمی توسط جوخه‌های رزمی ضرورت داشته است یا نه ؟

«جوخه‌های رزمی و قیام مسلحانه»

سرفقا لگا از بنا تا غماز می‌کنند که انقلاب بطور کامل شکست نخورد و وقوع یک قیام مجدد وجود دارد و تدارک قیام در دستور کار قرار داد و زود که «بهر وقت در یک قیام مستلزم سا زمانه توده‌ها و عملیات رزمی و عملیات رزمی است . بدون عملیات رزمی و بدون آموزش نظامی جوخه‌ها و عملیات با رتیزارائی نمی‌تواند از تدارک قیام جوسا زمانه جوخه‌های رزمی تدریجی است (سرفقا لگا) . جوخه‌ها استدلال سرفقا لگا همین است ، از آنجا که قیام مجدد محتمل است و تدارک قیام مستلزم سا زمانه توده‌ها جوخه‌های رزمی است و جوخه‌های رزمی در عملیات مسلحانه با رتیزارائی با بدآ موزش بی‌بختند بنا بر این پس از رقیبا جوخه‌های رزمی می‌باید تشکیل می‌شود و به عملیات با رتیزارائی می‌بازند . آنچه در این استدلالات سرفقا لگا نیز از اشکارا چشم می‌غورود ، عدم توجه به توجه مطلق به اشکال مبارزات توده‌ها ، بروند می‌بینی چنین توده‌ای می‌تواند و شرحه تشخیصی توده‌هاست ، در بخش گذشته نشان دادیم که سرفقا لگا در ذهنی حاکمیت جنگ داخلی شما معباری را از رقیبا می‌بندیم و در کمرستان از البته بدون تشخیصی کردن شکل این جنگ داخلی شما معباری را تا زخمی‌های - تشخیصی در راه رهبری جنگ با رتیزارائی در روسیه را کپی‌بند ، و یکا زگیری تا کنیکهای مسلحانه و عملیات با رتیزارائی را در سراسر ایران پس از رقیبا می‌بندیم و توجه کنید ، در این قسمت نیز سرفقا لگا می‌گوید شما و ربه وقوع قیام مجدد ، بر نمود های لیبنتی و در سایر مناطق با رتیزارائی رزمی شما به جز اساسی قیام مسلحانه ما و تونیم شما به بدون آنکه بطور مشخص است و تنها شما بدینکه بلاتلاطمه پس از رقیبا توده‌ها برای قیام مجدد ما دگی داشته و محصل می‌باشد ) . بدون آنکه بطور مشخصی شما تنها بدینکه بلاتلاطمه پس از رقیبا توده‌ها برای قیام مجدد ما دگی داشته اند . البته سرفقا لگا از زبان زجران انقلابی و دوران انقلابی ، اشکال انقلابی شما زرات توده‌ها سخن می‌گوید ولی هیچ یک از اینها دلیل بر ما دگی توده‌ها برای یک قیام مجدد نیست و تنها احتمال آنرا در آینده مطرح می‌بازد . رفیق دیستروف در این چنین خطا های چپ‌واانه می‌نویسد : «این تصور که بعضی وقوع بحران سیاسی (یا انقلابی) - تحت حکومت «چپ‌روی» دارد ، غیر بهیچ در چنین بحران‌های همه‌جوره توده‌ها همیشه با فریاد انبیکار می‌زنند ، ما این حکمیت را در مورد شما نیز دیده ایم ، کمک کردن به سلبونها تفری برای اینکه ما جدا کتر سرعتمکن ، از روی شرحه تشخیصی گوشان شما همیشه با بدینگشته ، کجا رامل اساسی را بچوبید ، و چه جزئیات نیستا عمدا دناهاست ، اینها و چیزهای دیگر مطلقا نیستی است که برای آن ها اهم شما رهای انتقالی و هم اشکال خاص اشکال با تقرب به انقلاب پرولتاری ، بلازمست در تریس دیستروف ، توده عظیم هر چه که تحت تا شرکت و تحت دستن دموکراتیک فرده بورژوازی هستند ، مستکنت حتی وقتیکه وضع انقلابی وجود دارد ، راه انقلاب را پیدا نکنند و دم (وقت کنند) . (چپ‌واانه حدفنا شیمتی) . نگاه به وضعیت چنین توده‌ای روهیات نبوده ، ما پس از رقیبا ما کجا راملتان مبدعه‌کننده غیر بحران حا دجماعی ، اقتضای سیاسی و بطور مفروضی یکدیگر می‌بازد ، اما زرات انقلابی توده‌ها بطور کامل ، بدلیل توهین توده‌های سلبونی به حکومت و خیمیتی و در - برایتی که توده‌ها همیشه از حکومت سلبونی می‌گردد و اکثریت قاطع آنها به جمهوری انقلابی و آ می‌بندید ، ما دند و سعوت خیمیتی می‌بندیم و تفریاری تشخیصی است از حکومت خیمیتی شما ، ما این بر می‌بندیم ، قیام مجدد هنوز با زنگشته می‌بود (بموزوم) تا زنگشته است و در حین شرایطی دعوت توده‌ها به سرکوسی و اشکال مبارزاتی توده‌ها بود .

محلات مسلحانه علیه حکومت شما تفری در روسی توجیهی مطلق به روهیات و اشکال مبارزاتی توده‌ها بود .

فلسفیه سرفقا لگا ۱۹۵۵ تا اینکه ما زرات گسترده توده‌ای ، تظاهرات و ... ، اقدامات حاکمی از تدارک در حکومت تبدیل شده و در حین توده‌ای در آستانه شما معباری است و عملیات مسلحانه جوخه‌های رزمی را مجا ز

را در مسئله ملک‌الکلیه رفقا قرار داده و خود را ملزم به اجرائی آن سازند.  
 ضمناً اعلام میکنند که چون بنی‌اسلامی و عدم رعایت حدود و تقاضای آن را با چشم‌پوشی  
 مراهبه می‌زند، کمیته اعلیٰ خود را موظف میداند که تا طاعت نه بانی بنی‌اسلامی را برپا نگذرد  
 و رفقای محلی را بر سر پیمان دهنی نگیرد.

بایرود بیستم - کمیته اعلیٰ سازنده  
 ۱۳ خرداد ماه

اعلام آماده باش کمیته وقت سازمان به هرگاه نمایندگان شکلاتی :

رفقا!  
 عاصمه در یکی از جلسات شورای اعلیٰ قرار گرفته و تقاضای بنی‌اسلامی صیاح هدایت فاجعه شدت  
 بسیار یافته که حتی به زرگرهای آنجا هم نچسبیده است و این احتمال وجود دارد که بزودی  
 در دو منطقه کاروانهای را تشکیل می‌دهند.  
 از همین رو کلیه کاروانها را اعضاء و رفقای که هر یک از شکلاتی در ارتباطند باید مورد کفایت  
 در حالت آماده باش قرار داشته و با تنظیم ارتباطات مستمر و دائمی همین راه نه صرفاً از صفا  
 بوده و گوش‌نویس و هموزاری شکلاتی باشند، بلکه نسبت که این آمادگی در حال حاضر  
 محبتی آماده باش نظمی نبوده، این امر نیز همزمان دیگر با در نظر گرفتن در وقت کاروانها  
 بوده این شرکت کرد و چشم از تمرکز «انقلاب» بریزد و نسبت که به نسبت تقوایی  
 بوده و دالین زرد.

بایرود بیستم - کمیته اعلیٰ سازنده  
 ۱۳ خرداد ماه



۲

بسیار درم که معلومند با نذاری و رهن بازی های رفقای زندان، اندک است  
 اکثریت مبتدی را در مرکزیت متمرکز کند. ~~اینجا~~  
 و با خوردن شلغم، ریح خاشاک با لاله لاله های سبزیجات می‌کند که خواهد خورد،  
 حیانت شمع و زخم نخل. <sup>فقط</sup>  
 لیدجان ~~لیدجان~~ و قندک می‌بیند اکثریت کبر سر رود نشسته با هم  
 و عدت دارند، و در این تفریحی طبعی را از توده ای بیگاری - ترونگند  
 و خط صافی تشکیل میدهند، برام شمع تکرار کننده است، آخر خط  
 تاملات قده ای و تاملات بیگاری (صن تک و کبر) مستانه در تک  
 تشکیلات کارکنند؟ ا قدری نه گفته با نظریات آن وقت کن، با این  
 هیچ کدام نظر شکل گرفته و شخصی ندارند، هر حال هر کدام لیدجان لید-  
 جان دارند.

خضع ریم بخوابم در ملذم لیدی حرکت میدادم، حالا منضمم که معده  
 ساده لوحانه لیدر سرها بفرین کردن رفقای هردم) بر خورد کرده ایم.  
 خاک بر سر ما (صن رفقای تکی) ما است به بزرگ کرده ام، با بد مردان میدادم  
 و نه هر مردان را، حالام که ریس کار از این حرف نشسته، هر حال رفیق  
 عزیز، ما به سهم خودمان و با ای که نظریات تمرین در انباره بودند سنگین و نوزدی آنرا -  
 برداشتن نسیف رستم، نه رفقای اولیت انگل اکثر قدری مبارزه اندر لیدر تک

۱۸۹

از این پیدا کنند، اگر کولت (قلان - مرکزیت جدا از لوده و کاسیج) انزوله  
خواهد شد، آنها با باند بازی غیر مرکزیت رسیده‌اند، آنها هیچی از عقیده  
ندارند. لوده لای سازمانی با قاطعیت منطقه برزخه خورد آنها را  
می‌که خواهد کرد. من مثل روز برایم روشن است، فقط طرفه منطقه و  
منابت خودشان را از دست ندهند، بگذارند نظریات در سطح -  
لوده لای سازمانی شناخته شود، آن‌گاه خواهیم دید که چه خواهد شد.  
تا برکن خنسی خوشی ام از اینکه با لافره هر کسی صرف مشاش را ننیزند  
راوری با لوده کولت. درستی هم وقتی که آدم شکل قلاش به  
عاشی که راه می‌برد، استقلال داشته و خود ندارد، من تعجب نمی‌کنم  
ص ۱۸۹ / التدریج ندارد. [عنوان نام ندارد - عنوان قلاش اگر است  
شده - عنوان روشنگر ضد فکله و کتاب هم حرف زده است این  
اگر اقلیت‌های اکثریت بود بهت استعظم و مطهر است مثل ارفیق رفیق  
مکورد و حسن را از کولت لوده آورد. [عنوان نام ندارد عنوان  
از واقعیت که راه می‌برد عنوان شما عرض می‌کنند که ترند  
و کت تمام شد. با بیدار شدن هر چه زودتر منم تمام لوده و هر چه دیرتر نصیب بالنده پیدا کند

گروهک پزشکی استنف‌دهقانی

این گروهک در عراق از گروه‌هایی نژودوستانه‌تر می‌رود و نیز رابطه این با دولت عراق گوی سبقت را از همه برده است، می‌گویند ماهی ۵ هزار دینار از عراق کف مالی می‌گیرد و این غیر از امکانات تواریکاتی، غذای، بهداشت و وسایل نقلیه است. دو ماه پیش از دولت عراق گرفت، یک تولد مای لانه کوزرو یک سواری لاندکروزر، این گروهک حدود ۲۵ تا ۳۰ نفرند اما ترتیب کم‌تر می‌آید، بقول یکی با قوق بریده‌ها منافقین است و هر چه از افراد منافقین از آنجا جوامی نوزدیم این گروهک می‌پیوندند. شایده روابط و توافق مستری بهم دستم باشند، چون افرادی که از منافقین جدا شده و به اصطلاح مسلم دارنده اند به این گروهک می‌پیوندند و انوشن بعد از من دوباره به منافقین می‌پیوندند! - البته این گروهک تنها گروهکی است که با منافقین بطور علنی در کشور منافس دارد و همکاری می‌کند هر چند که هیچ‌کس با منافقین این نوع همکاری‌ها هم نیاشته‌اند آنها می‌خواهند از هر طریق که شده از اوضاع بی‌گروهبندی اطلاعات دستم بگیرند، می‌گویند این گروهک در نزدیکای مرز ایران و عراق در سادات متری دارد و با تمام ماچاقیمانی که به عراق دارند کارهای گسترده‌ای با پول و حتی تخفید آنها ای‌تی‌ویل به عراق، از آنها برای کسب اطلاعات و اخبار داخل ایران استفاده می‌کنند. این گروهک طبقاً به ماچاقیمانی است و کسب در بین سایر گروه‌ها در عراق معروف است چون هر چه از این نوع جاسوسی به‌کار می‌آید وارد عراق می‌شود آنها بخردند و با همکاری مجاریات سلیمانیه و کرکوک آن را به بغداد می‌برند و متقابلاً از بغداد در وسیله‌های الکتریکی و عملیاتی فرستاده و با چاقی‌ها و پول‌ها می‌گردند تا وارد ایران کنند.

- سازمانی از افراد این گروهک: ۱- فولاد (اعلامی معرفی است) رهبر گروهک است در شهر اربف دهقانی است مسئول تشکیلات رادیو مرکز گروهک است، ۲- اسفندر (معمالی است) عضو کمیته مرکزی و مسئول روابط گروهک با عراق است، ۳- ۲۱ میل (معمالی است) عضو گروهک مذکور و مسئول روابط با عراق در سطح منطقه مرزی - ۴- چنگیز یاننده‌نگ می‌گروهک مذکور - ۵- شورش مسئول سیاسی تیم‌ها پیشرویم - ۶- یوسف عضو کمیته مرکزی و عضو مرکز تربیه گروهک مذکور بنام تیمام فدائی - ۷- مرصیه مسئول استراتژی و تأیید - ۸- بیات گوننده زنی رادیویی گروهک مذکور و زن یکی از اعضا مرکزیت - ۹- ... تهرج عضو مرکزیت و تحریریه مادیو و نشریه می‌

ارتباط ما با ساز-انزای دزد :

ما با سازمان آزادی‌بخش خلق در این مدت با کور و انداز برای همکاری  
 داشته‌ایم. آنها هم در جهت تحویل زلندی به همکاری نشان می‌دهند و باره حرف به تقابلی هم  
 رسیده‌ایم و قرار است که در دوران در صفت با هم همکاری می‌داریم. اما با توجه به اینکه  
 بنظر من این جریان با مسائل مبارزاتی پیوسته بود و در این لحظه، نظر استیجانی این مذاکرات و  
 توافق فقط این شده است که شما با هم یک اسم مشترک داشته باشید. اما که اینها هم حتی آنها  
 به رستی رعایت نمی‌کنند. اما در مجموع آنها و همکاران بسیار سیاسی و زیادی نشان  
 می‌دهند. اگر چه به جهت اهمیت رستیت بدون هیچ‌سایه زیادی و علیه کرده‌اند و هنوز هم در دوران  
 می‌کنند.

ما با سازمان آزادی‌بخش خلق (که زمان جانبداری از هر سازمانی که قبلاً در صورتی  
 فعالیت می‌کردند و بعد دوران رفته است) هیچ اعتماد کنی نداریم. این دلیل که آنها ۶۰۰  
 نفر را بهودت پیوسته که نزد با فرستاده‌اند. تحت نظارت ایستاده و قرار است در شهر  
 نیز در حد اشغال با هم همکاری داشته باشیم البته نسبت آنرا، نقدی می‌دانستیم که شاید  
 این کار در این حالت، هیچ قابل توجهی نداشته باشد. اما این سازمان برای ما یک تجربه  
 می‌تواند باشد. ما می‌توانیم این کار را در زمانه آنها را در باره فعالیت‌ها سازد و در همین حد  
 قدم‌های مثبتی بنشیند.

با این به پیروزی راهی

عظیم - ۲۷، ۱۹، ۶۰

# دربارهٔ حمله چریک‌های فدایی خلق ایران (ارتش رهاشیمیخشی خلق‌های ایران) به اتوموبیل حامل سفیر کمپور آلمان غربی

روز دوشنبه ۱۳۶۰/۱۱/۱۹ که مساف با سالروز آغاز دوازدهمین سال مبارزه مسلحانه ایران در ساحل اسیه چریک‌های فدایی خلق ایران - ارتش رهاشیمیخشی خلق‌های ایران \* اتوموبیل یکی از ساجستانان امپریالیست و پمپ ملور کمپور آلمان غربی در ایران را مورد حمله قرار داد و آنرا آماج کلوله مسلسل خود قرار دادند؛ هدف بطوریکه هیچ‌کس با میداننده این عملیات در شرایط انجام گرفت که پلیس و پاسداران ضد خلقی تمام شهر تهران را در دهانه خود آورده اند، و مریدان از باصطلاح پیروزی‌های خود می‌زنند - مثل مذکور در بزرگراه مدرس انجام پذیرفت؛ پیغمبر ضد کلوله اتوموبیل سفیر آلمان پمپا شرات پتک و زهار مسلسل هم‌راست شدند و ساجستانان چنان پتکار طاهرانه به گنجه و ضلع پرداخته بود \* پلیس و پاسداران پمپا شرات پتک و زهار مرید همراه با دیگر هنگ‌ها نشان توانستند در فاصله کوتاه تمام منطقه را تحت محاصره خود درآورند اعضای تیم عملیاتی چریک‌های فدایی خلق ایران \* ارتش رهاشیمیخشی خلق‌های ایران \* هفت سالم به پایگاه‌های خود برگشتند چریک‌های فدایی خلق ایران \* ارتش رهاشیمیخشی خلق‌های ایران \* با این عملیات خود ثابت کردند که طریقه همه ایدام‌های روسیم و لاف‌زنی‌های آنان حتی در این شرایط سخت انقلابیون می‌توانند به چلوانی بزرگ دست‌پوشند \* گروه رژیم تا گنجه دهماره این عمل بی‌سکوت کرده است و مثل همیشه به توطئه سکوت خود علیه چریک‌های فدایی خلق ایران ادامه می‌دهد اما پس‌اخره مجبور خواهد شد تا این سکوت را بشکند و گوشه‌هایی از حقایق را برای خلق تا بگوید \* چریک‌ها با صدای روحی سلاخیان خود توطئه سکوت رژیم مزدور را خواهند شکست \*

اکنون بقیه این اقدام انقلابی در حق شرایط مبارزه عملیاتی همین ما حاضری چه برآید اسیه \*  
 اول اینکه دولت آلمان غربی یکی از سرسخت‌ترین و پایداری‌ترین متحدین امپریالیست چنانچه در اسیه \* فکرتی که است - حمله پرو و یا قوس - برنگ - ظارت و چپاژ، خلق‌های تحت تسلط و یار و مددکار آن در سرکوب خلق‌های ستمدیده جهان است \* در این حال حکومت آلمان غربی - ریسپت و توسعه پایگاه‌های نظامی آمریکا در اروپا و پیشبرد سیاست‌های تجاوزگرایانه و لاف‌های ضد خلقی آمریکا - نیازی کند \* پلیس این کشور که بازمانده و وابسته‌ترین از لادستی ترین پلیس‌های جهان \* پلیس نیازی است \* در مبارزه در سرکوب جنبش‌های اعتراضی و دموکراتیک خواه جامعه آلمان غربی جهانی داشته است \*  
 نفس آلمان غربی - در اسیه \* در حقیقت ما همچنان آهنگار است \* سرپایه‌های سرمایه داران جهان را بر آلمان غربی در اسیه \* رفته‌های فعالیت‌ها را می‌نمزد - اسیه است - آمارها ثابت می‌کنند که تا همین همه کشورهای امپریالیستی که با ایران روابط تجاری داشته‌اند \* آلمان غربی در مازات تمام اول را در آورده \*



۱۳۸۱ - ۵ - ۱۵ - ۴۲

۲۸/۸



## اعدام انقلابی

### یک مزدور بسیجی در اصفهان

توضیحات چریک‌های فدایی خلق

حلقه‌ای قهرمان ایران!

[کمی پس از حمله ناموفق مزدوران سپاه، بدینج و زندان‌سری به یکی از خاندهای متعلق به چریک‌های فدایی خلق ایران واقع در شهرک‌اسمان در اطراف شهر کرد، که در طی آن رفقای ما با حساسه آفرینی بی نظیر توانستند در زیر رنگبار مداوم مزدوران و با تیراندازی متقابل حلقه محاصره را شکسته و سلامت از محل خارج شوند - امام جهالت مزدور شهرکرد در سخنرانی روز جمعه ۱۳/۷/۲۹ کفایتی سابقین به تبلیغات بی اساسی علیه چریک‌های فدایی خلق ایران دست زد و راهبوی‌شور کرد و تلویزیون اصفهان اعلام دادند که گویا نوازنده‌اند دو تن از چریک‌های فدایی خلق مستقر در این‌خانه را دستگیر کرده و ضربه‌ای به چریک‌ها وارد آوردند] قابل ذکر است که مزدوران رژیم در طی حمله به این‌خانه که از دستگیری و با به شهادت رساندن رفقا ناکام گشته بودند، دو تن از افراد عادی ساکن منزل را با خود به گروگان بردند.

[در پاسخ به این‌ها و تروغ و تبلیغات عوام‌فریبانه مزدوران رژیم وابسته به امیرالهیسم جمهوری اسلامی، در تاریخ ۲۲/۸/۸۱ یک واحد از چریک‌های فدایی خلق ایران پس از شناسایی یکی از مزدوران بعضی در اصفهان سرفی به دستگیری او گردیدند و وی را پس از محاکمه و اعدام انقلابی نمودند. مزدور بسیجی ناصر یوسفیان نام داشت که جرائم ضد انقلابی او به شرح زیر است.

- ۱ - شرکت در رساندن تدارکات نظامی به مزدوران رژیم جمهوری اسلامی در جنگ سه ماهه سنگین در سال ۵۹.
  - ۲ - شرکت فعال و رساندن تدارکات نظامی به مزدوران در درگیری‌های شهر مرهون.
  - ۳ - شرکت فعال و رساندن تدارکات نظامی به قوای ضد خلقی رژیم در طی درگیری‌های جاده سردشت - مهاباد در بهار ۶۲.
  - ۴ - شرکت فعال در شناسایی و دستگیری انقلابیون در استان اصفهان.
  - ۵ - آخرین جرم این مزدور نیز شرکت فعال در حمله به خانه متعلق به چریک‌های فدایی خلق ایران در شهرک‌اسمان بوده است.
- [رنگبازی قهرمان پس از اعدام این مزدور بسیجی یک دستگاه وانت تیرسان بار او نیز به نفع خلق مسافره انقلابی نمودند.]

- ۵ -



از تاریخ

از تاریخ

به : کلبه کادرها و اعضای سازمان

**رفقا!**

در انجام تعاریفات لازم برای تشکیل نخستین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - اکثریت - که بدون شک رویداد تاریخی بزرگی در حیات سازمان و جنبش کمونیستی - کا رگی ایران است جزوه " بررسی جامع جوانب بحران " زبیر نظر ارکانهای رهبری سازمان سطیم و در اختیار رفا عی رفقای شکلات قرار داده شد. برخورد جدی و مسئولانه پیرامون جزوه " بررسی جامع جوانب بحران " به تمامی کادرها و اعضای سازمان امکان میدهد که با ارزیابی دقیق این سازمان و بحران کوسی که ما عتباری بحران هستی کمونیستی - کا رگی میهن ما است نقش تاریخی خود را در پیرویه تحول سازمان سدرستی و بسطی علمی درک کنند و آگاهانه در مسیر این تحول قیلول گیرند. کوشش مسئولانه رفقا برای تکمیل و ارتقا اندیشه‌هایی که در جزوه " بررسی جامع ... " انعکاس یافته است به سازمان اجازه خواهد داد که با بهترین آگاهی سیر تحول را طی کرده و وظایف انقلابی را که بر عهده دارد با اعمال آگاهانه اراده تمام کادرها و اعضای خود انجام رساند. آنچه که با این جزوه آغاز میشود، گامی است نخستین راهی حساب میاید که در بیان آن از اراده آگاه یگانگی و واحدی برخوردار خواهیم بود که هادی و مستر و سازمانده پیروزی خلقیها و اسباب تحقق آرزمان بزرگ طبقه کارگر، سوسیالیسم و کمونیسم است.

از آنجا که هدف اولیه و تنظیم این جزوه سازماندهی مباحثی است که می باید به شناخت علمی سازمان از بحران و فلسفه اصولی بیان منجر گردد. ه . س . رعایت نکات زیر الزامی میدانند:

۱ - مطالعه ، نقد و بررسی و تکمیل این جزوه ، بهمنابه دستورال مباحث حوزه‌ها تعیین میگردد . ارگانها موظفند طی مباحث خود به نقادای منعمون جزوه یعنی شناخت بحران ، ریشه‌ها و علل آن و راه حل بحران بپردازند

۲ - ارگانهای مشغول بخش‌ها و مناطق ، مشغول هدایت و کنترل برنامه فوق هستند. ارگانهای مشغول موظفند حداکثر تا تاریخ ۳۰ شهریورماه ۱۳۵۹ جمع بندی نظرات ارگانهای زیر نظر و در رابطه کمیته ترویج ارسال دارند.

۳ - قابل تأکید است که ه . س . در کنار مسئولیت سترگی که برای سازماندهی نخستین کنگره و بیان پیروزی مسئله آن بر عهده دارد خود نیز نگاه ارگانهای مشغول میباشند هرگونه کوتاهی و غفلت در انجام وظایف براتنیکی روزمیه ارگانهای کادرها و اعضای سازمان را انصوری بزرگی می شناسد که بدون تردید در پیچک ساه تاریخ بالاترین محکومیت را بدینال دارد. از اینرو باید در سرتود که سازماندهی مباحث حوزه‌ها پیرا سسون جزوه " بررسی جامع جوانب بحران " می باید سکوای صورت گیرد که ما را در انجام وظایف عملی روزمیه ای که در شرایط حاد کنونی بر عهده داریم جاری رساند. نتایج حاصل از اختلال در انجام وظایف روزمره سازمان مبدل گردد.

ه . س . با پیروغ ترین امیدهای کمونیستی پیروزیهای بزرگی را برای سازمان و جنبش کمونیستی - کا رگی ایران آرزو کرده و به آن ایمان دارد.

با درودهای رفقا  
 ه . س . - سیدنا (اکتبرست)  
 ۱۳۵۹



## تصمیم مرکزیت

سازمان حرکتی فدایی خلق ایران (اکثریت)  
در نامه احسراج به نفعسرا اعضاء سازمان

مرکزیت سازمان در نشست ورودوشنبه ۲۸ مهرماه ۱۳۵۹ اقدامات سه نفر از اعضای سازمان سه‌امامی سازمانی صمد (مصلحی مدنی) ، حمید و آسیبه را مورد بررسی قرار داده و سه علت داشتن نقش فعال در تشکیل فراکسیون و اقدامات سازمان شکنانه از سازمان اخراج کرد.

از این تاریخ این افراد هیچگونه مسئولیتی در سازمان سرعبده نخواهند داشت و سازمان نیز متعاقباً هیچ گونه مسئولیتی در مقابل اقدامات و فعالیت این سه نفر سرعبده نخواهد داشت .

سابقه امسر و دلایل اتخاذ این تصمیم به قرار زیر است :

بیان اشعاب اقلیت ، سازمان بذرست تعدادی از اعضای سازمان که خط و مرز روشبسنی سازمان را مراع اقلیت نداشتند با شرط رعایت کامل مواظب تشکیلاتی در سازمان باقی بمانند .

چندتن از آنان در تاریخ ۲۸ مرداد ۱۳۵۹ طی نامه‌ای از مرکزیت سازمان تقاضا میکنند که سه آنان اجازه داده شود که فراکسیون تشکیل دهند .

مرکزیت سازمان در نشست مورخ ۱۵ شهریور که در حضور مشاورین آن تشکیل شد ، پس از بررسی مضمون نامه قرار زیر براماد کرد :

الف : تمام روابط غیرتشکیلاتی خود را قطع کنند ، از تبلیغ علیه سازمان سه هرنگل و سپهر شوان اجتناب کنند و وظایف تشکیلاتی و سازمانی خود را بطور کامل انجام دهند . مرکزیت هیچ سسذر و بهانه‌ای وادار این زمینه نخواهد پذیرفت و سه قاطعترین شکل در برابر این اعمال غیرکمونستی ، غیرمشولانه و غیرتشکیلاتی واکنش نشان میدهد و خواهد داد .

ب : مرکزیت همچنین تصمیم گرفت که برای هر یک از رفقا که این چنین روش سازمانی ، تشکیلات شکن و فراکسیون سازنده را در پیش گرفته اند تشبیهاتی با درجات مختلف به اجرا گذارد که مضمون و حدود آن سهذا سه اطلاع رفقا خواهد رسید . اما تسل از آن رفقای نویسنده نامه و اعضاء کتندگان آن ، چنانچه مواظب تشکیلاتی را بطور کامل رعایت کنند ، از حقوق عضویت برخوردار خواهند بود .

ج : مرکزیت سوکدا سه کلیه اعضاء ، مشولین تشکیلات ، مشولین شاخه‌ها و بخشها تذکرودستور داده است که با دفتر و سواسی منعقدانه سه آرمانه‌های انقلابی پرولتاریا با هرگونه حرکت فدتتشکیلاتی فراکسیونی ، سا هرگونه بی انضباطی ، محفل بازی و استفاده از دیگر شیوه‌های منحط غره بورژوازی و بورژوازی سا قاطعیت انقلابی برخورد کرده اجازه ندهند لیبرالسم بورژوازی از گوشه و کنار ، سازمان راه سفاک کتندسد .

مرا ت سب فوق در نامه مورخ ۲۶ شهریور ۱۳۵۹ هیئت سبسی سه رفقای تشکیلات ابلاغ شد .

مرکزیت سازمان در نشست ۲۷ شهریور با حضور مشاورین و صمد مضمون فعالیت و اقدامات وی را بررسی و مورد شبدترین انتقادات قرار داد . سه دلیل عدم اعتماد نسبت به وی که ناشی از عدم تعهد وی نسبت سه سازمان بود و همچنین سه علت کوشش در جهت تشکیل فراکسیون او را از عضویت در مرکزیت سازمان برکنار کرد . این تصمیم سه اتفاق آره همه اعضاء و مشاورین بجز صمد اتخاذ گردید . در این جلسه لسزوم اجرای قاطع مصوبات سه شهریور محدداً مورد تاکید قرار گرفت .

اما اکنون این افراد با موضعگیریهای آشکار خود نشان داده اند که میخواهند همان قربانی رایسه سازمان وارد آورند که اقلیت سه سازمان و جنبش کم نیستی ، همچنان وادار شده است . آنها در نامه اخیر خود گفته اند که قصد دارند راه سه در سطح جامعه مواضع خود را اعلام کنند . آنها این عمل سازمان شکنانه خود را سه تقلید از اقلیت ، ضرورت سازنده ایدئولوژیک تلقی مینامند .

نظر مرکزیت سازمان همانگونه که در نامه مورخه ۲۶ شهریور تشریح شده است آن است که این افراد اصولاً نمیتوانند دارای سیستم نظرات منجم باشند . گرچه مرکزیت معتقد است نظرات این افراد عمدتاً از نظرات فده علمی و خط مشی انحرافی اقلیت و دیگر گروههای مشابه ، تقلید شده است . اما باید ترمیرسج کرده که علت اخراج این سه نفر وجود اختلاف نظر سهوده است . علت اساسی اخراج نقش فعالی بوده است که

این افراد در تشکیل فراگسوس سرعیده دانشه‌اند. فرامورج ۱۰ شهریور مرکزیت مقرر شده‌اند که این افراد جناحه فعالیت خود را برای تکمیل فراگسوس بنط کسند حق خواهند داشت ماسد سایر اعضای سازمان نظرات خود را در سطح تشکلات اربریونیتریه، شوریک دروسی مطرح مارید. اما آنچه سه فراره ۱۰ شهریور مرکزیت رانعی کرده، بلکه ساقش فعالی که در تشکیل فراگسوس سرعیده دانشه‌اند، آنکاراه دشمنی با وحدت سازمان وحسن کنویستی ایران سرعیده‌اند.

مرکزیت سازمان مانوجه سه ضرورت حفظ وحدت سازمانی وساروه مافروع دشمنی مانوجه سه اقدامات وفعالیت این سه سردریشست روز ۲۸ مهرماه سه اتفاق آراء تصمیم سه اجراح آنها ارمانان گرفت وبعینه، این افراد ارمانان راگامی درجهت حفظ وحدت تشکلات، اسقاط سازمانی وبعینه دست سه انقلاب ووفاداری سه آرمان طفه، کارگر ششمی داد.

سایمان سه بیرونی پرولناریا

سارمان رجریکها وهداشی خلق ایران (اکتربیت)

دوشبه ۲۸ سپرمه ۱۳۵۹ - مرکزیت سازمان

\*\*\*

تذکر : نظریه حماسیت مسئله ضروری است که تمام رفقای درارتباط با تشکلات بطوردقیق درحریان سواق امر قرارگیرد. ضمناً نامه مورخه ۲۶ مهرماه این دستهندی جهت اطلاع رفقای تشکلات درسطح سازمان توریع خواهدشد.

www.iran-archive.com

(۱)

وفا

در شرایطی که مائده طبقات روبرو روزه است می‌گردد، در شرایطی که ما هم سیاسی بوده، بلوغ تازه ای می‌یابیم  
 در شرایطی که ناتوانی حاکمیت در حل بحران‌های خزانیه اقتصاد - سیاسی جامعه و بی‌توجهی آن به خواست  
 - های واقعی توده ها، ناراضی مردم، آذربایجان بسیار گسترده، دامن زده و «به موازات» مفرد عوامل  
 تقویت، تفکک و ریزش نیروهای ضد انقلاب را فراهم آورده است، در شرایطی که مجموعاً موقعیت جامعه را در  
 «وضع حساسی» قرار داده و وظایف نیروهای انقلابی «لذخمه سازمان ما را بزرگتر و پیچیده‌تری می‌سازد»  
 در شرایطی که سازمان ما به انبساط بیشتر، گرایش و قابلیت بالاتر و ارتباط گسترده‌تر با جبهه انقلاب  
 نیاز مند است، «درست در چنین لحظات حساسی سازمان ما در انبساط خود وظایف خود را بهتر از زمان دیگر  
 نتوانسته است» و ما باید توده ها را بر کلی رها ساخته است.

سبباً از روابط علت و معلول در رژیم باجی‌های سائل که بعداً به تفصیل بدان خواهیم پرداخت،  
 گزاینده است راست روانه بی‌مسئولیتی‌های سازمان «نگنامه» و نقض سانه الزام و دگرگونی  
 و عدم توجه مرکزیت به نظرات توده های سازمانی، اعتقاد به رهبری و الزامین برده، (انجام تکلیف را  
 لزوم یا سینه و «انضباط کمونیستی» را به هم فرستاده است»

اگر مرکزیت ماکزونی با همه چرخش های سیاسی، همه زنگارک ها و همه چپ و راست رزنها به ترتیب  
 سازمان را بر پایه نگه داشت، اگر انقلابی و فدائی، ماکزونی به مرکزیت انتقال می‌یافت و به آن اجازت  
 می‌داد با وجود نقض همه اصول تکلیفاتی سانه الزام را در تکلیف اعمال کند، اما وضعیت حساس  
 و بحرانی جامعه را از یک سو و تغییرات انستعاب همراه با پرده پوشی ها و بی خبر نگردانستن توده های سازمانی  
 از علل و ریشه های آن و بحران داخلی تکلیفاتی از سوی دیگر، و بخمان شرایطی را ایجا کرده است که دیگر  
 بدون استکمام ایدئولوژیک، بدون دست یافتن به یک خطه سیاسی مشخص و ارائه ماکزونی های مشخص و



جرمات	عنوانه	جرائمه	الاج	جرمات	رد
	شهرستان خراسان	دود	ل ۱۳۰۲		
<b>تأمین نفرت</b>					
<p>از مساعرت شوروی بودند یا از افراد آئین ایران و شوروی اطلاع ندارم. اسلحه ندارم          اطلاع ندارم به دلیل مسائل امنیتی بوده است. این تا آنجا که اطلاع دارم نه تنها من بلکه غیر من          هیچکس را از اعضای کمیته مرکزی حزب عمده الرهیمی برده شاید فرج کاظمی کس دیگر اطلاع          نداشت. تا آنکه نظر من هم حدود ۵ الی ۶ ماه کار تدارک <del>در</del> رفتن به شوروی بود          کشید تا در حال او از شهر بریز یا هر و آبان (دقیقا نامشیر یادمست) سال ۶۰ آنها          طبق فراری که از قبل شنیده بودم و طرف شوروی هم اطلاع داشت از بریز عبور کردند          و در کمیته شهرهای آذربایجان شوروی (فکر میکنم با کوبا بود) ماندند و از نامیدگان          هر که دوست شوروی خاصتر رفتند و بر آن دو اثر هم بود که در آنجا بودند. ایران          تا آنکه رسید البته با رفت آنها با همکاران معاشری بوده که قبلا شرکت آنها نیز با نام          کرده و به شوروی رفته بودند، صورت گرفت. مانتی که بین آنها و دو خانمیه غرب          دوست شوروی مطرح کردید تا آنجا که تا طردارم در آسش مسته غرب بوده و کلیه          از انقلاب ایران، ماهیت نظام اسلام انقلاب ایران به نام است عواهد وقت،          روحان بین المللی، اوضاع منطقه، سیاست ابرو باسیم در میان و مستقیم و سالیان این          قبیل بوده است که ظرفیت تحمیل هائی که داشته اراته دادند و نظر آنها در مورد قدرت          با ضرب نود هم مثبت بود. هفتاد و هفت درصد هم که <del>ب</del> بگنیدن سر من بر من دارد          و چون بارها در ایران بر آن دعایم به نیز تک مراعه کرده بود و نتیجه آن ترفته بود و در طرف  <del>د</del> اقدامات هم برابر رفتن به خارج جهت دعایم کرده بود و بار <del>ب</del> رفت</p>					

کمیته مرکزی حزب توده ایران

شماره ۸۷۷

تاریخ ۱۳۳۷/۱۲/۱۳

سازمان مرکزی دانشجویان دانش‌آموزان ایران

رفیق عزیز

بدر روز شویز مونسکوری شما را در سرفاتله روزنامه کار شماره ۹۶ به شما تبریک می‌نوئیم ما آنرا

بعلول نام بخش ارزیابی میکنیم چه خوب بود اثر این نام خیلی زودتر از این بوداشته میشد

۲- من خواهم نکته مهمی را با شما درمیان گذارم و امیدواریم این اطلاع ما را خیلی جدی تلقی کرده

و در زمینه آن تصمیم لازم و مناسب اتخاذ کنید در مورد ادامه فعالیت مسئولی دانشگاه‌ها تا تبدیل

آن نهاد و نهاد وجود دارد :

۱- از بعد از پانزدهم خرداد کلیه دانشگاهها در سراسر کشور تحلیل و تا تنظیم این " اندیشه فرنگی "

و جنبه‌های اجرایی آن از شروع مجدد کار دانشگاهها بپروقیعت جلوگیری شود و حتی بقیعت تا اول چندساله

تا پیش از تحویل دانشگاهها در پانزدهم خرداد و پس چندماه - ترجیحا سه ماه تا بهتایر - پس

" نهاد آموزشی جدید " تنظیم و از آغاز سال تحلیلی بعورد اجرا گذاشته شود

تا منتقدیم که در بهتر رساندن حالت دوم نیابستی از همین کوششی دریغ کرد

هرگونه جنجال و تظاهرات دانشجویی و بویژه پس از پانزدهم خرداد و من تواند بیانه ای باشد

برای طرفداران حالت اول و تثویت مواضعشان در برابر دومها از این رو پیشنیاد میکنیم که در آستانه

پانزدهم خرداد - روز تحویل دانشگاهها - از اقداماتی که بتواند بر طرفداران تحلیل اولی دانشگاهها

مستحکی باشد خودداری شود لازم به یادآوری است که عده ای در نظر دارند در آینده ی نزدیک

بیمین مناسبت در دانشگاهها تظاهرات ترتیب دهند که جو مناسبی برای تحلیل کنندگان فراهم خواهد

کرد و خدش کردن این اقدامات لازم و نیز ممکن است

بنظر ما کوشش مشترک همه هواداران انقلاب ایران و بویژه هواداران جنبه های مترقی آن اینست که با

تلف نیرو ایجاد هرگونه درگیری را غیر ممکن سازند

با درودهای رفیقانه

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران









به نفع اموریان اصلی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

#### رفقای گرامی

۱- در فروردین ماه ۱۳۶۵ با یاریهای اکثریت سبونیستی حزب کمونیست اتحاد شوروی و مساعدت سیدریغ حزب دموکراتیک خلق افغانستان و وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سرگزار گردید. ارزیابی ما اینست که پلنوم فروردین ۶۵ جهت نظرسنجی شرکت‌کنندگان از داخل ایران و جهت اهمیت اسناد مصوب پلنوم یک رویداد فوق‌العاده بزرگ در تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری میهن ما تلقی خواهد شد.

پلنوم با شرکت همه اعضاء و مشاورین کمیته مرکزی (بجز آن دسته از وفداکسه در زندان جمهوری اسلامی اسپرند) سرگزار گردید. در این پلنوم همچنین گروه سزگی از کارهای اصلی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که در زمره مسئولین اصلی تشکیلات داخل کشور و خارج از ایران بشمار میروند شرکت داشتند.

سند دعوت رسمی هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق اسپراند (اکثریت) از حزب توده ایران هیات نمایندگی کمیته مرکزی حزب مرکب از رفیق خاوری و رفیق ضری در پلنوم شرکت کردند. رفقای توده‌ای مادر پلنوم فرست با فتنه بیام و نظریات خود را روی اسناد پلنوم اسرا زدارند. همچنین در فاصله جلسات پلنوم در دیدار با اعضاء کمیته مرکزی کارها و مسئولین داخل کشور جلسات متعدد تبادل نظر با رفقای توده‌ای تشکیل شد. شرکت هیات نمایندگی حزب توده ایران در پلنوم ما بیگمان در جهت حفظ پیوندهای موجود میان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران که انیاز مبرم جنبش انقلابی ایران است تاثیر میکند.

۲- یکی از عمده‌ترین وظایفی که پلنوم فروردین ۶۵ در مقابل خود قرار داده بود بررسی خط مشی سیاسی سازمان فدائیان خلق ایران در سالهای پس از انقلاب بود. همراه این نامه روش‌های و ارزیابی‌های مندرج در اسناد مصوب پلنوم که از همان اسناد استخراج شده‌اند ضمیمه است. (لازم به تذکر است که پلنوم تصویب کرده است که از انتشار این اسناد مصوب خودداری شود و فقط تزه‌ای اساسی مندرج در ابیس اسناد از آنها توسط هیات سیاسی استخراج شود و انتشار یابد. هم‌اکنون کمیسیون موسطه تحت نظر هیات سیاسی به همین کار مشغول است. قرار بر این است که ابیس کار تا آخر ماه مه ۶۶ پایان یابد و در شماره ۲۰ ژوئن نشریه کار تزه‌ای مذکور انتشار یابد.) به سند ضمیمه شماره ۱ مراجعه شود.

صورت جمله دیدار رژیم ن. کابینانی پس  
 فرخ نگهدار منشی اول سازمان فدائیان خلق  
 ایران ( اکثریت )

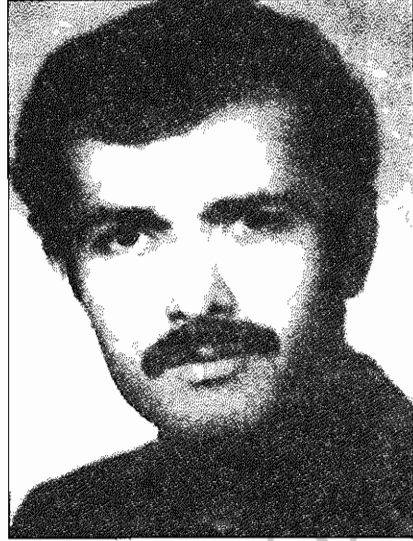
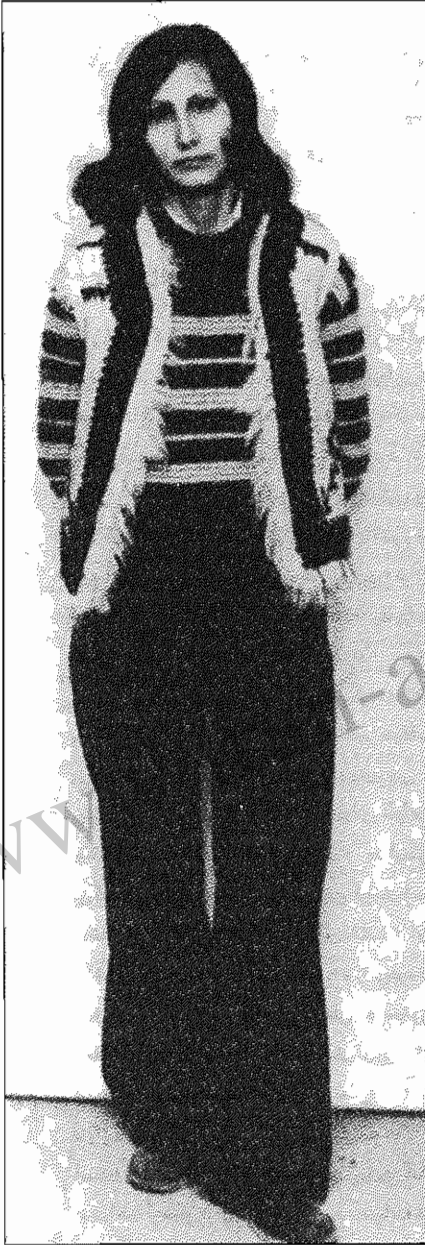
روز - چارشنبه سوم قوس ۱۳۶۷  
 ساعت ۱۲.۳۰ - ۱۲.۰۰

پس از تمارینات معمول

قب ( بعد از پلینو باخیر اسامیل بر اساس تصمیم هیئت سیاسی سازمان ما  
 قرار بر آن شد تا با رفقای افغانی دیدار نمائیم تا در مورد تحولات وضع در افغانستان  
 اشناء کنیم ، در مورد اشکال جدید کارمان به گفتگو بنشینیم و در مورد کار تدارک کنگره  
 مشوره های نمائیم . باید خاطر نشان کرد که طی ماه های آتی باید این کنگره برپا شود  
 و ما ترجیح میدهیم اگر امکانات فراهم گردد ، در اینجا برپا داریم .

ک ( مناسفانه امروز برنامه دیگری و دیدار دیگری بصورت ناگهانی به میان  
 آمد که زمان کثری خواهد داشت . با انهم در این حدود میتوان صحبت‌هایی نمود .  
 من با رفیق نجیب منشی عمومی کشته مرکزی د. خ. ۱۰. در مورد دیدار ثان صحبت کردم  
 ایشان با وجود مصروفیت شمارا خواهند پذیرفت . البته این ساله نسبت به زمان و فرصت  
 است . ممکن تا پنجشنبه صورت بگیرد . من حاضر هستم از شما بشنوم .

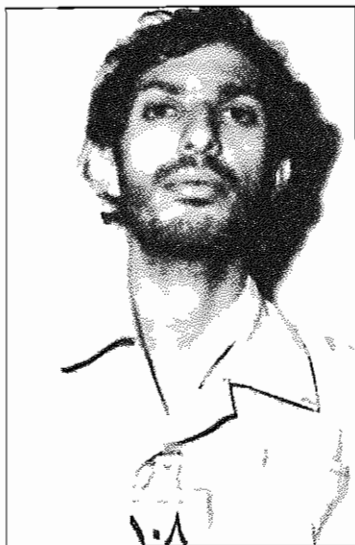
ف ( نخست سخن خواهم کرد ، تحولات وضع کنونی را در ایران و سازمان ما  
 به اطلاع برسانم . ما در جمله های اخیر هیئت سیاسی وضع ایران بسیار جنگری مورد  
 بررسی قرار دادیم . تا در بتوانیم بهیتم چی روش را در آینده باید روی دست گرفت .  
 پیش بینی های گذشته مان ، در جهان حوادث اخیر ثابت شد . اکنون رژیم سمسی  
 میکند تا بهضبات نسبی دست یابد . به اینگونه رژیم دوران بحرانی کودکی را پشت سر  
 می گذارد . رفسنجانی نماینده این گرایش است . در سطح بین المللی نیز رژیم سمسی  
 میکند ، به تجربه سیاسی پایان بخشد . ایجاد مناسبات باغرض چشمک زدن برای  
 داشتن روابط بهتر با همستان . در این عرصه کار مناسبات با کشورهای صومالیستی  
 نیز بهبود می یابد . در بخش داخلی ، سوال اساسی این است که : رژیم به صصت  
 اصلاحات و سیاسی توان و ارمان پیش میرود ؟ به نظر ما علاتمندی برای اصلاحات وجود  
 دارد ، اما توانمندی کافی وجود ندارد . امانت باید این حکم را قاطع نمود . پیش بینی  
 دراز مدت مشکل است . تا جائیکه نشانه هائی دیده میشود هد ف اصلاحات شبهت رژیم  
 است . ممکن فضای باز تری بوجود بیاید اما به ارمان تحولات اقتصادی زمان ششماه  
 نخواهد رسید . نکته اساسی به نظر ما مناسبات رژیم با مخالفان است . چی کاری با  
 نیروهای سیاسی خواهد کرد ؟ به نظر ما نباید در مورد فعالیت آزاد احزاب خوش بین  
 بود . حتی پس از سقوط رژیم نیز دست یافتن به آزادی ، امر دشوار است . اصا



محمد حرمتی پور (مسعود)



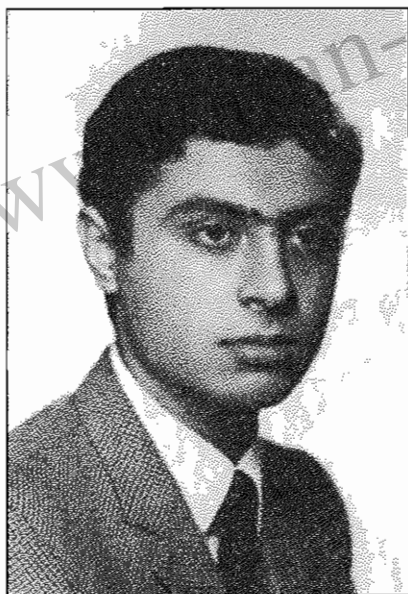
اشرف دهقانی (شیرین)



عبدالرحیم صبوری (بهروز)



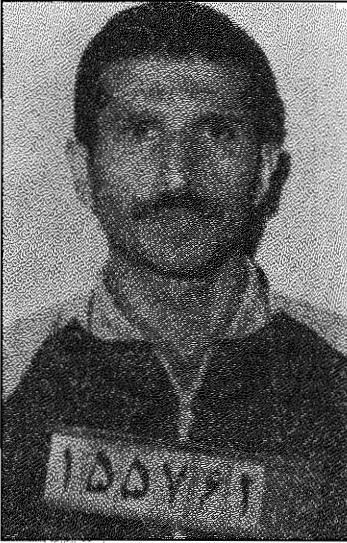
علی اصغر نیکخواه اردی (کاظم)



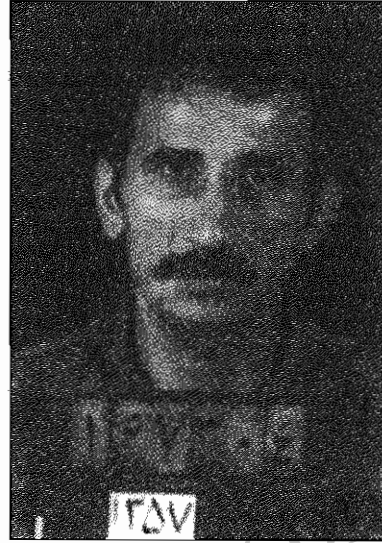
شاهرخ نعمتی (بهرام)



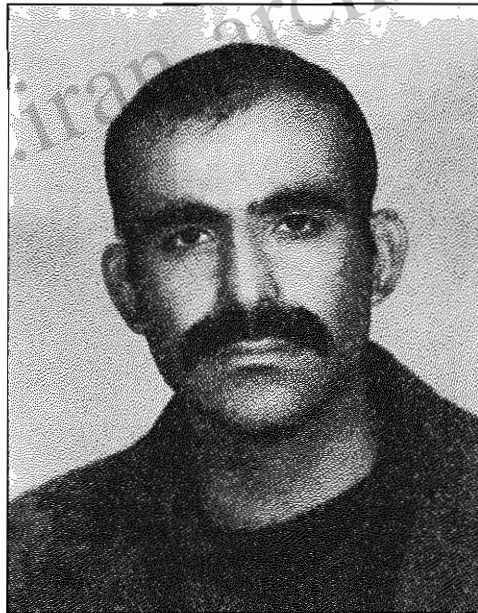
نسرین نیک سرشت (فاطمی)



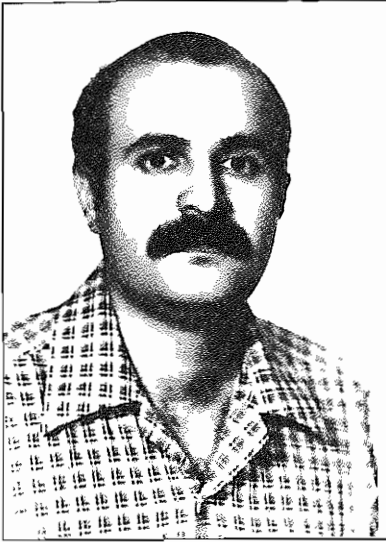
عبدالعظیم صبوری (حمید)



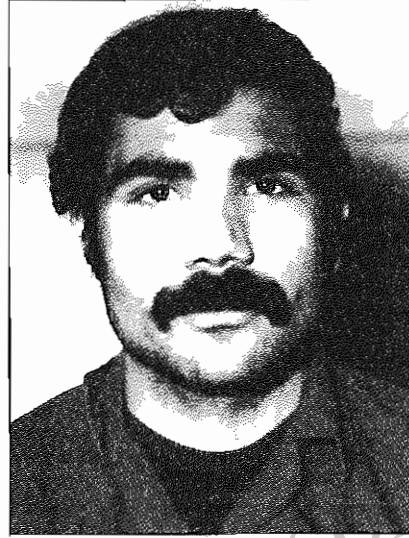
رحیم کریمیان (عباس)



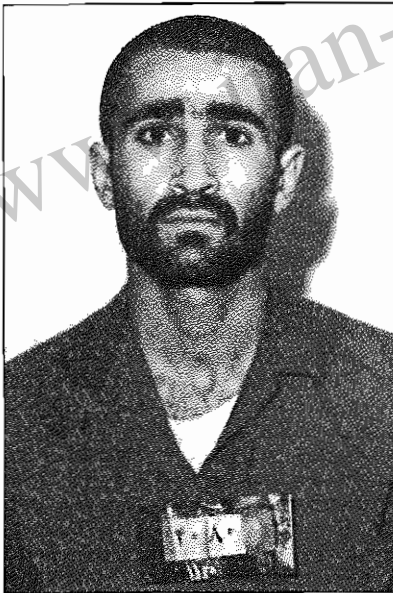
غلامرضا لولویی کوهپایه (محمدحسین)



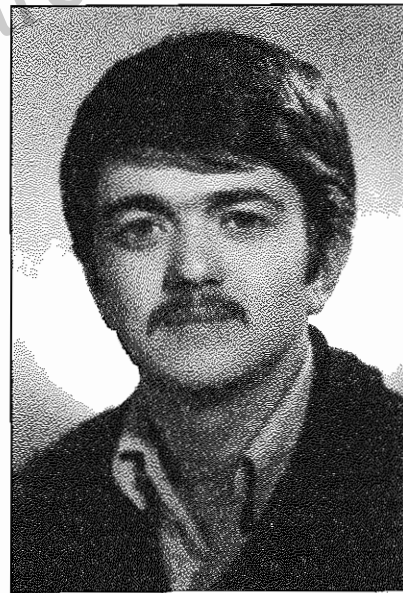
احمد غلامیان لنگرودی (هادی)



منصور اسکندری (مهران)

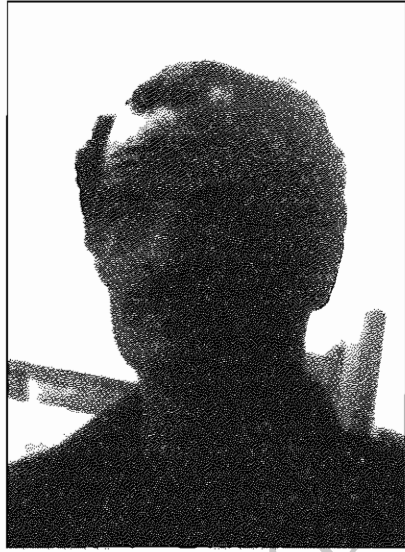


رسول آذرنوش (بهروز)

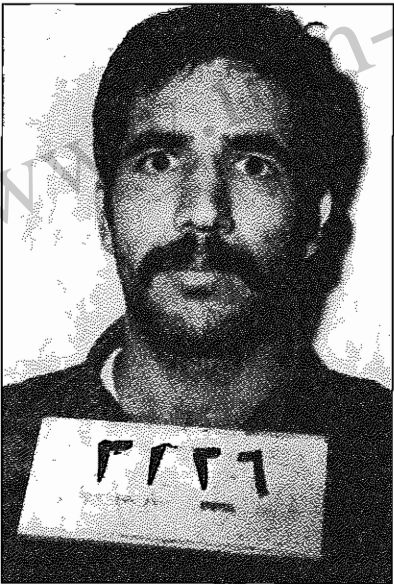


محمدرضا دبیری فرد (حیدر)

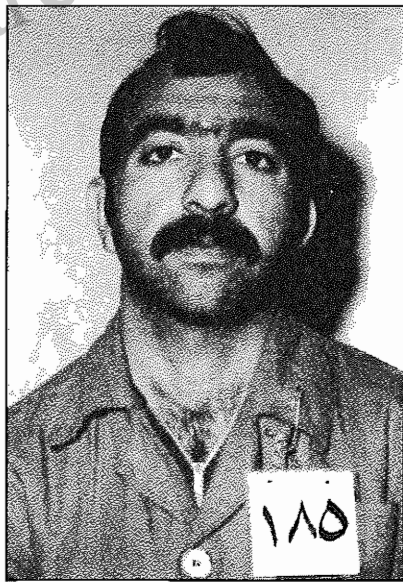




حسن میرزاتیان (عباس هاشمی)



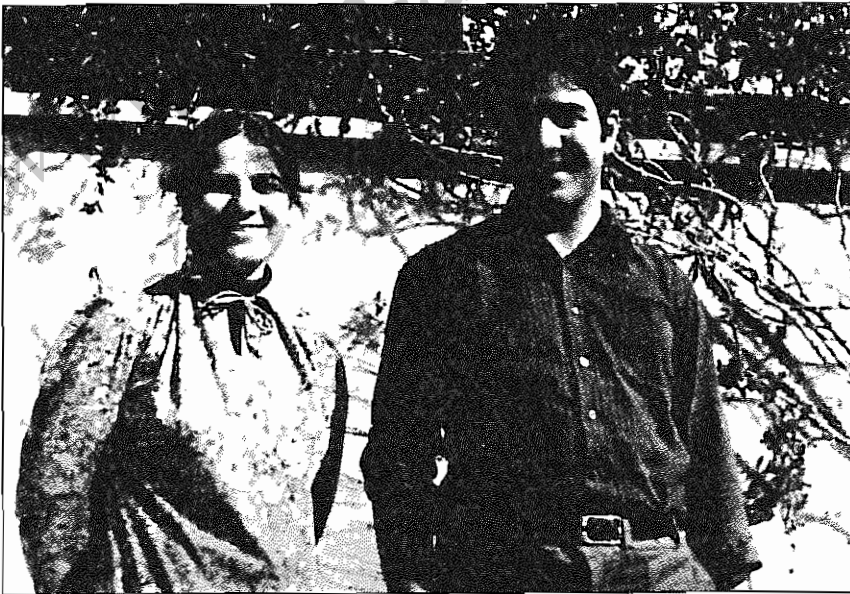
عبدالحسین زهری (بهرام)



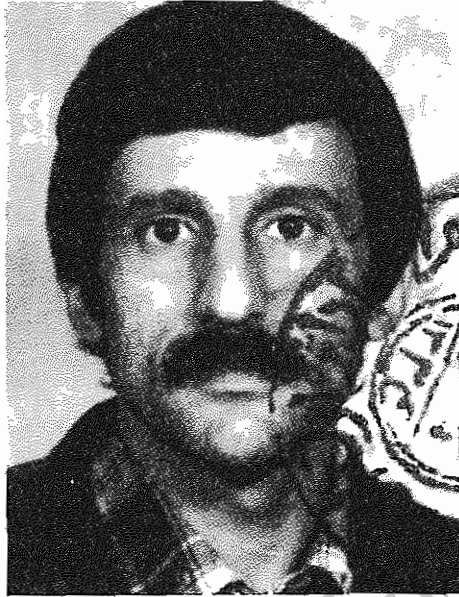
اکبر کامیابی (توکل)



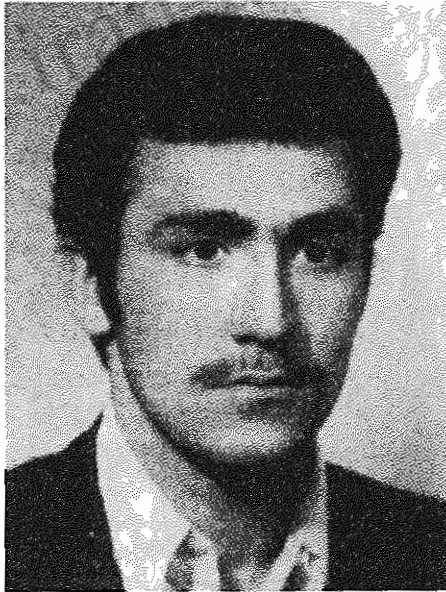
از راست: زینت میرهاشمی (زهره)، نفیسه ناصری (نسترن)، مستوره احمدزاده (اعظم) زهرا بهکیش (اشرف) نفر وسط شناخته نشد.



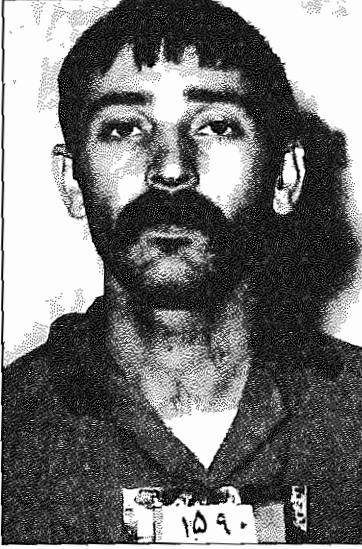
سیامک اسدیان (اسکندر) و زهرا بهکیش



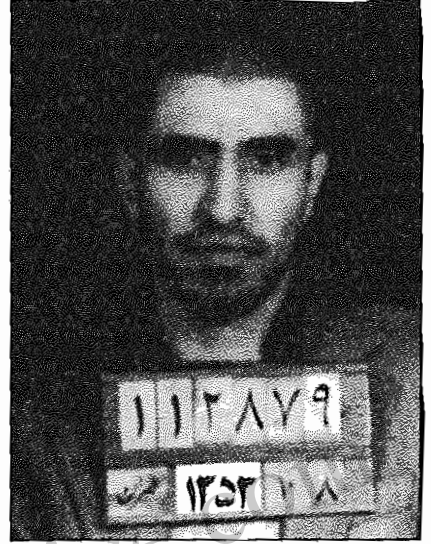
مصطفی مدنی (صمد)



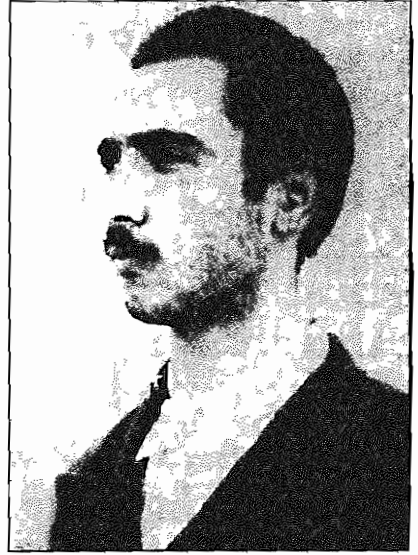
محمود اخوان بی طرف (حماد شیبانی / سعید)



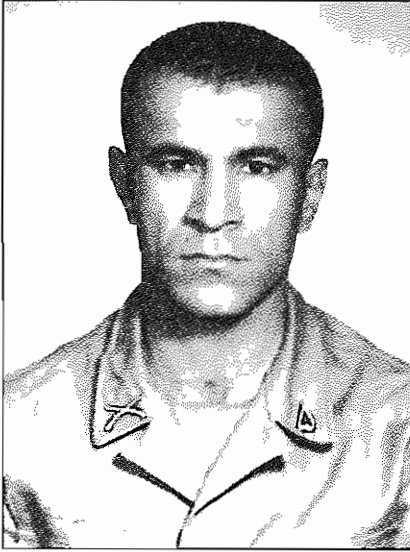
فرخ نگهدار (صادق)



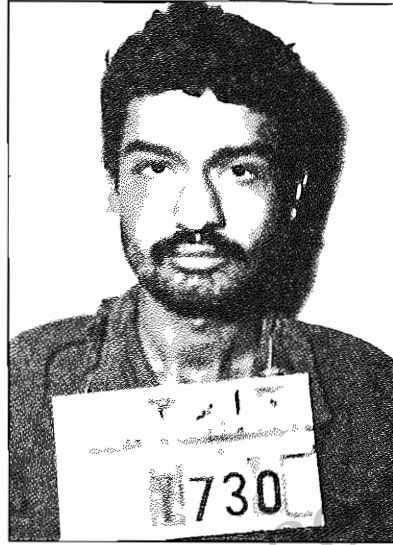
حسن پور رضایی خلیق (بہروز)



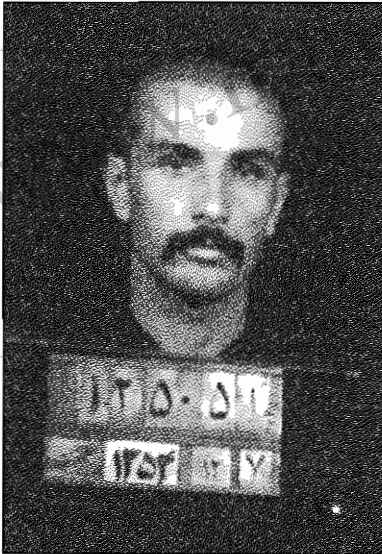
قربانعلی عبدالرحیم پور (مجید)



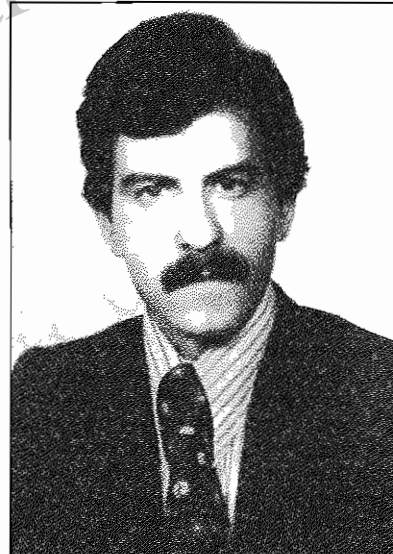
محمدابراهیم سلطان آبادی (کیومرث)



مهدی فتاپور (خسرو)



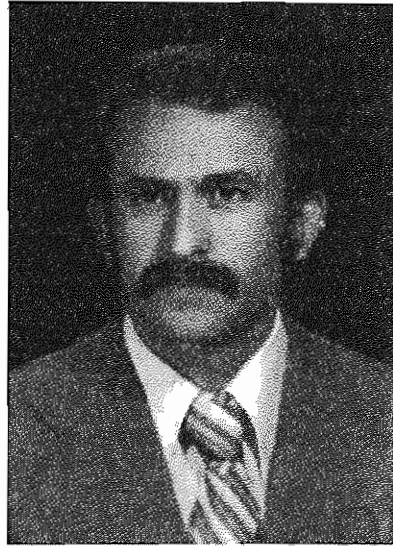
نقی حمیدیان (عبداله)



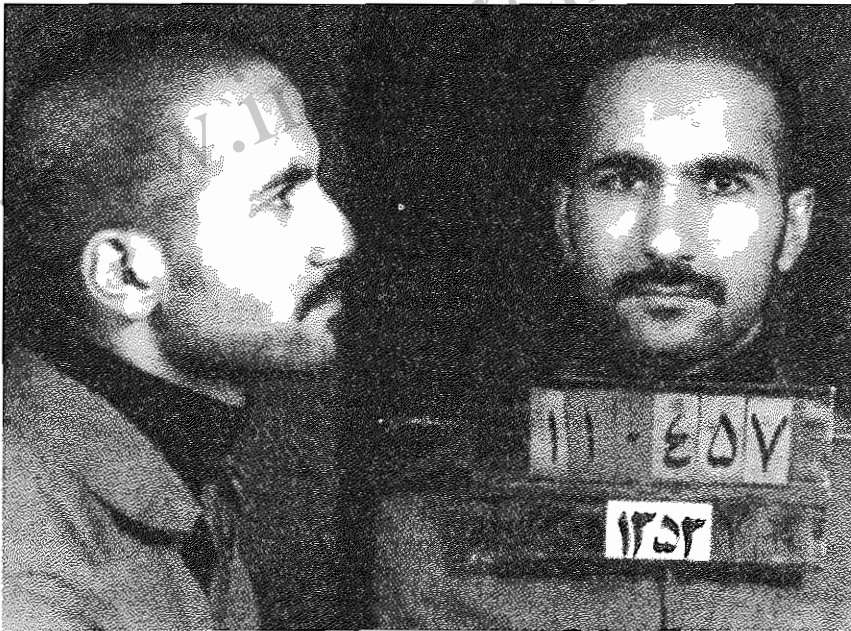
حسن زهتاب



بهروز سلیمانی



فردوس جمشیدی رودباری



اسفندیار کریمی (فریدون)

# THE PEOPLE'S FADAEI GUERRILLAS

Mahmoud Naderi

Volume 2

[www.Iran-archival.com](http://www.Iran-archival.com)



POLITICAL STUDIES &  
RESEARCH INSTITUTE (PSRI)